

جزوه واژگان زبان انگلیسی:

Prospect 1-3

&

Vision 1-3

" صرفاً جهت مطالعه در تعطیلات کرونایی "

گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

فروردین ۹۹

IN THE NAME OF ALLAH

توجه: هدف اصلی از به اشتراک گذاری این جزوه به صورت رایگان، کمک به دانش آموزان در تعطیلات اجباری "**کرونایی**" است. اما متأسفانه به دلیل کمبود وقت، در این جزوه، از تستهای تعدادی از کتاب ها و جزوات عالی موجود در بازار استفاده شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای جدید (کنکوری - استاندارد) جایگزین خواهند شد.

در نسخه اصلی، چنانچه از منابعی استفاده شود، حتماً نام مؤلف و کتاب مربوطه ذکر شده و جنبه امانت داری کاملاً رعایت خواهد شد. پس از مؤلفین بزرگوار تقاضا دارم جسارت این شاگرد کوچکشان را ببخشند.

"با آرزوی سلامتی و موفقیت برای همه - التماس دعا"

پیشنهادهات و انتقادات:

09141800310

@Jamalahmadi1984

Table of Contents:

Part One: *Prospects (1-3)*

Prospect 1 (<i>7th Grade</i>)	5
Prospect 2 (<i>8th Grade</i>)	9
Prospect 3 (<i>9th Grade</i>)	13

Part Two: *Vision One*

Lesson 1	20
Lesson 2	23
Lesson 3	28
Lesson 4	32
Vocabulary Tests (<i>Lesson 1- 4</i>)	36

Part Three: *Vision Two*

Lesson 1	57
Lesson 2	64
Lesson 3	71
Vocabulary Tests (<i>Lesson 1- 3</i>)	78

Part Four: *Vision Three*

Lesson 1	101
Lesson 2	116
Lesson 3	132

Part Five: *Appendix*

2500 Words	148
Parts of Speech	191
Synonyms	203
Antonyms	210
Vocabulary Tests	215
Collocations	233
Prefixes & Suffixes	238
Proverbs	242
Irregular Verbs	249

Part One:

Prospects (1-3)

Grades: (7th, 8th & 9th)

- *Key Words of Prospect: “One” ----- 5*
- *Key Words of Prospect: “Two” ----- 9*
- *Key Words of Prospect: “Three” ----- 13*

Prospect (One)

"لغات پایه هفتم"

لغات مهم پایه هفتم Key Words of Prospect 1 (7th Grade)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
about	درباره - در حدود	come	آمدن
again	دوباره	correct	درست، صحیح
answer	جواب ، جواب دادن	date	تاریخ - خرما - قرار ملاقات
appearance	ظاهر ، قیافه	dentist	دندان پزشک
around	دور و بر - در حدود	describe	توصیف کردن
ask	پرسیدن، سؤال کردن	desk	میز تحریر
aunt	خاله - عمه - زن دایی - زن عمو	dictionary	فرهنگ لغت
backpack	کوله پشتی	dress	لباس زنانه
baker	نانوا	drink	نوشیدن، نوشیدنی
bathroom	حمام	driver	راننده
bedroom	اتاق خواب	each	هر
belt	کمر بند	eraser	پاک کن
bench	نیمکت	employee	کارمند
between	ما بین، بین	engineer	مهندس
birthday	تولد	enough	کافی، به اندازه کافی
black	سیاه	excuse me	ببخشید
blanket	پتو	famous	مشهور، معروف
blue	آبی	favorite	مورد علاقه ، مطلوب
bookcase	قفسه کتاب	feel	احساس کردن
boy	پسر	fine	خوب، سرحال، تندرست
bread	نان	fix	ثابت، تعمیر کردن
brown	قهوه ای	flat	آپارتمان
call	تلفن کردن - نامیدن - صدا زدن	florist	گل فروش
can	توانستن	follow	دنبال کردن
cap	کلاه لبه دار	food	غذا
carrot	هویج	friend	دوست
chair	صندلی	fruit	میوه
chicken	مرغ - گوشت مرغ	garage	گاراژ ، پارکینگ
classmate	همکلاسی	garden	باغ ، باغچه
clock	ساعت دیواری	girl	دختر
clothes	لباس	glasses	عینک
coconut	نارگیل	gloves	دستکش
color	رنگ	go	رفتن
comb	شانه	good	خوب

لغات مهم پایه هفتم Key Words of Prospect 1 (7th Grade)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
gray	خاکستری	mirror	آینه
great	عالی	month	ماه (تقویمی)
green	سبز - (میوه) خام، کال	new	جدید، تازه
greeting	سلام و احوالپرسی	newspaper	روزنامه
group work	کار گروهی	nice	خوب، قشنگ
hand	دست	notebook	دفتر، دفترچه
have	داشتن - خوردن	now	الان
height	ارتفاع، بلندی	nurse	پرستار
help	کمک کردن	office	اداره، مطب
honey	عسل	onion	پیاز
house	خانه	other	دیگر، دیگری
housewife	زن خانه دار	over there	آنجا
hungry	گرسنه	painter	نقاش
introduce	معرفی کردن	pair work	کار دو نفری
jelly	ژله - مربا	pants	شلوار
job	شغل	pencil case	جا مدادی
juice	آب میوه	people	مردم، نفرات
kitchen	آشپز خانه	person	شخص، نفر
know	دانستن - شناختن	phone	تلفن
leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن	picture	عکس، تصویر
library	کتابخانه	pilot	خلبان
librarian	کتابدار	pink	صورتی
like	مثل، شبیه - دوست داشتن	pineapple	آناناس
listen	گوش دادن	please	لطفاً
live	زندگی کردن، زنده	potato	سیب زمینی
living room	اتاق نشیمن	quince	میوه به
long	دراز	read	خواندن
look	نگاه کردن - به نظر رسیدن	really	واقعاً
look like	شبیه بودن	rice	برنج
lunch	نهار	ruler	خط کش - حاکم
marker	ماژیک	sandals	کفش راحتی - دمپایی
math	ریاضی	Saturday	شنبه
meet	ملاقات کردن	say	گفتن
milk	شیر	scarf	روسری - شال گردن

لغات مهم پایه هفتم *Key Words of Prospect 1 (7th Grade)*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
school	مدرسه	tree	درخت
secretary	منشی	trousers	شلوار
shirt	پیراهن	Tuesday	سه شنبه
shoes	کفش	uncle	عمو - دایی - شوهر خاله - شوهر عمه
shopkeeper	مغازه دار	visit	ملاقات کردن
short	کوتاه، کوتاه قد	waiter	گارسون، خدمتکار
sit down	نشستن	wall	دیوار
socks	جوراب	wash	شستن
something	چیزی	watch	تماشا کردن - ساعت مچی
sorry	متاسف بودن	wear	پوشیدن - به تن کردن
spell	هجی کردن، هجی، املاء کلمه	Wednesday	چهارشنبه
stairs	پلکان، پله	well	خوب، به خوبی
stand up	ایستادن	what	چه، چه چیز، چکاره
street	خیابان	when	چه زمانی، کی
student	دانش آموز	where	کجا
study	مطالعه کردن	who	چه کسی
suggest	پیشنهاد دادن	white	سفید
suit	کت و شلوار	whose	مال چه کسی
Sunday	یکشنبه	wife	همسر، زن
sure	مطمئن بودن، حتماً	window	پنجره
sweater	بلوز، پلیور - عرقگیر	woman	خانم، زن
table	میز	word	کلمه، لغت، واژه
take	برداشتن، بردن	work	کار، کار کردن
talk	حرف زدن	worker	کارگر
tea	چای	write	نوشتن
teacher	معلم	writer	نویسنده
thank	تشکر کردن	year	سال
thirsty	تشنه	yellow	زرد
Thursday	پنج شنبه	yoghourt	ماست
today	امروز	young	جوان
tower	برج	zebra	گور خر
try	سعی کردن، تلاش	zucchini	کدو

Prospect (Two)

"لغات پایه هشتم"

لغات مهم پایه هشتم *Key Words of Prospect 2 (8th Grade)*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
ability	توانایی	cinema	سینما
ache	درد	city	شهر
act	عمل کردن	clean	تمیز کردن
activity	فعالیت	climb	بالا رفتن
advise	نصیحت	cold	سرد
again	دوباره	come back	برگشتن
airport	فرودگاه	complete	کامل کردن - تکمیل کردن
a little	یه کم - مقداری	continent	قاره
a lot of	خیلی زیاد	cook	پختن - آشپز
a.m.	قبل از ظهر	correct	درست ، صحیح
animal	حیوان	cough	سرفه، سرفه کردن
another	دیگر	country	کشور
as	همچون - از آنجائیکه	cousin	عمو زاده - دایی زاده
average	متوسط - معدل - میانگین	cow	گاو
backache	پشت درد	crossword puzzle	جدول کلمات متقاطع
be going to	قصد داشتن	decide	تصمیم گرفتن
beautiful	زیبا - قشنگ	different	متفاوت
before	قبل - قبل از - قبل از اینکه	double	دو تایی - دوبر
beginning	آغاز - شروع	downtown	مرکز شهر
boulevard	بلوار	draw	نقاشی کشیدن
bread	نان	drawing	نقاشی
bridge	پل	drink	نوشیدن - نوشیدنی
bring	آوردن	drugstore	داروخانه
browse	جستجو کردن	dry	خشک
building	ساختمان	during	در طی - در خلال
but	اما - به جز - به غیر از	earache	گوش درد
call	نامیدن - صدا زدن - تلفن کردن	east	شرق
capital	پایتخت - بزرگ - سرمایه	enjoy	لذت بردن
cattle	گله	example	مثال
center	مرکز	excellent	عالی - معرکه
change	عوض کردن - تغییر دادن	fall	پاییز
chess	شطرنج	farm	مزرعه
chicken	جوجه - مرغ - گوشت مرغ	feel	احساس کردن
church	کلیسا	fever	تب

لغات مهم پایه هشتم *Key Words of Prospect 2 (8th Grade)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
field	میدان - مزرعه - زمین	kitchen	آشپز خانه
first	اول - اولین	leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن
flower	گل	let's	بیا - اجازه بده
flu	آنفولانزا	location	موقعیت مکانی
for	برای - به جای - به مدت	madam	بانو - خانم
fruit	میوه	many	زیاد
garden	باغ - باغچه	math	ریاضی
geographical	جغرافیایی	measles	بیماری سرخک
geography	جغرافی	midnight	نصف شب
gloves	دستکش	minaret	مناره
gray	رنگ خاکستری	minute	دقیقه
guess	حدس - حدس زدن	mood	حوصله - حال
guest	مهمان	moon	ماه (آسمان)
gym	باشگاه	mosque	مسجد
have	داشتن ، خوردن	mountain	کوه
headache	سر درد	movie	فیلم سینمایی
health	سلامتی	mumps	بیماری اوریون
hear	شنیدن	nationality	ملیت
hen	مرغ	near	نزدیک
hill	تپه	nearby	نزدیک
history	تاریخ - تاریخچه	news	اخبار
hobby	سرگرمی	north	شمال
holy	مقدس، پاک	northeast	شمال شرقی
hospital	بیمارستان	office	اداره
hot	گرم	originally	اصالتاً
hungry	گرسنه	over there	آنجا
icy	یخی - خنک	page	صفحه
imagine	تصور کردن	pain	درد
important	مهم، با اهمیت	palace	قصر، کاخ
information	اطلاعات	parents	والدین
interesting	جالب - جذاب	patient	بیمار - صبور
interview	مصاحبه	person	شخص، نفر
journalist	روزنامه نگار	photo	عکس
keep away	دور نگه داشتن	place	مکان، جا

لغات مهم پایه هشتم *Key Words of Prospect 2 (8th Grade)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
plow	شخم زدن	special	ویژه ، مخصوص
poem	شعر	start	شروع کردن
position	موقعیت، وضعیت	station	ایستگاه
prayer	نماز - عبادت - دعا، تقاضا	stomach	شکم، معده
problem	مشکل	store	مغازه ، فروشگاه
province	استان	story	داستان
puzzle	معما، پازل	summer	تابستان
quiet	ساکت ، آرام	sun	خورشید
rain	باران	sunflower	گل آفتاب گردان
raise	پرورش دادن - افزایش دادن	sunny	آفتابی
recite	از بر خواندن - حفظ کردن	sunrise	طلوع خورشید
relax	استراحت کردن	sunset	غروب خورشید
relationship	رابطه	swim	شنا کردن
search	جستو کردن	take photos	عکس گرفتن
shopping	خرید	tell	گفتن
shrine	آرامگاه، مقبره، حرم	temperature	درجه حرارت - تب
sneeze	عطسه کردن، عطسه	thermometer	دماسنج
snowy	برفی	toothache	دندان درد
sometimes	بعضی اوقات	warm	گرم
soon	به زودی	weak	ضعیف، ناتوان
sore	درد - زخم، جراحت	weather	آب و هوا
south	جنوب	why	چرا

یادداشت:

Prospect (three)

"لغات پایه نهم"

لغات مهم پایه نهم Key Words of Prospect 3 (9th Grade)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
accident	تصادف	bruise	کبودی
account	حساب	burn	سوختن، سوزاندن
actually	در واقع، در حقیقت	business	حرفه - تجارت
advice	نصیحت - پند	busy	مشغول - گرفتار
again	دوباره	buy	خریدن
ago	پیش، قبل	by	به وسیله - با
airport	فرودگاه	bye	خداحافظ
also	همچنین	call	نامیدن - صدا زدن - تلفن کردن
always	همیشه	careful	مواظب - دقیق
amazing	شگفت انگیز	careless	بی دقت
angry	عصبانی	celebrate	جشن گرفتن
ankle	قوزک پا	ceremony	جشن
anniversary	سالگرد	chalk	گچ
anthem	سرود - ترانه	change	تغییر دادن - عوض کردن
antivirus	ویروس کش	channel	کانال - شبکه
anyone	هر کسی	charity	خیریه
around	دور ویر - اطراف	cheap	ارزان
ask for	درخواست کردن برای	check in	ثبت نام کردن - نام نویسی کردن
at first	در ابتدا	check out	تسویه حساب کردن
attend	شرکت کردن در - رفتن به	children	بچه ها
baggage	چمدان - وسایل سفر	clean	تمیز کردن - تمیز
back	پشت	clear	پاک کردن - شفاف
bake	پختن	clever	باهوش
beautiful	زیبا	climb	بالا رفتن
because	زیرا	clothes	لباس
before	قبل - قبل از - قبل از اینکه	color	رنگ - رنگ آمیزی کردن
best	بهترین	connect	متصل شدن
big	بزرگ	come	آمدن
bleed	خونریزی کردن	comedy	کمدی - طنز
board	سوار شدن	commemorate	گرامی داشتن
brave	شجاع	company	شرکت، کارخانه
break	شکستن - زنگ تفریح	cookie	شیرینی، بیسکویت، کلوچه
brilliant	خارق العاده - محشر	corner	گوشه
bring	آوردن	could	توانستن (شکل گذشته فعل can)

لغات مهم پایه نهم Key Words of Prospect 3 (9th Grade)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
course	دوره - کلاس	fill out	پر کردن
crash	تصادف	find	پیدا کردن
cruel	ظالم - ستمگر	finger	انگشت
cry	گریه کردن - جیغ کشیدن	fire	آتش - اخراج کردن
culture	فرهنگ	firefighter	آتش نشان
cut	بریدن، قطع کردن	firework	آتش بازی
dictionary	فرهنگ لغت	first aids	کمکهای اولیه
different	متفاوت	flower	گل
dinner	شام	florist	گل فروش
dish	ظرف - غذا	fruit	میوه
do homework	تکلیف انجام دادن	fun	تفریح - سرگرمی
donate blood	اهدا کردن خون	forget	فراموش کردن
don't worry	نگران نباش	French	فرانسوی
do voluntary work	کار داوطلبانه انجام دادن	friendly	دوستانه - صمیمی
drive	رانندگی کردن	from	از - اهل
easy	آسان	funny	بامزه، خنده دار، مضحک
eat	خوردن	gas station	پمپ بنزین
egg	تخم مرغ	generous	بخشنده، سخاوتمند
emergency	اضطراری، اورژانسی	Germany	آلمان
enjoy	لذت بردن	get	به دست آوردن - گرفتن
envelope	پاکت نامه	get off	پیاده شدن
environment	محیط زیست	get on	سوار شدن
e-ticket	بلیط الکترونیکی	get out	بیرون آوردن
every	هر	gift	کادو - هدیه
everybody	هر کسی	give	دادن
event	رویداد، حادثه	go out	بیرون رفتن
excellent	عالی، محشر	grandparents	پدربزرگ و مادر بزرگ
excuse me	ببخشید - شرمنده	guess	حدس زدن
express train	قطار سریع السیر	guest	مهمان
fall	افتادن، سقوط کردن - پاییز	guide book	کتاب راهنما
fantastic	شگفت انگیز	hair	موی سر
fast	سریع - روزه، روزه گرفتن	happen	اتفاق افتادن
festival	جشنواره - مراسم	happy	خوشحال

لغات مهم پایه نهم Key Words of Prospect 3 (9th Grade)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
hard	سخت - سفت	just	فقط - تنها
hard - working	سخت کوش	just a moment	فقط یک لحظه
has	داشتن - خوردن	keep	نگه داشتن - نگه داری کردن
have	داشتن - خوردن	keep clean	تمیز نگه داشتن
head	سر	keep on	ادامه دادن
health	سلامتی	key	کلید
heart attack	حمله قلبی - سکت قلبی	kid	بچه
help charity	به امور خیریه کمک کردن	kind	مهربان - نوع
helpful	یاری رسان - مفید	knee	زانو
here you are.	بفرمایید	lake	دریاچه
hire	کرایه کردن	land	زمین، سرزمین - خشکی
hit	زدن - برخورد کردن به	last	آخرین - گذشته
hold	نگه داشتن - برگزار کردن	late	دیر، دیر کردن - تاخیر
holiday	تعطیلی	later	بعداً
homework	تکلیف	learn	یادگرفتن
hope	امیدوار بودن - امید	leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن
house	خانه	leg	پا
housewife	زن خانه دار	letter	نامه - حرف
housework	کار منزل	life	زندگی
hurry up!	عجله کن	live	زنده - زندگی کردن
hurt	صدمه دیدن - آسیب رساندن	lock	قفل - قفل کردن
I'd like	من مایلم - دوست دارم	look after	مراقبت کردن
if	اگر - اگر	look at	نگاه کردن به
important	مهم	look for	گشتن به دنبال
information	اطلاعات	look up	بالا نگاه کردن به
injury	زخم، جراحت	lost	گمشده
install	نصب کردن	love	عشق ورزیدن
interested in	علاقمند به	luck	شانس - بخت
interesting	جالب - جذاب	lunch	نهار
international	بین المللی	mail box	جعبه پستی
interview	مصاحبه کردن	make	ساختن، درست کردن - مجبور کردن
invite	دعوت کردن	map	نقشه
I see.	می فهمم - پس که اینطور	match	وصل کردن - مسابقه - کبریت
job	شغل	meal	وعده غذایی

لغات مهم پایه نهم Key Words of Prospect 3 (9th Grade)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
media	رسانه	stand	ایستادن
member	عضو	stick	چسپیدن - چسپاندن
message	پیام	sure	مطمئن
military	ارتشی - نظامی - جنگی	suitable	مناسب
money	پول	take	گرفتن - بردن
nature	طبیعت	take care of	مراقبت کردن از
neat	تمیز	take off	کندن - لحظه برخاستن هواپیما
nervous	عصبی - مضطرب	take out	بیرون بردن - بیرون کشیدن
never	هرگز	talkative	پر حرف
normally	عادی - معمولی	text	پیام فرستان - متن
often	اغلب	That's nice!	خوبه - قشنگه
on shifts	نوبتی - شیفتی	the same	یکسان - مشابه
pack	وسایل سفر را بستن	things	اشیاء - وسایل - چیزها
participate	شرکت کردن، حضور یافتن	think	فکر کردن
patient	بیمار - صبور	those	آنها
pay toll	پرداخت عوارض	ticket	بلیط - برگ جریمه
plaster	چسب	timetable	برنامه زمانی - جدول زمانی
pleasant	خوشایند - مطلوب	together	با هم
possible	ممکن - احتمالی	too	همچنین - بیش از حد
prayer	عبادت - نماز	tourist	گردشگر - توریست
receptionist	متصدی پذیرش	travel	سفر - مسافرت
relative	قوم و خویش	trip	سفر - مسافرت
religious	مذهبی	upset	غمگین - ناراحت
selfish	خودخواه - مغرور	us	به ما - ما را
serious	جدی - عبوس	use	استفاده کردن
shy	خجالتی	usually	معمولا
sing	آواز خواندن	voyage	سفر
sir	قربان - آقا	wake up	بیدار شدن
soldier	سرباز	war	جنگ
somebody	شخصی - کسی	weather	آب و هوا
something	چیزی	weigh	وزن کردن - وزن داشتن
sometimes	بعضی اوقات	wish	آرزو کردن
special	مخصوص - سفارشی	wound	زخم
stamp	مهر - تمپر - مهر زدن	well done!	آفرین
start	شروع کردن	wheel	چرخ

Other Key Words of Prospects سایر لغات مهم پایه هفتم تا نهم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
welcome	خوش آمد گویی	fill	پر کردن
start	شروع کردن	circle	دایره - دور چیزی دایره کشیدن
ambulance	آمبولانس	wife	همسر - زن
alphabet	حروف الفبا	mechanic	مکانیک
number	شماره - عدد	mantle	رو پوش - عبا - ردا
each other	همدیگر	yard	حیات
lesson	درس	yesterday	دیروز
get	به دست آوردن	check	بررسی کردن
tell	گفتن	delete	حذف کردن
morning	صبح	letter	نامه - حرف
welcome	خوش آمد گویی	song	آهنگ - ترانه
conversation	مکالمه	objects	اشیاء
with	با - همراه	then	انگاه - سپس - بعد
how	چطور - چگونه	afternoon	بعد از ظهر
example	مثال	yourself	خودت
practice	تمرین - تمرین کردن	sound	صدا - به نظر رسیدن
item	فقره - بخش - آیت	below	زیر - پائین
height	ارتفاع - بلندی	any	هیچ - هیچی - هر
pants	شلوار (پارچه ای)	breakfast	صبحانه
pardon	بخشید؟ - بخشیدن	personality	شخصیت
understand	فهمیدن - درک کردن	any	هیچ - هیچی - هر
mime	تقلید - نمایش بدون حرف زدن	sharpener	مداد تراش
before	قبل - قبل از - قبل ازاینکه	cheese	پنیر
polite	مؤدب	rode	گستاخ، پر رو

یادداشت:

Part Two:

“Vision 1”

English for 10th Grade

- *Lesson One: Saving Nature* 20
- *Lesson Two: Wonders of Creation* 23
- *Lesson Three: The Value of Knowledge* 28
- *Lesson Four: Traveling the World* 32

Lesson One:

“Saving Nature”

نجات طبيعت

لغات مهم درس ۱ پایه دهم (Key Words of Vision One (lesson One)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
a few	تعداد کمی	foot	پا (جمع آن feet)
air	هوا	fox	روباه
alive	زنده	forest	جنگل
amazing	شگفت انگیز	for example	به عنوان مثال، برای مثال
among	ازجمله، (در) میان	free	بیکار، آزاد، رایگان
anymore	دیگه، بیش از این	future	آینده
appropriate	شایسته، مناسب	get ready	آماده شدن، حاضر بودن
average	میانگین، متوسط - معدل	giraffe	زرافه
bear	خرس	goat	بز
based on	بر اساس، بر طبق	go hunting	به شکار رفتن
be going to	قصد داشتن	graph	نمودار
bird	پرنده	group	گروه، دسته
boring	کسل کننده	gulf	خلیج
build	ساختن	high	بلند، بلند مرتبه، رفیع
chart	نمودار - چارت	hope	امیدوار بودن، امید داشتن
cheetah	یوزپلنگ	hopeful	امیدوار
child	بچه (جمع آن children)	hopefully	امیدوارانه
common	عام، عمومی	hour	ساعت (از نظر زمانی)
complete	کامل کردن	however	اما، در هر صورت
consider	در نظر گرفتن	hunter	شکارچی، صیاد
conversation	مکالمه	idea	نظر، عقیده، ایده
cut down	قطع کردن	identify	شناسایی کردن
danger	خطر	important	مهم
daughter	دختر	increase	افزایش یافتن
dead	مرده	injured	مجروح، زخمی
decrease	کاهش یافتن	injury	زخم، جراحت
destroy	نابود کردن، تخریب کردن	instead	در عوض، به جای
die out	منقرض شدن، از بین رفتن	intonation	لحن صدا، آهنگ صدا
divide into	تقسیم کردن به	irregular	بی نظم - بی قاعده
duck	اردک	kill	کشتن
earth	(کره) زمین	knife	چاقو
elephant	فیل	lake	دریاچه
else	دیگر، دیگری	leaf	برگ
end	پایان هدف، مقصود	leopard	پلنگ
endangered	در معرض خطر	lifespan	طول عمر
especially	مخصوصاً، به ویژه	like	مثل، شبیه، دوست داشتن
expression	عبارت - بیان	lion	(حيوان) شیر
false	غلط - اشتباه	living	زنده
fly	پرواز کردن - مگس	longer	بیشتر، طولانی تر

لغات مهم درس ۱ پایه دهم (Key Words of Vision One (lesson One))

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
lose	از دست دادن، گم کردن - باختن	schedule	برنامه
low	پائین - پست، کم ارتفاع	singular	مفرد
mean	معنی دادن، منظور داشتن - بدجنس	sky	آسمان
mice	موشها	someone	کسی، شخصی
mouse	موش	stay	ماندن، اقامت کردن
mouth	دهان	strategy	راهکار، استراتژی
nature	طبیعت	then	سپس، آنگاه - بعد
natural	طبیعی	tiger	(حیوان) ببر
next	بعد، بعدی، آینده	till	تا - تا اینکه، تا زمانیکه
nowadays	امروزه، این روزها	tomorrow	فردا
number	تعداد، عدد، شماره	tonight	امشب
only	فقط - تنها	town	شهر کوچک، شهرک
orally	به طور شفاهی	type	نوع، گونه - تایپ کردن
order	نظم، ترتیب - سفارش	tower	برج
past	گذشته، پیش	take care of	مراقبت کردن از
pattern	الگو - نمونه	unscramble	مرتب کردن
pay attention to	توجه کردن به	visitor	بازدید کننده، ملاقات کننده
people	مردم - نفرات	voluntary	داوطلبانه
phrase	عبارت	way	راه، مسیر، روش، طریقه
pilot	خلبان	weather	آب و هوا
plain	دشت، جلگه - واضح، آشکار	weight	وزن
plant	گیاه - کاشتن	whale	نهنگ، وال
plural	جمع	whenever	هر زمانی که
point	نکته - نقطه - اشاره کردن	which	کدام، کدامین، که
protect	محافظت کردن	wild	وحشی، درنده
protection	محافظت، پاسداری	wildlife	حیات وحش
recently	اخیراً، به تازگی	wolf	گرگ
regular	منظم - با قاعده	wonderful	شگفت انگیز
relative	قوم و خویش، بستگان	wood	چوب
right	درست، صحیح	wooden	چوبی
road	جاده	wool	پشم
Rome	شهر رم (پایتخت کشور ایتالیا)	woolen	پشمی
rule	قاعده، قانون، حکومت کردن	world	دنیا، جهان
safe	امن، ایمن. بی خطر	would like	مایل، بودن، دوست داشتن
save	نجات دادن - ذخیره کردن	yet	هنوز، تاکنون، تا به حال، با این حال
sea	دریا	zebra	گورخر
sheep	گوسفند، گوسفندان	zoo	باغ وحش

Lesson Two:

“Wonders of Creation”

"شگفتی های خلقت"

لغات مهم درس دوم پایه دهم (Key Words of Vision One (Lesson Two))

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
above	بالای، بر بالای	carry	حمل کردن، با خود بردن
abroad	خارج (از کشور)	cell	سلول - زندان انفرادی - باطری
actually	در واقع - در حقیقت	choose	انتخاب کردن
adjective	صفت (در گرامر)	city	شهر
against	در مقابل، بر علیه	clear	شفاف، زلال - پاک کردن
age	سن، پایه - عصر، دوره	close	بستن - نزدیک
alike	مشابه، همانند	cloudy	ابری
all around	در سرتاسر	cold	سرد - سرما - سرماخوردگی
all day long	تمام طول روز	collect	جمع آوری کردن
amazing	شگفت انگیز	cooking	آشپزی
animal	حیوان	comparative	مقایسه ای - تفضیلی
angry	عصبانی	compare	مقایسه کردن
another	دیگر، دیگری	control	کنترل کردن
ant	مورچه	create	خلق کردن
appropriate	شایسته، مناسب	creator	خالق
area	ناحیه، منطقه	creation	خلقت، آفرینش
around	دور و بر، اطراف	cross	عبور کردن
arrow	تیر، علامت فلش	daily	روزانه
Asian	آسیایی	danger	خطر
attack	حمله کردن، یورش بردن	dangerous	خطرناک
become	شدن، تبدیل شدن	dark	تیره - تاریک - پر رنگ
beautiful	زیبا	deep	عمیق
bed	تختخواب	defend	دفاع کردن
best	بهترین (صفت عالی good)	definition	تعریف
better	بهتر (صفت برتری good)	delicious	خوشمزه
blood	خون	describe	توصیف کردن - شرح دادن - تعریف کردن
blood stream	جریان خون	details	جزئیات
body	بدن، تن - جسد، لاشه	difficult	سخت، مشکل
boring	کسل کننده	disease	بیماری
both	هر دو	different	متفاوت، مختلف
brain	مغز	donate	اهدا کردن، بخشیدن
brave	شجاع، دلیر	downward	رو به پائین، به طرف پائین
butter	کره	draw	کشیدن، ترسیم کردن
camel	شتر	dress	لباس زنانه - لباس پوشیدن
carefully	با دقت	drop	قطره - لکه
carbon dioxide	دی اکسید کربن	each	هر، هر کدام

لغات مهم درس دوم پایه دهم (Key Words of Vision One (Lesson Two))

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
earth	کره زمین	healthy	سالم، تندرست
easy	آسان	heart	قلب
element	عنصر - قسمت	heaven	بهشت - آسمان، عرش
energy	انرژی	hint	اشاره - نکته - سر نخ - توصیه
enough	کافی	How many...?	چه تعداد
Europe	قاره اروپا	How much...?	چه مقدار
even	مسطح، صاف - حتی	How wonderful!	چقدر شگفت انگیزه!
everywhere	هر جاییکه	Hubble	تلسکوپ هابل
example	مثال	human	انسان، بشر
exercise	ورزش - تمرین	hundred	صد
expect	انتظار داشتن، توقع داشتن	important	مهم
expensive	گران	in fact	در واقع - در حقیقت
experience	تجربه، تجربه کردن	information	اطلاعات
expression	عبارت - بیان	insect	حشره
extra	اضافی، زائد - زیاد، خیلی	inside	داخل
fact	حقیقت	interest	علاقه - سود، منفعت
famous	مشهور، معروف	interesting	جالب - جذاب
far	دور	in terms of	از لحاظ - از نظر
farther	دورتر	Japanese	ژاپنی
farthest	دورترین	Jupiter	سیاره مشتری
fatty	چرب، پر چرب	keep	نگه داشتن
fight	جنگیدن - دعوا کردن	kind	مهربان - نوع
fill in	پر کردن	land	زمین، سرزمین - خشکی
following	زیرین - پیرو	large	بزرگ، وسیع
form	شکل، شکل دادن	late	دیر، دیر کردن - تأخیر
fresh	تازه (میوه، هوا و...)	laugh	خندیدن
funny	بامزه، خنده دار	lens	لنز، عدسی
gift	کادو، هدیه	light	نور، چراغ - روشنایی - روشن کردن - سبک
go around	گشتن به دور...، چرخیدن	liquid	مایع
gold	طلا	listening	گوش دادن
golden	طلایی	lots of	خیلی زیاد
good	خوب	many	زیاد (قبل اسم جمع قابل شمارش)
grow	پرورش دادن، رشد کردن	mark	نمره - علامت، نشان، مارک
half	نصف، نیم	Mars	سیاره مریخ
handwriting	دستخط	material	ماده - جنس
happen	اتفاق افتادن	medium	متوسط
hard	سخت - سفت	Mercury	سیاره عطارد

لغات مهم درس دوم پایه دهم (Key Words of Vision One (Lesson Two)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
metal	فلز، فلزی	powerful	قدرتمند، قوی
modern	مدرن، امروزی	protect	محافظت کردن
monkey	میمون	practice	تمرین - تمرین کردن
mountain	کوه	quality	کیفیت
more than	بیشتر از	question	سؤال - سؤال پرسیدن
most	بیشترین	really	واقعاً
much	زیاد (قبل اسم غیر قابل شمارش)	ring	حلقه - زنگ خوردن - دایره
nation	ملت	rising	رو به بالا - خیزان، صعودی
near	نزدیک	river	رودخانه
neighbor	همسایه	rock	سنگ، صخره
Neptune	سیاره نپتون	rocky	سنگی، سنگلاخی
nothing	هیچ، هیچی	round	اطراف - گرد، دایره ای
observe	مشاهده کردن	Russia	کشور روسیه
observer	مشاهده کننده	Saturn	سیاره زحل
observatory	رصد خانه	sea	دریا
of all	از همه، از بقیه	seafood	غذای دریایی
on one's own	تنها - به تنهایی	shark	کوسه
opinion	عقیده - نظر	sick	بیمار، مریض
orbit	مدار - چرخیدن	sign	علامت - تابلو - نشانه - امضاء
organ	عضو - اندام	silk	ابریشم، ابریشمی
order	نظم، ترتیب - دستور، سفارش	silver	نقره
Oxygen	اکسیژن	situation	وضعیت - موقعیت
pair	جفت - دو تا	sky	آسمان
pepper	فلفل	sleep	خواب
picture	عکس - تصویر	soldier	سرباز
planet	سیاره	spelling	املاء - هجی
plasma	پلاسما - مایعی در خون	stay	ماندن، اقامت کردن
plastic	پلاستیک - پلاستیکی	strange	عجیب
Pluto	سیاره پلوتون	strong	قوی، قدرتمند
player	بازیکن	such as	مثل - مانند - همچون
polite	مؤدب	suitable	مناسب
pump	پمپاژ کردن - پمپ	summer	تابستان
power	قدرت - نیرو - توان	sun	خورشید

Key Words of Vision One (Lesson Two) لغات مهم درس دوم پایه دهم

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
superlative	عالی - بی نظیر - (صفت) برترین	Uranus	سیاره اورانوس
sure	مطمئن	useful	مفید، کارآمد
terrible	وحشتناک - خیلی بد - افتضاح	Venus	سیاره ونوس
than	از	village	روستا ، دهکده
thank	تشکر کردن	watch	تماشا کردن - ساعت مچی
things	اشیاء، وسایل	with	با - همراه
think about	فکر کردن درباره	without	بدون
thousand	هزار	wonder	شگفتی - حیرت - اعجاز
tonight	امشب	wonderful	شگفت انگیز
train	قطار - آموزش دادن - تعلیم دادن	wooden	چوبی
ugly	زشت	worse	بدتر (صفت برتری bad)
under	زیر	worst	بدترین (صفت عالی bad)
underline	زیر چیزی خط کشیدن	yellow	زرد
upward	به طرف بالا، رو به بالا	young	جوان - خردسال

یادداشت:

This image shows a full page of white paper with horizontal blue dashed lines. The lines are evenly spaced and run across the width of the page, providing a guide for handwriting practice. There are no margins, text, or other markings on the page.

Lesson Three:

“The Value of Knowledge”

"ارزش دانش"

لغات مهم درس سوم پایه دهم *(Lesson Three)* Key Words of Vision One

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
action	اقدام، عمل، حرکت	emphasis	تأکید - تکیه - اصرار
airplane	هواپیما	emphatic	تأکیدی
anything	هیچی - هیچ چیزی - هر چیزی	energetic	پر انرژی، فعال، پر جنب و جوش
ashamed	شرمنده، خجالت زده	everything	هر چیزی - هر کاری
at all	اصلاً، ابدأ	experience	تجربه
at first	در ابتدا	experiment	آزمایش
at that time	در آن زمان	express	بیان کردن، اظهار کردن - سریع السیر
at the moment	در حال حاضر	face	صورت، چهره - مواجه شدن، روبرو شدن
background	پس زمینه	farmer	کشاورز
be after	به دنبال... بودن	feel	احساس کردن
become	شدن - تبدیل شدن	finally	سرانجام، در نهایت
behave	رفتار کردن	flu	آنفولانزا
being	بودن	fortunately	خوشبختانه
belief	عقیده، باور، ایمان	full of	پر از
believe	باور داشتن، ایمان داشتن	gain	کسب کردن - بدست آوردن
break	شکستن - زنگ تفریح	get around	پخش شدن - شایع شدن
build	ساختن، درست کردن	given	داده شده - ارائه شده
bulb	حباب - لامپ	give up	تسلیم شدن - رها کردن
camera	دوربین	go out	بیرون رفتن - قطع شدن (برق)
carry out	انجام دادن	grave	گور، قبر
change into	تغییر دادن به، عوض کردن به	grow up	رشد کردن، بزرگ شدن
column	ستون	hall	راهرو - تالار
come in	وارد شدن، داخل شدن	have fun	خوش گذراندن، تفریح داشتن
cookie	بیسکویت، کلوچه	head	سر، کله
cool	عالی، محشر - خنک	hearing	شنوایی
cradle	گهواره - مهد	heavily	به شدت، به سنگینی
description	توصیف	herself	خودش (خانم)
destroy	تخریب کردن، نابود کردن	himself	خودش (آقا)
destructive	مخرب، ویرانگر	history	تاریخ
develop	توسعه دادن، گسترش دادن	historian	تاریخ نویس، تاریخ دان، مورخ
do research	تحقیق انجام دادن	holiday	تعطیل، تعطیلی
drive	رانندگی کردن	holy	مقدس
driver	راننده	hospital	بیمارستان
emotion	احساس، عاطفه	hungry	گرسنه
emotional	احساسی	idea	ایده، نظر، عقیده
emotionless	بی احساس	ideal	آرمانی، ایده آل، دلخواه، کمال مطلوب

لغات مهم درس سوم پایه دهم (Lesson Three) Key Words of Vision One

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
interrogative	(جملات) سؤالی	pass away	فوت کردن، مردن، از دنیا رفتن
into	داخل، به درون	past progressive	(زمان) گذشته استمراری
invent	اختراع کردن	patient	بیمار - صبور
inventor	مخترع	peace	صلح - آرامش
invention	اختراع	place	مکان - جا - قرار گرفتن، قرار دادن
itself	خودش (غیر انسان)	poem	شعر
jump out	بیرون پریدن	poet	شاعر
key	کلید	possible	ممکن - احتمالی
kill	کشتن	power	قدرت، نیرو - برق
kitty	بچه گربه	problem	مشکل - مسأله
knowledge	دانش، علم آگاهی	profit	سود، نفع، مزیت، برتری - منفعت کردن
laboratory	آزمایشگاه	prophet	پیامبر، پیغمبر، نبی
language	زبان	publish	منتشر کردن - چاپ کردن
light bulb	لامپ برق	put aside	کنار گذاشتن
jump out	بیرون پریدن	quickly	به سرعت
math	ریاضی	quit	ترک کردن - رها کردن
meaning	معنی	rainy	بارانی
medicine	دوا، دارو پزشکی	rapidly	به سرعت
must	باید	rather	نسبتاً
myself	خودم	refinery	پالایشگاه
narrate	نقل کردن - روایت کردن	relate	مربوط بودن - ربط داشتن
narrator	نقل کننده، راوی، روایت کننده	remember	به یاد آوردن
near	نزدیک - کنار	researcher	محقق
negative	منفی	rich	ثروتمند
next door	خانه همسایه - در بغلی	sadly	متأسفانه - با ناراحتی، بدبختانه، متأسفانه
noise	سر و صدا	science	علم - دانش
noisy	پر سر و صدا، شلوغ	scientist	عالم، دانشمند
no one	هیچ کسی	seek	جستجو کردن - گشتن به دنبال
notice	توجه کردن	sense	حس، احساس
novel	رمان، داستان بلند	situation	موقعیت - وضعیت
observe	مشاهده کردن	skill	مهارت، فن
ourselves	خودمان	skillful	ماهر، استاد
over there	آنجا	slowly	به آرامی
pain	درد - ناراحتی، رنج	smoke	دود، استعمال دخانیات
painful	دردناک	smoking	سیگار کشیدن
painless	بی درد	solve	حل کردن

لغات مهم درس سوم پایه دهم *Key Words of Vision One (Lesson Three)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
solution	راه حل	try	سعی، تلاش - امتحان کردن
speaker	گوینده	under	زیر
special	ویژه - خاص	unfortunately	بدبختانه، متأسفانه
state	حالت - استان	universe	جهان، دنیا
still	هنوز - آرام ، ساکت	university	دانشگاه
story	داستان	until	تا، تا اینکه
success	موفقیت، کامیابی	value	ارزش، بها، قیمت
successful	موفق، کامیاب	valuable	با ارزش
successfully	با موفقیت	wait	صبر کردن، منتظر ماندن
themselves	خودشان	weak	ضعیف - نحیف
think	فکر کردن	week	هفته
thinker	متفکر، اندیشمند	when	چه زمانی، کی - زمانیکه، هنگامیکه
thought	فکر، تفکر	while	در حالیکه، حال آنکه - هنگامیکه، در حین
Thousands of...	هزاران از...	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
together	با هم	yard	حیاط، محوطه - یارد (واحد طول)
translate	ترجمه کردن	yeah	بله، آری
translator	مترجم	yourself	خودت
translation	ترجمه	yourselves	خودتان

یادداشت:

[illegible]

Lesson Four:

“Traveling the World”

سفر در دنیا

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Lesson Four) Key Words of Vision One

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
across	در امتداد - از وسط	cultural	فرهنگی
add	اضافه کردن	culture	فرهنگ
adverb	قید، عبارت قیدی	desert	بیابان - ترک کردن
air	هوا	destination	مقصد - سرنوشت، تقدیر
air ticket	بلیط هوایی	distance	فاصله - مسافت
ancient	باستانی، قدیمی	distant	دور، دور دست
arrive	وارد شدن - رسیدن	domestic	داخلی - اهلی، خانگی
a set of	یک مجموعه از	dress	لباس زنانه - به تن کردن
attract	جذب کردن، جلب کردن	education	آموزش - تحصیل
attraction	جاذبه	educated	با سواد، تحصیل کرده
attractive	جذاب	Egypt	کشور مصر
author	نویسنده	Egyptian	مصری - اهل کشور مصر
baggage	وسایل سفر - چمدان	embassy	سفارت، سفارتخانه
behavior	رفتار	emphasis	تأکید
be located	واقع شده	emphases	تأکید کردن
billion	میلیارد	entertainment	سرگرمی
boat	قایق	especially	مخصوصاً، به ویژه
booklet	دفترچه، کتابچه، جزوه	exactly	دقیقاً
bravely	شجاعانه - دلیرانه	experienced	با تجربه
bravery	شجاعت، دلیری	fall	پائیز - افتادن، سقوط کردن
burning	در حال سوختن	familiar	آشنا
camel	شتر	feed	غذا دادن به
carelessly	با بی دقتی	feel	احساس کردن
ceremony	جشن	find (found)	پیدا کردن - یافتن
Chile	کشور شیلی	finish	پایان دادن
choice	انتخاب	flight	پرواز
choose	انتخاب کردن	foreign (adj)	خارجی، بیگانه - نامناسب، ناجور
come back	برگشتن	foreigner (n)	بیگانه، اجنبی، غریبه، خارجی
comfortable	راحت، آسوده	forget	فراموش کردن
considering	با توجه به - با در نظر گرفتن	forgetful	فراموشی
continent	قاره	four - season	چهار فصل
contrast	مقایسه کردن - سنجیدن	garden	باغ، باغچه
contrastive	متضاد گونه - دارای تضاد، مقایسه ای	generous	سخاوتمند، بخشنده
cruel	ظالم، ستمگر	guess	حس زدن
cruelly	ظالمانه، بی رحمانه	guest	مهمان - مهمان کردن، مسکن گزیدن
cruelty	بی رحمی، ظلم، ستم، بیداد	historical	تاریخی

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Key Words of Vision One (Lesson Four))

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
hit	زدن - ضربه زدن	north	شمال
holiday	تعطیلی	obligation	اجبار
holy	مقدس، پاک	offline	خارج از خط (اینترنت)
home - made	خانگی	organization	سازمان
honest	صادق، درستکار	own	مال خود - صاحب بودن، داشتن
honestly	صادقانه	page	صفحه، برگ
hospitable	مهمان نواز	paradise	بهشت
host	میزبان، صاحب خانه - مجری	passport	پاسپورت، گذر نامه، اجاه مسافرت
illness	بیماری، ناخوشی	patiently	صبورانه - با شکیبایی
image	تصور، تصویر، عکس	phrase	عبارت
in fact	در حقیقت	pilgrim	زائر، مسافر (مذهبی)
in front of	روبروی، در جلوی	point	نکته - نقطه - امتیاز، نمره
inside	داخل	poor	فقر - بیچاره
international	بین المللی	popular	محبوب، پر طرفدار
journey	سفر، مسافرت، سیاحت	popularity	محبوبیت
junk food	غذای بی ارزش، هله هوله	possibility	امکان - احتمال
Korean	کره ای، اهل کشور کره	possibly	شاید، احتمالاً
language	زبان (فارسی، انگلیسی و...)	prefer	ترجیح دادن
learn about	مطلع شدن درباره، یادگرفتن درباره	prepare	آماده کردن
lift	بلند کردن، بالا بردن - آسانسور	preposition	حرف اضافه
local	محلی، بومی	price	قیمت، بها، نرخ
loud	بلند (برای صدا)	prize	جایزه، پاداش
main	عمده، اصلی، اساسی	probable	ممکن، احتمالی
mainly	عمدتاً، اساساً	probably	احتمالاً، شاید
manner	حالت، شیوه، روش	pyramid	هرم
may	ممکن بودن، احتمال داشتن	range	حدود، محدوده، دسته، طیف
meal	وعده غذایی	ready	آماده، مهیا، حاضر
means	وسیله، ابزار	relating to	مربوط به، در ارتباط با
member	عضو	relation	رابطه، ارتباط
might	احتمال، ممکن بودن	respect	احترام، احترام گذاشتن
ministry	وزارت	respected	محترم، آبرومند
mostly	عمدتاً، اساساً	rest	استراحت کردن - بقیه (با حرف تعریف the)
most often	غالباً - اکثراً	risk	خطر، ریسک، خطر کردن
neatly	به طور مرتب - آراسته	road	جاده - خیابان
next to	کنار، نزدیک	role	نقش، وظیفه - بخش - طومار
nobody = no one	هیچ کسی	rule	قاعده، قانون

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Lesson Four) *Key Words of Vision One*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
safe	ایمن، بی خطر	take time	زمان بردن، طول کشیدن
save	نجات دادن، ذخیره کردن	tour	سفر تفریحی، گردش، اردو
search	جستجو کردن	tourist	گردشگر، توریست
seem	به نظر رسیدن	tourism	گردشگری، توریسم
sell (sold)	فروختن	town	شهر، شهرک
shrine	آرامگاه - مرقد	travel	سفر، مسافرت
should	باید، بهتره	travel agency	آژانس مسافرتی
similar	مشابه، مانند	travel agent	صاحب آژانس مسافرتی
sick	بیمار، مریض	traveler	مسافر
smoke	دود - سیگار کشیدن	tradition	سنت، آئین، رسم
solve	حل کردن	traditional	سنتی، قدیمی
south	جنوب	transportation	حمل و نقل
souvenir	سوغاتی، یادگاری	understand	فهمیدن، درک کردن
speed	سرعت - سبقت گرفتن	vacation	تعطیلی
spend (spent)	خرج کردن - سپری کردن	vegetables	سبزیجات
stand	ایستادن	wake up	از خواب بیدار شدن
station	ایستگاه	wall	دیوار
stick	چسپیدن، چسپاندن	war	جنگ، درگیری، نزاع
suggest	پیشنهاد دادن	well	خوب، به خوبی - چاه، چاله، چشمه
suggestion	پیشنهاد	waste	هدر دادن، تلف کردن - آشغال، زباله
suitable	مناسب، شایسته	wide	گسترده، وسیع، عریض
suitably	به طور مناسب	wind	باد
sunset	غروب آفتاب	windy	طوفانی، بادی
sunrise	طلوع آفتاب	winter	زمستان

یادداشت:

Vocabulary Tests

“Vision One”

(Lesson 1 - 4)

۳۶۰ تست آموزشی واژگان درس ۱ تا ۴ پایه دهم (Lesson 1- 4) Vocabulary Tests

توجه: سطح این تستها "ساده" و "متوسط" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات پایه دهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای کنکور و تألیفی استاندارد جایگزین خواهند شد.

1. We didn't have enough money for a movie, so we went to the park -----.
a. instead b. anymore c. tomorrow d. nowadays
2. Some people ----- weight when they stop smoking.
a. seek b. carry c. donate d. gain
3. I became very nervous when I couldn't ----- my passport.
a. find b. lose c. carry d. donate
4. Those who have never thought about the ----- of life should not study medicine.
a. skill b. moment c. value d. belief
5. The wolf may ----- his teeth, but never his nature.
a. carry b. grow c. lose d. hunt
6. After a busy day, all I want is ----- and quiet.
a. power b. interest c. science d. peace
7. There are a lot of dark ----- in the sky. It seems it will rain.
a. sites b. clouds c. ranges d. images
8. Do you ----- money to buy a new laptop?
a. cut b. save c. hope d. mean
9. They don't like the plan to build the road through the -----.
a. chart b. nation c. world d. forest
10. The museum hopes to attract both foreign and ----- visitors.
a. home-made b. international c. domestic d. popular
11. We can become familiar with the culture of the ----- people from the wall painting.
a. patient b. comfortable c. ancient d. actual
12. The last bear in this forest ----- one hundred years ago.
a. died out b. cut c. put out d. hurt
13. Unfortunately, the ----- from Chicago will arrive at the airport thirty minutes late.
a. airplane b. cradle c. power d. interest
14. To understand Japanese -----, you should learn the language.
a. image b. culture c. range d. behavior
15. My grandfather can ----- people's faces, but not their names.
a. observe b. believe c. remember d. behave
16. Ants work a lot all day long. They are ----- animals.
a. interested b. important c. hard-working d. favorite
17. Mina came home While her brother was watching his ----- movie at the living room.
a. interested b. building c. hard-working d. favorite
18. "Do you know where the Taj Mahal is -----?" "Yes, in India."
a. prepared b. located c. attracted d. planned
19. Smoking can ----- the risk of developing heart disease.
a. fill b. increase c. bore d. fight
20. Buckingham Palace is one of London's most popular tourist -----.
a. entertainments b. suggestions c. choices d. attractions

21. My sister is very kind. She always ----- animals from danger.
a. hurts b. hunts c. cuts d. saves
22. Planets ----- the sun in different orbits.
a. look like b. go around c. fill out d. carry out
23. You can take and ----- pictures by a camera very easily.
a. solve b. keep c. attend d. key
24. Isfahan has many interesting historical -----.
a. price b. agents c. hosts d. sites
25. Look at the pretty little baby sleeping in the -----.
a. shelf b. cradle c. noise d. grave
26. My study showed that working in a garden is the most ----- activity for old people.
a. hospitable b. popular c. domestic d. comfortable
27. Some people ----- the trees and don't take care of the nature.
a. save b. protect c. increase d. cut
28. Penicillin is a/an ----- for killing bacteria that are in your body and making you ill.
a. medicine b. experiment c. science d. laboratory
29. Are you interested ----- planets and stars?
a. for b. to c. at d. in
30. I forgot to take my ----- with me to Portugal, so I couldn't take any photos.
a. passport b. cradle c. camera d. ticket
31. An airplane helps us travel very fast to ----- places.
a. same b. first c. clear d. far
32. Every year millions of ----- come to the holy shrines in Iran.
a. pilgrims b. nations c. destinations d. attractions
33. My older uncle cannot run because he has a ----- heart.
a. heavy b. powerful c. healthy d. weak
34. My brother is a brave firefighter. He always ----- the fire very fast.
a. forgets b. puts out c. cuts d. saves
35. I was sitting ----- in that chair beside the fire in the living room, reading a newspaper.
a. politely b. hungrily c. generously d. comfortably
36. A: Are animals really ----- for you?
B: I'd like to know more about them.
a. interesting b. powerful c. alike d. clear
37. When I asked his name after the accident, he ----- that he could not remember.
a. answered b. observed c. behaved d. believed
38. I was reading a book about ----- Iranian scientists, Farabi and Toosi.
a. first b. last c. famous d. possible
39. A: "Are you ----- for your summer vacation?"
B: "Yes, I want to travel."
a. spending b. enjoying c. planning d. visiting
40. I played football yesterday and I ----- my foot badly.
a. hurt b. took c. planed d. hoped

41. Some planets are ----- . They have many mountains.
a) amazing b) useful c) rocky d) dry
42. A: "Was the book -----?" B: "Yes, I learned many interesting things."
a) energetic b) useful c) possible d) natural
43. I'm going to visit Africa, but I'm not sure about my ----- . I don't know Africa well.
a) ceremony b) behavior c) destination d) passport
44. Did you know that children often cry just to ----- attention?
a) attract b) spend c) check d) plan
45. Mary had a terrible car accident last night and she was ----- badly.
a) special b) helpful c) injured d) cruel
46. Some planets have ----- around them like our planet, Earth.
a) rocks b) moons c) types d) systems
47. Razi taught ----- to young doctors while he was working in Ray Hospital.
a) medicine b) invention c) translation d) novels
48. "I'm going on a trip to England tomorrow. Do you have any----- to tell me?"
a) suggestion b) departure c) destination d) entertainment
49. In ----- times, people believed that the earth was not round.
a) traditional b) ancient c) historical d) local
50. Our grandmother died at the age of 83 after a long -----,
a) behavior b) entertainment c) risk d) illness
51. Some Sough American countries ----- many tourists because of their amazing nature.
a) prepare b) spend c) attract d) break
52. Planets go around the sun in different ----- .
a) kinds b) systems c) orbits d) abilities
53. Sadly, he lost his hearing at the age of 12. "Sadly" is a synonym for ----- .
a) unfortunately b) successfully c) rapidly d) easily
54. A: "Is China famous for The Great Wall?" B: "Yes, it's really -----."
a) hospitable b) suitable c) domestic d) popular
55. The train station is ----- between these two towns. It's far from here.
a) attended b) located c) planned d) developed
56. Pay attention! Don't swim here. It's ----- .
a) natural b) dangerous c) safe d) alive
57. We can see the planets ----- to us without telescope.
a) wonderful b) strong c) true d) nearer
58. "Who came to the school -----, you or your friend?" "I came first."
a) sadly b) sooner c) easily d) finally
59. A large number of people visited this historical----- yesterday afternoon.
a) desert b) season c) site d) fact
60. The children have a six week ----- during the summer.
a) culture b) flight c) vacation d) destination

61. We got up early in the morning to see the -----.
- a) destination b) sunset c) season d) sunrise
62. If I'm late, please ----- for me in the train station.
- a) save b) gain c) create d) wait
63. I bought a model of the Eiffel Tower as a ----- of my trip to Paris.
- a) destination b) pyramid c) souvenir d) suggestion
64. "I will not let that kind of ----- in my class," the teacher said angrily.
- a) suggestion b) culture c) choice d) behavior
65. Iran was the ----- home of Persian lion.
- a) wild b) dangerous c) endangered d) natural
66. "Is your brother -----?" "Yes, he's playing and running all the time."
- a) successful b) useful c) energetic d) famous
67. Is Isfahan a popular ----- in Asia for tourists?
- a) information b) destination c) nation d) vacation
68. We can see some planets like Neptune only with ----- telescopes.
- a) powerful b) wonderful c) useful d) interesting
69. Red blood cells ----- oxygen round the body.
- a) keep b) collect c) carry d) seem
70. After the accident she had a terrible harm. "harm" is a synonym for-----.
- a) injury b) safety c) living d) protect
71. I read a useful book and I learned many things. The synonym for "useful" is -----.
- a) powerful b) energetic c) helpful d) famous
72. Some countries attract tourists from other parts of the world because of their ----- nature.
- a) hospitable b) amazing c) similar d) foreign
73. You should give money ----- to the poor people who need help.
- a) generously b) hungrily c) bravely d) patiently
74. I'd like to get more information about India. It seems a suitable ----- for traveling.
- a) nation b) choice c) behavior d) continent
75. How are the planets different? Are they so much -----?
- a) rocky b) useful c) nearer d) alike
76. The students do ----- in the school laboratory.
- a) knowledge b) experiment c) science d) success
77. We ----- to help the injured animals. It's really good.
- a) hope b) save c) cut d) hurt
78. A: "Can you finish painting all the rooms today?" B: "Sorry. ----- not."
- a) Quietly b) rudely c) Probably d) Patiently
79. Ants are wonderful ----- . They work a lot in groups.
- a) systems b) rings c) cells d) insects
80. My little sister is taller than last month. Children grow up -----.
- a) sadly b) finally c) rapidly d) at first

81. There are more than 100 pyramids in Egypt, so it's really -----.
a) wonderful b) honest c) brave d) probable
82. A: "Are there many students in your class?" B: "No, there are -----."
a) around b) instead c) a few d) anymore
83. He is a brave soldier who ----- most of his life fighting his enemies.
a) attacked b) saved c) spent d) defended
84. A: "Why is Isfahan -----?" B: "Because there are many attractive old buildings."
a) familiar b) ancient c) safe d) holy
85. No ----- is possible without hard work.
a) noise b) pain c) problems d) success
86. He ----- the heavy box alone. Now he has a terrible backache.
a) carried b) collected c) orbited d) seemed
87. Helicopters saved about 20 people from the roof of the ----- building.
a) similar b) burning c) traditional d) comfortable
88. There's no milk. Would you like a glass of orange juice -----?
a) anymore b) instead c) a few d) many
89. When I was a child, I ----- different types of natural flowers.
a) hoped b) pumped c) carried d) collected
90. Wind towers in Yazd are really ----- for tourists because no place in the world has got something like this.
a) international b) domestic c) familiar d) attractive
91. Everyone needs to ----- for the future.
a) cut b) plan c) destroy d) hurt
92. Edison ----- the first light bulb and became famous.
a) felt b) quitted c) invented d) published
93. He had no ----- but to give up school because his family was very poor.
a) choice b) suggestion c) rule d) site
94. Are there many domestic animals ----- your house?
a) again b) anymore c) instead d) around
95. Do you know the ----- about this event?
a) orbits b) facts c) creations d) exercises
96. I can help you ----- your math problem.
a) develop b) solve c) grow d) build
97. I play the guitar only for my -----in summer.
a) information b) entertainment c) destination d) suggestion
98. -----, I don't know where your money is.
a) Honestly b) Politely c) Bravely d) Safely
99. I don't remember my grandmother's face -----.
a) probably b) exactly c) patiently d) nicely
100. Many people think that hunting is ----- to animals.
a) actual b) cruel c) attractive d) popular

101. I want to buy a new car, but I don't have much money to -----.
a) create b) spend c) check d) seek
102. A strong person has a powerful body, and can ----- heavy things.
a) defend b) carry c) control d) cross
103. Tom didn't want to hear about all of Mary's problems, but he sat ----- and listened.
a) suitably b) honestly c) quietly d) generously
104. The bed I slept in last night was so ----- and warm that I didn't want to get up.
a) dangerous b) burning c) familiar d) comfortable
105. It's not an English word. It's French. What does it -----?
a) hunt b) save c) mean d) increase
106. The system of our body is a -----.
a) type b) ring c) wonder d) liquid
107. This book can ----- your speaking skill.
a) develop b) invent c) feel d) solve
108. "Why are domestic flights cheaper than ----- flights?" "Because of the distance."
a) foreign b) attractive c) ancient d) historical
109. This shop sells a wide ----- of amazing wild flowers.
a) risk b) range c) image d) price
110. Humans destroy the nature and make homes and roads -----.
a) instead b) anymore c) around d) again
111. Our body is doing ----- of jobs all the time.
a) rings b) facts c) millions d) systems
112. Schools must try to make science more ----- to children.
a) similar b) familiar c) attractive d) historical
113. A ----- is one of the seven areas of land on the earth, such as Asia, Africa.
a) desert b) country c) world d) continent
114. His -----in Allah gave him hope during difficult times.
a) key b) end c) belief d) flight
115. One of the most ----- facts about our body is the heart.
a) strong b) interesting c) healthy d) daily
116. Tourism is traveling for -----, health, sport or learning about other cultures.
a) suggestion b) destination c) entertainment d) behavior
117. He -----his work without saying anything to us.
a) solved b) felt c) gave up d) went out
118. Is there any ----- to save Iranian cheetahs?
a) future b) nature c) hope d) plain
119. Human knowledge -----with scientist's hard work.
a) feels b) cheers c) quits d) develops
120. Plasma is a ----- and yellow liquid that carries red and white cells in our blood.
a) useful b) healthy c) alive d) clear

121. You know that ----- tourists travel abroad.
a) international b) historical c) familiar d) domestic
122. Many kind people are interested in ----- the injured animals.
a) saving b) destroying c) cutting d) hurting
123. Doctors say useful foods keep us healthy and -----.
a) clear b) alive c) different d) famous
124. The ----- dentist gave two billion yen to charity.
a) ancient b) generous c) comfortable d) usual
125. You'll----- yourself a lot of time if you take the car.
a) plan b) save c) solve d) prepare
126. Some countries -----a lot of tourists every year.
a) spend b) prepare c) break d) attract
127. She's very kind and everybody speaks about her good nature. "nature" means -----.
a) safety b) injury c) living d) personality
128. Many great men and women try hard to find -----.
a) facts b) novels c) cradles d) buildings
129. Some scientists never give up while they are doing research. "give up" means -----.
a) grow b) quit c) seek d) use
130. Egypt in Africa is famous for its ----- pyramids.
a) similar b) wonderful c) hospitable d) international
131. We speak Persian at home so that the boys don't forget their language and -----.
a) behavior b) image c) destination d) culture
132. In one small drop of blood there are millions of red -----.
a) rings b) cells c) liquid d) facts
133. I hurt my hand when I was playing volleyball yesterday. "hurt" means -----.
a) cut b) injured c) saved d) hunted
134. You should go to the Australian ----- to get a visa.
a) destination b) airport c) embassy d) laboratory
135. There are thousands of white ----- in a drop of blood.
a) liquid b) rings c) facts d) cells
136. Iran is a great ----- for tourists from other parts of the world.
a) embassy b) continent c) destination d) behavior
137. White cells in our blood ----- our body against microbes.
a) carry b) defend c) keep d) collect
138. Tigers are wild animals of the Asian cat family. "wild" is an opposite of -----.
a) hurtful b) domestic c) safe d) dead
139. She's energetic. She's always doing something. "energetic" means -----.
a) interested b) famous c) useful d) active
140. When you are going abroad, you should get to the airport 2 hours before ----- flight.
a) domestic b) local c) popular d) international

141. Please speak more ----- so that everybody can hear you.
a) loudly b) quietly c) bravely d) politely
142. Everybody knows my brother. Actually he's -----.
a) interested b) possible c) natural d) famous
143. Each year, many people from all parts of the world visit Iran's -----.
a) information b) attractions c) language d) vacation
144. London's airports ----- one hundred thousand domestic flights a year.
a) save b) plan c) attract d) attend
145. Blood is a ----- gift from Allah. It's really amazing.
a) wonderful b) healthy c) famous d) powerful
146. Many Muslims from other parts of the world travel to Iran and go to holy ----- in Mashhad.
a) shrines b) cultures c) behavior d) suggestion
147. We can thank Allah by ----- our body healthy.
a) collecting b) carrying c) keeping d) defending
148. They had a car accident, but they are alive. "alive" is an opposite of -----.
a) safe b) wild c) dead d) hurtful
149. There isn't much ----- for young people in this town- just the cinema and a park.
a) experiment b) suggestion c) entertainment d) interest
150. This homework can develop your writing -----.
a) key b) end c) shelf d) skill
151. Some scientists tried hard while they were working on -----.
a) answers b) problems c) skills d) pains
152. When we have different idea, we should ----- their opinions without any problem.
a) attract b) respect c) locate d) spend
153. I don't remember -----, but I think it was last Friday.
a) exactly b) quietly c) suitably d) neatly
154. We can ----- Allah by saving the nature and wildlife.
a) keep b) thank c) seem d) defend
155. Some people destroy beautiful jungles in our country. "jungle" means -----.
a) lake b) earth c) forest d) plain
156. She's interested in medicine. She wants to work in a hospital and helps -----.
a) writers b) builders c) patients d) beliefs
157. Why don't you pay attention to me? "attention" is a synonym for -----.
a) safe b) care c) injury d) harm
158. The translator was great and wonderful. He could speak five -----.
a) cultures b) languages c) ceremonies d) behavior
159. children must not eat ----- food. It's not good for their health.
a) wide b) safe c) neat d) junk
160. They returned the African elephants to their ----- home.
a) amazing b) natural c) endangered d) easy

161. Camels are ----- they do not drink water all day long.
a) neat b) fresh c) medium d) fantastic
162. Do you know the ----- of knowledge? It develops our lives.
a) light b) cradle c) value d) pain
163. Tom didn't see any ----- faces at the party. He didn't know anybody.
a) hospitable b) similar c) familiar d) attractive
164. I have an information ----- that can help me to know about different countries.
a) activity b) embassy c) booklet d) departure
165. There are a few trees in our garden. "a few" is an opposite of -----.
a) around b) instead c) near d) many
166. Planets and stars are different from each other. They aren't so much -----.
a) rocky b) near c) alike d) alive
167. It's important to ----- science to students at schools.
a) recite b) teach c) rest d) quit
168. Cats and dogs are domestic animals. "domestic" is an opposite of -----.
a) dead b) safe c) hurtful d) wild
169. You can see our website or ----- this booklet to get more information.
a) locate b) attract c) spend d) check
170. Our holy prophet (PBUH) said, "----- knowledge from cradle to the grave."
a) attend b) quit c) seek d) solve
171. One of the smallest ----- of our body is the cell.
a) parts b) orbits c) facts d) types
172. Some ----- do not pay attention to the wild life. They hunt all the animals.
a) trips b) programs c) advice d) hunters
173. The best way to learn a ----- language is to live in a country where it is spoken.
a) domestic b) foreign c) popular d) successful
174. Tell me -----, Kate, what do you think of John?
a) suitably b) probably c) honestly b) suitably
175. My father is a good person. He never ----- the animals in the jungle.
a) hunts b) cuts c) hopes d) protects
176. It's ----- that our body is one of the wonders of creation.
a) clever b) clear c) alive d) alike
177. A: "Is your little brother taller than last year?" B: "Yes, children ----- rapidly."
a) put aside b) grow up c) look for d) look like
178. Can camels travel ----- hot and dry deserts with little food and water?
a) against b) during c) across d) without
179. Did you know that most of the world's ----- countries are in Africa?
a) ugliest b) deepest c) poorest d) farthest
180. A: "Would you like to have dinner with us?" B: "I can't. -----, I have to study tonight."
a) especially b) unfortunately c) easily d) luckily

181. "Raman" decided to----- city life and live in a small village.
a) grow up b) give up c) protect d) increase
182. She suddenly ----- that her keys were in her other bag.
a) attended b) observed c) remembered d) behaved
183. You know that ----- tourists travel to different parts of their own country.
a) international b) historical c) familiar d) domestic
184. What do you ----- when you say everything is possible?
a) destroy b) hurt c) cut d) mean
185. You can take pictures with this camera easily and fast because it's really -----.
a) absent b) energetic c) successful d) modern
186. Planets are really amazing but not so much ----- . They are different.
a) nearer b) alike c) useful d) rocky
187. The villagers were very kind and ----- to anyone who visited their village.
a) traditional b) hospitable c) domestic d) historical
188. One of the smallest ----- of our body is the cell. There are millions of them in our body.
a) liquid b) parts c) facts d) signs
189. "Oromia" ----- is in the north west of Iran and is the biggest one inside our country.
a) plain b) jungle c) lake d) trip
190. Living abroad is the best way to learn a foreign -----,
a) embassy b) flight c) language d) suggestion
191. He never ----- his interest for making new things. Finally, he became a great inventor.
a) developed b) published c) grew d) lost
192. The waiter was too rude. He didn't speak -----.
a) rudely b) loudly c) comfortably d) nicely
193. His shoe was very dirty. There were some ----- of blood on it.
a) rings b) drops c) systems d) rocks
194. If you do exercise, you will be healthy and -----.
a) interesting b) useful c) strong d) true
195. My older brother was angry, but he sat down and listened to me -----.
a) angrily b) bravely c) patiently d) rudely
196. She was famous for doing thousands of experiments to find ----- to problems.
a) answers b) cradles c) values d) novels
197. Vegetable sandwiches are easy to -----, so they are useful for short trips.
a) spend b) prepare c) attract d) locate
198. When you go on a long trip, there is a(n) ----- of illnesses, so take care of yourself.
a) plan b) risk c) host d) image
199. My five-year-old daughter always goes to kindergarten happily and is full of -----.
a) oxygen b) fact c) sign d) energy
200. The Russian soldiers ----- the country against foreign enemies many times.
a) attacked b) defended c) fought d) taught

201. I always run all the way home, so my heart is ----- fast.
a) orbiting b) carrying c) pumping d) doing
202. She didn't sleep last night, so no ----- she's tired.
a) wonder b) power c) sign d) fact
203. Do you think a computer will ever be as powerful as your -----?
a) organ b) heart c) nation d) brain
204. It's ----- for you to cross the street when the light is red.
a) powerful b) useful c) rocky d) dangerous
205. It's ----- that the system of our body is among the wonders of creation.
a) alike b) alive c) clever d) clear
206. When you go to the nature on your holiday, don't forget to ----- the fire.
a) fill out b) take care c) put out d) pay attention
207. The ----- to scientists' success is their hard work.
a) gain b) pain c) end d) key
208. My father thinks that Spain is a very popular ----- for traveling in summer.
a) attraction b) pyramid c) entertainment d) destination
209. The policeman answered the tourists politely and -----.
a) patiently b) probably c) rudely d) hungrily
210. He's going to stay at least three weeks, ----- longer.
a) possibly b) safely c) quietly d) neatly
211. Doctors helped people with penicillin while the flu was -----.
a) putting aside b) getting around c) going out d) filling out
212. You should go to the ----- of a foreign country to get visa.
a) agency b) embassy c) booklet d) sites
213. It's not health to eat junk food during your trip. You should ----- your meals yourself.
a) spend b) locate c) attract d) prepare
214. My brother ----- his foot while he was playing football.
a) saved b) hurt c) protected d) heard
215. The cells of our body can get oxygen by every ----- of the heart.
a) pump b) orbit c) ring d) wonder
216. Because of a serious illness, he can't ----- his body as most people can.
a) carry b) collect c) move d) grow
217. It's important to read and to ----- the holy Quran during childhood.
a) publish b) recite c) attend d) cheer
218. At this time of the year, most animals are ----- for winter.
a) spending b) preparing c) checking d) solving
219. Firemen always ----- endangered people from danger.
a) put out b) increase c) hurt d) save
220. My mother knows French. She's going to ----- the holy Quran into French.
a) feel b) solve c) translate d) attend

221. It's important to become ----- with your destination before your trip.
a) familiar b) popular c) attractive d) similar
222. I participate in an online course to learn about ----- the nature.
a) hurting b) saving c) increasing d) hunting
223. They have carpets in wide range of colors in their store, so its difficult to make a -----.
a) suggestion b) choice c) tour d) price
224. She ----- her first book when she was a young student.
a) solved b) quitted c) believed d) published
225. She always eat healthy food. She ----- strong.
a) defends b) seems c) carries d) moves
226. You should know your destination before your trip by reading travel -----.
a) prices b) hosts c) booklets d) paradises
227. I don't know all the ----- about your sister. Is it true that she is a famous person?
a) rings b) creations c) facts d) types
228. She's an excellent teacher and I have the greatest ----- for her.
a) plan b) behavior c) respect d) suggestion
229. If you want to succeed, you have to take a lot of -----.
a) risks b) behaviors c) respects d) prices
230. We must not break any rules in a foreign country. If we want to have a good and ----- trip.
a) holy b) ready c) safe d) polite
231. I do a research about how to ----- animals from danger.
a) protect b) hurt c) hunt d) increase
232. One of the most interesting ----- about our body is blood.
a) orbits b) wonders c) rings d) types
233. We opened an account to ----- money to help injured animals.
a) mean b) destroy c) attend d) save
234. I really like math. I can ----- math problems fast.
a) develop b) solve c) grow d) quit
235. My father is a good firefighter. He ----- the fire fast and helps the people.
a) pays attention b) puts out c) destroys d) protects
236. Firefighters always work quickly. The opposite of "quickly" is -----.
a) rapidly b) easily c) slowly d) sadly
237. It's important to ----- nature and people and everything during our trip.
a) spend b) respect c) locate d) prepare
238. The firefighters always ----- of their car fast.
a) fill out b) put aside c) put out d) jump out
239. Doctors say suitable and useful foods ----- us healthy and alive.
a) collect b) carry c) seem d) keep
240. You're breaking the ----- if you touch the ball with your hands.
a) prices b) skills c) shelves d) rule

241. A: "In which ----- can we visit the ancient pyramids?" B: "I think Africa."
a) suggestion b) entertainment c) continent d) country
242. A: "What's your advice about the nature?" B: "Never ----- wildlife."
a) protect b) put out c) hunt d) destroy
243. Red blood cells ----- carbon dioxide from body parts.
a) carry b) collect c) defend d) keep
244. White cells in our blood defend our body ----- microbes.
a) like b) without c) around d) against
245. If you don't have an accident on the snowy roads, you should be able to return -----.
a) loudly b) bravely c) safely d) neatly
246. His family had a terrible accident, all of them are -----.
a) natural b) special c) injured d) domestic
247. Yesterday a careless driver ----- me and hurt my hand.
a) put b) hit c) lost d) grew
248. You should make a/an ----- between your family and your job.
a) choice b) trip c) vacation d) pyramid
249. I work in a company that ----- children's books.
a) publishes b) believes c) observes d) behaves
250. My older brother wants to go to ----- to study medicine when he finishes high school.
a) laboratory b) university c) drugstore d) hospital
251. -----, fire destroyed most of their house in 1828.
a) Fortunately b) Especially c) Sadly d) Naturally
252. The ----- of the French novel into Chinese took him more than three months.
a) research b) translation c) knowledge d) success
253. My friend is very upset because her father ----- in a car accident last week.
a) forgot b) attended c) passed away d) put aside
254. The earth is ----- to an orange in shape.
a) familiar b) attractive c) similar d) actual
255. He never lost his interest for making new things. Finally, he became a great -----.
a) translate b) inventor c) experiment d) knowledge
256. Is this film appropriate for small children? The underlined word means -----.
a) amazing b) weak c) suitable d) successful
257. When I went to Egypt, I kept my ticket as a ----- of my trip.
a) booklet b) rule c) souvenir d) suggestion
258. Blood is an amazing ----- from Allah. We really thank Allah.
a) drop b) gift c) cell d) type
259. I love the animals and I always take care of the -----.
a) humans b) present c) wildlife d) plains
260. The key to scientists' success is their ----- in themselves.
a) research b) experiment c) belief d) invention

261. I have a bad headache. I want to buy some -----.
a) research b) medicine c) experiment d) invention
262. We can ----- our body healthy by doing exercise.
a) keep b) collect c) defend d) seem
263. We can thank Allah by keeping our body -----.
a) different b) interesting c) healthy d) daily
264. We had an exam but we couldn't ----- on time and failed it.
a) arrive b) value c) feel d) need
265. A: "What's your favorite hobby?" B: "Going to the ----- and looking at the flowers."
a) future b) earth c) nature d) spring
266. If anyone has a better -----, let's hear it.
a) choice b) culture c) suggestion d) image
267. She thought a lot about how to ----- this winter vacation.
a) spend b) wait c) save d) attract
268. Ancient places of Iran are ----- for the tourists.
a) rapid b) attractive c) religious d) kind
269. Tom usually eats ----- fruits and vegetables, and doesn't eat meat.
a) fresh b) actual c) familiar d) local
270. I watched a film about the ----- of the blood stream.
a) exercise b) body c) system d) part
271. When you can't do something the first time you should try -----.
a) again b) little c) before d) one time
272. My friend is really brave. She plays with ----- animals in the jungle.
a) wild b) domestic c) helpful d) important
273. Culture is the special belief and ----- of a group of people.
a) behavior b) journey c) experiment d) fun
274. My mother uses ----- vegetables for cooking so our dinner is always great.
a) true b) clear c) medium d) fresh
275. The students should wear ----- clothes for attending the classes.
a) dirty b) metal c) appropriate d) old
276. It was too late to save the sick woman, and she -----.
a) attacked b) died c) worried d) swam
277. I was ----- to show my bad marks in math to my parents.
a) happy b) ashamed c) running d) glad
278. She always ----- herself with the best students of the class.
a) surf b) respect c) compare d) invite
279. The French word 'bonjour' ----- as 'hello' in English.
a) publishes b) develops c) translates d) believes
280. What did people do for ----- at home before inventing TV?
a) behavior b) entertainment c) culture d) attraction

281. Some people do not ----- to the nature and they cut the trees in the jungles.
a) pay attention b) put out c) die out d) protect
282. Humans change some metals into ----- by making them hot.
a) sign b) liquid c) fact d) cell
283. If you water this plant too much, you'll ----- it.
a) kill b) quit c) create d) hunt
284. A: "How are they ----- the jungles?" B: "By putting out the fire."
a) destroying b) burning c) saving d) cutting
285. Our knowledge ----- by studying new books.
a) develops b) cleans c) invents d) drops
286. Children usually learn foreign languages very -----.
a) suddenly b) recently c) finally d) quickly
287. Telescopes and microscopes are every ----- machines for working on different creations.
a) daily b) true c) useful d) medium
288. Everybody should respect other people's -----.
a) site b) pain c) flight d) culture
289. To get a visa, you should go to the Swedish -----.
a) embassy b) history c) culture d) museum
290. You can go to the ----- to see planets or stars.
a) systems b) wonders c) villages d) observatories
291. "How can you help ----- animals like Iranian cheetahs?"
a) natural b) favorite c) terrible d) endangered
292. The police ----- a man leaving the house this morning.
a) attended b) behaved c) observed d) developed
293. Schools here put ----- on listening and speaking.
a) health b) care c) emphasis d) medicine
294. Wonders of creation like our blood or our bones are ----- of God's power.
a) signs b) rings c) nature d) rocks
295. A: "What's your ----- for the future?" B: "I'd like to be a good teacher."
a) safe b) danger c) wildlife d) plan
296. My sister studied ----- at one of the best universities in the country. She is a famous doctor.
a) translation b) medicine c) science d) disease
297. They ----- all the employees before starting their job.
a) interview b) ask c) answer d) develop
298. He will easily find a job with his knowledge and ----- soon.
a) beliefs b) values c) skills d) facts
299. In summer, its ----- until about eight o'clock.
a) power b) light c) deep d) fresh
300. Everybody should be careful about his behavior in a ----- country.
a) proper b) wonderful c) probable d) foreign

301. Honey is a ----- and yellow liquid that is really useful for our health.
a) medium b) true c) clear d) alike
302. A: "How can you help the endangered animals? B: "By ----- their homes."
a) protecting b) destroying c) cutting d) putting out
303. Doctors try to find new ----- to save the lives of the people.
a) hospitals b) places c) tests d) medicines
304. Her parents are really generous. The synonym of the underlined word means -----.
a) mean b) kind c) hospitable d) angry
305. A ----- is a person who does experiment to find answers to the problems.
a) scientist b) sportsman c) driver d) policeman
306. It's so ----- that all the parts of our body are wonders of creation.
a) alike b) clear c) alive d) next
307. A: "Are they ----- animals?" B: "Yes, they are Iranian cheetahs."
a) injured b) endangered c) domestic d) lost
308. I wanted to take my friend's ----- to take pictures of tom's new house.
a) cradle b) shelf c) lens d) camera
309. -----, the firefighters put out the fire before it became too serious.
a) Especially b) Fortunately c) Patiently d) Sadly
310. If you look at the sky at night, you can see ----- of stars easily.
a) beliefs b) science c) values d) thousands
311. Do not worry about winning or losing, think of what you will -----.
a) quit b) attend c) gain d) seek
312. My doctor told me to stay in bed ----- I feel better.
a) against b) like c) during d) until
313. Do you believe that computer is one of the most important ----- of the human?
a) translation b) invention c) knowledge d) research
314. We waited for him until two o'clock and ----- we went home.
a) suddenly b) easily c) finally d) hopefully
315. You must always have the ----- that you can be successful.
a) interest b) skill c) belief d) power
316. He didn't want to be left on his own. The underlined part means -----.
a) strong b) worried c) alive d) alone
317. My older brother is able to ----- Persian into English very easily.
a) translate b) take c) send d) turn
318. Chips and cookies are not ----- foods for little children.
a) healthy b) ancient c) cultural d) local
319. The doctor gave my younger sister some ----- to take for her cough this morning.
a) medicine b) liquid c) metal d) experiment
320. Tom told me that Mary was good at playing the piano, but I didn't really ----- him until I heard her play.
a) observe b) stop c) believe d) remember

321. He drove so fast that I really felt my life was in -----.
a) care b) danger c) health d) hope
322. My uncle brought some nice ----- from his holiday in Shiraz.
a) souvenirs b) winds c) pilgrims d) flights
323. My friend was ----- in math so I helped him a lot.
a) weak b) strong c) angry d) happy
324. Don't ----- if you can't finish all the questions.
a) defend b) worry c) fight d) attack
325. Something you keep to help you remember a place is called a -----.
a) shop b) souvenir c) booklet d.) pyramid
326. My friend didn't come on time and wanted me to ----- for him a long time.
a) wait b) count c) invent d) waste
327. Viruses need to be inside a ----- cell to live and grow.
a) deaf b) liquid c) clean d) living
328. Tom had a ----- in his stomach, so he went to the hospital.
a) pain b) cell c) wall d) pen
329. Suddenly, she ----- laughing and looked serious.
a) forgot b) stopped c) gained d) behaved
330. Tradition and ----- are sometimes different with the needs of modern living.
a) culture b) nature c) program d) information
331. These animals sleep in the day and ----- at night.
a) burn b) hunt c) run d) plant
332. Bacteria and viruses are two important ----- of microbes.
a) types b) elements c) drops d) areas
333. A small bed for a baby, especially one that moves from side to side is a / an -----.
a) grave b) shelf c) cradle d) orbit
334. Finally, after many years of war, people on both sides wanted -----.
a) fight b) peace c) attack d) value
335. The teacher ----- the importance of education and hard working.
a) collected b) donated c) dropped d) emphasized
336. The Hubble Telescope ----- the Earth every 97 minutes.
a) defends b) protects c) pumps d) orbits
337. When I have a ----- I ask my father to help me.
a) gain b) notice c) device d) problem
338. I don't want to ----- when I don't know the answer to a problem.
a) give up b) pass away c) look for d) turn on
339. I asked him a simple question but he gave me a long and boring -----.
a) test b) knowledge c) answer d) experiment
340. She does ----- work for the Red Cross two days a week.
a) hopeless b) voluntary c) harmful d) soft

341. The national football team will ----- in Tokyo tomorrow afternoon.
a) keep b) bore c) arrive d) move
342. The bomb will probably ----- the soldiers and destroy the bridge.
a) water b) find c) kill d) cut
343. We ----- out of the class when we heard the loud noise.
a) searched b) needed c) visited d) jumped
344. I'm sure my uncle hasn't gone ----- since 2010. He has always been in Iran.
a) across b) abroad c) above d) inside
345. Every year, we ----- our blood to those who need it.
a) donate b) protect c) take care of d) pump
346. I feel ----- that I brought to you so much trouble.
a) ashamed b) happy c) cold d) safe
347. My grandfather remembered the names from seventy years ago - isn't that very -----?
a) natural b) boring c) amazing d) tiring
348. My older brother was thirsty so he asked me ----- for a glass of water.
a) safely b) patiently c) politely d) probably
349. He wants to do ----- into the nature of human cells.
a) science b) knowledge c) research d) interest
350. We don't exactly know if he is ----- or dead.
a) suitable b) famous c) fake d) alive
351. The film was so ----- that I left the cinema in the middle of it.
a) dry b) correct c) boring d) new
352. The Great Wall of China is one of the seven ----- of the world.
a) signs b) details c) abilities d) wonders
353. I can't ----- the meeting but I'll send my friend instead.
a) attempt b) focus c) attend d) destroy
354. Don't ----- all your money on the first day of your holiday!
a) spend b) check c) gain d) shop
355. Tom has the flu and he's feeling ----- now.
a) poor b) energetic c) weak d) fresh
356. Keeping the house ----- and clean is a very difficult work.
a) heavy b) common c) neat d) deep
357. The book was written in a style ----- to the age of the children.
a) rocky b) late c) fresh d) appropriate
358. In the -----, camels are more important than cars for travelling.
a) embassy b) desert c) pyramid d) airport
359. A: "Where the Milad Tower is -----?" B: "In Tehran."
a) prepared b) located c) attracted d) planned
360. Did you know that Hamadan has many interesting historical -----?
a) price b) agents c) hosts d) sites

1	A	41	C	81	A	121	A	161	D	201	C	241	C	281	A	321	B
2	D	42	B	82	C	122	A	162	C	202	A	242	D	282	B	322	A
3	A	43	C	83	C	123	B	163	C	203	D	243	B	283	A	323	A
4	C	44	A	84	B	124	B	164	C	204	D	244	D	284	C	324	B
5	C	45	C	85	D	125	B	165	D	205	D	245	C	285	A	325	B
6	D	46	B	86	A	126	D	166	C	206	C	246	C	286	D	326	A
7	B	47	A	87	B	127	D	167	B	207	D	247	B	287	C	327	D
8	B	48	A	88	B	128	A	168	D	208	D	248	A	288	D	328	A
9	D	49	B	89	D	129	B	169	D	209	A	249	A	289	A	329	B
10	C	50	D	90	D	130	B	170	C	210	A	250	B	290	C	330	A
11	C	51	C	91	B	131	D	171	A	211	B	251	C	291	D	331	B
12	A	52	C	92	C	132	B	172	D	212	B	252	B	292	C	332	A
13	A	53	A	93	A	133	B	173	B	213	D	253	C	293	C	333	C
14	B	54	D	94	D	134	C	174	C	214	B	254	C	294	A	334	B
15	C	55	B	95	B	135	D	175	A	215	A	255	B	295	D	335	D
16	C	56	B	96	B	136	C	176	B	216	C	256	C	296	B	336	D
17	D	57	D	97	B	137	B	177	B	217	B	257	C	297	A	337	D
18	B	58	B	98	A	138	B	178	C	218	B	258	b	298	C	338	A
19	B	59	C	99	B	139	D	179	C	219	D	259	C	299	B	339	C
20	D	60	C	100	B	140	D	180	B	220	C	260	c	300	d	340	B
21	D	61	D	101	B	141	A	181	B	221	A	261	B	301	C	341	C
22	B	62	D	102	B	142	D	182	C	222	B	262	A	302	A	342	C
23	B	63	C	103	C	143	B	183	D	223	B	263	C	303	D	343	D
24	D	64	D	104	D	144	B	184	D	224	D	264	A	304	B	344	B
25	B	65	D	105	C	145	A	185	D	225	B	265	C	305	A	345	A
26	B	66	C	106	C	146	A	186	B	226	C	266	C	306	B	346	A
27	D	67	B	107	A	147	C	187	B	227	C	267	A	307	B	347	C
28	A	68	A	108	A	148	C	188	B	228	C	268	B	308	D	348	C
29	D	69	C	109	B	149	C	189	C	229	A	269	A	309	B	349	C
30	C	70	A	110	A	150	D	190	C	230	C	270	C	310	D	350	D
31	D	71	C	111	C	151	B	191	D	231	A	271	A	311	C	351	C
32	A	72	B	112	C	152	B	192	D	232	B	272	A	312	D	352	D
33	D	73	A	113	D	153	A	193	B	233	D	273	A	313	B	353	C
34	B	74	B	114	C	154	B	194	C	234	B	274	D	314	C	354	A
35	D	75	D	115	B	155	C	195	C	235	B	275	C	315	C	355	C
36	A	76	B	116	C	156	C	196	A	236	A	276	B	316	D	356	C
37	A	77	A	117	C	157	B	197	B	237	B	277	B	317	A	357	D
38	C	78	C	118	C	158	B	198	B	238	D	278	C	318	A	358	B
39	C	79	D	119	D	159	D	199	D	239	D	279	C	319	A	359	B
40	A	80	C	120	D	160	B	200	B	240	D	280	B	320	C	360	D

Part Three:

“Vision 2”

English for 11th Grade

- **Lesson 1:** *Understanding people* 57
- **Lesson 2:** *A Healthy Lifestyle* 64
- **Lesson 3:** *The power of Art* 71

Lesson One:

“Understanding People”

”فہم مردم“

لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Key Words of Vision Two (Lesson One))

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
ability	توانایی - لیاقت ، شایستگی	completely	کاملاً
absolutely	کاملاً ، قطعاً	confident	مطمئن
access	دسترسی، دستیابی - اضافی	consider	بررسی کردن، در نظر گرفتن
across	از عرض ، در امتداد	context	(جمله) بافت
action	اقدام، عمل	continent	قاره
add	اضافه کردن، جمع بستن	create	ایجاد کردن
additional	اضافی	cultural	فرهنگی
afraid	ترسیدن، نگران بودن	culture	فرهنگ
age	سن، عمر - عصر ، دوره	danger	خطر
always	همیشه	day-to-day	روزانه
amazing	شگفت انگیز، حیرت برانگیز	deaf	کر، ناشنوا
amount	مقدار، میزان	despite	علی رغم - با وجود ، با اینکه
appear	آشکار شدن - به نظر رسیدن	destroy	تخریب کردن، نابود کردن
appropriate	مناسب، شایسته ، درخور	develop	توسعه دادن، گسترش دادن
artist	هنرمند ، هنرپیشه	development	توسعه
at least	حداقل	dictionary	فرهنگ لغت
available	موجود، در دسترس	die	(زبان) از بین رفتن ، مردن
beginner	مبتدی، تازه کار	die out	از بین رفتن، منقرض شدن
beginning	شروع، آغاز، ابتدا	difference	تفاوت، اختلاف
belief	اعتقاد، باور، ایمان	disappear	ناپدید شدن
belong	تعلق داشتن به، وابسته بودن به	early	زود، به زودی - اولیه
besides	به غیر از، علاوه بر	endangered	در معرض خطر
broadcast	پخش (برنامه تلویزیونی و...)	enjoy	لذت بردن
borrow	قرض گرفتن	escape	فرار کردن
bottle	بطری	exchange	مبادله کردن، عوض کردن
call	نامیدن، صدا زدن - تماس گرفتن	exercise	تمرین (درس) - ورزش
candle	شمع	explanation	توضیح
capital letter	حرف بزرگ	exist	وجود داشتن، هستی داشتن
century	قرن	experience	تجربه
certainly	قطعاً ، مسلماً	fall down	افتادن، سقوط کردن

choose	انتخاب کردن	farming	کشاورزی
circle	دور ... خط کشیدن، چرخیدن	favorite	مطلوب، مورد علاقه
communicate	ارتباط برقرار کردن	feeling	احساس
comb	شانه (برس موی سر)	finally	در نهایت، سرانجام
communication	ارتباط	fluent	(سخن) روان، سلیس
complete	کامل کردن، تکمیل کردن	fluently	به طور روان

لغات مهم درس اول پایه یازدهم *Key Words of Vision Two (Lesson One)*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
foreigner	خارجی	matter	مسئله، مشکل
form	تشکیل دادن	mean	معنی دادن، منظور داشتن
fortunately	خوشبختانه	means	وسیله، ابزار
frequently	اغلب، پی در پی، به طور مکرر	measure	اندازه گیری کردن
give up	رها کردن، تسلیم شدن	meet	برآورده کردن - ملاقات کردن
grade	نمره - درجه، کلاس	mental	ذهنی
greatly	زیاد، به طور عمده	mention	بیان کردن، ذکر کردن
happen	اتفاق افتادن، روی دادن	mind	ذهن
hint	اشاره، نکته	mother tongue	زبان مادری
holy	مقدس	museum	موزه
honest	درستکار، صادق، راستگو	nation	ملت، کشور
honestly	به درستی، صادقانه	native	بومی، مادری، محلی
host	میزبان، مجری تلویزیونی	nearly	تقریباً، تا حدودی
imagine	تصور کردن	neighbor	همسایه
impossible	غیر ممکن	never	هرگز
increase	افزایش دادن	notebook	دفترچه یادداشت
institute	مؤسسه	notice	توجه
intent	قصد، تمایل	nowadays	این روزها، امروزه
interest	علاقه	number	عدد، رقم - شماره
international	بین المللی	object	مفعول - شیء
interview	مصاحبه کردن، مصاحبه	often	اغلب
invite	دعوت کردن	orally	به طور شفاهی
knowledge	دانش	order	سفارش دادن - نظم، ترتیب
label	نشان، برچسب، برچسب زدن	pattern	الگو، روش
language	زبان	period	نقطه - دوره زمانی
largely	زیاد، به طور عمده	photograph	عکس
laugh	خندیدن	phrase	عبارت
less	کمتر	physical	جسمی، بدنی
list	فهرست کردن، فهرست، لیست	pick	برداشتن

loaf	(نان) قرص	popular	محبوب - پر طرفدار
lose	از دست دادن، گم کردن - باختن	power	قدرت، توان - نیروی برق
loudly	با صدای بلند	predictive	قابل پیش بینی
luckily	خوشبختانه	price	قیمت، نرخ، بها - ارزش
make up	تشکیل دادن	percent	درصد
mark	علامت گذاری کردن، نشانه، علامت	probable	محتمل، احتمالی
master	یادگرفتن، مسلط شدن، استاد	project	پروژه، طرح، برنامه

لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) Key Words of Vision Two

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
pronounce	تلفظ کردن	strong	قوی
pronunciation	تلفظ	subject	فاعل - موضوع
protect	حمایت کردن، محافظت کردن	suggest	پیشنهاد دادن
protection	حمایت، محافظت	suitable	مناسب - شایسته
quiet	ساکت، آرام، بی صدا	surf	گشتن در (اینترنت)
quit	ترک کردن	surprising	تعجب آور - شگفت انگیز
range	امتداد داشتن - در نوسان بودن	syllable	هجا بخش (کلمه)
ready	آماده - حاضر	synonym	هم معنی - مترادف
receive	بدست آوردن، دریافت کردن	system	سیستم
remember	به خاطر آوردن	take	گرفتن - برداشتن
repeat	تکرار کردن	therefore	بنابراین
respect	احترام گذاشتن	through	از طریق - از میان، از وسط
save	ذخیره کردن	tiny	کوچک، ریز
scan	نگاه سریع انداختن	tongue	زبان - بر زبان آوردن
seek	جستجو کردن	translate	ترجمه کردن
sign	نشانه	translator	مترجم
sign language	زبان اشاره	turn off	خاموش کردن
similar	مشابه، یکسان	twice	دوبار
simple	ساده، آسان	type	نوع، دسته - تایپ کردن
simply	به سادگی	under	زیر
skill	مهارت - استادی - هنرمندی	underline	زیر... خط کشیدن
slice	تکه - قاچ، برش	understand	فهمیدن، متوجه شدن، درک کردن
smart	باهوش، زرنگ	unfortunately	متأسفانه
society	جامعه، اجتماع	usually	معمولاً
sometimes	گاهی، بعضی اوقات	valuable	با ارزش، گران بها
space	فضا - فاصله	value	ارزش، بها، نرخ
speaker	سخنران. گوینده	vary	تغییر دادن، نوسان کردن، عوض کردن
specific	ویژه، خاص	visit	دیدن، ملاقات کردن

step	مرحله ، قدم	way	روش ، راه ، شیوه ، طریقه
storybook	کتاب داستان	wish	آرزو
strategy	راهکار - استراتژی	written	کتبی ، نوشتاری
stress	تأکید - استرس	wrongly	به اشتباه ، غلط

سایر لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) Other Words of Vision Two

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
happiness	خوشحالی	survive	زنده ماندن
vocabulary	واژگان	compare	مقایسه کردن
honesty	صداقت ، درستکاری	training	آموزش
fear	ترس	layer	لایه
luck	شانس ، بخت	straight	مستقیم ، راست
patience	صبر	willing	مایل ، مشتاق
cement	سیمان	continuously	پیوسته ، همیشگی
grass	چمن	firmly	محکم ، ثابت
butter	کره	transfer	انتقال دادن
toothpaste	خمیر دندان	advance	پیشرفت ، پیش بردن
steam	بخار ، بخار آب	population	جمعیت
wrestling	کشتی گرفتن	run	دویدن ، اداره کردن
flour	آرد	carelessness	بی فکری ، بی توجهی ، بی مبالایی
dust	گرد و غبار	doubt	شک داشتن
chalk	گچ	reach	رسیدن به ، دست یافتن
sand	شن	promise	قول دادن
salt	نمک	admit	پذیرفتن ، اجازه دادن
transportation	حمل و نقل	entirely	کاملاً
furniture	اسباب ، وسایل	actually	در واقع
equipment	تجهیزات	lie	دروغ گفتن
jewelry	جواهر فروشی	suffer from	رنج بردن از
machinery	دستگاه	during	در زمان ، در طی

یادداشت:

۳۰ تست واژه درس یک Vocabulary Tests (Lesson 1)

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

توجه: لطفاً قبل از شروع به تستی زنی، سعی کنید لغات مهم این درس را حفظ کنید.

1. Our ----- to think and speak makes us different from other animals.
a. ability b. activity c. research d. memory
2. Everyone needs to have both ----- and physical health.
a. mental b. religious c. careful d. reasonable
3. Like so many other companies at that time, we had to ----- to survive.
a. borrow b. exist c. master d. form
4. These days it is very difficult to predict what will ----- next year.
a. respect b. communicate c. imagine d. happen
5. To be quite -----, I don't think your son will be successful in this field of study.
a. honest b. worry c. strange d. familiar
6. The police ----- the copy with the original, but there was not much difference.
a. combined b. connected c. compared d. considered
7. Most of the ancient languages have ----- because they have no speakers.
a. gone out b. died out c. given up d. come in
8. That book is appropriate for young children. "appropriate" means -----.
a. efficient b. various c. suitable d. explicit
9. Education and training are the most effective ----- of importing a nation's culture.
a. layers b. results c. means d. functions
10. Every month the group meets so its members can ----- their opinions.
a. contrast b. range c. exchange d. imagine
11. I didn't believe his ----- that he had stolen the money to give it to charity.
a. space b. notice c. value d. explanation
12. At my mom's birthday, I booked a table for four at her ----- restaurant.
a. extra b. native c. favorite d. impossible
13. Mother ----- is the first language that you learn when you are a baby.

- | | | | |
|--------------------|------------------|----------------|----------------------|
| a. interest | b. tongue | c. sign | d. experience |
|--------------------|------------------|----------------|----------------------|
14. The road was very busy and we lost ----- time in heavy traffic.
a. wrong **b. valuable** **c. probable** **d. mental**
15. It would not be most ----- for all of us to discuss it now before we make any decision.
a. public **b. straight** **c. willing** **d. appropriate**
16. Galileo was ----- the first person to use the telescope to observe the sky.
a. continuously **b. firmly** **c. recently** **d. probably**
17. Computers have given banks the ----- to do millions of transfers a day.
a. variety **b. process** **c. power** **d. voluntary**
18. Because of advances in the world, the ----- of family life has changed recently.
a. choices **b. patterns** **c. schedules** **d. actions**
19. Average temperatures in April ----- from 15 to 25 degrees.
a. scan **b. master** **c. range** **d. imagine**
20. It's clear that fluency and ----- are more important than grammar when speaking.
a. pattern **b. tongue** **c. step** **d. communication**
21. I couldn't communicate with him in English, -----, I had to use body language.
a. besides **b. therefore** **c. in addition** **d. however**
22. When preparing meals, you need to think about variety, taste and nutritional -----.
a. values **b. points** **c. beliefs** **d. prices**
23. We must also consider the needs of the younger members of population to have a good -----.
a. society **b. grade** **c. history** **d. experience**
24. By practicing regularly, her piano playing has ----- improved.
a. greatly **b. honestly** **c. wrongly** **d. probably**
25. -----, most of the road accidents happen because of the drivers' carelessness.
a. Luckily **b. Nowadays** **c. Fortunately** **d. Wrongly**
26. Reza is not happy with his income, so he is ----- a new job in a larger city.
a. turning on **b. turning up** **c. looking for** **d. looking after**
27. Ali and Mehdi run a large company together and are very good business -----
a. winners **b. students** **c. patterns** **d. beginners**
28. He travelled all ----- ranged from Europe to Asia to raise money for charity.
a. cities **b. towns** **c. continents** **d. states**
29. He had no doubts about his team's ----- to reach the World Cup Finals.
a. ability **b. region** **c. pattern** **d. grade**
30. I know from ----- that Tony never keeps his promises.
a. communication **b. experience** **c. society** **d. mind**

پاسخنامه کلیدی تستهای واژگان درس اول

Vocabulary Tests (lesson 1)											
1	A	6	C	11	D	16	D	21	B	26	C
2	A	7	B	12	C	17	C	22	A	27	C
3	A	8	C	13	B	18	B	23	A	28	C
4	D	9	C	14	B	19	C	24	A	29	A
5	A	10	C	15	D	20	D	25	B	30	B

Lesson Two:

“A healthy Lifestyle”

”یک شیوه زندگی سالم“

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson Two) Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
a bit	یه خورده، یه کم	cycling	دوچرخه سواری
active	فعال	dead	مرده
activity	فعالیت	death	مرگ
addict	معتاد	defend	دفاع کردن از، حمایت کردن
addictive	اعتیادآور	definition	تعریف، معنی - مشخصات
addiction	اعتیاد	depressed	نا امید
all right	درسته، بسیار خوب	describe	توصیف کردن
anti- cancer	ضد سرطان	description	توصیف
asleep	خوابیده	details	جزئیات
attend	شرکت کردن، حضور یافتن در	diet	رژیم غذایی
attention	توجه	direct	هدایت کردن، مستقیم
avoid	خودداری کردن - اجتناب کردن	discuss	بحث کردن
balanced	متوازن - متعادل	disease	بیماری
bear	تحمل کردن - به دنیا آوردن - خرس	disagree	مخالفت کردن
behave	رفتار کردن	dislike	دوست نداشتن
behavior	رفتار	disorder	بی نظمی، ناهماهنگی
blood pressure	فشار خون	drug	دارو، مواد مخدر
boat	قایق	educate	با سواد کردن
business	تجارت - حرفه - کار	education	تحصیلات، آموزش
call sb back	تماس گرفتن	educated	با سواد، تحصیل کرده
calm	آرام، خونسرد	effect	اثر، نتیجه - مفهوم - نیت
candy	آب نبات - شیرین کردن	effective	مؤثر
case	حالت، مورد، قضیه، نمونه	emergency	اورژانسی
certain	مطمئن - مشخص	emotion	احساس
check in	پذیرش شدن	emotional	احساسی، عاطفی
clear	واضح، شفاف - پاک کردن	enable	قادر ساختن
climb	بالا رفتن	even	حتی
come back	برگشتن	event	رویداد، حادثه، رخداد

common	عادی ، رایج ، متداول	ever	تا به حال - هرگز
conditions	شرایط	excellent	عالی ، محشر
confuse	گیج کردن	exciting	هیجان بر انگیز
contain	شامل بودن ، در بر داشتن	exercise	تمرین - ورزش
cook	آشپز - پختن	factor	عامل ، فاکتور
couch potato	معتاد تلویزیون	fat	چاق - چربی
cure	معالجه کردن ، درمان کردن	fight	جنگ ، دعوا ، درگیری
cycle	دوچرخه سواری کردن - چرخه، دوره	flat	مسطح ، هموار، آپارتمان- پنجر

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Key Words of Vision Two (Lesson Two))

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
flight	پرواز	hurt	صدمه زدن ، آسیب رساندن
forbid	ممنوع کردن - قدغن کردن	idea	ایده ، نظر ، عقیده
forbidden	ممنوع، قدغن	identify	شناسایی کردن، تشخیص دادن
frequency	تکرار	identification	شناسایی
fully	پر ، مملو	illness	بیماری
function	عملکرد ، کاربرد	improve	بهبود بخشیدن
gain	به دست آوردن، کسب کردن	include	شامل بودن ، در بر داشتن
general	معمولی ، عادی	incomplete	ناکامل ، ناتمام، ناقص
gerund	اسم مصدر	incorrect	نادرست ، غلط
get away	فرار کردن - ترک کردن	increase	افزایش دادن
get up	از خواب بیدار شدن	influence	تحت تاثیر قرار دادن
give up	رها کردن ، تسلیم شدن	invention	اختراع
goal	هدف ، مقصد ، منظور	invitation	دعوت
go away	دور شدن ، رفتن	jog	آهسته دویدن- هل دادن، تنه زدن
good at	خوب در	join	پیوستن ، ملحق شدن، متصل شدن
groceries	خور و بار	junk food	غذای ناسالم ، هله هوله
grow up	رشد کردن ، بالغ شدن	keep on	ادامه دادن
guess	حدس زدن	laugh	خندیدن
guest	مهمان	laughter	خنده
habit	عادت	lazy	تنبل
hang out	وقت گذراندن	leave	ترک کردن ، جا گذاشتن
happen	اتفاق افتادن	lifestyle	شیوه زندگی
happening	اتفاق ، رویداد	limit	محدود کردن ، منحصر کردن
harm	ضرر	line	خط- سطر ، ردیف - ریسمان
harmful	مضر	look after	مراقبت کردن از
harmless	بی ضرر	main	عمده ، اصلی ، اساسی
health	سلامتی ، تندرستی	mainly	عمدتاً ، اساساً
healthy	سالم ، تندرست	make up	تشکیل دادن . جبران کردن

heart attack	سکته قلبی	manner	شیوه ، حالت
heartbeat	ضربان قلب	measure	اندازه گیری کردن
hiking	کوه نوردی، پیاده روی	medical	پزشکی
history	تاریخ ، تاریخچه	medicine	دوا ، دارو - پزشکی
hobby	سرگرمی	member	عضو
homeless	بی خانمان	midday	نصف روز
however	اما ، در هر صورت	middle	وسط ، میانه
hurry up	عجله کردن	midterm	میان ترم

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson Two) Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
miracle	معجزه	quickly	به سرعت
mission	مأموریت	quince	میوه ی به
natural	طبیعی	rarely	به ندرت
necessary	لازم ، ضروری	reality	واقعیت
neighbor	همسایه	reason	دلیل ، علت
noise	سر و صدا ، شلوغی	recent	اخیر ، تازه
Nope!	نه!	recreational	تفریحی ، سرگرمی
normal	عادی ، معمولی	relate	ربط دادن ، مربوط بودن
object	مفعول - شیء	relationship	رابطه
onion	پیاز	replay	باز پخش
opinion	عقیده ، نظر	rethink	تجدید نظر کردن
paper	کاغذ - روزنامه	retire	بازنشسته
part	قسمت ، بخش	rewrite	بازنویسی کردن
partly	تا حدی ، نسبتاً	risk	خطر کردن ، ریسک کردن
patient	بیمار - صبور	sadly	متأسفانه ، با ناراحتی
perfect	عالی، کامل ، تمام	sail	سفر دریایی، حرکت در دریا - بادبان
plan	طرح ، نقشه ، برنامه	secret	راز ، رمز
plain	دشت. جلگه - ساده ، آشکار	serious	جدی ، عبوس ، اخمو
plane	هواپیما	serving	پرس (غذا)
plant	گیاه - کاشتن	situation	موقعیت ، وضعیت
positive	مثبت	skim	سرسرکی خواندن، اجمالی خواندن
possible	ممکن . احتمالی	smartphone	تلفن هوشمند
pray	نماز - عبادت ، دعا	smoker	سیگاری
predict	پیش بینی کردن	social	اجتماعی
prefer	ترجیح دادن	serving	پرس (غذا)
prefix	پیشوند	socialize	معاشرت کردن - اجتماعی کردن
prepare	مهیا کردن ، آماده کردن	special	ویژه ، خاص ، سفارشی
preposition	حرف اضافه	specialist	متخصص ، کارشناس

pressure	فشار	sportsperson	ورزشکار
prevent	جلوگیری کردن، خودداری کردن	stage	مرحله - صحنه
produce	تولید کردن	step	مرحله ، قدم
producer	تولید کننده	stress	استرس
production	تولید	subject	فاعل ، موضوع
proportion	نسبت	suffix	پسوند
properly	به درستی	take	برداشتن ، بردن
pyramid	هرم	take part in	شرکت کردن در

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson Two) Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
taste	مزه ، بو کردن	unsafe	نا امن ، خطرناک
thought	فکر، تفکر	upward	رو به جلو
tired of	خسته از	vacuum cleaner	جارو برقی
title	عنوان - لقب، مقام	wake up	از خواب برخاستن
topic	موضوع، عنوان ، سر فصل	watch out	مراقب بودن
towards	به طرف ، به سوی ، نسبت به	weight	وزن
turn around	دور زدن ، چرخیدن	worth	ارزش، بها، قیمت - ثروت
unfortunately	متأسفانه ، بدبختانه	worthy	ارزشمند ، شایسته ، سزاوار
unimportant	بی اهمیت	yet	هنوز

سایر لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson 2) Other Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
marriage	جشن ازدواج، ازدواج	trouble	مشکل، درد سر ، زحمت
ceremony	جشن ، مراسم	steal	دزدیدن
briefly	به طور خلاصه. مختصر	civil war	جنگ داخلی
formally	رسماً ، به طور رسمی	variety	تنوع، گوناگونی
suffered	رنج بردن ، درد کشیدن	voice	صدا
as soon as	به محض اینکه	ocean	اقیانوس
widely	زیاد ، در بسیاری جاها	crowded	شلوغ - پر جمعیت
speech	گفتار ، سخن	retirement	بازنشستگی
complex	پیچیده	claim	ادعا کردن، مطالبه کردن
particularly	منحصراً	return	برگرداندن. برگشتن
stuff	ماده، کالا - پر کردن، چپاندن	gift	کادو، هدیه

۳۰ تست واژه درس دوم Vocabulary Tests (Lesson 2)

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

توجه: لطفاً قبل از شروع به تستی زنی، سعی کنید لغات مهم این درس را حفظ کنید.

1. I felt quite ----- during the marriage ceremony.
a. economical b. emotional c. artificial d. physical
2. Bahram is not a child anymore; it is time he ----- life more seriously.
a. made b. took c. put d. did
3. This type of plant, which is rare here, is ----- found in the mountains of South America.
a. briefly b. formally c. commonly d. effectively
4. She suffered from an ----- problem after her husband's death, and unfortunately none of her friends were ready to help her.
a. emotional b. effective c. excited d. addictive
5. I want to go back to work if I can find somebody to ----- the children.
a. call up b. call out c. look for d. look after
6. The farmer knows that some insects bring -----, and some others eat the food that he grows.
a. health b. disease c. value d. control
7. The pilot of the airplane had to make a/an ----- landing because of the very bad weather.
a. experiment b. emergency c. strategy d. connection
8. Can you give further ----- of how the accident happened?
a. variety b. details c. experience d. imagination
9. I've got into the ----- of turning on the Tv as soon as I get home.
a. habit b. aspect c. experience d. emotion
10. Now that the term is over, all of the students are widely ----- about the holiday.
a. excited b. bright c. emotional d. available
11. It is ----- knowledge that swimming is one the best forms of exercise.
a. serious b. average c. common d. healthy
12. I ----- situations in which I might have to give an important speech.
a. develop b. avoid c. grow d. insist
13. Without going into -----, I can tell you that we have had a very successful year.
a. details b. events c. terms d. effects

14. Don't be ----- about everything!
a. brilliant **b. national** **c. straight** **d. emotional**
15. If children are -----, they will learn to walk at about eighteen months old.
a. addictive **b. special** **c. complex** **d. healthy**
16. Now, it is hard to ----- what things would be like today without computers.
a. disagree **b. contrast** **c. define** **d. imagine**
17. Scientists believe that ----- activities, particularly mountain climbing, cause good health.
a. formal **b. actual** **c. physical** **d. rural**
18. Too much radiation is ----- to the body.
a. powerful **b. harmful** **c. helpful** **d. careful**
19. John and I became best friends, and he ----- me deeply with his behavior.
a. involved **b. improved** **c. influenced** **d. advised**
20. I have ----- a useful experience from doing that job for years.
a. contained **b. guessed** **c. gained** **d. guided**
21. Ali was sent to a company in China and his ----- was to explain them our goals.
a. dream **b. mission** **c. pattern** **d. offer**
22. This medicine will ----- the illness form getting worse.
a. enhance **b. react** **c. prevent** **d. develop**
23. If Iranian ate fewer food with sugar and salt, their ----- health would be better.
a. general **b. material** **c. mineral** **d. official**
24. People have always used ----- products as medicine.
a. natural **b. emotional** **c. normal** **d. private**
25. He has done lots of crime in his life. He doesn't have a very healthy -----.
a. plan **b. lifestyle** **c. diet** **d. stage**
26. He is a great football player but his knee injury ----- him from playing.
a. prevents **b. rewrites** **c. discusses** **d. predicts**
27. I'm going on a ----- next week and I hope to lose three kilos before summer.
a. habit **b. heartbeat** **c. addiction** **d. diet**
28. Her ----- isn't good with her father, but she's very close to her mother.
a. emotion **b. relationship** **c. serving** **d. habit**
29. Because she had high -----, she had to prevent eating salty food.
a. heart attack **b. addiction** **c. blood pressure** **d. creation**
30. He always watches a lot of television and does nothing. He is a/an -----.
a. couch potato **b. writer** **c. researcher** **d. translator**

پاسخنامه کلیدی تستهای واژگان درس دوم

<i>Vocabulary Tests</i> (<i>lesson 2</i>)											
1	B	6	B	11	C	16	D	21	B	26	A
2	B	7	B	12	B	17	C	22	C	27	D
3	C	8	B	13	A	18	B	23	A	28	B
4	A	9	A	14	D	19	C	24	A	29	C
5	D	10	C	15	D	20	C	25	B	30	A

Lesson Three:

“The Power of Art”

"قدرت هنر"

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم (Lesson Three) *Key Words of Vision Two*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
accept	قبول کردن، پذیرفتن	choice	انتخاب
according to	بر طبق، بر اساس	clothing	پوشاک
achieve	بدست آوردن	collection	مجموعه
actually	واقعاً	combination	ترکیب
advice	نصیحت، پند - اعلامیه، آگاهی	combine	ترکیب کردن
agree	موافقت کردن	conditional	شرطی
amazed	حیران، متعجب	confuse	گیج کردن
amused	سرگرم	confused	گیج
antonym	متضاد	confusing	گیج کننده
appreciate	ارج نهادن، قدر... دانستن	craft	مهارت، فن - صنعت
arrow	فلش، تیر، پیکان	craftsman	صنعتگر (مرد)، هنرمند
art	هنر	craftswomen	صنعتگر (زن)، هنرمند
artifact	دست ساز، مصنوعی	create	خلق کردن
artistic	هنرمندانه، هنری	creative	ابتکاری، خلاقانه
artwork	کار هنری	creator	خالق، آفریننده
ashamed	شرمند، خجالت زده	customer	مشتری، خریدار
at least	حداقل	custom	رسم، آیین
attempt	تلاش کردن، سعی، کوشش	decide	تصمیم گرفتن
attitude	نگرش	decorative	تزئینی
beauty	زیبایی	decrease	کاهش یافتن
be able to	قادر بودن، توانستن	depend on	بستگی داشتن
bite	گاز گرفتن	depressed	افسرده
bleed	خون ریزی کردن	discount	تخفیف
blow	وزیدن - دمیدن - ضربت	diversity	تنوع، گوناگونی
booklet	دفترچه، کتابچه	draw	نقاشی کشیدن، طراحی کردن
bored	خسته، کسل	earn	به دست آوردن، کسب کردن
bow	تعظیم کردن	economy	اقتصاد
brain	مغز	education	آموزش، تحصیل
calligraphy	خوشنویسی	especially	به ویژه، مخصوصاً
carpet	فرش	essay	مقاله، انشاء - تحقیق
catch	گرفتن، به چنگ آوردن	excited	هیجان زده
charity	خیریه	expect	انتظار داشتن، توقع داشتن
cheap	ارزان	face	مواجه شدن، روبرو شدن - صورت، چهره
cheerful	مسرور، خوشحال	fall	پائیز - افتادن، سقوط کردن

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم (*Lesson Three*) Key Words of Vision Two

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
farming	کشاورزی	income	درآمد، عواید - جدیدالورود، ورودیه - ظهور
fingerprint	اثر انگشت	instead	به جای، در عوض
finish	پایان یافتن، پایان دادن	interested in	علاقمند به
forget	فراموش کردن - صرف نظر کردن	introduce	معرفی کردن - آشنا کردن - نشان دادن
forgive	بخشیدن، عفو کردن	item	شی، چیز، فقره
former	قبلی، پیشین، سابق	learn	یاد گرفتن - مطلع شدن
fortunate	خوش شانس، خوشبخت	lend	قرض دادن
frighten	ترساندن، به وحشت انداختن	Look out!	مراقب باش!
frightened	ترسیده	lovely	دوست داشتنی، صمیمی
frightening	ترسناک	lucky	خوش شانس
gallery	گالری، نمایشگاه هنری، سالن	machine	دستگاه - ماشین
get along with	تفاهم داشتن، سازش کردن	market	بازار، محل داد و ستد، مرکز تجارت
get back	برگشتن	material	ماده، جنس، جسم
glad	خوشحال، شاد	meaning	معنا، معنی
golden	طلایی	metal	فلز، فلزی
go well	خوب پیش رفتن	metalwork	فلزکاری
greeting	سلام و احوالپرسی	miss	دلنگ شدن،
handicrafts	صنایع دستی	mistake	اشتباه، خطا، غلط
hand-made	دستی، دست ساز	moral	اخلاقی، معنوی - معنی، مفهوم
handshake	دست دادن	nearby	حوالی، نزدیکی
hang	آویزان کردن، آویختن	object	چیز، شیء - مفعول
helpful	مفید، یاری رسان	opposite	مخالف، ضد
hide	پنهان کردن، مخفی کردن	opposition	تناقض، مخالفت، دشمنی، تقابل
history	تاریخ، تاریخچه - سابقه، پیشینه	painting	نقاشی
homeland	وطن، سرزمین	palm	کف دست - درخت خرما
hopeful	امیدوار	pass	قبول شدن - عبور کردن - جواز، گذرنامه
How touching!	چقدر تاثیر گذاره	pleasure	مسرت، خوشی، خوشحالی
hug	در آغوش گرفتن	poem	شعر
humankind	بشر، انسان	poet	شاعر
identity	هویت - شناسایی، یگانگی، اصلیت	poetry	شعر و شاعری
imagination	تصور، خیال	pool	استخر، آبگیر، حوض، برکه
include	شامل شدن، در برداشتن	pottery	سفالگری، کوه گری، ظروف سفالی
including	از جمله، شامل	power	قدرت، توان
infinitive	اسم مصدر	price	قیمت، بها، نرخ

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم (*Lesson Three*) Key Words of Vision Two

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
prize	جایزه - انعام	sociable	خوش مشرب، اجتماعی (انسان)
produce	تولید کردن	soft	نرم، ملایم
product	محصول	southwest	جنوب غربی
promise	قول دادن	souvenir	سوغاتی، یادگاری
proud	سربلند - مغرور - مفتخر	store	مغازه، ذخیره کردن، انبار کردن
public	عمومی، همگانی	strategy	راهکار، رویه، استراتژی
quickly	به سرعت	successful	موفق
quiet	ساکت، آرام	surprised	متعجب، شگفت زده
quilt	ملافه، روتختی	surprising	تعجب برانگیز
quit	ترک کردن، رها کردن	swing	تاب خوردن، چرخیدن - نوسان
quite	نسبتاً، کاملاً	throw	پرتاب کردن، انداختن، پرتاب
range	طیف، محدوده، حوزه، ناحیه، گستره	tile	کاشی، سفال، موزائیک
recognize	شناختن، دانستن - قدردانی کردن از	tilework	کاشی کاری
refer	رجوع کردن به، اشاره کردن	tired	خسته، بی رمق - بیزار
reference	مرجع، مأخذ، منبع، مراجعه، رجوع	totally	به طور کامل
reference word	کلمه ارجاع	touch	لمس کردن - تحت تاثیر قرار دادن
reflect	منعکس کردن، انعکاس دادن	traditional	سنتی
remember	به یاد داشتن، به یاد آوردن	truth	حقیقت، راستی، درستی
respectful	محترم، با شخصیت	ugly	زشت - بدریخت
result	نتیجه، پیامد، حاصل، اثر	uncertain	نامعین، نامطمئن
rise	بالا آمدن، افزایش یافتن	unique	منحصر به فرد، خاص
rug	قالی، قالیچه	valuable	با ارزش
sadly	متأسفانه، بدبختانه	value	ارزش نهادن، ارزش گذاشتن به...
satisfied	راضی، خوشنود	vast	بزرگ، وسیع
science	علم، علوم، دانش	wait	منتظر ماندن
shared	مشترک، اشتراکی	want	خواستن
shocked	شوکه	weave	بافتن
shut	بستن، تعطیل کردن	well-known	مشهور، معروف
silk	ابریشم	well done	بسیار عالی - آفرین
silver	نقره	wellness	سلامتی - بهداشت - خوشبختی
sink	غرق شدن، نزول کردن، رسوخ	What...for?	برای چه
site	مکان، جا، سایت	workshop	کارگاه
skillful	ماهر	worry about	نگران بودن درباره

سایر لغات مهم درس سوم پایه یازدهم (Lesson 3) Other Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
radiation	تابش، پرتو، تشعشع، رادیواکتیویته	insect	حشره
deeply	عمیقاً	exact	دقیق، کامل، صحیح، عیناً
private	خصوصی	earthquake	زلزله
crime	جرم، جنایت	refuse	نپذیرفتن، رد کردن
knee	زانو	unemployment	بیکاری
countryside	حومه شهر	pain	درد، رنج، محنت، درد کشیدن
regularly	منظم، مرتباً	difficulties	مشکلات
crossroad	چهار راه، تقاطع	pack	بسته بندی کردن، بسته
mathematics	ریاضیات	inflexible	غیر قابل انعطاف
geography	جغرافی	task	وظیفه، مسئولیت، تکلیف
sunshine	نور آفتاب	process	پردازش، به جریان انداختن
heat	درجه حرارت	delay	به تأخیر انداختن - تأخیر، درنگ، تعلل
storm	طوفان، کولاک - یورش بردن	reasonable	معقول، مناسب
thunder	رعد و برق، تندر	strength	استحکام، قدرت
statement	اظهار، بیان، گفته	remove	برداشتن، انتقال دادن، حذف کردن
government	دولت	separate	جدا کردن - جدا، مجزا، جداگانه
blame	مقصر دانستن - سرزنش کردن	probable	محتمل، احتمالی
performer	مجری، اجرا کننده، بازیگر، ایفا کننده	run out of	تمام شدن، ته کشیدن، تمام کردن
require	نیاز داشتن	ground	زمین، میدان، محوطه - کف زمین
insist on	اصرار کردن، پا فشاری کردن بر روی	wonder	تعجب کردن، با خود اندیشیدن
confidence	اعتماد، اطمینان	passenger	مسافر، عابر
aware	آگاه، مطلع، با خبر	bakery	نانوایی
refrigerator	یخچال	nutrient	مواد مغذی

یادداشت:

۳۰. تست واژه درس سوم Vocabulary Tests (Lesson 3)

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

توجه: لطفاً قبل از شروع به تستی زنی، سعی کنید لغات مهم این درس را حفظ کنید.

1. In a trip to Isfahan, my father has bought a ----- pot for my sister. It looks really beautiful.
a. satisfied b. decorative c. available d. harmful
2. Africa is a big continent, but desert makes up ----- parts of it.
a. opposite b. moral c. emotional d. vast
3. After finishing my exam, my teacher seemed ----- with my progress.
a. moral b. handmade c. satisfied d. available
4. All of these beautiful plates are made by our skillful ----- in Yazd.
a. metals b. craftsmen c. researchers d. items
5. A lot of Iranian craftswomen have great skill to ----- a basket from some plants.
a. reflect b. promise c. weave d. expect
6. He is very special in some way. I think he is the most ----- student of this class.
a. unique b. careful c. lucky d. traditional
7. In our country Iran, it is the ----- for many people to celebrate New Year.
a. material b. custom c. range d. beauty
8. Every country has its own cultural -----, which is very different from other countries.
a. serving b. identity c. imagination d. artwork
9. The plane climbed quickly to a height of 30 000 feet. Quickly is an opposite to -----.
a. slowly b. fortunately c. hopefully d. actually
10. Modern technology has greatly helped ----- in many different areas.
a. reference b. material c. homeland d. humankind
11. There is a 25 percent ----- on all clothes until the end of the week.
a. relationship b. discount c. interest d. meaning
12. There is a wide ----- of opinion on the question of which team will win the match.
a. action b. heartbeat c. diversity d. economy
13. I'll call you if I finish my homework. "Finish" is an antonym for -----.
a. remember b. forget c. attempt d. start
14. Isfahan decorative ----- have attracted many tourists for many years.
a. exercises b. handicrafts c. collection d. patterns
15. Our university uses a combination of modern and ----- ways for teaching reading.
a. traditional b. vast c. valuable d. decorative
16. There's a valuable stamp ----- at the National Museum in Tehran.
a. custom b. collection c. pyramid d. pottery
17. My friend is a very skillful farmer. He gave me some ----- information for farming.
a. opposite b. valuable c. handmade d. well-known
18. Any decrease in tourism could have a serious effect on the local-----.
a. economy b. reference c. explanation d. discount

19. I didn't know anybody at the class, but the teacher ----- me to a few people.
a. reflected b. imagined c. expected d. introduced
20. The report shows that poor families spend a larger part of their ----- on food.
a. economy b. income c. identity d. diversity
21. ----- a silk carpet may take more than a year for a craftswoman.
a. repeating b. packing c. reflecting d. weaving
22. We have decreased our involvement in children's books. The antonym of decreased is -----.
a. started b. preferred c. increased d. woven
23. Your job as a student ----- doing your assignment and attending classes regularly.
a. earns b. recognizes c. behaves d. includes
24. He put on a large hat and glasses and hoped no one could ----- him.
a. wait b. recognize c. reflect d. appreciate
25. We should not ----- the mistakes of the past and get lesson from them.
a. pack b. touch c. appreciate d. repeat
26. In her lifetime, she has produced lots of unique artworks from different -----.
a. members b. plans c. materials d. regions
27. I didn't know they're sisters. They're completely ----- to each other in every way.
a. happy b. shocked c. certain d. opposite
28. I was very lucky to get a cheap flight at the last minute. An antonym for "cheap" is -----.
a. happy b. free c. main d. expensive
29. This drug can be safely used in ----- with other medicines.
a. education b. combination c. protection d. suggestion
30. I was walking slowly in the dark street when he suddenly shouted at me and I got -----.
a. confused b. frightened c. bored d. amazed

پاسخنامه کلیدی تستهای واژگان درس سوم

Vocabulary Tests (lesson 3)											
1	B	6	A	11	B	16	B	21	D	26	C
2	D	7	B	12	C	17	B	22	C	27	D
3	C	8	B	13	D	18	A	23	D	28	D
4	B	9	A	14	B	19	D	24	B	29	B
5	C	10	D	15	A	20	B	25	D	30	B

Vocabulary Tests

“Vision 2”

(Lesson 1 - 3)

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات پایه یازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی استاندارد جایگزین خواهند شد.

- 1- The students were totally confused, so they asked the teacher to ----- the problem once more.
a. explain b. prepare c. compare d. experiment
- 2- ----- is an official meeting with someone who asks you questions.
a. interview b. opinion c. research d. practice
3. All four bedrooms, hall and bathroom on the first floor, have wooden floors covered by -----.
a. crafts b. items c. carpets d. poems
4. Maybe the member could explain what she actually meant by using that word in ----- her previous plan.
a. keeping on b. referring to c. searching for d. being familiar
- 5- To find the size, length, or amount of something, using standard units such as meters etc is -----.
a. broadcast b. measure c. access d. predict
- 6- To do sth that sb wants, needs, or expects you to do or be as good as they need, expect etc is -----.
a. run out of b. be familiar with c. take care of d. meet the needs of
7. Describing sb's country or place of birth or sb who was born in a particular place is -----.
a. native b. relative c. cultural d. foreign
8. People in general, considered in relation to the laws, organization etc. that make it possible for them to live together is called -----.
a. society b. population c. communication d. region
9. The soft part inside your mouth that you can move and use for eating and speaking is -----.
a. blood b. tooth c. lip d. tongue
10. Worth a lot of money or sth that is very useful because it helps you to do sth is called -----.
a. valuable b. wonderful c. uncountable d. extra
11. The car parked just on the corner of the street ----- the richest man in the town.
a. belongs to b. depends on c. gives up d. keeps off
12. A manager of a large taxi company said the lowering of ----- is making the job less popular.
a. combinations b. discussions c. incomes d. patients
13. ----- believe that physical activities, particularly mountain climbing and swimming, cause good health.
a. Scientists b. Soldiers c. Pilots d. Volunteers
14. Although Judy is the oldest student in this university, she ----- all her friends and treats them in a good way.
a. kill b. respects c. describes d. laughs
15. Recently, ----- have identified eight genes that can affect different generations.
a. neighbors b. researchers c. translators d. hosts
16. Researchers say that about 30 percent of the ----- of Africa live below the poverty line.
a. culture b. amount c. population d. religion

17. It is such a ----- play that the performance tickets were completely sold after the first day.
a. popular **b. additional** **c. possible** **d. probable**
18. Although Robin was an English teacher, he could speak Chinese the same as a ----- speaker.
a. amazing **b. native** **c. valuable** **d. specific**
19. -----, scientists can also play an important role in improving energy efficiency in laboratories.
a. Nowadays **b. Wrongly** **c. Rudely** **d. Strongly**
20. The use of energy and fuel rises as the countries and ----- become more industrialized.
a. cultures **b. nations** **c. communications** **d. institutes**
21. Because of the ----- in street crime, my old grandpa is afraid to leave his home.
a. order **b. confidence** **c. increase** **d. culture**
22. Are you seriously suggesting that she should ----- her job in order to take after her husband?
a. give up **b. depend on** **c. make up** **d. check in**
23. Although she is an educated person, she is only ----- with the Internet at an elementary level.
a. similar **b. favorite** **c. popular** **d. familiar**
24. ----- is an organization that has a particular purpose such as scientific or educational work, or the building where this organization is based.
a. institute **b. office** **c. education** **d. embassy**
25. In all -----, there are children who join their parents to work in industries and in fields to earn money.
a. respects **b. lifespans** **c. cultures** **d. planets**
26. The committee warned all the nations to reduce the ----- of carbon dioxide released into the air.
a. value **b. amount** **c. region** **d. existence**
27. Nowadays, what is so important is a more flexible health insurance system to ----- the needs of the modern world.
a. make **b. take** **c. vary** **d. meet**
28. It will be even important for a school to have good ----- with parents and the local community.
a. language **b. pattern** **c. communication** **d. object**
29. The success of new airport would ----- heavily on its ability to attract airlines.
a. seek **b. hint** **c. depend** **d. predict**
30. You're the only person who could ----- from the burning building.
a. exchange **b. escape** **c. improve** **d. access**
31. I've already received a few cards from those that have ----- e-mail addresses with me.
a. thought **b. explained** **c. respected** **d. exchanged**
32. I needed to talk with someone who was very smart, someone who I ----- trusted, someone who knew me as well as I knew myself.
a. orally **b. powerfully** **c. wrongly** **d. absolutely**
33. The police were contacted by a number of people who had ----- information about the Manchester bombings.
a. confident **b. native** **c. valuable** **d. delicious**
34. As I ----- earlier, sales this year have been lower than expected.
a. existed **b. mentioned** **c. increased** **d. respected**

35. The laws suggest that relationships between members of ----- are organized in terms of rules.
a. destination b. society c. culture d. knowledge
36. After living in France for a year, I felt much more ----- about my French.
a. cultural b. confident c. physical d. favorite
37. Attending a science ----- is difficult because there is much competition just to get in.
a. candle b. knowledge c. institute d. pattern
38. To make sb feel that they cannot think clearly or do not understand is -----.
a. confuse b. worry c. forbid d. rush
39. Unhappy and without hope or suffering from a medical condition in which you are so unhappy that you cannot live a normal life is -----.
a. confused b. patient c. depressed d. strange
40. To talk about sth with another person or group in order to exchange ideas or decide sth -----.
a. discuss b. suggest c. take part d. take care
41. The number of times that sth happens within a particular period time or within a particular group of people is called -----.
a. frequency b. mission c. addiction d. schedule
42. To tell sb that they are not allowed to do sth, or that sth is not allowed is called -----.
a. describe b. forbid c. prevent d. disagree
43. The power to affect the way someone or something develops, behaves, thinks etc. without directly forcing or ordering them is -----.
a. influence b. prevent c. notice d. experience
44. A written or spoken request to someone, asking them to go somewhere or do sth is -----.
a. invention b. invitation c. opinion d. suggestion
45. An important job that sb is given to do, especially when they are sent to another place is -----.
a. souvenir b. activity c. mission d. identification
46. To like sb or sth more than sb or sth else, so that you would choose it if you could is -----.
a. prefer b. prepare c. offer d. nervous
47. What actually happens or is true, not what is imagined or thought is -----.
a. nature b. reality c. quality d. detail
48. Happening every hour, every week etc. usually with the same amount of time in between is -----.
a. addicted b. infrequent c. regular d. nervous
49. To move very quickly, especially because you need to be somewhere very soon is -----.
a. worry b. rush c. seek d. stick
50. to give sb food or drink, especially as part of a meal or in a restaurant, coffee shop etc is -----.
a. serve b. gain c. develop d. discuss
51. Human languages are so different that a person may not understand someone from another-----, country or continent at all.
a. region b. religion c. experience d. experiment
52. As the speakers of endangered languages grow old and die, their languages will -----, too.
a. disappear b. disable c. grow d. develop
53. We should learn to respect all languages, ----- how different they are.
a. considering b. comparing c. no matter d. no trouble

54. Move your eyes quickly across the text when looking for ----- information such as a number, a name, a word, or a phrase.

- a. regional b. specific c. possible d. effective

55. There were four types of sugar in the shop. I ----- one and read the explanations to see if it was the type I was looking for.

- a. paid b. picked c. sang d. ate

56. Honestly, I didn't understand the ----- on the drug package, so I decided to check the words in my mobile dictionary.

- a. population b. explanations c. suggestion d. education

57. Using sign language made ----- between deaf and hearing people possible in the meeting.

- a. communication b. collection c. donation d. explanation

58. Are you ----- with the new computer software they use in the company?

- a. popular b. familiar c. honest d. patient

59. She seems -----, but I can't quite remember where I know her from.

- a. confident b. honest c. angry d. familiar

60. That summer he got some valuable ----- living all alone in a small town far from home.

- a. experiment b. information c. experience d. advice

61. The restaurant is especially ----- with all who enjoy Mexican food.

- a. frequent b. proper c. popular d. injured

62. Sometimes, I find it difficult to ----- the problem to beginners.

- a. exchange b. explain c. discover d. suggest

63. The cost of a room at the hotel ----- with the season and their comfort level.

- a. chooses b. grows c. rises d. varies

64. Bob has decided to buy that Japanese car ----- how much it costs.

- a. considering b. comparing c. no matter d. no trouble

65. Seeing real ----- animals in the wildlife is much more exciting than just watching them on television.

- a. hint b. live c. loaf d. tiny

66. There are four brightly lit ----- on our cake this year, and we can't wait to blow them out.

- a. bottles b. melons c. loaves d. candles

67. You should cut the grass ----- once a week in summer.

- a. at least b. at last the c. least d. the last

68. Despite the bad mark in English, she received high ----- in all her science subjects.

- a. points b. loaves c. pieces d. grades

69. She went over to the crying child and ----- her up.

- a. looked b. hurried c. woke d. picked

70. My health finally began to ----- when I changed to a less stressful job.

- a. practice b. disappear c. exchange d. improve

71. At that time, we began to ----- the possibility of moving to Japan forever.

- a. consider b. contact c. complete d. combine

72. Be sure to carefully ----- the switches so that you don't confuse them.

- a. relate b. label c. retire d. share

73. People have a right to ----- how to spend their own money.
a. carry **b. range** **c. receive** **d. decide**
74. The teacher told that life may ----- in other planets.
a. exist **b. teach** **c. sing** **d. learn**
75. Everyday my grandfather goes out, buys a ----- and starts reading it immediately.
a. media **b. television** **c. radio** **d. newspaper**
76. He had no doubts about his team's ----- to reach the World Cup Finals.
a. ability **b. region** **c. pattern** **d. grade**
77. To be quite ----- with you , I should say that how your behavior towards your mother was not right at all.
a. popular **b. domestic** **c. honest** **d. ancient**
78. They say ----- is the best medicine for our health, so keep calm and smile.
a. honesty **b. education** **c. pressure** **d. laughter**
79. How well a child does at school is ----- by the level of parental education.
a. influenced **b. measured** **c. prepared** **d. experienced**
80. The food pyramid recommends six to eleven ----- of rice weekly.
a. services **b. servings** **c. series** **d. serials**
81. Every morning, she eats a/an ----- diet of toast, cheese, and a glass of orange juice.
a. plenty **b. strong** **c. balanced** **d. effective**
82. People warmly welcomed the national team at the airport after their ----- success in the Asian Games.
a. probable **b. possible** **c. fluent** **d. recent**
83. A nurse should always consider the physical and emotional state of the -----.
a. foreigners **b. pilgrims** **c. patients** **d. believers**
84. Developing drugs that are effective against ----- can be very expensive.
a. candle **b. cancer** **c. candy** **d. cancel**
85. Spoken language contains many ----- sentences, but people usually don't have any problem to communicate the message.
a. attractive **b. generous** **c. incomplete** **d. emotional**
86. The evening meal is a time when all the family can get together and discuss the day's -----.
a. states **b. events** **c. species** **d. pilots**
87. We are going to discuss the need to ----- our understanding of the endangered languages and the ways to save them.
a. disappear **b. dislike** **c. rethink** **d. receive**
88. Interestingly, scientists are still seeking an effective ----- for the common cold.
a. cure **b. gain** **c. media** **d. metal**
89. Children are particularly at risk because of the amount of time they ----- on TV.
a. escape **b. spend** **c. watch** **d. avoid**
90. If I'm going out for a meal, I prefer to ----- something different.
a. find **b. try** **c. cause** **d. cure**
91. It took about ten years to produce the entire comedy ----- 'Friends'.
a. devices **b. series** **c. plans** **d. items**

92. An ambulance was called and the injured boy was ----- to hospital.
a. received b. improved c. advised d. taken
93. The restaurant menu includes a wide range of modern and traditional ----- to suit all tastes.
a. events b. values c. ideas d. dishes
94. Mike helped the old woman carry the bag of ----- from the supermarket to her car.
a. thoughts b. groceries c. predictions d. recreations
95. Her sleeping habits are kind of strange to me. One moment she is sound asleep, the next she is wide -----!
a. sociable b. patient c. direct d. awake
96. Mother ----- is the first language that you learn when you are a baby.
a. interest b. tongue c. sign d. experience
97. This medicine will ----- the illness form getting worse.
a. enhance b. react c. prevent d. develop
98. The teacher ----- the students as they got on to the bus.
a. experienced b. researched c. endangered d. counted
99. We arrived at the hotel around midnight and a polite receptionist greeted us with a ----- smile.
a. worthy b. cheerful c. confused d. balanced
100. We are proud to say that none of our ----- are tested on animals.
a. artifacts b. incomes c. customs d. products
101. I have no idea why some people take ----- in hunting and killing wild animals.
a. time b. photograph c. exam d. emotion
102. You must be very ----- of your son. He is one the best teachers that this city has ever had.
a. proud b. cheerful c. powerful d. satisfied
103. His good ----- is biology reflects that he has been studying carefully throughout the year.
a. notebooks b. marks c. problems d. opinions
104. We have planned some careful programs to ----- our goals by the end of this year.
a. draw b. understand c. achieve d. identify
105. After any large earthquake, most people look -----.
a. bored b. wonderful c. tired d. shocked
106. A lot of people are ----- to go the dentists. I don't know why.
a. confused b. frightened c. surprised d. shocked
107. My boss ----- me to finish his job today.
a. denies b. expects c. continues d. insists
108. We are ----- him to finish the job on Friday.
a. keeping on b. depending on c. thinking of d. going out
109. If I had to choose between fish and chicken, I'd ----- the former.
a. prefer b. access c. bow d. achieve
110. Anyone ----- joining the club should contact us at the address below.
a. interested in b. careful about c. responsible for d. influenced by
111. A book sometimes sells better if it has an introduction written by a ----- person.
a. traditional b. famous c. lucky d. calm

112. My ----- of books and magazines is nothing in comparison with that of a library.
a. collection b. production c. nation d. performance
- 113- The ----- of your citizens enabled the hospital to buy some more beds.
a. poverty b. charity c. energy d. imagination
- 114- Edison is one the most famous inventors in the history of science. "Famous" means -----.
a. clever b. successful c. well-known d. international
- 115- It was no surprise that she wasn't able to ----- me at first; after all, we hadn't met each other for a long time.
a. observe b. imagine c. recognize d. guess
- 116- The old man is very proud of the ----- of valuable stamps he has now available in his album.
a. tradition b. experience c. reality d. collection
117. The room was barely big enough to ----- everyone who came to the meeting.
a. invite b. contain c. produce d. prepare
- 118 . Do you think decreasing the speed limit is a/an ----- means of lowering road accidents?
a. attractive b. decorative c. effective d. infinitive
- 119 . She was forced to ----- early from teaching because of her special medical condition.
a. describe b. decide c. retire d. recite
120. Regional water shortages are causing problems and are ----- to become the cause of wars in the near future.
a. translated b. predicted c. discussed d. observed
121. You should always ----- your oil, water and tires before going on a long trip.
a. prevent b. check c. increase d. decrease
122. The doctor orders him to follow a special diet to control his -----.
a. mission b. secret c. weight d. history
123. He's been a bit ----- after losing his parents in the car accident.
a. excited b. unsafe c. healthy d. depressed
124. It's an important meeting. It is ----- for all of us to be present there this afternoon.
a. emotional b. calm c. necessary d. general
125. A ----- happens when the blood vessels that carry blood to the heart get blocked.
a. heart attack b. blood pressure c. heart beat d. lung cancer
126. These amounts of rice and meat should be enough for three -----.
a. parts b. servings c. details d. manners
127. You should heat food to a high temperature to kill ----- bacteria.
a. physical b. balanced c. necessary d. harmful
128. I haven't exercised for a long time. I've ----- 3 kilos weight in two months.
a. cured b. disagreed c. gained d. predicted
129. I like the idea of living in the countryside but I'm not sure I'd like the -----.
a. business b. risk c. title d. reality
130. Eating healthy food and ----- regularly will keep you both physically and mentally fit.
a. business b. exercising c. rewriting d. creating

131. His recent book has a lot of problems, so he has to ----- it.
a. visit **b. dislike** **c. rewrite** **d. retire**
132. My brother taught me how to drive and unfortunately, I develop some of his bad -----.
a. missions **b. habits** **c. risks** **d. stages**
133. After she ----- the body of her husband in the accident, she started to cry.
a. climbed **b. identified** **c. retired** **d. prevented**
134. He was the first ----- of his family who died in the war.
a. disorder **b. laughter** **c. member** **d. lifestyle**
135. If you have a ----- diet, you will get all the vitamins you need.
a. unhealthy **b. unsafe** **c. balanced** **d. emotional**
136. We want clean rivers and lakes, where recent attacks ----- the local people.
a. influence **b. discuss** **c. save** **d. pray**
137. Like a lot of men, it is hard for my brother to express his -----.
a. emotions **b. stages** **c. missions** **d. creations**
138. Many people have got job recently. It shows that unemployment has ----- in the past years.
a. increased **b. joined** **c. decreased** **d. checked**
139. My ----- is to hire a car when I arrive in London and visit historical places.
a. experience **b. lifestyle** **c. ability** **d. plan**
140. People who are under a lot of ----- may have headaches, pains and sleeping difficulties.
a. secret **b. subject** **c. stress** **d. intent**
141. It is still impossible to ----- the exact time of an earthquake.
a. prevent **b. remember** **c. predict** **d. meet**
142. She refused to tell any ----- of her plan about the company.
a. numbers **b. details** **c. patterns** **d. plans**
143. David had a completely different idea about the project, so I had to ----- with his decision.
a. agree **b. improve** **c. happen** **d. disagree**
144. It is completely ----- for people who don't have driving license to drive.
a. favorite **b. unsafe** **c. appropriate** **d. extra**
145. She should be very careful about his health. Her family has a ----- of heart problems.
a. notice **b. history** **c. pattern** **d. addiction**
146. I want you to keep my illness a ----- . I don't want anyone to know about it.
a. context **b. secret** **c. percent** **d. serving**
147. The water in this area ----- a lot of natural materials.
a. varies **b. understands** **c. decreases** **d. contains**
148. I haven't had a job for a long time. I have decided to do ----- with my brother.
a. business **b. value** **c. emotion** **d. experience**
149. Gary has been working in a company for 29 years. He will ----- from his work next year.
a. seek **b. retire** **c. visit** **d. range**
150. We were going out with our friends and asked Raman to ----- us for dinner.
a. prevent **b. prefer** **c. influence** **d. join**

151. Relating to human society and its organization, or the quality of people's lives is -----.
- a. social b. common c. general d. calm
152. To protect sb or sth and provide the things that a person or thing needs is -----.
- a. take part b. give back c. give up d. take care
153. This kind of job requires a lot of physical -----, and I think he is too old to manage it efficiently.
- a. activity b. invention c. strategy d. mission
154. Much pressure produced by the blood ----- inner walls of the blood vessels is called high blood pressure.
- a. without b. against c. by d. before
155. The police seem certain that they will find the people responsible for the -----.
- a. disagreement b. proportion c. attack d. confusion
156. All former players and their partners are invited to ----- the event, which have live music.
- a. attend b. create c. gain d. identify
157. Although exercising is essential for good health, it is not effective without a ----- diet.
- a. especial b. excellent c. famous d. balanced
158. Only a few people stay ----- enough to help the injured after an earthquake.
- a. confused b. calm c. depressed d. energetic
159. What IT does, is to combine computers with high-speed communication links that ----- data, videos and sound.
- a. save b. carry c. describe d. socialize
160. The word "global" ----- sth happens in all parts of the world or affects all parts of the world.
- a. describes b. translates c. invents d. prepares
161. David was very well informed and questioned me about the political ----- in Africa.
- a. situation b. relationship c. disorder d. lifestyle
162. Students wanting to ----- in the conference should e-mail their requests to the university.
- a. look for b. get away c. keep on d. take part
163. We should ----- to what we read and write in order to learn our lessons perfectly.
- a. take care b. pay attention c. check in d. keep up
164. Exercise and ----- loss can help lower your blood pressure and help you feel more energetic.
- a. worry b. medicine c. cause d. weight
165. In this office, your most important working ----- is with your boss.
- a. addiction b. relationship c. situation d. condition
166. He didn't get the job because he didn't have enough knowledge to lead the workers -----.
- a. honestly b. patiently c. properly d. regularly
167. Perhaps if she and her parents could have had help and support needed, it might have gone a long way in ----- this tragedy from happening.
- a. protecting b. describing c. fighting d. preventing
168. As far as I know, people living in villages can enjoy the fresh air and beautiful -----.
- a. nature b. stage c. society d. situation
169. Since my father has stopped smoking, he has ----- weight and seems heavier than before.
- a. predicted b. lost c. carried d. gained

170. His job involved handling chemicals which are dangerous to his health, ----- his skin.
a. actually b. wrongly c. especially d. hardly
171. It is reported that the number of children admitted to hospital ----- rooms last year was 32,000.
a. medical b. emergency c. impatient d. social
172. Frequently, teachers would use students as the ----- characters in problem-solving situations.
a. main b. rare c. calm d. confused
173. Children's physical inactivity has been one of the most ----- problems for parents as well as health officials.
a. confusing b. dangerous c. comfortable d. worrying
174. We were ----- her new movie, and Jill made some interesting comments about it.
a. forbidding b. measuring c. discussing d. retiring
175. I remember enjoying it, but I could never remember the ----- of the book, nor the name of the author.
a. translation b. title c. stage d. notice
176. The government provides educational and ----- activities for people with learning disabilities.
a. interested b. endangered c. respectful d. recreational
177. According to the recent studies, ----- individuals are less successful in their efforts to stop smoking.
a. calm b. depressed c. honest d. lucky
178. Outside the U.S it may be a lot easier to find a treatment center specifically for ----- to technology.
a. patients b. scientists c. addictions d. interviewers
179. Three men were being questioned by police last night after ----- bombs were found at an apartment near London airport.
a. addicted b. singular c. balanced d. homemade
180. When faced with the ----- of these experiences, part of the problem is doubt as to whether they are real or imagined.
a. manner b. reality c. discussion d. amount
181. To successfully complete sth or get a good result, especially by working hard is -----.
a. achieve b. educate c. improve d. satisfy
182. The art of producing beautiful writing using special pens or brushes, or the writing produced this way is -----.
a. handicraft b. weaving c. calligraphy d. diversity
183. An organization that gives money, goods, or help to people who are poor, sick etc is -----.
a. bank b. bazaar c. community d. charity
184. Something that is done by people in a particular society because it is traditional is -----.
a. local b. mission c. custom d. value
185. The process of gradually becoming bigger, better, stronger, or more advanced is -----.
a. diversity b. development c. rise d. decrease
186. The system by which a country's money and goods are produced and used is -----.
a. charity b. economy c. business d. income
187. To think that sth will happen because it seems likely or has been planned is -----.
a. recognize b. promise c. expect d. explain
188. A large building where people can see famous pieces of art is -----.
a. attempt b. continent c. handicraft d. gallery

189. To tell someone another person's name for the first time that they meet is -----.
- a. refer b. review c. include d. introduce
190. To tell someone that you will definitely do or provide sth or that sth will happen is -----.
- a. promise b. introduce c. express d. narrate
191. To know who someone is or what sth is, because you have seen, heard them in the past is -----.
- a. predict b. introduce c. recognize d. inform
192. Feeling that sth is as good as it should be, or that sth happens in the way that you want is -----.
- a. satisfied b. surprised c. natural d. lucky
193. A piece of thick cloth or wool that covers floor, used for warmth or as a decoration is -----.
- a. rug b. wood c. tile d. metal
194. Two people talking together to reach an agreement can easily ----- their goal if they are a bit flexible.
- a. achieve b. catch c. gain d. get
195. I really felt ----- of the very impolite behavior that my friend had at the party.
- a. confused b. depressed c. worried d. ashamed
196. She teaches the students to have respect for different races and appreciate the ----- of other cultures.
- a. strategy b. souvenir c. diversity d. continent
197. The ----- member of the national team was taken to police station and questioned by detectives.
- a. traditional b. former c. unique d. general
198. Let us pray for those who are not so ----- as ourselves such as the sick, the old and the needy.
- a. creative b. experienced c. common d. fortunate
199. Many ----- documents were destroyed when the library was bombed in the recent terrorist attack.
- a. amazing b. appropriate c. historical d. brilliant
200. The restaurant is ----- for its friendly atmosphere and excellent service.
- a. well-known b. balanced c. appropriate d. interesting
201. The pottery was ----- neatly in boxes and then transported to the US.
- a. woven b. packed c. reflected d. identified
202. The old man ----- all the guests, including me, warmly as we arrived.
- a. created b. avoided c. invited d. greeted
203. Sometimes, you become calmer when you ----- your feelings with a close friend.
- a. refer b. share c. socialize d. recognize
204. They share a ----- interest in such traditional crafts as pottery and basket-weaving.
- a. different b. certain c. common d. various
205. The new product is available in various color ----- to suit all tastes.
- a. achievements b. agreements c. proportions d. combinations
206. The teacher didn't ----- his explanation as to why he didn't attend school.
- a. achieve b. accept c. satisfy d. expect
207. She rarely went to visit her old mom, despite living in a 'nearby' town. The underlined word 'nearby' is the antonym of -----.
- a. faraway b. similar to c. neighboring d. close-by

208. Living in a multicultural society has taught me to ----- the differences between people.
a. explain **b. mention** **c. appreciate** **d. produce**
209. In British English, 'a store' ----- a large place that sells different things, but in American English, a store can be large or small.
a. explains about **b. arrives at** **c. lends to** **d. refers to**
210. The carpet was specially ----- by Iranian craftswomen to be sent to the holy shrine of Imam Hussein.
a. caught **b. sought** **c. woven** **d. taken**
211. Is it only my ----- or have you really lost weight, Mary?!
a. creation **b. imagination** **c. recognition** **d. discussion**
212. As ----- people, we cannot accept that so many children grow up without a good education.
a. honest **b. polite** **c. patient** **d. moral**
213. They were laughing out loud and seemed greatly ----- by his jokes.
a. amused **b. bored** **c. amazed** **d. shocked**
214. The famous artist sold all her valuable works and donated the money to -----.
a. society **b. charity** **c. popularity** **d. disability**
215. There's nothing to be ----- about - lots of people have money problems.
a. certain **b. cheerful** **c. ashamed** **d. honest**
216. David successfully escaped alive from the fire, but many others were not so -----.
a. frightened **b. impatient** **c. fortunate** **d. respectful**
217. My friend has a vast amount of knowledge on this subject. The underlined word 'vast' is the antonym of -----.
a. huge **b. tiny** **c. ugly** **d. rare**
219. A growing child who doesn't seem to have much energy probably needs ----- attention.
a. natural **b. familiar** **c. medical** **d. historical**
220. Bombs had hit the building a number of times, but ----- no one was hurt.
a. wonderfully **b. fluently** **c. fortunately** **d. positively**
228. Ideas about childcare may be different between parents, and this causes -----.
a. habit **b. development** **c. disagreement** **d. comprehension**
221. To improve the learning process, we should ----- the results of the students' quizzes.
a. compare **b. prefer** **c. retire** **d. confuse**
222. They need to employ some young engineers with ----- thinking to make the terrible condition better.
a. artistic **b. fortunate** **c. creative** **d. cheerful**
223. We had some unsolvable problems in the process of ----- the data for the research.
a. protecting **b. appreciating** **c. creating** **d. collecting**
224. I was very much ----- when I heard that Andrew, at the age of 15, won a scholarship to Harvard University.
a. interested **b. satisfied** **c. surprised** **d. frightened**

225. He was too nervous and it made his singing ----- in front of one thousand audiences in the concert hall.

- a. emotional b. normal c. impossible d. impatient

226. Why are you so nervous? Drink a glass of cool water to keep -----.

- a. quiet b. calm c. emotional d. recent

227. ----- through the list, I was trying to find his name among the patients.

- a. Skimming b. Measuring c. Following d. Matching

228. A teacher's teaching system ----- greatly in quality from class to class. It is the students that get the teachers to use an appropriate way of teaching.

- a. scans b. visits c. varies d. quits

229. A number of ships and planes are reported to have surprisingly disappeared after entering the ----- known as the Bermuda Triangle.

- a. country b. region c. continent d. century

230. Nobody can ----- what the future is going to be like. It is better to forget the past and live in the present.

- a. gain b. prevent c. predict d. retire

231. I like to see you tomorrow, but I will telephone you if any ----- happens. Wait for my call please.

- a. skill b. space c. period d. event

232. I was uncertain about my physical ----- . That's why I checked it with my doctor before I started that special kind of exercise.

- a. knowledge b. action c. experience d. condition

233. A: "Sorry for a ten-minute delay, sir. I missed the right bus."

B: "Never mind, but I hope you won't make a ----- of this."

- a. state b. cradle c. power d. habit

234. Our math teacher is so good that she very ----- makes a mistake, and she is able to make the most difficult problems easily understood.

- a. rarely b. usually c. actually d. generally

235. The writer has tried to make all the secrets behind the incidents and events newly occurring in the country clear in the ----- -published edition of his old book called, "My Dear Venezuela".

- a. recently b. rightly c. quietly d. honestly

236. The amount of attention which will be paid to you ----- the quality of the work you do and the teamwork skills you have.

- a. depends on b. gets around c. turns off d. wakes up

237. The comments from the customers showed that those who used the ----- were generally happy with the quality.

- a. products b. habits c. societies d. weights

238. The American Apollo ----- brought rocks back from the moon that support the theory that the moon was once part of the Earth.

- a. happiness b. mission c. technology d. message

239. Before ending the meeting, the manager asked the members to ----- whatever the secretary had made note of.

- a. review b. exist c. dislike d. confuse

240. Harry wants to ----- working and stay home to ----- the children. His wife feels, however, that this is overdoing it a bit.

- a. give up - look for b. give up - look after c. give back - look for d. give back - look after**

241. As he thought he hadn't made any mistakes, he said he wasn't ----- to reconsider his previous decision, and would not accept any suggestions.

- a. prepared b. provided c. forgiven d. obeyed**

242. The happiest are not those who own all the best things, but those who can ----- the beauty of life.

- a. appreciate b. consume c. defend d. measure**

243. If you want to make friends with people from other countries, you should take into consideration the ----- of culture, language and religion among them.

- a. habit b. measure c. diversity d. reality**

244. Andy remembered the first day they met and thought how ----- it would have happened if they hadn't visited each other in the restaurant.

- a. similarly b. fortunately c. differently d. wrongly**

245. Jane was not that good at learning languages, so I was surprised to learn she could ----- speak three foreign languages very fluently.

- a. widely b. actually c. hopefully d. necessarily**

246. I am more on the side of people who ----- health above money; I believe health and happiness have a direct relationship.

- a. hang b. leave c. value d. identify**

247. We are willing to continue working with your company if the certain ----- of our company is considering are met.

- a. conditions b. inventions c. relationships d. strategies**

248. Body movement is a/an ----- of communication; it is in fact the unspoken element of communication.

- a. origin b. result c. means d. synonym**

249. Eating food between two slices of bread-a sandwich-is a ----- that has its origins in eighteenth century England.

- a. habit b. snack c. duty d. plan**

250. My mother got a serious illness at the age of 40 because she was a worker in a chemical factory and always forgot to ----- the danger area at work.

- a. keep off b. take out c. come back d. take off**

251. A: "How did you create that story character? Is he based in someone you know?"

B: "No, I just ----- "

- a. kept him off b. took him off c. made him up d. took him out**

252. Steve knew ----- nothing about the business when he joined the company; little by little, he came to be familiar with marketing.

- a. fluently b. absolutely c. probably d. interestingly**

253. Mia has a/an ----- of reading books and studying a lot, which is so great and impressive to me.

- a. topic b. emotion c. diet d. habit**

254. We have to develop our relationships. Recent research has shown that having a good social life ----- the risk of death.

- a. increases b. improves c. corrects d. decreases**

255. The ability to give clear ----- is one of the most important qualities of an ideal teacher.
a. explanations b. differences c. behaviors d. conversations
256. John's wife left him ----- because he didn't have a good job.
a. fluently b. amazingly c. simply d. greatly
257. This new wonder ----- will probably have various positive impacts on heart patient's physical condition.
a. pressure b. relationship c. drug d. health
258. I know from ----- that Tony never keeps his promises.
a. communication b. experience c. society d. mind
259. To save your life, in times of emergency, you should ----- action as quickly as you can.
a. put b. take c. make d. hold
260. The children were saved but the fire ----- their home.
a. caught b. suffered c. destroy d. shock
261. I wasn't entirely ----- with him, I admit, but I didn't actually tell him any lies.
a. honest b. extra c. impossible d. proper
262. The book was written in a style ----- to the age of the children.
a. addictive b. appropriate c. frequent d. tiny
263. Writing ----- in a journals helps him overcome his fear of writing in a second language.
a. physically b. mentally c. frequently d. immediately
264. Life in the 19th ----- was very different from what it is now.
a. step b. region c. century d. ceremony
265. Raman is one of the top students of the class and he often gets good -----.
a. prices b. grades c. steps d. choices
266. I asked him to drive more slowly, but he didn't take any -----.
a. nation b. notice c. range d. region
267. If Iranian ate fewer food with sugar and salt, their ----- health would be better.
a. general b. material c. mineral d. official
268. To learn a foreign language in your country, you should attend a language -----
a. observatory b. institute c. building d. hospital
269. Many people suffer from some form of ----- illness during their lives.
a. favorite b. available c. tiny d. mental
270. The last time I have ----- a dentist goes back to six month ago.
a. visited b. lost c. enjoyed d. borrowed
271. You must be ----- silent or the birds won't appear.
a. nearly b. wrongly c. absolutely d. recently
272. I haven't seen my friend for a long time, but last week I ----- a phone call from him.
a. attended b. met c. received d. saved
273. You got 20 ----- of the answers right – that means one in every five.
a. gift b. ceremony c. trip d. percent

274. Unable to speak a word of the language, he ----- with his hands.
a. met **b. exchanged** **c. communicated** **d. protected**
275. This type of computer is too slow and inflexible to ----- many business needs.
a. receive **b. meet** **c. visit** **d. imagine**
276. There were so many different ----- of bread that I didn't know which to buy.
a. means **b. regions** **c. jobs** **d. types**
277. I finally passed my driving test the fourth time I ----- it.
a. gave **b. took** **c. held** **d. got**
278. We were late getting to the airport , but ----- for us , the plane as delayed.
a. luckily **b. basically** **c. certainly** **d. completely**
279. A: “ Did you know that Maria’s getting married?” B: “No, I didn’t. How -----!”
a. responsible **b. serious** **c. wonderful** **d. probable**
280. A computer does all the tasks by ----- of processing the information.
a. phases **b. means** **c. tools** **d. devices**
281. We tried to take the patient to the hospital early in the morning, but there was no taxi ----- at that time.
a. reasonable **b. responsible** **c. suitable** **d. available**
282. It takes a long time to ----- a foreign language.
a. forward **b. guess** **c. master** **d. rethink**
283. Storms ----- in their strength. They can be harmless and do no damage, or they can be very dangerous.
a. update **b. vary** **c. pump** **d. remove**
284. Don't worry! Buses drive ----- between the hotel and the airport.
a. primarily **b. frequently** **c. seriously** **d. interestingly**
285. The government has been blamed for not answering ----- to the needs of the homeless.
a. appropriately **b. comfortably** **c. physically** **d. surprisingly**
286. All of the performers played ----- in the concert.
a. economically **b. mainly** **c. wonderfully** **d. fortunately**
287. We all need variety in our meals. In other words, we require ----- nutrients.
a. specific **b. complex** **c. different** **d. normal**
288. The water in this area contains a small ----- of calcium and other minerals.
a. effect **b. amount** **c. account** **d. function**
289. Most people know little about ----- health problems.
a. painful **b. mental** **c. brief** **d. chemical**
290. All the parking meters were taken, so we had to ----- a parking lot.
a. turn up **b. look for** **c. pick up** **d. insist on**
291. Scientists are trying to find out when an earthquake occurs. “occurs” means -----.
a. include **b. continue** **c. produce** **d. happen**
292. Some kinds of animals ----- with one another by means of signs.
a. communicate **b. inform** **c. refer** **d. compete**

293. A planned series of actions for achieving something is called -----.
- a. step b. confidence c. strategy d. secret
294. Students should set a ----- time aside to do their homework.
- a. mental b. aware c. specific d. domestic
295. Unemployment as a ----- issue remained unsolved and politicians couldn't find any solution.
- a. local b. busy c. interesting d. social
296. She has been working ----- hours to save enough money for next summer vacation.
- a. extra b. confusing c. voluntary d. necessary
297. Physical exercise can ----- you against heart disease.
- a. develop b. create c. protect d. improve
298. He ----- his job to find a better one.
- a. separated b. gave up c. disliked d. put off
299. The cost of the project has greatly ----- since its construction.
- a. introduced b. completed c. increased d. performed
300. Our professor is always ----- to talk to his students.
- a. probable b. strong c. popular d. available
301. The sports club provides a wide range of ----- including tennis, swimming and squash.
- a. activities b. identities c. materials d. minerals
302. Mr. Smith ----- a sports show on a local radio station, that's why he's quite well-known in the area.
- a. ranges b. hosts c. varies d. picks
303. A: "Can we pay for the things we need?"
B: "I think so. We have enough money to ----- our needs."
- a. make b. visit c. mean d. meet
304. The exercises are excellent for those who need to improve their mental -----.
- a. serving b. ability c. society d. belief
305. Do you have a/an ----- picture of what the house will look like after the changes?
- a. mental b. emotional c. physical d. healthy
306. She ----- the street carefully and nervously, looking for the two young men.
- a. scanned b. belonged c. imagined d. ranged
307. She quickly skimmed through the pages and ----- certain words as important.
- a. guessed b. enjoyed c. escaped d. marked
308. They look so funny together. She's really ----- and her husband is about six feet tall.
- a. attractive b. healthy c. rich d. tiny
309. Unfortunately, the traditional way of life is rapidly ----- in almost every region of the country.
- a. increasing b. decreasing c. disappearing d. improving
310. I would respectfully ----- a different explanation for the company's recent problems.
- a. imagine b. improve c. exchange d. suggest
311. Doctors were amazed by the sudden signs of ----- in the patient's medical condition.
- a. entertainment b. improvement c. experiment d. excitement

312. Beyond these guidelines, there are ----- of helpful hints to keep you at a healthy weight.
a. plenty **b. ability** **c. identity** **d. charity**
313. I have ----- a useful experience from doing that job for years.
a. contained **b. guessed** **c. gained** **d. quitted**
314. I think public transportation is the best ----- of getting there?
a. medium **b. means** **c. grade** **d. device**
315. Don't ask the boss for a pay rise. He always remains ----- to his workers' requests.
a. neat **b. quiet** **c. right** **d. deaf**
316. There are ----- things many children just can't discuss with their parents.
a. probable **b. direct** **c. popular** **d. certain**
317. Scientists have recently discovered an effective means of ----- the disease in its early stages.
a. creating **b. increasing** **c. receiving** **d. identifying**
318. After weeks of tests, they finally discovered I had a rare blood -----.
a. vessel **b. drop** **c. donation** **d. disorder**
319. The famous artist hopes to ----- thousands of children and young people to try healthy lifestyles.
a. invent **b. influence** **c. compare** **d. combine**
320. Her parents tried to ----- her in her choice of university but she'd already made up her own mind.
a. influence **b. protect** **c. predict** **d. measure**
321. I don't know why he did that, but I'm sure he had his own -----.
a. keys **b. reasons** **c. access** **d. luggage**
322. July allowed herself to consider the ----- possibility that she might win the big prize.
a. boring **b. tiring** **c. following** **d. exciting**
323. Visitors to the recreation area can go ----- in the clear waters off the island.
a. jogging **b. hiking** **c. sailing** **d. flying**
324. Despite the fact that there are some big problems ----- of us, I'm confident we can succeed in creating more jobs.
a. beside **b. around** **c. ahead** **d. near**
325. Take no notice of him. Very few of his ideas are ----- of further attention.
a. valuable **b. available** **c. worthy** **d. healthy**
326. He volunteered to take part in a dangerous secret ----- into the regions under enemy control.
a. invitation **b. prediction** **c. mission** **d. addition**
327. Now, it is hard to ----- what things would be like today without computers.
a. disagree **b. imagine** **c. define** **d. contrast**
328. Let us consider the fact that we can only explore the problem by ----- of a scientific method.
a. means **b. matter** **c. reason** **d. result**
329. Without going into -----, I can tell you that we have had a very successful year.
a. events **b. details** **c. terms** **d. effects**
330. If you want me to help you, you have to be more ----- about what kind of book you're looking for.
a. simple **b. experienced** **c. lucky** **d. specific**

- 331.** He was not yet thirty when his symptoms of deafness began to appear, and as a young man believing his life as a musician was at an end, he became deeply -----.
- a. ashamed b. amazed c. depressed d. excited**
- 332.** The term "Phonography" was born in 2007 and has since ----- popularity among professional and amateur photographers because it allows everybody to take photos during their daily lives.
- a. seemed b. gained c. existed d. described**
- 333** 'Congratulations and ----- to all who helped to make the party such a success,' said the cheerful guest.
- a. catch up b. wake up c. well done d. feel done**
- 334.** You can earn large amount of money by selling these items. They are highly ----- by collectors.
- a. disliked b. avoided c. achieved d. valued**
- 335.** The company says it is unable to meet the workers' conditions for lower working hours. The underlined word 'meet' is the synonym of -----.
- a. visit b. join c. satisfy d. identify**
- 336.** Nowadays, many people think that testing beauty products on animals is -----.
- a. impossible b. impatient c. immoral d. imperfect**
- 337.** She was very nervous and frightened of making ----- when taking the test.
- a. a difference b. a noise c. mistakes d. problems**
- 338.** The guests exchanged ----- in their own local language and sat down to lunch.
- a. bowings b. greetings c. clothing d. cycling**
- 339.** We can use these two colors, in ----- or individually, to decorate the room.
- a. observation b. protection c. combination d. addiction**
- 340.** Interestingly, there exists a negative ----- toward technology among certain groups of the society especially the older people.
- a. attitude b. custom c. discount d. income**
- 341.** Choose the odd word out.
- a. nervous and frightened b. sorry and ashamed c. bored and tired d. cheap and expensive**
- 342.** The unfortunate bus accident in Tehran has caused a number of the passengers to ----- serious injuries.
- a. hurt b. receive c. attack d. cure**
- 343.** People never understand how important any moment of life is while their valuable life passes in a -----.
- a. lifestyle b. firefighter c. heartbeat d. laughter**
- 344.** Try to put on, at least, a calm expression. You're, in fact, ----- your worries and sorrows to the people around you.
- a. participating b. extinguishing c. Identifying d. Communicating**
- 345.** I tried a lot to change his opinion, but I failed and ----- trying. I think we should respect his decision.
- a. took off b. checked in c. gave up d. turned off**
- 346.** It's hard to say how to help the poor unless you yourself are brought into contact with them to know fully what their ----- are.
- a. tongues b. regions c. problems d. opinions**

347. It was a very ----- moment in the film when the mother got aware of her son's death but still couldn't believe it.

- a. cycling b. beginning c. laughing d. touching

348. It is not actually right to give the most important jobs to the people who suffer from any kind of mental ----- . It has already been proven that they can never be helpful.

- a. laughters b. experiences c. additions d. disorders

349. The report shows that poor families spend a larger part of their ----- on food.

- a. economy b. identity c. income d. diversity

350. He is a player of real talent and ----- and has the ability to make a real and lasting impression at the highest level.

- a. access b. opinion c. aid d. skill

351. Medicines are not always without problems, and doctors usually ----- the risks to patients.

- a. measure b. imagine c. suggest d. explain

352. He published his findings after a detailed study of how moral values ----- over time.

- a. draw b. donate c. vary d. carry

353. In the 19th century, horses and carts were the only means of ----- available.

- a. transportation b. communication c. education d. production

354. Ali was sent to a company in China and his ----- was to explain them our goals.

- a. dream b. mission c. pattern d. offer

355. They have the ----- of creating conditions for every child in the society to have free access to education.

- a. goal b. topic c. prize d. step

356. We need to do more to improve living conditions of the poorer members of our -----.

- a. custom b. culture c. range d. society

357. The exercises are excellent for those who need to improve their mental -----.

- a. serving b. ability c. society d. belief

358. Do you have a/an ----- picture of what the house will look like after the changes?

- a. mental b. emotional c. physical d. healthy

359. Dictionaries are produced with specific markets in mind, and their subjects ----- accordingly.

- a. exist b. vary c. erase d. grow

360. E-mail has become an increasingly important ----- of communication in the world of business.

- a. range b. area c. means d. element

یادداشت:

1	A	41	A	81	C	121	B	161	B	201	B	241	A	281	D	321	B
2	A	42	B	82	D	122	C	162	D	202	D	242	A	282	C	322	D
3	C	43	A	83	C	123	D	163	B	203	B	243	C	283	B	323	C
4	B	44	B	84	B	124	C	164	D	204	C	244	C	284	B	324	C
5	B	45	C	85	C	125	A	165	B	205	D	245	B	285	A	325	C
6	D	46	A	86	B	126	B	166	C	206	B	246	C	286	C	326	C
7	A	47	B	87	C	127	D	167	D	207	A	247	A	287	C	327	B
8	A	48	C	88	A	128	C	168	A	208	C	248	C	288	B	328	A
9	D	49	B	89	B	129	D	169	D	209	D	249	A	289	B	329	B
10	A	50	A	90	B	130	B	170	C	210	C	250	A	290	B	330	D
11	A	51	A	91	B	131	C	171	B	211	B	251	C	291	D	331	C
12	C	52	A	92	D	132	B	172	A	212	D	252	B	292	A	332	B
13	A	53	C	93	D	133	B	173	B	213	A	253	D	293	C	333	C
14	B	54	B	94	B	134	C	174	C	214	B	254	D	294	C	334	D
15	B	55	B	95	D	135	C	175	B	215	C	255	A	295	D	335	C
16	C	56	B	96	B	136	A	176	D	216	C	256	C	296	A	336	C
17	A	57	A	97	C	137	A	177	B	217	B	257	C	297	C	337	C
18	B	58	B	98	D	138	C	178	C	218	C	258	B	298	B	338	B
19	A	59	D	99	B	139	D	179	D	219	C	259	B	299	C	339	C
20	B	60	C	100	D	140	C	180	B	220	C	260	C	300	D	340	A
21	C	61	C	101	A	141	C	181	A	221	A	261	A	301	A	341	D
22	A	62	B	102	A	142	B	182	C	222	C	262	B	302	B	342	B
23	D	63	D	103	B	143	D	183	D	223	D	263	C	303	D	343	C
24	A	64	C	104	C	144	B	184	C	224	C	264	C	304	B	344	D
25	C	65	B	105	D	145	B	185	B	225	C	265	B	305	A	345	C
26	B	66	D	106	B	146	B	186	B	226	B	266	B	306	A	346	C
27	D	67	A	107	B	147	D	187	C	227	A	267	A	307	D	347	D
28	C	68	D	108	B	148	A	188	D	228	C	268	B	308	D	348	D
29	C	69	D	109	A	149	B	189	D	229	B	269	D	309	C	349	C
30	B	70	D	110	A	150	D	190	A	230	C	270	A	310	D	350	D
31	D	71	A	111	B	151	A	191	C	231	D	271	C	311	B	351	D
32	D	72	B	112	A	152	D	192	A	232	D	272	C	312	A	352	C
33	C	73	D	113	B	153	A	193	A	233	D	273	D	313	C	353	B
34	B	74	A	114	C	154	B	194	A	234	A	274	C	314	B	354	B
35	B	75	D	115	C	155	C	195	D	235	A	275	B	315	D	355	A
36	B	76	A	116	D	156	A	196	C	236	A	276	D	316	D	356	D
37	C	77	C	117	B	157	D	197	B	237	A	277	B	317	D	357	B
38	A	78	D	118	C	158	B	198	D	238	B	278	A	318	D	358	A
39	C	79	A	119	C	159	A	199	C	239	A	279	C	319	B	359	B
40	A	80	B	120	B	160	B	200	A	240	B	280	B	320	A	360	C

Part Four:

“Vision Three”

English for 12th Grade

- Lesson One “*Sense of Appreciation*” ----- 101
- Lesson Two “*Look it Up*” ----- 116
- Lesson Three “*Renewable Energy*” ----- 132

Lesson One:

“Sense of Appreciation”

حس قدر شناسی

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
accidental	تصادفی	at all	اصلاً، ابداً
accidentally	تصادفاً، اتفاقی	at last	سرانجام
A.D	بعد از میلاد، میلادی	at least	حداقل
a set of	مجموعه ای از	attempt	تلاش، کوشش
abroad	خارج از کشور	author	نویسنده، مؤلف
active	فعال، فعالانه	authorized	مجاز - مختار
active voice	جمله معلوم (درگرامر)	authority	صلاحیت، اختیار - معتبر، منبع موثق
addition	جمع، اضافه، افزوده، چیز افزوده	babysit	از بچه پرستاری کردن
advice	نصیحت، توصیه	babysitter	پرستار بچه
advise	نصیحت کردن، توصیه کردن	bear	خرس - به دنیا آوردن - تحمل کردن
advisement	مشورت، تأمل	be born	متولد شدن، به دنیا آمدن
advisor	مشاور، راهنما - معاون	because of	به خاطر
again and again	بارها، صد دفعه، دوباره و دوباره	belonging	تعلق، وابستگی
agreement	توافق، موافقت، پذیرش، قرارداد	bless	دعا کردن، مبارک خواندن، تقدیس کردن
after a while	بعد از مدتی	blessed	مبارک، سعید، خوشبخت، خجسته
airbag	کیسه هوا	blessedness	سعادت، برکت، مبارکی، خوشبختی
airplane	هواپیما	blessing	رحمت، برکت، دعای خیر، نعمت، حمایت
along with	به علاوه، افزون بر، و - همراه با	boost	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن، حمایت
aloud	بلند، با صدای بلند	booster	تقویت کننده، حامی، تشدید کننده
although	اگرچه	bother	آزار، اذیت، دردسر
analyze	بررسی کردن، آنالیز کردن	bring up	تربیت کردن، بزرگ کردن، مطرح کردن
analyzer	تحلیل کننده، تحلیل گر	broken- heart	دلشگسته، نا امید
anniversary	سالگرد	burst	ترکیدن، منفجر شدن، ناگهان (طوری) شدن
antonym	متضاد	businessman	تاجر
appropriate	مناسب، شایسته، در خور	by heart	از حفظ
appreciation	قدردانی، درک، فهم، برآورد، ارزیابی	by the way	راستی
appreciative	قدردان، قدرشناس	cage	قفس، محفظه، اتاقک
appreciate	قدردانی کردن، درک کردن، فهمیدن	calmly	آرام، راحت، به آرامی، آهسته
article	مقاله - ماده قانون - شیئی، اسباب، چیز	cancer	سرطان، مصیبت
as	چون، وقتی که، به عنوان، مثل	capable of	قادر بودن به
as follows	به شرح زیر	care for	مراقبت کردن از، علاقه داشتن به
a sign of	یک نشانه از	carry	حمل کردن، بردن، منتقل کردن
as well	همچنین (گرامر: در انتهای جمله میآید)	carry no risk	خطر نکردن
as well as	همچنین	Caspian Sea	دریای خزر

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) *Key Words of Vision 3*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
catch	گرفتن، دچار شدن، مبتلا شدن به	definition	تعریف، معنی
center	مرکز، وسط، کانون، هسته ی اصلی	description	توصیف، تشریح
chapter	فصل (کتاب)، قسمت (کتاب)، باب، شعبه	descriptive	توصیفی، تشریحی، وصفی
chess	شطرنج	detective	کارآگاه (پلیس)، بازرس، مفتش
childhood	بچگی، کودکی، دوران بچگی	diary	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت، سرسیدنامه
choose	انتخاب کردن، تصمیم گرفتن	diploma	مدرک تحصیلی، دیپلم، فوق دیپلم
close friend	دوست صمیمی	discover	کشف کردن، پی بردن، پیدا کردن
college	دانشکده	discovery	کشف
collocation	هم نشینی، ترکیب، همآیند	distinguish	تشخیص دادن، متمایز کردن
combine	ترکیب کردن، ترکیب شدن	distinguished	برجسته، ممتاز، سرشناس، متین
combination	ترکیب	dish	غذا، ظرف غذا – بشقاب
come back	برگشتن	doer	انجام دهنده، اهل عمل
complain	شکایت کردن، گلایه کردن	deserve	استحقاق داشتن، سزاوار (چیزی) بودن
compound	مرکب، ترکیبی، مخلوط، ترکیب	divorce	طلاق
comprehension	درک مطلب	documentary	مستند، مستدل، سند دار، مدرکی
concern	دغدغه، نگرانی، تشویش	duty	وظیفه، کار، خدمت، تکلیف
conference	کنفرانس، جلسه	economically	از نظر اقتصادی
confirm	تائید کردن، ثابت کردن، تصدیق کردن	effort	بدون تلاش، آسان، ساده
confirmation	تصدیق، تائید – تثبیت	either ... or	یا، هر یک (از دو)
connecting	رابط، ربط دهنده	elder	بزرگ تر، بزرگ
countless	بی شمار، بی اندازه، بسیار زیاد	elderly	سالخورده، پیر، قدیمی، کهنه
cousin	فرزند خاله، عمه، عمو یا دایی	elicit	بیرون کشیدن به دست آوردن، باعث شدن
critic	منتقد، انتقاد کننده، نقدگر، نکوهشگر	emotion	احساس
criticize	نقد کردن	end in	ختم شدن، به انجامیدن به، کشیدن به
cry	گریه کردن، فریاد کشیدن	enjoyable	لذت بخش، مطبوع، خوشایند
culture	فرهنگ	ethic	اخلاق، اخلاقیات، اصول اخلاقی
cultural	فرهنگی	evidence	مدرک، گواهی، دلیل – شاهد، گواه
cure	درمان، چاره، درمان کردن، برطرف کردن	expert	متخصص، کارشناس
custom	رسم، سنت، عرف – گمرک، حقوق گمرکی	feed	غذا دادن به، تغذیه کردن، خوراندن، دادن
customer	مشتری، خریدار، ارباب رجوع	feedback	بازخورد، بازده، فیدبک
dear	انجام دهنده، فاعل	feeding	تغذیه، خوراک
dedicate	وقف کردن، اختصاص دادن، اهدا کردن	fingerprint	اثر انگشت
dedicated	متعهد – وقف شده – (رایانه) اختصاصی	fix	تعمیر کردن، قطعی کردن، محکم کردن
dedication	اهداء، وقف، تخصیص – فداکاری	forgive	بخشیدن، عفو کردن

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
forgiveness	بخشش، عفو، گذشت	(sit on) lap	روی (ران) پا نشستن
forgiver	بخشنده، عفو کننده	lawyer	وکیل
found	تأسیس کردن، ایجاد کردن، ساختن	lie	دروغ
founder	تأسیس کننده، مؤسس، بنیان گذار	location	محل، جا، موقعیت، محل (فیلمبرداری)
failure	شکست، سقوط	loving	مهربان، بامحبت، محبت آمیز، عاشقانه
fridge	یخچال	lower	پایین آوردن، کم کردن، پایین آمدن
generate	تولید کردن، به وجود آوردن	lack	فقدان، نبود، کمبود، نداشتن، کم داشتن
generation	تولید، نسل	major	اصلی، عمده – سرگرد
go together	با هم همراه بودن، با هم جور بودن	marketing	بازاریابی
grandchild	نوه	meaningful	با معنی، معنی دار
guideline	رهنمود، توصیه دستور العمل	moral	درس اخلاقی، نتیجه ی اخلاقی
grateful	سپاسگذار، متشکر، خوشحال	most importantly	مهم تر این که، از همه مهمتر این که
gulf	خلیج، شکاف، اختلاف	mother-in-law	مادر شوهر – مادر زن
handle	کنترل کردن، از عهده برآمدن، حمل کردن	muscle	ماهیچه
hard of	گوش (کسی) سنگین (بودن)	North Pole	قطب شمال
hate	نفرت داشتن از، نفرت	Not surprisingly	تعجبی نداره که، معلوم است که
hear of	از (کسی یا چیزی) خبری داشتن،	note	توجه کردن به، دقت کردن، ملاحظه کردن
hence	(از حالا) بعد، دیگر، بنابراین	object	شی، هدف – مفعول
heritage	میراث	once	یک بار روزی، روزگاری، یه زمانی،
homeland	وطن، میهن، سرزمین آبا و اجدادی	on the other hand	از طرف دیگر
honor	آبرو، گرامی داشتن، افتخار، احترام	ordinary	معمولی، عادی
honorable	شریف، محترم، پسندیده، بزرگوار،	parrot	طوطی، آدم طوطی (صفت)
hug	در آغوش گرفتن	passive	(دستور زبان) مجهول، صیغه ی مجهول
icy	یخی – بسیار خنک، سرد	pause	مکث کردن، مکث
identity	هویت	pay raise	افزایش حقوق
immigration	مهاجرت	peaceful	ارام، صلح طلب، صلح آمیز، بدون درگیری
immoral	غیر اخلاقی، بد اخلاق، فاسد، بد سیرت	penalty	جریمه، کیفر، مجازات، تاون، جزا
inappropriate	ناقص، ناتمام	physician	پزشک، طبیب
inspiration	الهام، منبع الهام	pigeon	کبوتر
inspirator	الهام دهنده، تزریق کننده	pity	ترحم، دلسوزی، جای تأسف
install	نصب کردن، منصب کردن، کار گذاشتن	place	قرار دادن، قرار گرفتن – جا، مکان
interestingly	جالب است که ...، شگفت است که ...	poetry	شعر، شاعری، اشعار
inform	مطلع کردن، با خبر کردن	present	حاضر، موجود، فعلی، کنونی – هدیه، کادو
informer	خبر چین، مخبر، جاسوس، اطلاع دهنده	presentability	قابلیت ارائه
judge	قضاوت کردن – قاضی	principle	اصل، قاعده، اصل اخلاقی
kindly	با مهربانی، با ملایمت، لطفاً، بی زحمت	process	فرآیند، جریان، روند، روش
kindness	مهربانی، لطف، محبت	profit	سود، نفع، فایده، فایده داشتن
kiss	بوسه، بوسیدن	profitable	سود آور، مفید، سودمند

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
provide	تامین کردن، تهیه کردن، در اختیار قرار دادن	sometime	زمانی، روزی، یک روزی، یک وقت
psychologist	روانشناس	sound	به نظر آمدن - صدا دادن - صدا
punish	تنبیه کردن، مجازات کردن	spare	دریغ کردن، عفو کردن، چشم پوشی کردن
punisher	تنبیه کننده، مجازات گر	steal	دزدیدن، دزدی کردن
punishment	تنبیه، مجازات	strength	قدرت، نیرو، توان، استحکام، شدت
qualitative	کیفی، از نظر کیفیت	strict	سخت گیر
quantity	کمیت، مقدار، تعداد	substance	ماده اصلی، جنس، جسم، شیء، ذات
quantitative	از نظر کمیت، کمی، مقداری	such	چنین، اینطور، چنان طوری، آنقدر
rather than	به جای ، به جای اینکه	suddenly	ناگهان، یک دفعه ، یکهو
receive	دریافت کردن، بدست آوردن	tag question	عبارت الحاقی - پرسش تاکیدی
record	ثبت کردن، یادداشت کردن، ضبط کردن	take a rest	استراحت کردن
refuse	امتناع، رد کردن، نپذیرفتن، اشغال	tear	اشک
regard	تلقی کردن، نگرستن به، توجه، احترام	teenager	نوجوان
regarding	در ارتباط با، با توجه به، در پاسخ، درباره	temperature	درجه ی حرارت، دما، حرارت بدن، تب
release	رها کردن، آزاد کردن، ترشح کردن	terrible	وحشتناک، شدید، مزخرف، بد، افتضاح
religion	مذهب	textbook	کتاب درسی، درس نامه
religious	دینی، مذهبی، مؤمن	thus	بدین ترتیب، بنابراین، این طور، این جور
repeatedly	بارها، بارها و بارها، به کرات	tool	ابزار، وسیله، لوازم
replace	جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن	truth	حقیقت، راستی
reply	جواب دادن، جواب	trustworthy	قابل اعتماد، درستکار
responsibility	مسئولیت، وظیفه	uncertainty	عدم قطعیت ، شک، تردید، بی ثباتی
rub	سائیدن، مالیدن - پاک کردن، اصطکاک	unnatural	غیر طبیعی، غیر عادی، ساختگی
robber	سارق، دزد	umbrella	چتر، حافظ، پوشش
rubbish	آشغال، زباله، چیز بی ارزش	unconditionall	بدون قید و شرط
salary	حقوق، دستمزد	unreal	غیر واقعی، باور نکردنی
score	نمره، امتیاز، نتیجه	vase	گلدان
scoreboard	تابلو امتیاز	voluntarily	به طور داوطلبانه
sensation	احساس، حس، شور	warn	هشدار دادن، اخطار دادن
sense	حس، احساس، عقل، فهم، شعور، منطق	wealthy	ثروتمند
series	رشته، سلسه، سری، مجموعه سریال	what's wrong	مشکل چیست؟
shameful	شرم آور، ننگین	whereby	که با آن، که از طریق آن
shout	فریاد کشیدن، فریاد	while	در حالی که
signal	علامت، پیام، علامت دادن، خبر دادن،	willing	مایل، مشتاق، موافق، مشتاقانه
sofa	مبل، کاناپه	wisdom	حکمت، فرزانیگی، دانایی، عقل، معرفت
solution	راه حل، محلول، حل	within	در، در محدوده ی، در ظرف، داخل، توی

۱۰۰ تست واژگان درس اول پایه دوازدهم *Vocabulary Tests (Lesson 1)*

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات درس اول دوازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی جایگزین خواهند شد.

1. Their first ----- to climb Everest ended in failure.
a. test b. attempt c. temperature d. exercise
2. As parents, it's our moral duty to teach our children to ----- other people's opinions.
a. produce b. honor c. power d. burst
3. It is surely the ----- of the wealthy members of the society to help those who are economically weak.
a. duty b. matter c. point d. case
4. It was a great job to do and you help me a lot. I really don't know how to ----- you.
a. hate b. describe c. appreciate d. burst
5. Maryam seems to be ----- the job of running the company very well, but it's really too soon to judge.
a. promoting b. protecting c. handling d. boosting
6. He had been caught while trying to steal the bike, but the police had to release him because of ----- evidence.
a. strategy b. lack c. while d. availability
7. After they had taken my brother to hospital, I tried to say how ----- we all were for his great help.
a. shameful b. cruel c. peaceful d. grateful
8. Those people who donate their blood voluntarily to help sick people are ----- of our respect.
a. lovely b. worthy c. main d. ancient
9. Icy road conditions in Tehran ----- in two roads being closed as well as major road accidents.
a. replied b. ended c. checked d. matched
10. I go to English class four ----- a week. Sometimes I find it really boring.
a. times b. periods c. rings d. sizes
11. After that terrible earthquake in Kermanshah, many people were ready to ----- blood to the patients.
a. prepare b. donate c. produce d. save
12. After our teacher gave a lecture, he expected us to ask him ----- questions about his speech.
a. unnatural b. confused c. confident d. meaningful
13. One of our relatives started his own business in Isfahan industrial city and ----- over 1500 jobs.
a. generated b. built c. reflected d. weaved
14. We have planned to go out for dinner ----- between this week and the following.
a. often b. rarely c. sometimes d. sometime
15. We want to show our ----- to all the staff who try in providing our local National Health Services.
a. recognition b. dedication c. situation d. appreciation
16. He complained that the doctor's ----- towards him had been inappropriate.
a. location b. behavior c. rule d. conversation
17. Just as the Apple computer appeared, two researchers ----- a company called Adobe and developed the laser printer.
a. founded b. discovered c. narrated d. installed
18. This year, scientists ----- water instead of ice at the North Pole for the first time.
a. invented b. discovered c. lowered d. provided

19. Nurses who ----- the elderly in Tehran are to explain their role at a special meeting next month.
a. respect b. care for c. deserve d. check
20. To analyze the data we employed a / an ----- of qualitative and simple quantitative techniques.
a. attention b. competition c. definition d. combination
21. So far, managers have refused to ----- or deny reports that up to 200 jobs are to go.
a. spare b. confirm c. regard d. distinguish
22. The driver should ----- at a yellow signal and come to a complete stop at a red light.
a. pause b. record c. catch d. boost
23. She was angry because her boss increased her ----- in her job, but he didn't increase her salary.
a. duties b. feelings c. values d. inspirations
24. Excuse me, I think you've ----- a mistake in our bill.
a. had b. made c. done d. given
25. We will ----- no efforts to find out who did this.
a. forgive b. spare c. confirm d. dedicate
26. Happiness isn't about getting what you want. It's about loving and being ----- for what you have received.
a. grateful b. powerful c. meaningful d. depressed
27. We received your invitation and are sorry to ----- you that we won't attend the conference.
a. connect b. confirm c. inform d. dedicate
28. This ----- of students doesn't seem to care about school as much as their parents.
a. tradition b. inspiration c. installation d. generation
29. I would be most ----- if you would send me the book immediately.
a. hopeful b. dedicated c. grateful d. responsible
30. The name of the dead man will not be released until his relatives have been -----.
a. invited b. appreciated c. respected d. informed
31. Koalas and humans are the only animals with unique fingerprints and, in fact, koala fingerprints cannot be ----- from human fingerprints.
a. distinguished b. replaced c. informed d. discovered
32. A police detective often finds himself in the position of having to ----- between a lie and a truth.
a. forgive b. dedicate c. mention d. distinguish
33. Jane suddenly ----- tears thinking about leaving this place and all of her friends for 3 years.
a. look for b. care for c. take care of d. burst into
34. The music was loud at the party, and ----- I could not hear what you were saying.
a. whereby b. by accident c. hence d. aloud
35. Although the excellent worker ----- a pay raise, his strict boss refuses to give him extra money.
a. inform b. boost c. deserve d. provide
36. The book I got out of the library ----- the information I needed to finish my report, so I'll have to find a better one.
a. born b. lacked c. improved d. signaled
37. Serious actions must be taken to prevent more accidents. Roads are not capable of carrying heavy traffic and our rules seem not to ----- effectively.
a. protect b. function c. disagree d. defend

38. He ----- his little brother for breaking his toy airplane, but warned him to be more careful.
a. forgave b. signaled c. mentioned d. distinguished
39. Check that any medicine you are taking ----- no risk for your developing baby.
a. builds b. identifies c. generates d. carries
40. Although it may not be the best -----, we are hoping that closing the center two days a week will help up save money.
a. inspiration b. solution c. location d. connection
41. Police hoped that showing the missing girl's face on the news would ----- new interest in her case.
a. lower b. compare c. pause d. generate
42. We are a one-income family now; ----- we will not be taking two vacation trips this year.
a. sometime b. when c. hence d. once
43. Not -----, it was much appreciated by Hitler and the Nazi immigration lawyers.
a. unconditionally b. hopefully c. surprisingly d. seriously
44. Because of their cultural -----, the Wang family still celebrates Chinese New Year every year.
a. difference b. process c. heritage d. generation
45. It is our ----- that makes us who we are and how we are different from everybody else.
a. sense of belonging b. sense of appreciation
c. sense of identity d. sense of responsibility
46. I'd never ----- myself if anything happened to the kids.
a. shout b. forgive c. found d. regard
47. She has always been encouraged to swim to build up the ----- of her muscles.
a. feeling b. difference c. description d. strength
48. Whenever she tried to have a ----- conversation with her friend, he always changed the subject to a new one.
a. countless b. meaningful c. religious d. compound
49. If you do not ----- your parents of where you will be when you leave the house, it only makes sense that they would worry about you.
a. inform b. feed c. provide d. confirm
50. The ----- solider is remembered by his family and friends as a trustworthy person who would help anyone in need.
a. honorable b. curious c. unreal d. passive
51. The beautiful forests of this country are part of our national ----- and must be protected.
a. elicitation b. generation c. heritage d. inspiration
52. Researchers have found that one ----- of the brain is to produce substances that can improve your health.
a. collection b. distribution c. function d. solution
53. Although I don't always show it, I ----- my mother-in-law as a woman of wisdom.
a. shout b. regard c. boost d. born
54. The clinic provides free ----- for elderly and infirm people who lack health insurance.
a. look b. dedicate c. care d. ask
55. The happiest are not those who own all the best things, but those who can ----- the beauty of life.
a. boost b. regret c. appreciate d. bless

56. Even an expert would find it hard to ----- between the original painting and the copy.
a. distinguish **b. identify** **c. inspire** **d. belong**
57. A generous businessman ----- three million dollars to the charity.
a. donated **b. respected** **c. cured** **d. hugged**
58. I ----- two mistakes in my exam.
a. took **b. did** **c. made** **d. do**
59. He's a very kind doctor. He's completely ----- to his work.
a. dedicated **b. religious** **c. generous** **d. cruel**
60. I was sitting ----- the sofa and having a ----- meal.
a. on - quick **b. at - fast** **c. on -fast** **d. at - quick**
61. "Do you remember much about the accident?" "No, it all happened so -----."
a. repeatedly **b. suddenly** **c. quietly** **d. wonderfully**
62. Because of so much noise rising from the engine, we had to ----- to hear each other clearly.
a. reply **b. respect** **c. shout** **d. point**
63. While we were sitting in the living room, our aunt came in. She was very happy to see us, ----- and kissing everybody kindly.
a. hugging **b. calming** **c. running** **d. caring**
64. A good teacher knows how to use the educational technologies to teach the subjects and ----- the right feedback from his students.
a. signal **b. elicit** **c. spoil** **d. translate**
65. When students become anxious during a test, they may ----- tell themselves they are going to fail, or that their teacher will become angry with them if they perform poorly.
a. commonly **b. exactly** **c. repeatedly** **d. perfectly**
66. Although everybody believes that he must be punished for what he did, there are few who suppose he ----- all that penalty.
a. handled **b. deserved** **c. regarded** **d. founded**
67. Three years ago, they began their life with great love, but now unfortunately, they want to get a divorce, because they ----- agree on what to do.
a. usually **b. rarely** **c. shortly** **d. sadly**
68. He was one of the Australia's most ----- artists, known for his paintings of nature.
a. distinguished **b. oral** **c. frightening** **d. quiet**
69. The elderly people have plenty of experience and knowledge to share with younger generations, therefore, behaving towards them with ----- should be duty to all of us.
a. respect **b. relation** **c. rudeness** **d. repetition**
70. She has observed something unusual in her father's ----- recently. I think it is absolutely necessary for him to go to a psychologist.
a. physician **b. behavior** **c. medicine** **d. professor**
71. A part of her might never ----- him for what he did, and that was a dark part of her personality that she didn't want him to see.
a. explain **b. prevent** **c. participate** **d. forgive**
72. Jalal Al Ahmad is a ----- writer in Iran.
a. distinguished **b. regretful** **c. cruel** **d. quiet**

73. Children often ----- at one another because they don't have the skills to solve disagreements appropriately.
a. look **b. add** **c. shout** **d. start**
74. The broken - hearted father was sad to learn that the airbag had failed to ----- his daughter during the car crash.
a. report **b. protect** **c. cause** **d. take**
75. The students were extremely under ----- to obey the school rules not to wear jeans, or they couldn't attend the classes.
a. donate **b. pressure** **c. care** **d. strength**
76. Six people have ----- that they will attend the meeting but ten people haven't replied yet.
a. confirmed **b. discovered** **c. combined** **d. inspired**
77. My mother ----- every hour of the day to take care of us while my father was away at work.
a. founded **b. dedicated** **c. shared** **d. regarded**
78. Parents need to encourage a sense of ----- in their children in order to behave in a way that will not harm themselves or other people.
a. identity **b. humor** **c. appreciation** **d. inspiration**
79. Some of the managers give really helpful ----- to improve the quality of working lives in the society.
a. responsibility **b. protection** **c. combination** **d. cure**
80. Always keep your head up, because if it's down you won't be able to see the ----- that have been placed in your life.
a. generation **b. solution** **c. guideline** **d. blessing**
81. As I know, the author ----- no documentary references to support her statements.
a. distinguishes **b. shows** **c. provides** **d. concerns**
82. She can't go out to work because she has to stay at home to ----- her elderly mother.
a. hug **b. look for** **c. care for** **d. bring up**
83. The charity uses pictures of small children on its website to ----- the support of the public.
a. elicit **b. boost** **c. protect** **d. donate**
84. Most working environments are improved by ----- of a few plants and pictures.
a. feeling **b. correction** **c. addition** **d. installation**
85. The successful marketing of the new product has already ----- sales and increased profits.
a. boosted **b. spared** **c. protected** **d. succeeded**
86. None of us had enough money to invest in a business so we decided to ----- what we've got.
a. achieve **b. retire** **c. combine** **d. reply**
87. We plan to organize a special party to celebrate the 50th anniversary of ----- of the company.
a. leaving **b. feeding** **c. finding** **d. founding**
88. I'll never forget the date of the first day I met my wife. I've written all the special dates in my -----.
a. arrow **b. diary** **c. artifact** **d. souvenir**
89. The company like to ----- wind turbines on the mountain and use them as a source of energy.
a. carry **b. install** **c. record** **d. form**
90. The organization works on the ----- that all members have the same rights.
a. metal **b. role** **c. principle** **d. order**
91. I don't think she's ever quite ----- me for calling her name wrong that time.
a. forgiven **b. forgotten** **c. invented** **d. paid**

92. We have ----- received complaints from our customers. They still send us lots of emails.
a. beautifully b. probably c. powerfully d. repeatedly
93. She was grateful for the help and baked them a cake as a sign of her -----.
a. agreement b. selection c. appreciation d. importance
94. When he saw many examples of immoral acts, he wrote an article criticizing the society for its lack of -----.
a. identities b. entertainments c. ethics d. diversities
95. Animals should not be kept in zoos and we should take them back to where they -----.
a. attend b. consider c. belong d. carry
96. The book has 360 pages, ----- an introduction and 20 chapters.
a. weaving b. combining c. including d. recognizing
97. For me, going to college is just a means to -----, a way to get better job.
a. an end b. an aid c. a right d. a profit
98. The mother asked the teacher to kindly keep her ----- her child's progress at school.
a. informed of b. friendly towards c. careful about d. interested in
99. I am tired of you; please don't complain about things, you are not ----- to work hard to change.
a. willing b. social c. specific d. responsible
100. It is exiting to do something that really ----- a difference in your community.
a. does b. gets c. make d. acts

پاسخنامه تستهای واژگان درس اول:

Vocabulary Tests										Page: 106 - 111									
1	B	11	B	21	B	31	A	41	D	51	C	61	B	71	D	81	C	91	A
2	B	12	D	22	A	32	D	42	C	52	C	62	C	72	A	82	C	92	D
3	A	13	A	23	A	33	D	43	C	53	B	63	A	73	C	83	A	93	C
4	C	14	D	24	B	34	C	44	C	54	C	64	B	74	B	84	C	94	C
5	C	15	D	25	B	35	C	45	C	55	C	65	C	75	B	85	A	95	C
6	B	16	B	26	A	36	B	46	B	56	A	66	B	76	A	86	C	96	C
7	D	17	A	27	C	37	B	47	D	57	A	67	B	77	B	87	D	97	A
8	B	18	B	28	D	38	A	48	B	58	C	68	A	78	C	88	B	98	A
9	B	19	B	29	C	39	D	49	A	59	A	69	A	79	B	89	B	99	A
10	A	20	D	30	D	40	B	50	A	60	A	70	B	80	D	90	C	100	C

ترجمه تستهای واژگان درس یکم: صفحه ۱۱۱ تا ۱۰۶

- ۱- (b) اولین **تلاش** آن ها برای فتح کردن اورست با شکست مواجه شد.
- ۲- (b) به عنوان والدین، این وظیفه ی اخلاقی ما است که به بچه هایمان یاد دهیم تا به نظرات دیگران **احترام بگذارند**.
- ۳- (a) مطمئناً **وظیفه** ی اعضای ثروتمند جامعه می باشد تا به آن هایی که از لحاظ اقتصادی ضعیف می باشند کمک کنند.
- ۴- (c) کار بسیار بزرگی بود و بار بزرگی از شانه های من برداشتی. واقعاً نمیدانم که چگونه از شما **قدردانی کنم**.
- ۵- (c) مریم به نظر می رسد که از **عهده ی کار** اداره ی شرکت به خوبی **بر می آید**، اما برای قضاوت بسیار زود است.
- ۶- (b) او وقتی داشت دوچرخه را می دزدید دستگیر شده بود، اما پلیس باید او را به دلیل **عدم** شواهد آزاد می کرد.
- ۷- (d) پس از اینکه آن ها برادرم را به بیمارستان رسانده بودند، سعی کردم در سخنانم بگویم که چقدر همه ی ما برای این کمک بزرگشان **قدردان** هستیم.
- ۸- (b) آن افرادی که هر ساله به طور داوطلبانه برای کمک به بیماران خونساز را اهدا می کنند، **شایسته** ی احترام ما هستند.
- ۹- (b) شرایط جاده یخی در تهران به بسته شدن دو جاده به همراه تصادفات جاده ای اصلی **منتهی شد**.
- ۱۰- (a) من چهار **بار** در هفته به کلاس زبان می روم. بعضی اوقات این کلاس ها خیلی خسته کننده به نظر می رسند.
- ۱۱- (b) بعد از آن زلزله ی وحشتناک در کرمانشاه، میلیون ها افراد حاضر بودند به بیماران خون **اهدا کنند**.
- ۱۲- (d) پس از اینکه معلممان درباره ی گرمایش جهانی تدریس کرد، از ما انتظار داشت که از او سوالات **معناداری** درباره ی توضیحاتش بپرسیم.
- ۱۳- (a) یکی از خویشاوندانمان کسب و کار خودش را در شهر صنعتی اصفهان شروع کرد و بیش از ۱۵۰۰ شغل **ایجاد نمود**.
- ۱۴- (d) ما برنامه داریم که بین این هفته و هفته بعدی، **یک زمانی** برای شام بیرون برویم.
- ۱۵- (d) ما می خواهیم تا از تمامی کارکنانی که در فراهم آوردن خدمات ملی بهداشت تلاش و کوشش کردند، **قدردانی کنیم**.
- ۱۶- (b) او شکایت کرد که **رفتار** دکتر نسبت به او نامناسب بوده است.
- ۱۷- (a) همزمان که کامپیوتر اپل ظاهر شد، دو محقق یک شرکتی را موسوم به ادوب **تأسیس کردند** و چاپگر لیزری را توسعه دادند.
- ۱۸- (b) دانشمندان امسال برای اولین بار به جای یخ در قطب شمال آب **کشف کردند**.
- ۱۹- (b) پرستارانی که از سالمندان در تهران **مراقبت می کنند**، قرار است در یک جلسه خاص در ماه آینده نقش خود را توضیح دهند.
- ۲۰- (d) ما برای تجزیه و تحلیل داده ها از **ترکیبی** از تکنیک های کیفی و کمی ساده استفاده کردیم.
- ۲۱- (b) مدیران تا کنون از **تأیید** یا رد گزارش هایی مبنی بر اینکه حداکثر ۲۰۰ شغل می بایست رد شوند، امتناع ورزیدند.
- ۲۲- (a) راننده باید با علامت زرد **مکث** کند و با یک علامت قرمز به توقف کامل برسد.
- ۲۳- (a) او عصبانی بود از اینکه رئیسش **وظایف** کاری او را زیاد کرده اما حقوق او را افزایش نداده است.
- ۲۴- (b) ببخشید، فکر می کنم در صورت حسابمان **اشتباه کرده اید**.
- ۲۵- (b) ما از هیچ تلاشی برای فهمیدن اینکه چه کسی اینکار را انجام داده **دریغ نخواهیم کرد**.
- ۲۶- (a) خوشبختی چیزی نیست که می خواهید به دست بیاورید، خوشبختی این است که آنچه که به دست آورده اید را دوست بدارید و به خاطر آن **سپاسگذار** باشی.
- ۲۷- (c) ما اطلاعیه شما را دریافت کردیم و به **اطلاع می رسانیم** که متأسفانه در کنفرانس شرکت نخواهیم کرد.
- ۲۸- (d) به نظر می رسد این **نسل** از دانش آموزان به اندازه والدین خود به مدرسه اهمیت نمی دهند.

۲۹- (c) اگر بلافاصله کتاب را به من برسانید از شما بسیار **سپاسگزارم**.

۳۰- (d) طبق گزارش، نام مرد متوفی تا زمانی که خویشاوندانش **مطلع نشوند** افشا نخواهد شد.

۳۱- (a) کوالاها و انسان ها تنها حیواناتی هستند که دارای اثر انگشت منحصر به فرد می باشند در واقع اثر انگشت کوالاها را نمی توان از اثر انگشت انسان ها **تشخیص داد**.

۳۲- (d) یک کارآگاه پلیس اغلب در موقعیتی قرار می گیرد که بین دروغ و حقیقت **تمایز قائل شود**.

۳۳- (d) جین در حالی که به ترک کردن این محل و دوستانش به مدت سه سال فکر می کرد ناگهان **زیر گریه زد**.

۳۴- (c) صدای موزیک در مهمانی بلند بود و **در نتیجه** من نمی توانستم آنچه شما می گفتید را بشنوم.

۳۵- (c) اگر چه کارگر عالی **مستحق** افزایش حقوق است، اما رئیس ظالمش از دادن پول اضافی خودداری می کند.

۳۶- (b) کتابی که من به بیرون از کتابخانه آوردم **فاقد** اطلاعات مورد نیاز برای تمام کردن گزارش بود پس باید کتاب بهتری پیدا کنم.

۳۷- (b) کارهای جدی باید انجام شود تا از تصادف های بیشتر جلوگیری گردد. جاده ها گنجایش ترافیک سنگین را ندارند و مقررات ما به نظر می رسد به طور درست **عمل نمیکند**.

۳۸- (a) او برادر کوچکش را به خاطر شکستن هواپیمای اسباب بازی اش **بخشید**، اما از او خواست که بیشتر مواظب باشد.

۳۹- (d) دارویی را که شما **مصرف می کنید**، کنترل کنید تا برای کودک در حال رشدتان خطر نداشته باشد.

۴۰- (b) اگرچه شاید آن بهترین **راه حل** نباشد، (اما) ما امیدواریم که بسته بودن دو روز در هفته مرکز خرید به ما در پس انداز کردن پول کمک کند.

۴۱- (d) پلیس امیدوار بود که نشان دادن تصویر دختر گمشده در اخبار علاقه جدیدی به پرونده او **ایجاد کند**.

۴۲- (c) ما اکنون خانواده ای با یک درآمد هستیم (یک نفرمان شاغل است)، **از این رو** امسال دو سفر تعطیلات نخواهیم داشت.

۴۳- (c) **تعجبی ندارد** که، او بوسیله هیتلر و وکلای مهاجرت نازی ها بسیار مورد تقدیر واقع شد

۴۴- (c) بخاطر میراث فرهنگی عظیم شان، خانواده وانگ هنوز هر ساله، سال نو چینی را جشن می گیرند.

۴۵- (c) این **حس هویت** ماست که ما چه کسی هستیم و چگونه از دیگران متفاوت هستیم را شکل می دهد.

۴۶- (b) اگر اتفاقی برای بچه ها می افتاد هرگز خودم را **نمیبخشیدم**.

۴۷- (d) او همیشه به شنا کردن تشویق شده است تا **قدرت** ماهیچه هایش را بالا ببرد.

۴۸- (b) هر وقت که او سعی می کرد مکالمه **معنی داری** با دوستش داشته باشد، او همیشه موضوع را تغییر میداد.

۴۹- (a) اگر شما والدین خود را از جایی که می خواهید بروید هنگامی که خانه را ترک می کنید **مطلع نکنید**، این تنها باعث میشود که آن ها در مورد شما نگران شوند.

۵۰- (a) سرباز **شریف** توسط خانواده و دوستانش به عنوان یک شخص قابل اعتماد که در هنگام نیاز به هرکس کمک می کرد، به خاطر سپرده می شود.

۵۱- (c) جنگل های زیبای این کشور بخشی از **میراث** ملی ما هستند و باید حفاظت شوند.

۵۲- (c) محققان دریافتند که یکی از **عملکرد** های مغز، موادی را تولید می کند که می توانند سلامت شما را بهبود ببخشند.

۵۳- (b) گرچه من همیشه آن را نشان نمی دهم (از خودم بروز نمی دهم)، من مادر شوهرم را به عنوان زن با خردی **می نگرم**.

۵۴- (c) درمانگاه، **مراقبت های** رایگان برای سالمندان و افراد ناتوان که بیمه درمانی ندارند، فراهم می کند.

۵۵- (c) خوشبخت ترین ها کسانی نیستند که بهترین چیزها را برای خودشان دارند، بلکه کسانی هستند که می توانند از زیبایی زندگی **قصدردانی کنند**.

- ۵۶- (a) حتی یک کارشناس، ممکن است در **تشخیص دادن** نقاشی اصلی و کپی به مشکل برخورد..
- ۵۷- (a) یک تاجر بخشنده سه میلیون دلار به خیریه **اهدا کرد**.
- ۵۸- (c) من در آزمونم دو **غلط داشتم**.
- ۵۹- (a) او یک دکتر بسیار مهربان است. او به راستی نسبت به حرفه ی خود از **خودگذشتگی** دارد.
- ۶۰- (a) من **روی** مبل نشسته بودم و در حال خوردن یک غذای **آماده و سریع** بودم.
- ۶۱- (b) آیا تو چیز زیادی درباره ی تصادف به خاطر داری؟ خیر... همه چیز خیلی **یهویی** اتفاق افتاد.
- ۶۲- (c) به خاطر سر و صدای زیاد موتور ما مجبوریم برای اینکه صدای هم رو بشنویم **داد بزنیم**.
- ۶۳- (a) وقتی در اتاق نشیمن نشسته بودیم، مادر بزرگمان وارد شد. او از دیدن ما خوشحال شد و همه را با محبت بوسید و **در آغوش گرفت**.
- ۶۴- (b) یک معلم خوب می داند که چگونه از تکنولوژی های آموزشی برای تدریس مطالب و **بیرون کشیدن** بازخورد درست از دانش آموزانش استفاده کند
- ۶۵- (c) وقتی دانش آموزان در طی یک آزمون نگران می شوند، ممکن است **مکرراً** به خودشان بگویند که آن ها قرار است مردود شوند، یا این که معلمشان از عملکرد ضعیفشان عصبانی خواهد شد.
- ۶۶- (b) اگر چه همه بر این باورند که او باید برای کاری که انجام داد تنبیه شود، اما تعداد کمی وجود دارند که فکر می کنند او **لایق** آن پنالتی بود.
- ۶۷- (b) سه سال پیش، آن ها زندگی شان را با عشق زیاد آغاز کردند، اما متأسفانه اکنون می خواهند طلاق بگیرند، زیرا که آن ها **به ندرت** با هم درباره ی کاری که باید انجام دهند توافق دارند.
- ۶۸- (a) او یکی از **برجسته ترین** هنرمندان استرالیا بود که به خاطر نقاشی هایش از طبیعت معروف بود.
- ۶۹- (a) افراد مسن دارای تجربه و دانش زیادی برای به اشتراک گذاشتن با نسلهای جوان تر هستند، بنابراین با **احترام** رفتار کردن با آن ها باید وظیفه ی همه ما باشد.
- ۷۰- (b) او اخیراً چیزی غیر عادی در **رفتار** پدرش مشاهده کرده است. من فکر می کنم برای او کاملاً ضروری است که پیش یک روانشناس برود.
- ۷۱- (d) ممکن است بخشی از او هرگز او را به خاطر آن چه انجام داد **نبخشد** و آن قسمت تاریکی از شخصیت او بود که نمی خواست او ببیند.
- ۷۲- (a) جلال آل احمد یک نویسنده ی **برجسته** در ایران است.
- ۷۳- (c) کودکان اغلب بر (سر) یکدیگر **فریاد می زنند**، زیرا مهارت های ارتباطی برای حل مناسب اختلافات را ندارند.
- ۷۴- (b) پدر دل شکسته از فهمیدن این که کیسه هوا نتوانسته بود از دخترش در هنگام تصادف اتومبیل **محافظت کند**، اندوهگین بود.
- ۷۵- (b) دانش آموزان به شدت تحت **فشار** بودند تا از مقررات مدرسه درباره نپوشیدن شلوار جین پیروی کنند. در غیر این صورت، نمیتوانستند در کلاس ها حضور یابند.
- ۷۶- (a) شش نفر **تایید کرده اند** که حضور خواهند یافت و ده نفر هنوز جواب نداده اند.
- ۷۷- (b) مادرم همه ی ساعات روز را به نگه داری از ما چهار فرزندش **اختصاص** داد درحالی که پدرم بیرون در دریا بود.
- ۷۸- (c) والدین نیاز دارند احساس **مسئولیت** را در فرزندانشان تشویق کنند به این منظور که به طریقی رفتار کنند که به خودشان یا دیگران آسیب نرسانند.
- ۷۹- (b) برخی از مدیران **مسئولیت پذیری** خوبی برای بهبود کیفیت زندگی کاری در جامعه دارند.

۸۰- (d) همیشه سرتان را بالا بگیرید، برای اینکه اگر آن را پایین نگه دارید شما نمی توانید **نعمت های** که در زندگی تان واقع شده اند را

ببینید.

۸۱- (c) همانطور که می دانم، نویسنده هیچ گونه منبع مستند برای حمایت از اظهاراتش **ارائه نداد**.

۸۲- (c) او نمی تواند برای کار به بیرون برود، زیرا مجبور است برای **مراقبت کردن** از مادر پیرش در خانه بماند.

۸۳- (a) خیریه از تصاویر بچه های کوچک در وب سایت خود استفاده می کند تا حمایت عموم را **موجب شود**.

۸۴- (c) بیشتر محیط های کار با **اضافه کردن** تعداد کمی گیاه و تصاویر بهبود می یابند.

۸۵- (a) نام تجاری موفق و بازاریابی محصول جدید، در حال حاضر فروش را **بالا برده** و سود را افزایش داده است.

۸۶- (c) هیچ کدام از ما پول کافی نداشتیم که در یک تجارت سرمایه گذاری کنیم، بنابراین تصمیم گرفتیم هر چه داشتیم **روی هم**

بگذاریم.

۸۷- (d) ما قصد داریم یک مهمانی ویژه به مناسبت جشن گرفتن پنجاهمین سالگرد **تاسیس** شرکت ترتیب دهیم.

۸۸- (b) هرگز تاریخ اولین روزی را که همسر ما ملاقات کردم فراموش نخواهم کرد. من همه تاریخ های خاص را در **دفترچه ی خاطراتم**

نوشته ام.

۸۹- (b) شرکت تمایل دارد توربین های بادی را روی کوه **نصب کند** و از آن ها به عنوان یک منبع انرژی استفاده کند.

۹۰- (c) آن سازمان روی این **اصل** که همه ی اعضا، حقوق برابر دارند، فعالیت می کند.

۹۱- (a) من فکر نمیکنم او تا کنون مرا به خاطر اشتباه صدا زدن اسمش **آندفعه کاملاً بخشیده باشد**.

۹۲- (d) ما **به طور مکرر** اعتراضاتی از مشتری هایمان دریافت کرده ایم، "آنها هنوز ایمیل های زیادی به ما می فرستند."

۹۳- (c) او به خاطر کمک ممنون بود و برای آن ها به نشان **قدردانی اش** یک کیک پخت.

۹۴- (c) وقتی که او مثال های زیادی از کارهای غیر اخلاقی دید، مقاله ای در انتقاد به اجتماع برای فقدان **اخلاقیات** نوشت.

۹۵- (c) حیوانات نباید در باغ وحش نگه داشته شوند و باید آن ها را به جایی که **تعلق دارند** برگردانیم

۹۶- (c) آن کتاب ۳۶۰ صفحه دارد، **شامل** یک مقدمه و بیست فصل.

۹۷- (a) برای من، رفتن به دانشکده فقط وسیله ای برای رسیدن به **هدف** بود، راهی که بتوانم یک کار بهتر پیدا کنم.

۹۸- (a) مادر از معلم خواست تا لطف کند و او را از پیشرفت بچه اش در مدرسه **مطلع نماید**.

۹۹- (a) از دست تو خسته شده ام، لطفاً درباره ی چیزهایی که **تمایل** نداری سخت کار کنی تا تغییرش دهی شکایت نکن.

۱۰۰- (c) انجام دادن کاری که باعث **ایجاد** تفاوت در جامعه شود هیجان انگیز می باشد.

یادداشت:

Lesson Two:

“Look it Up”

معنی آن کلمه را پیدا کن

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
abbreviation	مخفف	basement	زیر زمین
absent	غائب	battle	نبرد، جدال، رزم، ستیز، نزاع، جنگ
access	دسترسی یافتن، دسترسی، اجازه ورود	BC	قبل از میلاد مسیح
accessible	قابل دسترسی	behind	پشت، عقب، بعد از
accessibility	دسترسی	beige	رنگ کرمی - بژ
accidentally	به طور تصادفی	beings	موجودات
accurately	به درستی، به دقت، به طور صحیح	bilingual	دو زبانه
achieve	به دست آوردن	biography	زندگی نامه
achievement	دست آورد، موفقیت	biology	زیست شناسی
a couple of	یه چند تایی، تعداد کمی	body building	بدن سازی، پرورش اندام
admission	پذیرش، قبول - تصدیق، اجازه ورود	break	وقت استراحت - زنگ تفریح - شکستن
advance	پیشرفت، پیشرفت کردن	browser	جستجوگر
advanced	پیشرفته	body building	بدن سازی، پرورش اندام
aid	کمک کردن - دستیار	came to no fruit	بی ثمر بودن، بی فایده بودن
allow	اجازه دادن - تصویب کردن	can't afford	توانایی مالی نداشتن، استعانت مالی نداشتن
allowance	اجازه - پول تو جیبی، مقرری	capability	توانایی، قدرت، صلاحیت، قابلیت
although	اگرچه - هر چند - با اینکه	cause	علت، دلیل
ancient	باستان، باستانی	changeable	متغیر، قابل تغییر
Antarctica	قطب جنوب	circumstance	محیط، پیرامون
anthill	تپه مورچه - خاکریز لانه سازی مورچه	claim	ادعا کردن، ادعا - مطالبه
antonym	متضاد	clue	سرنخ، اثر، نشان، راهنما
appear	ظاهر شدن	collocation	هم نشینی، هم آوایی - نظم، ترتیب
application	برنامه - کاربرد	colony	گروه، دسته
argue	جر و بحث کردن، استدلال کردن	combination	ترکیب
arm	بازو	combine	ترکیب کردن - متحد شدن
armed	مسلح، مسلح شده، مجهز، آماده جنگ	commercial	تجاری - بازرگانی
arrange	تنظیم کردن - مرتب کردن	common	عادی - رایج
arrangement	ترتیب، نظم - آرایش - برنامه	communicate	ارتباط برقرار کردن
astronaut	فضانورد	communicative	پرحرف، حراف، وراج
at least	حداقل	compare	مقایسه کردن، باهم سنجیدن
attack	حمله کردن، یورش بردن	compete	رقابت کردن، مسابقه دادن، هم چشی
attractive	جذاب	competition	رقابت، مسابقه
available	موجود - در دسترس	competitor	رقیب، حریف، هم آورد، همکار
average	میانگین - متوسط	compilation	جمع آوری و انتخاب، تألیف، گردآوری
avoid	اجتناب کردن - جلوگیری، خوداری کردن	compile	گردآوری کردن - تدوین کردن
aware of	آگاه از، مطلع از	complete	تکمیل کردن - انجام دادن

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
complex	پیچیده - مجتمع، مجموعه	entrance	ورود، اجازه ورود، دوازه ورودی
complicated	پیچیده - سخت	entrant	وارد شونده، داوطلب
comprehensible	فهمیدنی - قابل فهم	entry	مدخل، ورود، فقره، قلم
confuse	گیج کردن - دست پاچه کردن	escaped	فراری
confused	گیج - سراسیمه - مغشوش	essential	حیاتی - ضروری
confusing	گیج کننده	every where	همه جا
confusion	گیجی، دستپاچگی، پریشانی	exact	دقیق - کامل - صحیح
consider	در نظر گرفتن	examine	امتحان کردن، آزمایش کردن، معاینه کردن
contain	دربر گرفتن - شامل شدن	exclamation mark	علامت تعجب
container	ظرف	exist	وجود داشتن، هستی داشتن
continent	قاره	expand	گسترش دادن، توسعه دادن
convert	تبدیل کردن	expensive	گران بها، گران قیمت
database	پایگاه داده	explain	توضیح دادن، شرح دادن
deal with	پرداخت به، مشغول بودن به	expression	عبارات - (چهره) حالت
decide	تصمیم گرفتن	facial muscles	ماهیچه های صورت
definition	تعریف، معنی - مشخصات - حدود	fact	حقیقت، راستی، درستی - نکته
design	طراحی کردن	factor	عامل - فاکتور
designer	طراح	fame	شهرت، آوازه
destroy	ویران کردن	familiar	آشنا
details	جزئیات	far away from	خیلی دور از
develop wings	بال در آوردن	fee	شهریه، حق الزحمه
device	وسیله	female	زنانه
dial	شماره گرفتن (تلفن زدن)	figure out	فهمیدن - درک کردن
dictionary	فرهنگ لغت	find out	فهمیدن
directly	به طور مستقیم	fix	تعمیر کردن
disappear	ناپدید شدن	floor	کف (اتاق) - طبقه (ساختمان)
disconnect	قطع کردن	forget	فراموش کردن
drought	خشک سالی	format	شکل - قالب
earn	به دست آوردن	free	مجانی - آزاد - رایگان - بیکار
ecology	بوم شناسی (علم طرز زندگی موجودات)	fresh	تازه
effectively	به طور موثر	fried	سرخ کرده
element	عنصر - عامل	generally	به طور کلی، در مجموع
elementary	سطح مقدماتی	generate	تولید کردن، به وجود آوردن
enjoyment	لذت، خوشی	gentle	نجیب، با تربیت، مهربان
enter	ورود	goods	کالاها
entire	کل، تمام، همه	guide	خط مشی، راهنمایی، دستورالعمل

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
habit	عادت	jump into	پریدن - پریدن به - نادیده گرفتن
habitat	محل سکونت، مسکن	keep in touch	در تماس بودن، ارتباط داشتن
handicraft	صنایع دستی	keep to oneself	ساکت بودن
hardware	سخت افزار - دستگاههای اصلی	lobster	خرچنگ دریایی
harmful	مضر	lack	فقدان
healthful	سالم	last	آخرین
highlight	برجسته کردن	laugh at	خندیدن به
host	میزبان، مجری برنامه	lead to	منجر شدن به
huge	عظیم، خیلی بزرگ	lecture	سخنرانی
ice cap	کوه یخی، قله یخی	level	سطح
ideal	ایده آل، رؤیایی، آرمانی، دلخواه	lie	دروغ گفتن، دروغ - دراز کشیدن
identify	شناسایی کردن	look for	گشتن به دنبال، جستجو کردن برای
imagination	تصور - خیال	look after	مراقبت کردن از
imaginary	تخیلی - غیر واقعی	look sth up	جستجو کردن (معنی لغت در دیکشنری)
immediate	فوری	modernism	مدرن گرایی، نو گرایی
immediately	فوراً	magnet	آهن ربا
in advance	از پیش، از قبل، پیشاپیش	magnify	بزرگنمایی کردن - بزرگ کردن
include	شامل شدن - در بر گرفتن	male	مردانه
incomprehensible	غیر قابل فهم	meaning	معنا - معنی
in contrast to	در مقایسه با	measure	اندازه گیری کردن
increasingly	به طور فزاینده	meet	برآورده کردن - ملاقات کردن
increase	افزایش دادن	minor	جزئی - کم اهمیت
infection	عفونت، آلودگی - بیماری	monolingual	یک زبانه
information	اطلاعات	multiple	چندگانه، چندین، چند برابر - متعدد، گوناگون
inner	داخلی	nearly	تقریباً
in order to	به منظور، تا اینکه	neat	تمیز، مرتب
insect	حشره	need	نیاز داشتن، لازم داشتن، نیاز
insist on	پافشاری کردن بر روی، اصرار کردن	offer	پیشنهاد کردن، ارائه دادن
instead	به جای، در عوض	once	یکبارریال روزی، زمانی که، در گذشته
insulting	توهین آمیز	one after another	یکی پس از دیگری
intermediate	سطح متوسط	opinion	نظر، عقیده
international	بین المللی	opposite	برعکس، متضاد
introduction	مقدمه، معرفی، پیش درآمد	order	نظم، ترتیب - سفارش دادن، دستور
invisible	نامرئی	organize	منظم کردن - سازماندهی کردن
Islamic Republic	جمهوری اسلامی	origin	اصل - ریشه
issue	مسئله - موضوع	original	اصلی، اورجینال

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
painful	دردناک	quite	کاملاً - واقعاً
pay for	پرداخت کردن برای	race	مسابقه، نژاد
part	بخش، قسمت	recognize	دانستن - شناختن
parts of speech	نقش کلمه در جمله، نوع کلمه	recommend	توصیه کردن، سفارش کردن
pattern	الگو، نمونه	recommendation	توصیه، سفارش
PC	کامپیوتر شخصی	relate	مرتبط بودن، رابطه داشتن
period	نقطه - دوره (زمانی)	relationship	رابطه، ارتباط
permission	اجازه	relaxation	استراحت، آرامش، شل شدن عضلات
philosophy	فلسفه	rely on	متکی بودن به، وابسته بودن به
phonetic	آوا شناسی، آوایی، مصوت، صدا دار	remember	به خاطر آوردن
pocket	جیب - جیبی - پاکت	repair	تعمیر کردن
pocket dictionary	فرهنگ لغت جیبی	reproduce	تولید مثل کردن
point	نکته - نقطه - امتیاز	resource	منبع
point of view	دیدگاه، نقطه نظر	resume	خلاصه تجربیات، چکیده کلام، ریزومه
policy	سیاست، خط مشی، رویه	scale	مقیاس - اندازه - ترازو
pollution	آلودگی	salty	شور، پر نمک، نمکین
pollute	آلوده کردن	scavenger	لاشخور
polluted	آلوده	salary	حقوق، دستمزد
preparation	آمادگی، آماده سازی، تهیه، تدارک	salmon	ماهی آزاد، قزل آلا
present	اهدا کردن - کادو - حاضر	scene	صحنه، منظره
presentability	قابلیت ارائه	section	بخش، قسمت
presentation	ارائه، نمایش	set off	عازم شدن، راهی شدن
previous	پیشین، سابق	several	چندین
price	قیمت، نرخ، بها	shape	شکل - وضع - قیافه، اندام
primarily	در اصل - عمدتاً	shrimp	میگو
probably	احتمالاً	single	تنها - یک - مجرد، مفرد
problem	مسئله - مشکل، موضوع	singly	به تنهایی، جدا جدا، انفرادی، یک یک
pronounce	تلفظ کردن	situation	موقعیت
pronunciation	تلفظ	slave	برده
provide	فراهم کردن - ارائه دادن	smart	باهوش، هوشمند
publish	چاپ کردن - منتشر کردن	smartphone	تلفن هوشمند
pulse	ضربان، تپش، ضربه، پالس، نبض	snake	مار
pure	خالص، پاک	social issues	مسائل اجتماعی
purpose	هدف	spacious	جا دار، وسیع
question mark	علامت سؤال	speech	کلام - سخن - گفتار
quit	ترک کردن، رها کردن، متوقف کردن	speed	سرعت، با سرعت رفتن، سبقت گرفتن

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
stage	مرحله، وهله، سکو، صحنه نمایش	type	نوع، دسته، گونه - تایپ کرن
stand	دکه، کیوسک، مغازه - ایستادن	understanding	درک - فهم
stand for sth	نمایانگر...چیزی بودن	unexpectedly	به طور غیر منتظره
station	ایستگاه	university	دانشگاه
stationary	ساکن، بی حرکت، بی تغییر، ایستا	unknown	نا آشنا، غریبه
steak	باریکه گوشت کبابی، استیک	upcoming	پیش رو، آتی
stick (to / in sth)	به چیزی چسپیدن	unpredictable	غیر قابل پیش بینی
stick in mind	در ذهن فرو رفتن	unsuccessfully	با ناکامی
stick to one's word	روی حرف خود بودن	unsystematically	بدون قاعده
stress	تنش، فشار روانی - تأکید کردن بر	useable	قابل استفاده، قابل بهره وری
suffer	رنج کشیدن	usefulness	سودمندی، مفید بودن
suggest	پیشنهاد دادن	user	کاربر - استفاده کننده، مصرف کننده
suitable	مناسب	valuable	ارزشمند، گران بها، با ارزش
superhuman	ابر انسان - فوق انسانی	veterinarian	دامپزشک
support	حمایت کردن	vibration	ارتعاش - لرزش
suppose	فرض کردن - گمان کردن	viewer	بیننده، تماشاچی
surround	احاطه شدن	violation	خسونت، تخطی، تخلف، تجاوز، نقض
surrounding	اطراف - محیط، پیرامون	volume	جلد - حجم - درجه صدا
sweet	دسر - شیرین	watcher	تماشاگر، بیننده
symbol	نماد	waterway	آبراهه
take action	اقدام کردن	web browser	جستجوگر وب
take note of	توجه کردن به	whatever	هر آنچه که، هر چیزی که
take notes	یادداشت برداشتن	wheel	چرخ (موتور، دوچرخه و...)
technical	فنی	whenever	هر وقت که، هر زمانیکه
temporary	موقتی، زودگذر	whereas	در حالی که
tense	سفت، سخت، تشدید - زمان فعل (گرامر)	whole	تمام، کل، همه
term	واژه، اصطلاح	widely	به طور گسترده
throughout	سرتاسر	wing	بال
tip	راهنمایی - اشاره - انعام - پند	wingless	بدون بال
have sth in common	تفاهم داشتن، مشترکات داشتن	wisely	به طور عاقلانه
top	بالا، قله - عالی، ممتاز	wish	آرزو، آؤزو کردن
training	آموزش، تعلیم	wonder	با خود اندیشیدن - متعجب شدن
transmit	انتقال دادن	world war	جنگ جهانی
treasure	گنجینه، خزانه، گنج	work sth out	فهمیدن، پی بردن
tsunami	سونامی، طوفان شدید	write sth down	نوشتن

۱۰۰ تست واژگان درس دوم پایه دوازدهم *Vocabulary Tests (Lesson 2)*

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات درس دوم دوازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی جایگزین خواهند شد.

1. My family doctor ----- that I should take more exercise and stop smoking to get better.
 a. forgot b. recommended c. expanded d. chose
2. If my parents set off early tomorrow morning, they will ----- most of the traffic.
 a. decide b. avoid c. meet d. face
3. Education and training are the most ----- means of improving a nation's culture.
 a. wonderful b. symbolic c. lingual d. effective
4. Tsunami researchers rely on computers to try to ----- where waves might start and how they might behave.
 a. point out b. put out c. figure out d. look out
5. W.H.O ----- "world health organization".
 a. is the abbreviation of b. is short for c. stands for d. all of them
6. Those of you who move your lips when you read should take a 30-second ----- to rest your facial muscles.
 a. trip b. medicine c. break d. stand.
7. I'm sorry to disturb you so late, but my car is out of order and I was ----- if I could use your car.
 a. browsing b. asking c. introducing d. wondering
8. A variety of ----- can help establish a best friendship.
 a. factors b. entries c. definitions d. symbols
9. Many drugs, including some of those ----- by doctors, are addictive.
 a. designed b. generated c. recommended d. supposed
10. The word philosophy is usually ----- to come from the Latin language.
 a. supposed b. bitten c. stuck to d. magnified
11. Their government's policies on education have ----- in too much difficulty for the families to pay for the fees and prices of education.
 a. imagined b. resulted c. improved d. increased
12. I would like to ask you to kindly send us a useful resume which can ----- your skills, experiences and achievements.
 a. complicate b. relate c. appreciate d. highlight
13. Because of his terrible mistakes, the company was not able to use all of its available resources -----.
 a. effectively b. generously c. meaningfully d. carelessly
14. The committee has made a number of ----- for improving educational standards in schools. They are going to be discussed in the upcoming meeting.
 a. pronunciations b. recommendations c. explanations d. arrangements
15. So the question is: What are the truly ----- things, the basic building blocks from which our world is made?
 a. intermediate b. unusual c. expensive d. elementary
16. Since you spend a lot on body building, it is important to eat meat or eggs, as they ----- protein and vitamins.
 a. define b. identify c. practice d. contain of

17. Left confused and a bit shocked, it took John a couple of days to ----- what had happened to him.
a. figure out **b. ask for** **c. read on** **d. jump into**
18. Successful in their wars, Roman soldiers received an extra salt share called 'solarium'; this term is the ----- of the word 'salary'.
a. opinion **b. origin** **c. format** **d. order**
19. Modernism seeks to find new forms of ----- and rejects traditional or accepted ideas.
a. volume **b. expression** **c. treasure** **d. disconnection**
20. The department needs three more computers in order to work most -----.
a. increasingly **b. gradually** **c. accidentally** **d. effectively**
21. We have two people called Paul James working here, so it's a bit -----!
a. crowded **b. confusing** **c. cooling** **d. terrible**
22. The ----- ability of the whale is thought to be highly developed.
a. elementary **b. communicative** **c. invisible** **d. immediate**
23. The United States has always acted as a ----- for people seeking fame and fortune.
a. panel **b. material** **c. note** **d. magnet**
24. The following program ----- scenes that may be disturbing to some viewers.
a. contains **b. converts** **c. achieves** **d. holds**
25. The restaurant offers a seafood plate of the day, fried shrimp, tuna, salmon and multiple types of other foods. But it is known ----- for its steak and lobster.
a. daily **b. repeatedly** **c. primarily** **d. unexpectedly**
26. Suddenly, a whole series of most distant memories rose in his ----- and he remembered the days when he first loved her.
a. condition **b. combination** **c. imagination** **d. situation**
27. The building was burning. Robert picked up the telephone immediately and dialed the ----- call.
a. stress **b. pressure** **c. emergency** **d. demand**
28. Although milk is made up mainly of water, it ----- nearly all the food substances needed by the body. That is why it is a valuable drink for children and is used in so many different ways in our diet.
a. produces **b. increases** **c. develops** **d. contains**
29. Recently some hardworking scientists have ----- some wonderful results to cure cancer.
a. collected **b. compiled** **c. achieved** **d. lowered**
30. A lot of ----- have been updated in the most recent edition of the Cambridge Advanced Learner's Dictionary.
a. issues **b. entries** **c. sections** **d. parts**
31. My father found it a lot more difficult to get a job in a company than he ----- it would be.
a. supposed **b. met** **c. explained** **d. attended**
32. He sent back the soup he had ordered since there was a/an ----- in it.
a. anthill **b. insect** **c. ocean** **d. salt**
33. I am sure this is an event that will stick in your ----- for quite a long time.
a. brain **b. skin** **c. body** **d. mind**
34. It looks as if he will ----- his word this time.
a. stick to **b. dream of** **c. fill out** **d. put aside**
35. TV ----- have become one of the most effective, most successful and methods of selling products.
a. programs **b. channels** **c. prices** **d. commercials**

36. The drugs should not have been made ----- before it had been completely tested.
a. destructive **b. available** **c. commercial** **d. alphabetical**
37. Please use the ----- 'cm' for 'centimeters', without any full stop after it.
a. abbreviation **b. combination** **c. definition** **d. collocation**
38. The building isn't ----- very well from the point of view of wheelchair access.
a. informed **b. collected** **c. considered** **d. designed**
39. You can't ----- such a low salary to someone who is so highly skilled. it's insulting.
a. offer **b. boost** **c. keep** **d. forgive**
40. Sienna had very ----- left the party before all the trouble started.
a. widely **b. unsystematically** **c. wisely** **d. primarily**
41. Kevin's teachers saw him quiet and serious, but with his friends he was ----- the opposite. This strange behavior had made all of them feel surprised.
a. exactly **b. greatly** **c. originally** **d. physically**
42. Nowadays people depend ----- on TV; in fact, they are ever more influenced by whatever they see there.
a. suddenly **b. quietly** **c. increasingly** **d. hopefully**
43. In order to read the tiny print of the book, he had to use a ----- glass.
a. protecting **b. developing** **c. expanding** **d. magnifying**
44. Experienced teachers think children should learn to use words as ----- that ----- objects, actions and people.
a. symbols – stand for **b. symbolic – stand for**
c. symbol – abbreviation **d. symbolic – abbreviation**
45. Music and performance are regarded to be more ----- to arts than previous centuries.
a. originated **b. complicated** **c. related** **d. surrounded**
46. Hatha yoga concentrates on the physical stage and is practiced largely as an ----- to relaxation.
a. aim **b. entry** **c. aid** **d. entrance**
47. In contrast to the Spartan ideal of military skills, the people of Athens stressed a higher -----.
a. mind **b. education** **c. destruction** **d. ocean**
48. Slaves were forced to work at anything their masters ----- them to.
a. recommended **b. figured out** **c. ordered** **d. introduced**
49. Raman decided to make the trip so ----- that there was not enough time to plan it properly.
a. suddenly **b. interestingly** **c. amusingly** **d. wisely**
50. It was interesting! She acted ----- when she invited her parents.
a. surprisingly **b. wisely** **c. heavily** **d. suddenly**
51. Another world war can be dangerous beyond imagination; some believe that it may even lead to the destruction of the ----- human life on Earth.
a. entire **b. imaginary** **c. invisible** **d. superhuman**
52. In order to open the discussion, the teacher began with a/an ----- example.
a. far **b. effective** **c. essential** **d. imaginary**
53. I need some information about Iran, but I don't know how it is -----.
a. compared **b. compiled** **c. accessed** **d. supported**
54. The female hormones help the body to defend itself against some kinds of -----.
a. infections **b. accessibilities** **c. entry** **d. sections**

55. Please don't make photocopies of copyrighted material without the permission of the -----.
a. reader **b. publisher** **c. browser** **d. passenger**
56. The earthquake so ----- caused destruction that the bridge was no longer usable.
a. hardly **b. generally** **c. heavily** **d. exactly**
57. Every living thing has its place in nature, and ecology is the study of how things live in relation to their -----.
a. surroundings **b. habits** **c. familiarity** **d. accessibility**
58. As societies developed, it became necessary to identify days more accurately and to ----- when they began and ended.
a. order **b. distinguish** **c. work out** **d. enter**
59. ----- like to take part in space missions though they are aware of the dangers involved.
a. Scientists **b. Physicians** **c. Astronauts** **d. Babysitters**
60. As early as you can, introduce the idea that we read for a ----- even if it is pure enjoyment.
a. saying **b. purpose** **c. meaning** **d. colony**
61. Through earplugs the baby is able to hear echoes in stereo which tell him what ----- in front.
a. lays **b. rises** **c. says** **d. arises**
62. Entering top universities in special fields is not as easy as you ----- . You have to try your hardest to gain a PhD position there.
a. suppose **b. confirm** **c. belong** **d. identify**
63. We have been informed, in -----, of those behaviors that are considered as inappropriate and of the results that will follow them.
a. advance **b. regard** **c. vision** **d. return**
64. He was absolutely -----, as he was speaking in a language with which I was anything but familiar.
a. proud **b. skillful** **c. monolingual** **d. incomprehensible**
65. Be careful with the kind of the job you are going to get involved in. The only thing that is very important is your ----- which may begin to fail under the heavy pressures of the job.
a. patience **b. power** **c. health** **d. action**
66. We should employ young yet skillful people to boost our general productivity, not the ones that are ----- based on friendship with no attention to their actual capabilities.
a. unexpected **b. recommended** **c. abbreviated** **d. distinguished**
67. Early this morning, armed police ----- a house which they thought contained an escaped killer. Their efforts, sadly, came to no fruits.
a. surrounded **b. supported** **c. arranged** **d. suggested**
68. A large number of such unpredictable events may occur ----- or in combination. No matter which way, we have to prepare fully to take the most proper, and of course immediate, measures.
a. exactly **b. rightly** **c. singly** **d. nearly**
69. The result of the ----- war is unlikely to be affected by what he, as an individual, does.
a. quite **b. extra** **c. plain** **d. entire**
70. I ----- what I would be doing now in this strange country without your kind help.
a. suppose **b. wonder** **c. prefer** **d. hat**
71. This business company needs a ----- secretary-a secretary who can speak Arabic besides her own native language.
a. familiar **b. bilingual** **c. intermediate** **d. hardworking**

72. Now that their business is good enough, they plan to ----- their store by adding another room.
a. replace **b. expand** **c. provide** **d. found**
73. She borrowed my dictionary in order to ----- the meaning of the new words.
a. look for **b. look after** **c. look up** **d. look out**
74. Antarctica is covered by a huge ice cap ----- 70 percent of the earth's fresh water.
a. consisting **b. containing** **c. combining** **d. defining**
75. In my opinion, she's had the best ----- of competition till now.
a. speech **b. entry** **c. jump** **d. aid**
76. To improve your pronunciation in English, you may use the international phonetic ----- usually given at the beginning of the dictionaries.
a. weights **b. symbols** **c. customs** **d. mistakes**
77. The US government needs to take an immediate measure to deal with this terrible economic ----- . Otherwise, it will result in serious political and social issues.
a. influence **b. diversity** **c. situation** **d. understanding**
78. This, the officials argue, offers the most cost- ----- way to provide the international students with the cheaper means of transportation in Melbourne.
a. figurative **b. suggestive** **c. relative** **d. effective**
79. In this area children have no school to study and its elders are going to ----- the church into a school temporarily until they can build one.
a. convert **b. replace** **c. consume** **d. absorb**
80. They have taken great care in the ----- of this guidebook.
a. compilation **b. violation** **c. competition** **d. packing**
81. Many adults seem to know little about some of the most ----- sciences.
a. emotional **b. elementary** **c. lingual** **d. voluntary**
82. Some people find it hard to prove that it is possible for people to succeed even without ----- technology.
a. elementary **b. related** **c. advance** **d. complicated**
83. Personal computers in various forms are ----- of the information age and are what most people think of as "a computer".
a. signal **b. symbol** **c. mark** **d. sign**
84. The building he designed with them were simple and well ----- outside, and the large rooms inside.
a. related **b. arranged** **c. compiled** **d. educated**
85. Human being used ----- as a means of communication long before writing was invented.
a. word **b. phrase** **c. saying** **d. speech**
86. He spent more than 20 years and thousands of dollars researching the ----- of words.
a. purposes **b. sections** **c. origins** **d. claims**
87. Normal phones are harmless because they ----- sound as an electrical pulse through wires.
a. order **b. publish** **c. destruct** **d. transmit**
88. She needs to be given some useful ----- before starting every new project.
a. advice **b. trips** **c. advises** **d. tip**
89. She doesn't listen to a/an ----- word of mine. I've given up trying to help her.
a. one **b. some** **c. single** **d. entire**

90. If the restaurant is not very -----, you can place your child on another chair about 3 to 4 feet away from you.
a. empty b. crowded c. full d. invisible
91. Luckily, most of the ----- earthquakes occur in less populated places.
a. constructive b. confident c. particular d. destructive
92. We should put all the files in alphabetical ----- to find them easily whenever they are needed.
a. infection b. order c. symbol d. identity
93. There was a dead cow around which a group of ----- circled to eat its meat.
a. matters b. marks c. scavengers d. neighbors
94. Our soldiers can't afford to make any false moves in war ----- they're in enemy territory.
a. whereas b. besides c. once d. instead of
95. It is always the poorest----- of the community that have much worse health.
a. processes b. sections c. ideas d. locations
96. There's a whole ----- of reasons why Jack couldn't pass the English exam on tenses.
a. guest b. loss c. explanation d. host
97. Ahmad explained the whole idea again, but I still didn't ----- what he meant.
a. come from b. work out c. go out d. get around
98. This apartment is so spacious and large that it has a series of small ----- rooms.
a. physical b. regional c. national d. inner
99. Out of my entire time in high school, one day in particular ----- in my mind the day of the big biology test.
a. respects b. sticks c. arises d. rings
100. You have really made a terrible mistake; I insist that you take ----- action to put this right.
a. deep b. entire c. previous d. immediate

پاسخ نامه کلیدی تست های واژگان درس دوم

Vocabulary Tests										Page: 122 - 127									
1	B	11	B	21	B	31	A	41	A	51	A	61	A	71	B	81	B	91	D
2	B	12	D	22	B	32	B	42	C	52	D	62	A	72	B	82	C	92	B
3	D	13	A	23	D	33	D	43	D	53	C	63	A	73	C	83	D	93	C
4	C	14	B	24	A	34	A	44	A	54	A	64	D	74	A	84	B	94	C
5	D	15	D	25	C	35	D	45	C	55	B	65	C	75	C	85	D	95	B
6	C	16	D	26	C	36	B	46	D	56	C	66	B	76	B	86	C	96	D
7	D	17	A	27	C	37	A	47	B	57	A	67	A	77	C	87	D	97	B
8	A	18	B	28	D	38	D	48	C	58	B	68	C	78	D	88	A	98	D
9	C	19	B	29	C	39	A	49	A	59	C	69	D	79	A	89	C	99	B
10	A	20	D	30	B	40	C	50	B	60	B	70	B	80	A	90	B	100	D

ترجمه تستهای واژگان درس دوم: صفحه ۱۲۲ تا ۱۲۷

- (b)-۱ دکتر خانوادگی من **توصیه کرد** که باید ورزش بیشتری را انجام دهم و برای بهتر شدن باید دست از سیگار کشیدن بردارم.
- (b)-۲ اگر والدینم فردا صبح زود از خانه دربیایند، از ترافیک زیاد **اجتناب خواهند کرد**.
- (d)-۳ آموزش و پرورش **تاثیرگذارترین** ابزارهای وارد کردن فرهنگ های یک ملت هستند.
- (c)-۴ محققین سونامی با اتکا بر کامپیوترها تلاش کرده اند تا **تعیین کنند** امواج در کجا شروع می شوند و چگونه رفتار می کنند.
- (a)-۵ O.H.W شکل کوتاه، **مخفف** سازمان بهداشت جهانی است.
- (c)-۶ کسانی که هنگام مطالعه پاهایشان را تکان می دهند باید ۳۰ دقیقه **استراحت** برای ماهیچه های صورتان در نظر بگیرید.
- (d)-۷ ببخشید که دیر وقت مزاحم شدم، ماشینم از کار افتاده و **فکر می کردم** امکانش هست از ماشین شما استفاده کنم؟
- (a)-۸ **عوامل** متنوعی برای شروع بهترین رابطه کمک می کنند.
- (c)-۹ بسیاری از داروها شامل بعضی از آن ها که توسط دکترها هم **پیشنهاد می شوند**، اعتیاد آورند.
- (a)-۱۰ معمولا **فرض می شود** که کلمه فلسفه از زبان لاتین آمده است.
- (b)-۱۱ سیاست های دولت شان در مورد آموزش **منجر به** مشکلات زیادی برای خانواده ها شده است تا شهریه ها و هزینه های آموزش را بپردازند.
- (d)-۱۲ تمایل دارم از شما بخواهم که لطفا رزومه مفیدی را برای ما بفرستید که بتواند مهارت ها و تجارب و دستاوردهای شما را **برجسته** کند.
- (a)-۱۳ به خاطر اشتباهات وحشتناکش، شرکت قادر نبود از همه منابع موجودش **به طور مؤثری** استفاده کند.
- (b)-۱۴ کمیته **پیشنهادهای** متعددی برای بهبود استانداردهای آموزشی در مدارس ارائه کرد. آن ها قرار است در مباحث بعدی مورد بحث قرار گیرند.
- (d)-۱۵ پس سوال این است: چیزهای واقعا **ابتدایی (بنیادی)** کدامند؟ همان قالب های سازنده اساسی که جهان ما از آن ها ساخته می شود.
- (d)-۱۶ با توجه به اینکه زمان زیادی صرف بدن سازی می کنی، مهم است گوشت و تخم مرغ بخوری. زیرا آن ها **شامل** پروتئین و ویتامین هستند.
- (a)-۱۷ جان که سرگردان و کمی شوکه مانده بود، چند روز طول کشید تا **متوجه شود** چه اتفاقی برایش افتاده بود.
- (b)-۱۸ وقتی سربازان رومی در نبردهایشان موفق بودند، سهم نمک اضافی دریافت می کردند که به آن (سالاریوم) گفته می شد. این واژه، **منشاء** کلمه حقوق است.
- (b)-۱۹ مدرنیسم به دنبال پیدا کردن اشکال جدید **بیان** است و ایده های سنتی یا پذیرفته شده را رد می کند.
- (d)-۲۰ این بخش به سه کامپیوتر بیشتر نیاز دارد تا **به طور مؤثری** کار کند.
- (b)-۲۱ ما دو نفر به نام پل جیمز داریم که اینجا کار می کنند، بنابراین کمی **گیج کننده** است.
- (b)-۲۲ به نظر می رسد توانایی **ارتباطی** نهنگ بسیار توسعه یافته است.
- (d)-۲۳ ایالات متحده همیشه به عنوان یک **آهنربا** برای افرادی که به دنبال شهرت و ثروت هستند عمل کرده است.
- (a)-۲۴ برنامه زیر **شامل** صحنه هایی است که ممکن است برای برخی از مخاطبین مختل کننده باشد.

۲۵- (c) آن رستوران یک بشقاب خوراک دریایی روز، میگوی سرخ شده، تن ماهی، سالمون و انواع متعددی از غذا های دیگر را عرضه می کند. اما آن **در اصل** به خاطر استیک و خرچنگش شناخته شده است.

۲۶- (c) ناگهان انبوهی از قدیمترین خاطرات در **تصوراتش** پدیدار شد و او به یاد ایامی افتاد که نخستین بار عاشقش شده بود.

۲۷- (c) ساختمان درحال سوختن بودو رابرت گوشی تلفن را **فوراً** برداشت و تماس فوریتی را شماره گیری کرد.

۲۸- (d) اگر چه شیر عمدتاً از آب درست شده است. شیر تقریباً **حاوی** تمام مواد غذایی مورد نیاز بدن است. به همین دلیل است که شیر یک نوشیدنی ارزشمند برای بچه هاست و به روش های زیادی در رژیم غذایی ما به کار می رود.

۲۹- (c) به تازگی برخی از دانشمندان سخت کوش، به برخی نتایج عالی برای درمان سرطان **دست یافته اند**.

۳۰- (b) **واژه های** زیادی در تازه ترین ویرایش فرهنگ لغت کمبریج به روز رسانی شده اند.

۳۱- (a) پدرم متوجه شد که یافتن کار در یک شرکت بسیار سخت تر از آن است که **تصور می کرد**.

۳۲- (b) او سوپی را که سفارش داده بود به خاطر **حشره ای** که داخلش بود، پس فرستاد.

۳۳- (d) مطمئنم که این اتفاق برای مدت ها در **ذهنت** خواهد ماند.

۳۴- (a) به نظر میرسد که او سر حرفش **خواهد ایستاد**.

۳۵- (d) **تبلیغات** تلویزیونی یکی از مؤثرترین، موفق ترین و محبوب ترین روش های فروش محصولات شده است.

۳۶- (b) داروها قبل از اینکه کاملاً آزمایش شده باشند نباید در **دسترس** قرار گیرند.

۳۷- (a) لطفاً از **علامت اختصاری** cm برای سانتی متر استفاده کنید، بدون هیچ گونه نقطه ایی بعد از آن.

۳۸- (d) ساختمان از نظر دسترسی به صندلی چرخدار خیلی خوب **طراحی** نشده است.

۳۹- (a) شما نمی توانید چنین دستمزد کمی را به کسی که مهارت بالایی دارد **پیشنهاد دهید**. این توهین محسوب می شود.

۴۰- (c) سینا خیلی **عاقلانه** حزب را ترک کرد قبل از اینکه همه مشکلات شروع شود.

۴۱- (a) معلمان کوین او را ساکت و جدی می دیدند، اما او با دوستانش **دقیقاً** برعکس بود. این رفتار عجیب، همه آن ها را متعجب کرده بود.

۴۲- (c) امروزه مردم **به طور فزاینده** به تلویزیون وابسته هستند؛ در واقع، آن ها همیشه تحت تأثیر آنچه که آنجا می بینند، هستند

۴۳- (d) برای خواندن چاپ ریز این کتاب او می بایستی از **ذره بین** استفاده می کرد.

۴۴- (a) عالمین با تجربه فکر می کنند که بچه ها باید کلمات را به عنوان **علامی** بیاموزند که **نشانه ای** از اشیاء، اعمال و مردم هستند.

۴۵- (c) اینگونه تلقی می شود که موسیقی و اجرا تا به قرن ها پیش بیشتر **مرتبط** با هنر باشد

۴۶- (d) یوگای هاتا بر مرحله فیزیکی تمرکز می کند و بعنوان مرحله **ورودی** به ریلکسیشن (آرامش) اجرا می شود.

۴۷- (b) برخلاف اسپارت ها که تاکید بر مهارت های جنگی داشتند، آتنی ها بر روی **تحصیلات** بالاتر تاکید می کردند.

۴۸- (c) برده ها مجبور بودند هر **دستوری** که ارباب هایشان می دادند انجام دهند.

۴۹- (a) چون زمان کافی برای برنامه ریزی وجود نداشت، آرش **ناگهانی** تصمیم به سفر گرفت.

۵۰- (b) جالب بود! وقتی او خانواده اش رو دعوت کرد خیلی **عاقلانه** رفتار کرد.

۵۱- (a) جنگ جهانی دیگر فراتر از حد تصور خطرناک خواهد بود. برخی معتقدند که باعث ویرانی **کل** زندگی بشر در روی زمین خواهد شد.

۵۲- (d) معلم بحث را با یک مثال **فرضی** شروع کرد.

۵۳- (c) من یکم اطلاعات در مورد ایران لازم دارم. اما نمیدونم چطور در **دسترس** هست.

۵۴- (a) هورمون های زنانه به بدن کمک می کند تا در مقابل برخی **عفونت ها** دفاع کند.

۵۵- (b) لطفاً از روی اجناس انحصاری، بدون اجازه **ناشر** کپی نکنید.

۵۶- (c) زلزله باعث ویرانی های **سنگینی** شده بود به طوریکه پل دیگر قابل استفاده نبود.

۵۷- (a) هر موجود زنده در طبیعت جای خودش را دارد و بوم شناسی دانشی است که زندگی موجودات و رابطه با **اطرافشان** را مطالعه میکند.

۵۸- (c) همانگونه که جوامع پیشرفت کرده اند، ضروریست که روزها را تشخیص دهیم و **بفهمیم** هنگامیکه آنها شروع و تمام می شوند.

۵۹- (c) **فضانوردان** با آگاهی از خطرات بازهم دوست دارند در مأموریت های فضایی حاضر شوند.

۶۰- (b) در همان ابتدا شما می توانید این عقیده را ابراز کنید که برای **هدفی** متن می خوانیم حتی اگر فقط بخاطر لذت محض باشد.

۶۱- (a) بچه ها از طریق گوش گیرها بازتاب ها را می شنوند که با آن ها می گوید چه چیزی در جلوی شان **قرار دارد**.

۶۲- (a) آن گونه که **تصور می کنی** وارد شدن به دانشگاه های عالی در رشته های خاص آسان نیست. باید بیشترین تلاشت را برای کسب جایگاه دکتری در آن بکنی.

۶۳- (a) رفتارهایی که ناشایست محسوب می شوند، نتایجی که در پی آن ها حاصل می شوند از **پیش** به ما اطلاع داده شده اند.

۶۴- (d) او کاملاً **غیر قابل درک** بود، زیرا به زبانی صحبت می کرد که من هیچ آشنایی با آن نداشتم.

۶۵- (c) مواظب نوع کاری که قصد دارید درگیرش بشوید، باشید. تنها چیزی که خیلی مهم است **سلامتی** شماست که ممکن است زیر فشار سنگین کار شروع به از بین رفتن کند.

۶۶- (b) ما باید برای افزایش بازدهی عمومی مان افراد جوان اما ماهر را استخدام کنیم، نه افرادی که براساس رفاقت بدون هیچ توجهی به توانایی های بالفعلشان **توصیه می شوند**.

۶۷- (a) امروز صبح زود، افراد مسلح پلیس، خانه ای را که فکر می کردند یک قاتل فراری را در خودش جا داده، **محاصره کردند**. متأسفانه تلاششان نتیجه بخش نبود.

۶۸- (c) تعداد زیادی از این اتفاقات پیش بینی ناپذیر می توانند **تکی** یا به صورت ترکیبی رخ دهند. مهم نیست در کدام یک (در هر یک) از این دو حالت باید کاملاً آماده باشیم تا درست ترین و البته فوری ترین اقدامات را انجام دهیم.

۶۹- (d) نتیجه **کل** جنگ بعید است که تحت تأثیر آنچه او، به عنوان یک فرد انجام می دهد، قرار گیرد.

۷۰- (b) **با خودم فکر میکردم** بدون کمک شما مهربانان الان در این کشور غریب چه کار می کردم.

۷۱- (b) این شرکت بازرگانی به یک منشی **دو زبانه** نیاز دارد - منشی ای که علاوه بر زبان مادری اش بتواند زبان عربی صحبت کند.

۷۲- (b) اکنون که کار و کسب آنها خوب است، آنها قصد دارند تا فروشگاه شان را با اضافه کردن یک اتاق **گسترش دهند**.

۷۳- (c) او فرهنگ نامه لغات من را قرض گرفت تا اینکه معنی لغات جدید را **جستجو کند**.

۷۴- (a) قاره قطب جنوب توسط قله یخی بسیار بزرگی پوشیده شده است که ۷۰ درصد از آب تازه کره زمین را **شامل می شود**.

۷۵- (c) به نظر من تا الان او بهترین **پرش** در رقابت را داشته است.

۷۶- (b) برای بهتر کردن تلفظتان در انگلیسی ممکن است از **نمادهای** بین المللی فونتیک که معمولاً در اول دیکشنری ها داده می شود، استفاده کنید.

۷۷- (c) دولت ایالات متحده لازم است دست به یک اقدام فوری بزند تا این **وضعیت** اقتصادی وحشتناک را مدیریت کند: در غیر این صورت، منجر به مسایل اجتماعی و سیاسی جدی ای خواهد شد.

۷۸- (d) مسئولین استدلال می کنند که این به **مؤثرترین** راه برای فراهم کردن وسایل ارزان تر نقلیه برای دانشجویان بین المللی در ملبورن است.

- ۷۹- (a) در این منطقه کودکان هیچ مدرسه ای برای تحصیل ندارند و بزرگان آن (روستا) قصد دارند کلیسا را به طور موقت به مدرسه تبدیل کنند تا زمانی که یک مدرسه بسازند.
- ۸۰- (a) آن ها دقت زیادی برای گردآوری کتاب راهنما کرده بودند.
- ۸۱- (b) به نظر می رسد بسیاری از بزرگسالان اطلاعات کمی در مورد اغلب علوم پایه دارند
- ۸۲- (c) به نظر برخی مردم ثابت کردن اینکه موفق شدن حتی بدون تکنولوژی پیشرفته ممکن است اما دشوار می باشد.
- ۸۳- (d) شکل های مختلف کامپیوتری های شخصی نشانه دوران اطلاعات است و آن چیز است که مردم بعنوان یک کامپیوتر می دانند.
- ۸۴- (b) ساختمانی که او با آن ها طراحی کرده بود ظاهری ساده، مرتب و اتاق های بزرگی در داخل داشت.
- ۸۵- (d) بشر از کلام بعنوان روشی برای ارتباطات از خیلی پیش از اینکه نوشتار اختراع شود استفاده می کرده است .
- ۸۶- (c) او بیش از ۲۰ سال و همچنین میلیون ها دلار صرف تحقیق در خصوص ریشه لغات کرد
- ۸۷- (d) تلفن های معمولی بی ضرر هستند چون آن ها صدا را مانند پالس های الکتریکی از طریق سیم ها انتقال می دهند.
- ۸۸- (a) او قبل از شروع هر پروژه ای نیاز داره که توصیه های مفیدی به او داده شود.
- ۸۹- (c) او به یک کلمه از حرف های من گوش نکرد. من هم از کمک کردن به او دست کشیدم.
- ۹۰- (b) اگر رستوران خیلی شلوغ نیست می توانید بچه تان را سه قدم آن طرفتر روی صندلی بنشانید.
- ۹۱- (d) خوشبختانه، زلزله های مخرب در مکان های کم جمعیت رخ می دهند.
- ۹۲- (b) ما باید همه فایل ها را به ترتیب حروف الفبا قرار دهیم تا آن ها هر وقت که مورد نیاز هستند، به راحتی پیدا شوند.
- ۹۳- (c) یک گاو مرده وجود دارد که گروهی از لاشخورها دور آن جمع شده اند تا گوشت آن را بخورند.
- ۹۴- (c) سربازان ما نمی توانند زمانیکه در قلمرو دشمن قرار دارند، حرکت های اشتباه را در جنگ انجام دهند.
- ۹۵- (b) همیشه فقیرترین بخش های جامعه است که سلامت بسیار بدتری دارد.
- ۹۶- (d) دلایل کلی زیادی وجود دارد که چرا جک نمی تواند امتحان انگلیسی اش را درباره ی زمان فعل ها قبول شود.
- ۹۷- (b) احمد کل ایده را دوباره توضیح داد، اما هنوز معنای آن را نفهمیدم.
- ۹۸- (d) این آپارتمان چنان جادار و بزرگ می باشد که دارای مجموعه ای از اتاق های داخلی است.
- ۹۹- (b) از بین کل اوقاتم در دبیرستان، یک روز به طور ویژه و آن هم روز بزرگ امتحان زیستم در ذهنم می ماند.
- ۱۰۰- (d) واقعا اشتباه فاحشی انجام داده ای، من اصرار دارم که یک اقدام فوری برای درست کردن آن انجام دهی.

یادداشت:

Lesson Three:

“Renewable Energy”

"انرژی تجدید پذیر"

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
absence	غیبت - فقدان	chemistry	شیمی
absorb	جذب کردن، مجذوب شدن - تحلیل کردن	chemist	شیمیدان - دارو ساز
air conditioner	دستگاه تهویه هوا	circulate	چرخش کردن، چرخیدن
alcoholic	الکلی، حاوی الکل	circulation	گردش، جریان، دوران
alternative	جایگزین، جانشین - پیشنهاد، گزینه	clean energy	انرژی پاک
anger	خشم، عصبانیت، غضب	client	مشتری - موکل
angry	عصبانی، خشمگین	climate	شرایط آب و هوایی
annual	سالانه	cloth	پارچه - دستمال
apologize	معذرت خواهی کردن	coal	زغال سنگ
apology	عذر خواهی	collect	جمع آوری کردن
application	تقاضا نامه، درخواست - ضمیمه	collective	مشترک، جمعی، عمومی، اشتراکی
apply	درخواست کردن، تقاضا کردن	collector	فراهم کننده، جمع کننده
apply for	نام نویسی کردن برای	come from sth	سرچشمه گرفتن
argument	جر و بحث، مشاجره	community	جامعه، اجتماع
arrangement	قرار - (جمع) مقدمات	component	جزء سازنده، اجزاء، مؤلفه، قسمت
as a result of sth	در نتیجه - به دلیل	conclude	نتیجه گرفتن - تمام کردن
atmosphere	جو - فضا	conflict	کشمکش، ستیزه، نبرد - ناسازگاری، تضاد
attitude	نگرش، گرایش، روش و رفتار	considerable	قابل توجه، شایان توجه، مهم
awareness	هوشیاری، آگاهی	consist of	تشکیل شدن از
background	پس زمینه	constantly	پیوسته - دائماً
balcony	ایوان - بالکن	consume	مصرف کردن
basis	اساس - اصل	consumer	مصرف کننده
battery	باتری	convert	تبدیل کردن
beach	ساحل	cool	خنک - با حال، معرکه، محشر
beam	اشعه، پرتو، شعاع - تیر سقف، تیرک	cooling	خنک سازی
beloved	محبوب، مورد علاقه	cooler	خنک کننده
benefit	سود، بهره، منفعت	come from sth	سرچشمه گرفتن
bill	صورتحساب - اسکناس	community	جامعه، اجتماع
blow	وزیدن - فوت - دمیدن	consumption	مصرف، استفاده
broth	آبگوشت	convince	قانع کردن، راضی کردن، متقاعد کردن
budget	بودجه	cooperate	همکاری کردن، با هم کار کردن، همدستی
burn	سوزاندن - مصرف کردن	cost	هزینه - ارزش - ارزش داشتن
character	شخصیت - ماهیت - ویژگی	counterpart	همکار، شریک - همتا، المثنی - نقطه مقابل
charge	شارژ کردن	couple	زوج، زن و شوهر
check	بررسی کردن، چک کردن	cross sth out	چیزی را خط زدن
chemical	شیمیایی	deal with sth	با سروکار داشتن، پرداختن به ...

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) *Key Words of Vision 3*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
decade	دهه (ده سال)	fossil fuel	سوخت فسیلی
delivery	تحویل	fuel	سوخت - سوخت گیری کردن
deliver	تحویل دادن	gadget	وسيله، ابزار، اسباب
demand	تقاضا-نیاز	garbage	آشغال - زباله
digest	هضم کردن - فهمیدن	gasoline	بنزین
disability	معلولیت - نقص	generate	تولید کردن، بوجود آوردن
distance	فاصله - مسافت	generation	تولید - نسل
document	مدرک - سند	give off	رها کردن - منتشر کردن
dread	ترس، بیم، وحشت، ترسیدن از	global	جهانی
dreadful	ترسناک	global warming	گرمایش جهانی
economy	اقتصاد	goal	هدف
Egyptian	مصری (اهل کشور مصر)	gone	ناپدید - رفته - مرده
electric	برقی	gradually	به تدریج - کم کم
electrical	برقی	harm	آسیب زدن - ضرر
electricity	برق	harmful	مضر، زیان آور
energy	انرژی	hatch	از تخم بیرون آمدن
energetic	پرانرژی، فعال	heart	مرکز - قلب
energetically	به طور جدی، از روی حرارت	heat	حرارت - گرما
ensure	مطمئن کردن، اطمینان دادن	herd	گروه - دسته - گله
environment	محیط زیست	hold	نگه داشتن، برگزار کردن
equivalent	برابر	holder	نگهدارنده، گره، گیرنده
except	به جزء، به غیر از	hole	چاله، سوراخ، گودال
exclamation	علامت تعجب - حرف ندا - فریاد، بانگ	household	خانگی، خانوار، خانواده، اهل بیت
fall	افتادن - پاییز	huge	عظیم - بزرگ
fall asleep	به خواب رفتن	hybrid	دوگانه
fan	پنکه - طرفدار	hydropower	نیروی برق آبی
fantastic	عالی	identifiable	قابل شناسایی
feather	پر (پرنده‌گان و حشرات و...)	idiom	اصطلاح، تعبیر ویژه - زبان ویژه
fitness	تناسب اندام	I'm afraid	شرمندم، متأسفم
flashlight	چراغ قوه	impression	اثر - احساس، ادراک، گمان - عقیده
flock	دسته دسته رفتن - جمع شدن	inform	اطلاع دادن - با خبر کردن
fly	پرواز کردن - مگس	initial	ابتدایی، آغازین، نخستین
fond	علاقمند، مایل، مشتاق، شیفته، خواهان	innovation	نوآوری، ابداع
force	نیرو، اجبار - مجبور کردن	instead of	به جای - در عوض
forever	برای همیشه	involve	شامل بودن، در برداشتن
formula	فرمول، راه حل، دستور، قاعده رمزی	joint	مفصل - محل اتصال

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
kinetic	جنبشی	organized	سازمان یافته، آرایش داده شده
landfill	محل دفن زباله - گورستان زباله	organization	سازمان، نهاد
last	ادامه داشتن	outlet	پریز (برق)
lead	راهنمایی کردن - هدایت کردن	overcome	غلبه کردن - چیره شدن
leader	رهبر - راهنما	panel	تابلو - صفحه
lead to sth	منجر شدن	particularly	به ویژه، به طور خاص
lettuce	کاهو	perfect	کامل - بی نقص
light	روشن کردن	permanently	به طور پایدار، ماندگار
likelihood	احتمال	place	قرار دادن - مکان
line	صف، خط	plug (sth) in	به برق وصل کردن
load	بار، محموله - مسئولیت - بار کردن	politics	سیاست
machine	دستگاه - ماشین	pollute	آلوده کردن
magic	جادویی - غیر معمولی	pollution	آلودگی
mammals	(موجودات) پستاندار	polluted	آلوده
margin	حاشیه - مرز - کناره	provide for	فراهم کردن برای
marketplace	بازار، میدان فروش کالا	portable	قابل حمل
material	ماده - عنصر - جنس	power	نیرو، برق - قدرت
meaningful	معنادار - مهم	practical	عملی - مفید
mechanical	مکانیکی	principal	مدیر - اصلی
mixed up	قاطی کردن، گیج شدن	principle	قانون - اصل
mouth	دهان	process	فرآیند - جریان
multiplication	افزایش، ضرب، تکثیر، ازدیاد	produce	تولید کردن
namely	یعنی - بدین معنی	product	محصول
natural	طبیعی	proverb	ضرب المثل
natural gas	گاز طبیعی	quotation	نقل قول، اقتباس - سهمیه بندی
nephew	پسر خواهر، پسر برادر	radiation	اشعه - تابش
noise - free	بدون صدا	reach	رسیدن به... - نائل شدن به
nonrenewable	تجدید ناپذیر	reasonable	منطقی، معقول
nuclear	هسته ای - اتمی	reduce	کم کردن، پائین آوردن
obey	اطاعت کردن - پیروی کردن	remind	یادآوری کردن
obedient	مطیع، فرمان بردار	remote	دور - پرت، دور افتاده
oil	نفت - روغن	renewable	تجدید پذیر
opposite	برعکس	repeat	تکرار کردن
other than	به جز، به غیر از	replace	جایگزین کردن
organic	طبیعی	require	نیاز داشتن، لازم داشتن - ملزم بودن
organize	سازماندهی کردن - مرتب کردن	resource	منبع - ذخیره

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) *Key Words of Vision 3*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
result	نتیجه - حاصل	sunshine	نور خورشید
review	مرور کردن	supply	فراهم کردن
revolve	چرخیدن، گردش کردن، دور زدن	supporting	قانع کننده - مکمل
rise	افزایش - طرقي - طلوع	sweaty	خیس عرق
roll	چرخاندن	take a note	نکته برداری کردن
roof	طاق - سقف	take in	جذب کردن - به داخل کشیدن
roof beam	تیر سقف	tendency	تمایل، میل، استعداد، علاقه - گرایش
roofless	بی سقف	throughout	سراسر، تماماً، به کلی
rubbish	آشغال، زباله	tide	جزر و مد - موج
run	دویدن - اداره کردن - جریان داشتن	total	کل، مجموع، جمع کل، کامل، کلی
running water	آب جاری - آب تصفیه شده	track	مسیر، راه، راه آهن، رد پا، اثر
screen	صفحه، صفحه تصویر	track and field	ورزش دومیدانی
select	انتخاب کردن	truck	کامیون
separate	جدا - مجزا - جدا کردن	turn	چرخیدن - نوبت
shelf	قفسه	use up	به طور کامل مصرف کردن، تمام کردن
shine (shone)	درخشیدن	variety	تنوع، گوناگونی
shiny	درخشان، تابناک، براق	videophone	تلفن تصویری
sight	دید - قدرت بصری - چشم	visible	مرئی، آشکار، قابل رؤیت
sign	تابلو - علامت، نشانه، امضاء کردن	warn	هشدار دادن
solar	خورشیدی	warning	هشدار، اخطار
solar panel	صفحه خورشیدی	waste	آشغال - هدر دادن
source	منبع	weigh	وزن داشتن، وزن کردن
space	فضا - فاصله	weight	وزن، وزن داشتن، وزن کردن
space station	ایستگاه فضایی	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
spoil	خراب کردن - لوس کردن	whether	که آیا - چه - خواه
stable	اصطبل، طویله - استوار، ثابت	widely	به طور گسترده
store	ذخیره کردن - مغازه	wind machine	آسیاب بادی
stove	اجاق گاز	wind turbine	توربین بادی
string	رشته	work	اثر کردن - عملی بودن - کار
string light bulb	لامپ رشته ای	work out	خوب از آب در آمدن - حل کردن
structure	ساختار - ترکیب	worm	کرم، سوسمار - خزنده، خزیدن
sunlight	نور خورشید	yard	حیاط - واحد طول = ۹۱۴۴/۰ متر

۱۰۰ تست واژگان درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Vocabulary Tests

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات درس سوم دوازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی جایگزین خواهند شد.

1. After finishing reading the novel, I ----- the book correctly on the shelf.
a. replaced b. defended c. covered d. attracted
2. In a natural process, nitrogen is ----- into nitrates in the soil which plants can then use.
a. magnified b. visited c. consumed d. converted
3. As the number of population increases, power plants should ----- more fossil fuels to generate electricity.
a. consider b. endanger c. consume d. expand
4. They have greatly ----- the size and cost of most electronic products, while at the same time increasing their power and quality.
a. reduced b. developed c. generated d. labeled
5. I see China as a necessary part of a growing new ----- economy.
a. global b. renewable c. suitable d. common
6. The concert was a ----- to raise money for a young boy who had to have an expensive operation.
a. benefit b. choice c. course d. ceremony
7. He believes that eating ----- food reduces one's chances of developing certain types of cancer.
a. organic b. renewable c. ordinary d. junk
8. This article teaches how you can permanently lose your weight by ----- the carbohydrates.
a. reducing b. absorbing c. increasing d. tasting
9. Some writers' memories make you so ----- of them that you wish you knew them personally.
a. magic b. shiny c. fond d. invisible
10. The market economy means peaceful ----- and peaceful exchange of goods and services.
a. activity b. suggestion c. cooperation d. manner
11. The ----- of these three experiments suggest that there are many ways to feed young horses.
a. guidelines b. differences c. results d. panels
12. Contracts are made for an initial 4 years, ----- up to an additional 4-year period.
a. countless b. global c. renewable d. suitable
13. Last week a satellite weighing 12 tons was successfully ----- in orbit.
a. revolved b. heated c. placed d. generated
14. The makers of the car claim that hybrid cars use up to 50% less ----- than other similar cars.
a. fuel b. heat c. pollution d. power
15. Scientists are looking for a ----- which will produce energy without polluting the air.
a. fuel b. gadget c. panel d. variety
16. Wind turbines are used to ----- electricity for the local community.
a. generate b. consume c. power d. form
17. Researchers are looking at ways of ----- power using the action of the ocean's tides.
a. saving b. pumping c. orbiting d. generating
18. Fish is a key ----- of omega 3 oils which have health benefits particularly for the heart.
a. alternative b. center c. absence d. source

19. We can start by reducing our energy consumption and turning to ----- resources.
a. separate b. portable c. remote d. renewable
20. If you are serious about -----, you should eat less junk food and more vegetables so your body can stay in shape.
a. diet b. blood pressure c. addiction d. fitness
21. We are constantly ----- about the dangers, but at the end of the day it depends on parents to be sure about the safety of their children.
a. searching b. considering c. expressing d. warning
22. You might love sheep or cow meat but you`ll find that a / an ----- meal is easier to digest.
a. fast food b. veggie c. strong d. junk food
23. She needs to have an emergency operation on her eyes to save her ----- because she has been blind as a result of a heavy accident.
a. power b. sight c. hearing d. life
24. Because they are mostly Muslim, Egyptians do not ----- alcoholic drinks.
a. like b. consume c. absorb d. deliver
25. You should wear something light-colored when you`re cycling at night so that you`re more -----.
a. shiny b. visible c. loving d. fantastic
26. His family are convinced the drug was the cause of the depression which ----- his death.
a. led to b. gave off c. worked out d. figured out
27. My little sister is coming home after 12 years and has been saying that ----- all through her trip back.
a. there`s no place like home b. out of sign, out of mind
c. birds of a feather flock together d. absence makes the heart grow fonder
28. It seems reasonable to ----- that people`s behavior is influenced by what they see on TV.
a. conclude b. demand c. allow d. protect
29. Decisions could be made on the ----- of price, delivery dates, after- sales service.
a. basis b. expression c. term d. type
30. The first analysis is based on all 434 patients, whereas a number of patients after two months was ----
----- to less than 200.
a. applied b. concluded c. reduced d. generated
31. Many people have been ordered to stay indoors and some people are suffering ----- sickness.
a. magic b. magnet c. radiation d. issue
32. Ted knows that he would have no problem speaking in public if he would only ----- his fears instead of running away from them.
a. overcome b. combine c. discover d. remind
33. Billy was a good student because he would actively participate in class and ----- all the rules.
a. power b. obey c. discover d. transmit
34. 1 An expert recently noted that the world has gradually moved toward cleaner ----- from wood to coal, from coal to oil, and from oil to natural gas.
a. fuels b. supplies c. powers d. formulas
35. This fruit is also an important ----- of many traditional Chinese medicines.
a. component b. variety c. demand d. product

36. The purpose of the steam turbine is to ----- the heat contained in steam into mechanical energy.
a. convert **b. consume** **c. cooperate** **d. absorb**
37. The teacher will probably ----- I am not listening to her lecture because I have my eyes closed.
a. conclude **b. elicit** **c. warn** **d. consider**
38. Some babies are unable to ----- the sugar lactose, which is in cow's milk formulas.
a. convert **b. consume** **c. digest** **d. absorb**
39. Solar panels, wind turbines, and hydroelectricity are renewable ----- sources of power.
a. alternative **b. light** **c. waste** **d. radiation**
40. When she heard her sons ----- to one another, the mother was glad that they knew how to solve a disagreement.
a. apologize **b. absorb** **c. dread** **d. spoil**
41. I always ----- if I hurt someone's feelings and find a way to show that I'm sorry
a. allow **b. apologize** **c. arrange** **d. disconnect**
42. Many rivers have been so ----- that they can no longer be used for drinking water.
a. designed **b. polluted** **c. highlighted** **d. recognized**
43. percent of the world's population ----- 80 percent of the planet's resources.
a. handles **b. consumes** **c. regards** **d. replace**
44. The ----- from the bomb circulated through the air and killed thousands.
a. component **b. feather** **c. radiation** **d. garbage**
45. She has a lot of ----- experience in dealing with these kinds of problems.
a. portable **b. gone** **c. practical** **d. supporting**
46. Students should not write outside the ----- but instead stay inside the lines.
a. booklet **b. diary** **c. margin** **d. diploma**
47. A robot must ----- the orders given it by men except where such orders conflict with the first law.
a. demand **b. obey** **c. combine** **d. record**
48. Our technology and ability to cooperate in societies allows us to ----- many of the things that kill other mammals.
a. claim **b. overcome** **c. consume** **d. absorb**
49. Cutting the police force is not a ----- idea when crime is high in our city.
a. confusing **b. practical** **c. ancient** **d. magic**
50. The rocks on this beach ----- me of those summer days when we were there.
a. waste **b. roll** **c. select** **d. remind**
51. It's our hope that we will play an greater role in the marketplace and, therefore, ----- more jobs.
a. replace **b. spoil** **c. reduce** **d. supply**
52. In addition to teaching basic academic skills, we offer a large ----- of activities for students.
a. source **b. benefit** **c. variety** **d. background**
53. Do not throw rubbish onto the ground. Do not ----- water. Use both sides of paper when you write. Stop using plastic bags for shopping.
a. use up **b. consume** **c. waste** **d. revolve**
54. Note that you will have to be running this program in a relatively noise-free environment, so ----- your headphones and make sure your CD drive is spun down.
a. deal with **b. hold** **c. plug in** **d. work out**

55. Because of his learning -----, the student had a difficult time solving multiplication problems in his mind.

- a. disability b. strength c. identity d. likelihood

56. The results showed that cookies are very good for the -----, so babies can generally eat them without problem.

- a. digestion b. broth c. joint d. sweet

57. According to the U. S. Department of Energy, an average household spends over 40 percent of its total annual energy budget on heating and ----- costs.

- a. cooling b. organic c. string d. stove

58. Because my father is a huge ----- of alcohol, he has probably done considerable damage to his liver.

- a. physician b. consumer c. researcher d. discoverer

59. This display is updated ----- so that the information shown on the screen is as accurate as possible.

- a. primarily b. constantly c. unsystematically d. especially

60. The only ----- of the sandwich that I do not like is the tomato, but the turkey, lettuce and mayonnaise are fine.

- a. combination b. component c. unit d. device

61. There are about 13,000 identifiable ----- of roses throughout the world.

- a. series b. varieties c. products d. designs

62. When planning meals, you need to think about ----- and taste as well as nutritional value.

- a. grocery b. variety c. supply d. junk

63. The family rooms have a / an ----- children's sleeping area, with TVs at the end of both beds – thus avoiding arguments over what to watch.

- a. supporting b. separate c. alternative d. remote

64. Over the last six decades, several technological innovations have changed how we communicate, ----- the Internet and the smartphone.

- a. thus b. namely c. actually d. calmly

65. Electronic Arts developed a nice version of Scrabble for iGoogle and the NPR ----- allows you to share news stories with your friends.

- a. agreement b. gadget c. heritage d. guideline

66. While European football is often mixed up with American football, the two sports are not -----.

- a. joint b. basis c. component d. equivalent

67. My mother practiced some relaxation techniques to help her ----- the pain she suffered as a result of having cancer.

- a. apply for b. check with c. provide for d. deal with

68. There is a potential educational ----- in allowing pictures to tell the story, rather than the spoken word.

- a. benefit b. center c. collocation d. ethic

69. It is generally difficult for parents to ----- information about several major problems in their baby all at the same time.

- a. absorb b. wonder c. transmit d. cooperate

70. They ----- discuss ways to increase awareness and understanding of their problems.

- a. alphabetically b. constantly c. accidentally d. unsystematically

71. She was forced to ----- early from teaching because of her special medical condition.
a. describe **b. decide** **c. retire** **d. recite**
72. On the afternoon of May 8, 2005, Chinese President Hu Jintao met in the hotel where he stayed with his Turkmen ----- Saparmurat Niyazov.
a. astronaut **b. component** **c. collector** **d. counterpart**
73. The company has angered its employees with its decision to ----- the number of hours worked to part-time.
a. claim **b. cooperate** **c. reduce** **d. obey**
74. For most of the time the United Kingdom played an important part in the organization of world ----- sources even in the Middle East.
a. power **b. reminder** **c. travel** **d. building**
75. We, I mean Rachel and I, are a really happy couple although we have ----- views when it comes to such issues as politics and religion.
a. opposite **b. practical** **c. impossible** **d. following**
76. In cold climates, houses need to have walls that will ----- heat.
a. absorb **b. blow** **c. dread** **d. demand**
77. Please call this number if you ----- any further information.
a. reduce **b. collect** **c. consider** **d. require**
78. I didn't like him at first, but in the end I actually got quite ----- of him.
a. fond **b. available** **c. common** **d. excellent**
79. The role of the police is to ensure that the law is -----.
a. combined **b. forgive** **c. demanded** **d. discovered**
80. Within a short space of time you could be speaking ----- English!
a. essential **b. perfect** **c. bilingual** **d. dedicated**
81. He returns to the England team after a long ----- from international football.
a. community **b. source** **c. formula** **d. absence**
82. The wind farm may be able to ----- enough electricity for homes.
a. reduce **b. generate** **c. increase** **d. flock**
83. It's important to create a good impression when you meet a new -----.
a. broth **b. client** **c. distance** **d. charger**
84. The art department and the music department are in two ----- buildings.
a. meaningful **b. countless** **c. immediate** **d. separate**
85. Good communication is an important ----- of any relationship.
a. community **b. outlet** **c. component** **d. device**
86. He was careful to keep out of ----- because he had not obeyed the traffic rules when the traffic light was red.
a. vision **b. sight** **c. effect** **d. sense**
87. Doctors recommend that after having your meal sit still and allow it to ----- calmly.
a. arrange **b. hug** **c. digest** **d. pump**
88. I'm ----- my English exam on writing and I'm sure I'm going to fail.
a. collecting **b. reviewing** **c. dreading** **d. attempting**

89. He had walked for two hours, so he took off his shoes to ----- his sweaty feet.
a. change b. cool c. convert d. compare
90. He is a dedicated physician who helps poor people and he is well-known in the local -----.
a. community b. morality c. heritage d. personality
91. I shone the ----- into the dark room, and it send out a powerful beam of light.
a. bulb b. flashlight c. outlet d. electricity
92. As I love my beloved nephew a lot, I always try to ----- some chocolate to give to him.
a. repeat b. save c. require d. revolve
93. Marry didn't like Jack at first, but in the end, she actually got quite ----- of him.
a. loud b. cruel c. found d. fortunate
94. God helps, says the -----, those who help themselves.
a. idiom b. proverb c. quotation d. exclamation
95. You are disturbing me, and I'm afraid I have no ----- but to ask you to leave.
a. attitude b. tendency c. alternative d. item
96. All the students ran out in to the ----- happily to take break when the bell rang.
a. class b. hall c. yard d. balcony
97. The English course has four main ----- : reading, speaking, listening and writing skills.
a. patterns b. points c. components d. situations
98. We should continue using fossil fuels until we manage to find cleaner ----- of energy.
a. cases b. qualities c. differences d. sources
99. Reza is sick and the doctor has advised him to ----- the amount of fat in his food.
a. produce b. reduce c. prepare d. destroy
100. He is not poor; he actually has more money than ----- for the support of a family.
a. required b. transferred c. handled d. involved

پاسخنامه تستهای واژگان درس سوم

Vocabulary Tests										Pages: 137 - 142									
1	A	11	C	21	D	31	C	41	B	51	D	61	B	71	C	81	D	91	B
2	D	12	C	22	B	32	A	42	B	52	C	62	B	72	D	82	B	92	B
3	C	13	C	23	B	33	B	43	B	53	C	63	B	73	C	83	B	93	C
4	A	14	A	24	B	34	A	44	C	54	C	64	B	74	A	84	D	94	B
5	A	15	A	25	B	35	A	45	C	55	A	65	B	75	A	85	C	95	C
6	A	16	A	26	A	36	A	46	C	56	A	66	D	76	A	86	B	96	C
7	A	17	D	27	A	37	A	47	B	57	A	67	D	77	D	87	C	97	C
8	A	18	D	28	A	38	C	48	B	58	B	68	A	78	A	88	C	98	D
9	C	19	D	29	A	39	A	49	B	59	B	69	A	79	C	89	B	99	B
10	C	20	D	30	C	40	A	50	D	60	B	70	B	80	B	90	A	100	A

ترجمه تستهای واژگان درس سوم: صفحه ۱۳۷ تا ۱۴۲

۱- (a) پس از اتمام خواندن رمان، کتاب را به درستی در قفسه **سر جای خودش گذاشتم**.

۲- (d) در فرایند طبیعی، نیتروژن به نیترات در خاک **تبدیل می شود** که گیاهان می توانند از آن استفاده کنند.

۳- (c) با افزایش تعداد جمعیت، نیروگاه ها باید سوخت های فسیلی بیشتری برای تولید برق **مصرف کنند**.

۴- (a) آن ها اندازه و هزینه بسیاری از محصولات الکترونیکی را به میزان قابل توجهی **کاهش داده اند**، درحالی که در همان زمان قدرت و کیفیت آنها را افزایش دهند.

۵- (a) من چین را به عنوان بخشی لازم از یک اقتصاد **جهانی** جدید رو به رشد می بینم.

۶- (a) این کنسرت **خیریه ای** بود برای جمع آوری پول برای یک پسر جوان که مجبور بود یک عمل جراحی گران قیمت داشته باشد.

۷- (a) دوست من معتقد است که خوردن مواد غذایی **ارگانیک (طبیعی)** احتمال ابتلا به انواع خاصی از سرطان را کاهش می دهد.

۸- (a) این مقاله به شما می آموزد که چگونه می توانید به طور دائم وزن خود را با **کم کردن** کربوهیدرات ها کاهش دهید.

۹- (c) بعضی از خاطرات نویسندگان، شما را **علاقمند (دلبسته)** به آن ها می کند که آرزو می کنید آن ها را شخصاً می شناختید.

۱۰- (c) اقتصاد بازار به معنای **همکاری** صلح آمیز و تبادل صلح آمیز کالا و خدمات است.

۱۱- (c) **نتایج** این سه آزمایش اشاره می کند که راه های زیادی برای تغذیه اسب های جوان در حال رشد وجود دارد.

۱۲- (c) قراردادهای برای ۴ سال بسته می شوند و برای یک دوره ۴ ساله اضافی قابل **تمدید** خواهند بود.

۱۳- (c) هفته گذشته ماهواره ای به وزن ۱۲ تن با موفقیت در مدار **قرار داده شد**.

۱۴- (a) سازندگان خودرو ادعا می کنند که اتومبیل های هیبریدی کمتر از ۵۰ درصد نسبت به سایر خودرو های مشابه **سوخت** مصرف می کنند.

۱۵- (a) دانشمندان به دنبال **سوختی** هستند که انرژی را بدون آلوده کردن هوا تولید کند.

۱۶- (a) توربین های بادی برای **تولید** برق برای جامعه محلی استفاده می شوند.

۱۷- (d) محققان به دنبال راه هایی برای **تولید** انرژی با استفاده از عمل جزر و مد اقیانوس هستند.

۱۸- (d) ماهی یک **منبع** کلیدی روغن امگا ۳ است که به ویژه برای قلب مفید است.

۱۹- (d) ما می توانیم با کاهش مصرف انرژی مان و تبدیل آن به منابع **تجدید پذیر** شروع کنیم.

۲۰- (d) اگر برای **آمادگی جسمانی** جدی هستید، باید هله و هوله کمتر و سبزیجات بیشتری مصرف کنید تا بدن شما بتواند شکل بگیرد.

۲۱- (d) ما دائماً در مورد خطرات **هشدار می دهیم**، اما در پایان روز به والدین بستگی دارد تا از ایمنی فرزندان شان مطمئن شوند.

۲۲- (b) شما ممکن است گوشت گوسفند یا گاو را دوست داشته باشید، اما پی خواهید برد که یک وعده غذایی با **سبزیجات** برای هضم آسان تر است.

۲۳- (b) او برای نجات **بینایی** چشمانش به یک عمل جراحی فوری نیاز دارد، برای اینکه به علت یک تصادف وحشتناک در حال کور شدن است.

۲۴- (b) از آنجا که آن ها عمدتاً مسلمان هستند، مصری ها نوشیدنی های الکلی **مصرف نمی کنند**.

۲۵- (b) هنگامی که شما در شب در حال دوچرخه سواری هستید، باید چیزی به رنگ روشن بپوشید تا بتوانید بیشتر **قابل مشاهده** باشید.

۲۶- (a) خانواده اش متقاعد شده اند که مواد مخدر باعث افسردگی بود که **منجر** به مرگ وی شد.

۲۷- (a) خواهر کوچک من بعد از ۱۲ سال به خانه می آید و گفته است که در طول سفرش **هیچ جا خانه آدم نمی شود**.

۲۸- (a) این **نتیجه گیری** منطقی به نظر می رسد که رفتار مردم تحت تأثیر آنچه که در تلویزیون می بینند قرار دارد.

- ۲۹- (a) تصمیم گیری می تواند **بر اساس** قیمت، تاریخ تحویل، خدمات پس از فروش یا هر متغیر دیگر اتخاذ شود.
- ۳۰- (c) اولین تحلیل بر اساس همهٔ ۴۳۴ بیمار صورت گرفت، درحالی که تعداد بیماران بعد از دو ماه به کمتر از ۲۰۰ نفر **کاهش یافت**.
- ۳۱- (c) به صدها هزار نفر دستور داده شده که در داخل خانه بمانند و تعدادی از مردم در حال رنج بردن از بیماری **رادیواکتیو** هستند.
- ۳۲- (a) تد می داند که او هیچ مشکلی در صحبت کردن در جمع (مکان عمومی) نخواهد داشت اگر او تنها بر ترسش **غلبه کند** به جای اینکه از آن فرار کند.
- ۳۳- (b) بیلی یک دانشجوی نمونه برای معلمانش بود زیرا او به طور فعال در کلاس شرکت کرده و از تمام قوانین **اطاعت می کرد**.
- ۳۴- (a) اخیراً یک متخصص خاطر نشان کرد که جهان به تدریج به سمت **سوخت های** پاک تر از چوب به زغال سنگ، از زغال سنگ به نفت و از نفت به گاز طبیعی در حال حرکت است.
- ۳۵- (a) این میوه همچنین یک **جزء (بخش)** مهمی از بسیاری از داروهای سنتی چین است.
- ۳۶- (a) هدف از توربین بخار **تبدیل** گرمای موجود در بخار به انرژی مکانیکی است.
- ۳۷- (a) معلم احتمالاً **نتیجه می گیرد** که من به سخنرانی او گوش نمی دهم، زیرا من چشم هایم را بسته ام.
- ۳۸- (c) برخی از نوزادان قادر به **هضم** لاکتوز قند نیستند که در فرمول های شیر گاو وجود دارد.
- ۳۹- (a) پانل های خورشیدی، توربین های بادی و برق آبی، منابع **جایگزین** انرژی تجدید پذیر برق هستند.
- ۴۰- (a) هنگامی که او شنید پسرانش از یکدیگر **عذر خواهی کردند**، مادر خوشحال بود که آن ها می دانستند چگونه اختلاف نظر را حل کنند.
- ۴۱- (b) من همیشه **عذر خواهی می کنم** اگر به احساسات شخصی آسیب برسانم و راهی پیدا می کنم تا نشان بدهم که متأسفم.
- ۴۲- (b) بسیاری از رودخانه ها خیلی **آلوده شده اند** طوری که دیگر نمی توانند برای آب آشامیدنی استفاده شوند.
- ۴۳- (b) ۲۵ درصد از جمعیت جهان، ۸۰ درصد از منابع این سیاره را **مصرف می کنند**.
- ۴۴- (c) **تشعشع (اشعه)** بمب از طریق هوا پخش شد و هزاران نفر کشته شدند.
- ۴۵- (c) او در برخورد با این نوع مشکلات، تجربه **کاربردی (مفید)** زیادی دارد.
- ۴۶- (c) دانش آموزان نباید خارج از حاشیه بنویسند بلکه در عوض (باید) **داخل خطوط** بمانند.
- ۴۷- (b) یک ربات باید از دستورات داده شده توسط انسان **اطاعت کند**، مگر آن که دستورات با قانون اول در تضاد باشند.
- ۴۸- (b) تکنولوژی و توانایی ما برای همکاری در جوامع به ما اجازه می دهد تا بر بسیاری از چیز هایی که سایر پستانداران را می کشند، **غلبه کنیم**.
- ۴۹- (b) قطع کردن نیروی پلیس، وقتی جنایت در شهر ما زیاد است، یک ایده **مفید (کاربردی)** نیست.
- ۵۰- (d) سنگ های این ساحل مرا به یاد آن روز های تابستان وقتی که لورا و من در شن تا شب هنگام بازی می کردیم، می اندازد.
- ۵۱- (d) امید ما این است که ما به طور فزاینده ای نقش بزرگ تری را در بازار بازی کنیم و به همین دلیل، مشاغل بیشتری را **عرضه** خواهیم کرد.
- ۵۲- (c) علاوه بر آموزش مهارت های آکادمیک پایه، ما **انواع** زیادی از فعالیت ها را برای دانش آموزان ارائه (عرضه) می کنیم.
- ۵۳- (c) زباله را روی زمین نریزید. آب را **هدر ندهید**. هنگام نوشتن از هر دو طرف کاغذ استفاده کنید. از کیسه های پلاستیکی برای خرید استفاده نکنید.
- ۵۴- (c) توجه داشته باشید که شما باید این برنامه را در یک محیط نسبتاً بدون سر و صدا اجرا کنید، بنابراین هدفون های خود را **وصل کنید** و مطمئن شوید که درایو سی دی شما پایین کشیده شده است.

- ۵۵- (a) به دلیل **ناتوانی اش** در یادگیری، دانش آموز زمان دشواری را صرف حل مسائل ضرب در ذهن خود کرده بود.
- ۵۶- (a) نتایج نشان داد که کوکی ها برای **هضم** بسیار مفید هستند، به طوری که نوزادان عموماً می توانند آن ها را بدون مشکلی بخورند.
- ۵۷- (a) طبق گفته وزارت انرژی ایالات متحده، خانوارهای متوسط، بیش از ۴۰ درصد کل بودجه انرژی سالانه خود را صرف هزینه های گرمایش و **خنک کننده** مینمایند.
- ۵۸- (b) از آن جا که پدرم یک **مصرف کننده** قهار الکل است، احتمالاً آسیب زیادی (قابل توجه ای) به کبدش وارد کرده است.
- ۵۹- (b) این صفحه نمایش **به طور مداوم** به روز شده است به طوری که اطلاعات نشان داده شده بر روی صفحه نمایش تا حد ممکن دقیق است.
- ۶۰- (b) تنها **بخش** ساندویچ که من دوست ندارم گوجه فرنگی است، اما بوقلمون، کاهو و سس مایونز خوب هستند.
- ۶۱- (b) حدود ۱۳۰۰۰ **انواع** گل رز قابل شناسایی در سراسر جهان وجود دارد.
- ۶۲- (b) هنگام برنامه ریزی وعده های غذایی، شما نیاز دارید به اندازه ارزش غذایی، به **نوع (گوناگونی)** و طعم فکر کنید.
- ۶۳- (b) اتاق های خانوادگی (خانه) دارای یک فضای خواب **جداگانه** برای کودکان با دستگاه تلویزیون در انتهای هر دو تخت هستند، در نتیجه از بحث و جدل درباره تماشای برنامه های مختلف (متمایز) جلوگیری می کند.
- ۶۴- (b) طی شش دهه گذشته، در اینکه ما چگونه ارتباط برقرار میکنیم، چندین نوآوری تکنولوژیکی تغییر کرده است، **برای مثال** اینترنت و گوش های هوشمند.
- ۶۵- (b) هنر های الکتریکی یک نسخه ویژه از اسکرابل را برای iGoogle توسعه داد و **ابزار** NPR به شما اجازه می دهد که داستان های خبری را با دوستان خود به اشتراک بگذارند.
- ۶۶- (d) در حالی که اغلب فوتبال اروپایی با فوتبال آمریکایی اشتباه گرفته می شود، این دو ورزش **مشابه** هم نیستند.
- ۶۷- (d) مادر من بعضی از تکنیک های آرامش را برای کمک به او برای **مقابله (کنار آمدن)** با دردی که در اثر سرطان می کشد، انجام داد.
- ۶۸- (a) یک **مزیت** آموزشی بالقوه در این که اجازه دهیم تصاویر داستان بگویند، به جای گفته شدن کلمه وجود دارد.
- ۶۹- (a) عموماً برای والدین **تحلیل کردن** اطلاعات درباره چندین مشکل اصلی راجع به کودکشان در یک زمان به طور کلی مشکل است.
- ۷۰- (b) با وجود این، آن ها **دائماً** در مورد راه های افزایش آگاهی و درک مشکلات خود بحث می کنند.
- ۷۱- (C) او به خاطر شرایط ویژه پزشکی مجبور بود زودتر از تدریس **استعفا** بدهد.
- ۷۲- (d) در بعد از ظهر ۸ مه، سال ۲۰۰۵، هوجینتائو، رئیس جمهور چین، در هتلی که اقامت داشت با **همتای** ترکمن خود، صفرمراد نیازوف ملاقات کرد.
- ۷۳- (c) این شرکت کارکنان خود را با تصمیم خود برای **کاهش دادن** تعداد ساعات کاری به طور نیمه وقت خشمگین کرده است.
- ۷۴- (a) در بیشتر اوقات، بریتانیا نقش مهمی در سازماندهی منابع جهانی قدرت، حتی در خاورمیانه ایفا می کرد.
- ۷۵- (a) ما، منظورم ریچل و من است، زوج واقعاً خوشبختی هستیم، اگرچه در مسایلی مانند سیاست و دین دیدگاه هایی **متضاد** داریم.
- ۷۶- (a) در آب و هوای سرد، خانه ها نیاز به دیوارهایی دارند که گرما را **جذب کنند**.
- ۷۷- (d) لطفاً در صورت **نیاز** به اطلاعات بیشتر، با این شماره تماس بگیرید.
- ۷۸- (a) ابتدا او را دوست نداشتیم، اما در نهایت واقعاً به او **علاقه مند (دلپسته)** شدم.
- ۷۹- (c) نقش پلیس این است که اطمینان حاصل شود که قانون **مورد احترام (اطاعت)** قرار گرفته است.
- ۸۰- (b) در فواصل کوتاهی شما می توانید انگلیسی **کامل (بی نقص)** صحبت کنید.
- ۸۱- (d) او پس از **غیبت** طولانی از فوتبال بین المللی، به تیم انگلیس بازگشت.

۸۲- (b) مزرعه باد ممکن است قادر به **تولید** برق کافی برای ۲۰۰۰ خانه باشد.

۸۳- (b) هنگامی که یک مشتری جدید را دیدید، مهم است که احساس خوبی داشته باشید.

۸۴- (d) بخش هنری و بخش موسیقی در دو ساختمان جداگانه قرار دارند.

۸۵- (c) ارتباط خوب، یک **جزء** مهم هر رابطه است.

۸۶- (b) او مراقب بود که (توسط پلیس) **دیدہ نشود** به خاطر این که وقتی چراغ قرمز بود از قوانین ترافیک پیروی نکرده بود.

۸۷- (c) پزشکان توصیه می کنند که بعد از وعده های غذایی خود نشسته و اجازه دهید که آن، به آرامی **هضم شود**.

۸۸- (c) من از امتحان انشای انگلیسی خودم **می ترسم** و مطمئن هستم که آن را پاس نمی کنم.

۸۹- (b) او دو ساعت راه رفته بود، پس کفش هایش را برای **خنک کردن** پاهای عرق کرده اش در آورد.

۹۰- (a) او یک پزشک متخصص است که به مردم فقیر کمک می کند و در **جامعه محلی**، شناخته شده است.

۹۱- (b) چراغ قوه را به سمت اتاق تاریک تاباندم و پرتوی قدرتمندی از نور بیرون داد.

۹۲- (b) چون من برادرزاده محبوبم را دوست دارم، همیشه سعی میکنم چند شکلات برای او **نگه دارم.**

۹۳- (c) ماری در ابتدا جک را دوست نداشت، اما در نهایت واقعا به او علاقمند شد.

۹۴- (b) یک ضرب المثل می گوید، از تو حرکت از خدا برکت.

۹۵- (c) شما مرا ناراحت کرده اید و من هیچ **چاره ای** جز این ندارم که از شما بخواهم اینجا را ترک کنی.

۹۶- (c) همه دانش آموزان وقتی زنگ خورد برای استراحت کردن با خوشحالی به سمت حیاط دویدند.

۹۷- (c) دوره انگلیسی دارای چهار جزء (بخش) اصلی است: مهارت خواندن، صحبت کردن، گوش دادن و نوشتن.

۹۸- (d) ما باید به استفاده از سوخت های فسیلی تا پیدا کردن منابع پاکتر انرژی ادامه دهیم.

۹۹- (b) رضا بیمار است و دکتر به او سفارش کرده است که مقدار چربی موجود در غذایش را کاهش دهد.

۱۰۰- (a) او فقیر نیست؛ او در واقع پول بیشتری از آن چه برای حمایت از یک خانواده نیاز باشد دارد.

یادداشت:

[illegible]

Part Five:

“Appendix”

ضمیمہ

<i>2500 Words</i>	<i>148</i>
<i>Parts of Speech</i>	<i>191</i>
<i>Synonyms</i>	<i>203</i>
<i>Antonyms</i>	<i>210</i>
<i>Vocabulary Tests</i>	<i>215</i>
<i>Collocations</i>	<i>233</i>
<i>Prefixes & Suffixes</i>	<i>238</i>
<i>Proverbs</i>	<i>242</i>
<i>Irregular Verbs</i>	<i>249</i>

۲۵۰۰ لغت تکمیلی کنکور

(خارج از کتابهای درسی)

ویژه:

- داوطلبان کنکور منحصراً زبان
- داوطلبانی که به دنبال در صد بالای ۸۰ میباشند

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه اول

لغت: ۱ تا ۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
abandon	ترک کردن، رها کردن، معوق کردن	acute	تند، شدید - حاد، بحرانی
abbey	صومعه، دیر، عبادتگاه مسیحیان	adapt	وفق دادن، سازگار کردن، اقتباس
abbreviate	به اختصار نوشتن	adaptable	وفق پذیر، قابل وفق - سزاوار
abdomen	شکم، بطن	addicted	معتاد
abnormal	غیرعادی، غیر طبیعی	addictive	اعتیاد آور
abolish	پایان دادن به، لغو کردن	address	مخاطب قرار دادن - آدرس، نشانی
abrupt	ناگهانی، غیر منتظره	adequate	کافی، رضایت بخش
abuse	سوء استفاده، بد رفتاری - فحش	adjust	تطبیق دادن، تنظیم کردن
abusive	توهین آمیز	administration	اداره (امور)، سرپرستی، مدیریت
academic	تحصیلی، آموزشی، آکادمیک	admiral	دریاسالار
accent	لهجه	admission	اجازه ورود، ورودیه - پذیرش
acceptable	قابل قبول	admit	پذیرفتن، اعتراف کردن - اجازه ورود
acceptance	پذیرش، قبول	adolescence	دوره جوانی، بلوغ
accommodation	جا، منزل، خانه، محل سکونت	adolescent	بالغ، نوجوان، جوان
accompany	همراهی کردن، همساز بودن	adopt	به فرزندی پذیرفتن، اقتباس کردن
accomplish	انجام دادن، به پایان رساندن	adore	پرستیدن، عشق ورزیدن
accountant	حسابدار	adult	شخص بالغ، بزرگسال
accuracy	درستی، دقت	advance	پیشرفت، ترقی، پیشرفت کردن
accurate	دقیق، درست	advanced	پیشرفته، مترقی
accuse	تهمت زدن به، متهم کردن	advantage	مزیت، سود، منفعت، امتیاز
accustomed	مأنوس، عادی	adventure	ماجرا، ماجراجویی - سرگذشت
achieve	به دست آوردن، به موفقیت رسیدن	adventurous	ماجراجو، بی باک
achievement	دستاورد، موفقیت	advertise	اگهی دادن، تبلیغ کردن
acid rain	باران اسیدی	advertisement	اگهی، تبلیغ
acknowledge	اذعان کردن، قبول کردن	advertising	تبلیغ، تبلیغات
acknowledgment	سپاسگزاری، تشکر، اقرار	aerial	آنتن (تلویزیون و...)
acquire	کسب کردن، به دست آوردن	aero plane	هواپیما
acrobat	بند باز، آکروبات کار	advisability	صلاح، مصلحت، معقول بودن
actress	هنرپیشه ی خانم، بازیگر زن	adviser	مشاور
acting	بازیگری	affair	اتفاق، کار، مسأله، امر

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه دوم: لغت ۶۱ تا ۱۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
affection	محبت، مهر، عاطفه	ambulance	آمبولانس
affectionate	مهربان، با محبت	amazement	بهت، حیرت
affect	اثر گذاشتن بر، تحت تأثیر قرار دادن	ambassador	سفیر
afford	توانایی... را داشتن، از عهده ... برآمدن	ambition	بلند پروازی، آرزو - همت بلند
afraid	ترسیدن، نگران بودن، ترسیده	ambitious	جاه طلب، بلند پرواز
aftershave	لوسیون بعد از اصلاح صورت	amplifier	دستگاه تقویت کننده
afterwards	سپس، بعداً، بعد از آن	amusement park	شهر بازی
aggressive	مهاجم، پر خاشگر	analyze	تحلیل کردن، بررسی کردن
agony	عذاب، رنج	and so forth	و به همین ترتیب، و غیره
agriculture	کشاورزی، زراعت	angel	فرشته
ahead	جلو، پیش، پیش رو، در آینده	angle	زاویه، گوشه
aim	هدف، مقصود، نشانه، هدف گیری	announce	اعلام کردن، آگاه کردن
aircraft	هواپیما	announcement	آگهی، خبر
air force	نیروی هوایی	announcer	مجری، گوینده خبر
airline	خط هوایی؛ (شرکت) هواپیمایی	annoy	اذیت کردن، آزار دادن، ناراحت کردن
aisle	راهرو	annual	سالانه، سالیانه
alarm	اخطار، هشدار، بیم، وحشت	anonymous	ناشناس، ناشناخته
alarm clock	ساعت زنگ دار	antenna	آنتن (تلویزیون) - شاخک (حشرات)
alert	هوشیار، باهوش	anticipate	انتظار داشتن، پیش بینی کردن
algebra	جبر (در ریاضیات)	anticipation	پیش بینی، انتظار
alight	شعله ور، مشتعل	anticlockwise	بر خلاف عقربه های ساعت
alligator	تمساح	antique	کهنه، باستانی، قدیمی، عتیقه
allowance	پول تو جیبی	anxiety	اضطراب، دلواپسی، اشتیاق، تشویش
almond	بادام	anxious	نگران، دلواپس، مشتاق، آرزومند
alongside	پهلوی، کنار، جنب	apart	دور از هم، جدا، مجزا
alter	تغییر دادن، تبدیل کردن	apologize	معذرت خواهی کردن
alteration	تغییر، اصلاح	apology	پوزش، عذر خواهی
alternative	جایگزین - انتخاب	apparent	آشکار، معلوم، واضح، نمایان
amateur	آماتور، غیر حرفه ای	appeal	درخواست، تقاضا - جذابیت داشتن
ambition	جاه طلبی، بلند پروازی	appetizer	پیش غذا

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سوم: لغت ۱۲۱ تا ۱۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
appliance	لوازم خانگی	aspect	جنبه، وجه؛ (در جمع) ابعاد - لحاظ
appoint	منسوب کردن، تعیین کردن	assassinate	ترور کردن، سوء قصد کردن
apprentice	شاگرد، کارآموز	assemble	مونتاز کردن، جمع شدن
approach	نزدیک شدن به، شیوه، روش	assembly	همایش، گردهمایی
approve	موافق...بودن، با... موافقت کردن	assess	ارزیابی کردن، تعیین کردن
approval	تأیید، رضایت، موافقت	assignment	تکلیف، وظیفه
approximately	تقریباً، حدوداً	assist	کمک کردن (به)، یاری رساندن (به)
archaeologist	باستان شناس	assistance	مساعدت، همکاری
archaeology	باستان شناسی	assistant	معاون، دستیار
architect	معمار	associate	(باهم) پیوند دادن، (به هم) ربط دادن
architecture	معماری	association	پیوند، رابطه
arena	میدان، ورزشگاه، تالار، سالن	assume	فرض کردن، تلقی کردن، خیال کردن
argue	جروبحث کردن، استدلال کردن	assure	اطمینان دادن، خاطر جمع کردن
argument	جر و بحث، بگو مگو	astonish	متحیر کردن، شگفت زده کردن
arise	بلند شدن، برخاستن، ناشی شدن از	astonished	متحیر، شگفت زده
arithmetic	(علم) حساب	astonishing	حیرت بر انگیز
armchair	صندلی دسته دار	astonishment	حیرت، شگفتی
armed	مسلح	astronomer	منجم، ستاره شناس
armpit	زیر بغل	athlete	ورزشکار، قهرمان
army	ارتش، سپاه، نیروی زمینی	athletic	ورزشی، قهرمانی
arrangement	طرح ریزی، ترتیب	attach	ضمیمه کردن، پیوست، چسپاندن
arrest	دستگیر کردن، بازداشت، جلب، توقیف	attached	شیفته، علاقمند - ضمیمه شده
arrival	وارد شدن، رسیدن، آمدن	attachment	وابستگی، تعلق - پیوست، ضمیمه
arrogant	خود پسند، مغرور	attendant	خدمتکار، مستخدم
arrow	تیر، کمان، فلش	attorney	وکیل (دعاوی)
article	مقاله، کالا، شیء - حرف تعریف	attribute	نسبت دادن به
artificial	مصنوعی، ساختگی، تصنعی	audible	(صدا) رسا، قابل شنیدن
ash	خاکستر	audio- visual	صوتی و تصویری
ashore	به ساحل، در ساحل	audience	حضور؛ بینندگان، شنوندگان
ashtray	زیر سیگاری	authentic	معتبر، واقعی، اصل

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهارم: لغت ۱۸۱ تا ۲۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
authority	قدرت نفوذ، توانایی	bath	استحمام، حمام، حمام کردن
automatic	خودکار، اتوماتیک	bathrobe	حوله حمام
awaken	بیدار کردن، بیدار شدن از خواب	bathtub	وان حمام
award	جایزه، پاداش، جایزه دادن، اعطا کردن	battle	نبرد، رزم، مبارزه - مبارزه کردن
aware	آگاه، باخبر، مطلع	bay	خلیج
awesome	عالی، خیلی خوب، شگفت آور	beach	ساحل، کنار دریا
awful	وحشتناک، خیلی بد، نفرت انگیز	beard	ریش
awkward	دشوار - ناراحت - بهانه گیر - ناتوان	beat	ضربه زدن به، شکست دادن، تپیدن
axe	تبر	bedspread	رو تختی
axis	محور، (در ریاضی) تقارن	beehive	کندو زنبور عسل
baby carriage	کالسکه بچه	beetle	سوسک
bachelor	مرد مجرد - لیسانس، لیسانسه	beforehand	از پیش، از قبل، قبلاً
backbone	ستون فقرات	beg	گدایی کردن، التماس کردن
backpack	کوله پشتی	beggar	گدا
back up	حمایت کردن از، پشتیبانی کردن از	behalf	از طرف
backward	عقبی - عقب افتاده، عقب مانده	believable	باور کردنی، قابل قبول
backyard	حیاط خلوت، حیات پشتی	belongings	دارایی، مایملک
bad-tempered	بداخلاق، بد خلق، تند خو	bench	نیمکت، میز کار
baggy	گشاد، شل و ول	bend	خم کردن، خم شدن، دولا شدن
bait	طعمه	beneath	زیر، پایین، در زیر، پایین
baked beans	کنسرو لوبیا	betray	خیانت کردن به، بی وفایی کردن به
bald	کچل، تاس، بی مو	beware	مواظب بودن، مراقب بودن
bandage	باند پیچی، باند پیچی کردن	beyond	آن سوی، فراسوی، تا آن سوی، دورتر
bandit	راهن، دزد، غارتگر	biological	زیست شناختی، زیستی
bankrupt	ورشکسته	bite	گاز گرفتن، نیش زدن - لقمه
banner	پلاکارد	bitter	تلخ، شوم - غم انگیز، غمگین
barber	آرایشگر مرد	bizarre	غریب، نا آشنا
bargain	چانه زدن، داد و ستد کردن، معامله	blackmail	حق السکوت، باج، اخاذی
barrier	مانع، سد، حایل - ایستگاه بازرسی	blacksmith	اهنگر
basement	زیر زمین	blame	سرزنش کردن، ملامت کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه پنجم: لغت ۲۴۱ تا ۳۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
blind	کور، نابینا	bucket	سطل
blindfold	چشم بند	budget	بودجه
blink	پلک زدن	bullet	گلوله (تفنگ)
blizzard	کولاک، طوفان برف	burglar	سارق، دزد
block	بستن، (حساب و غیره) مسدود کردن	bury	دفن کردن
bloom	شکوفه دادن، شکفتن، گل دادن	butterfly	پروانه
blossom	شکوفه	button	دکمه
bodyguard	محافظ، بادیگارد	cabbage	کلم
bone	استخوان	cable	سیم، کابل، طناب سیمی
border	مرز، لبه، کناره	cactus	کاکتوس
bother	ناراحت کردن، اذیت کردن، در دسر	cabinet	قفسه، کابینت
bottom	ته، کف - نشیمن گاه	calculate	حساب کردن، محاسبه کردن
bound	مجبور، ملزم، مسلم، محدود کردن	calculation	محاسبه، برآورد
box office	باجه فروش بلیط	calculator	ماشین حساب
bracelet	النگو، دستبند	calf	گوساله - عضله پشت ران پا
brackets	پرانتز ()	call box	باجه تلفن
brainy	باهوش، عاقل، تیز هوش	call out	دادزدن، صدا کردن، آوردن
brass	(فلز) برنج	camp	کمپ، اردو، چادر زدن - اردوگاه
break away	جدا کردن، از هم گسیختن	campaign	برنامه، طرح، کمپین - مبارزه کردن
break down	خرابی، نقص (فنی)	campus	محوطه دانشگاه، زمین دانشکده
breathless	از نفس افتاده، بی نفس، بی رمق	cancellation	لغو، کنسل
breeze	نسیم، باد ملایم	candidate	کاندیدا، داوطلب، نامزد
bribe	رشوه	candlestick	شمعدان
bride	عروس	canned	کنسرو شده
brief	کوتاه، خلاصه، مختصر	cannibal	آدمخوار
briefcase	کیف دستی، چمدان	capable (of)	توانمند، قابل، مستعد
broad	پهن، عریض، گسترده	capacity	گنجایش، ظرفیت، توانایی، قابلیت
brotherhood	برادری، اخوت	captain	فرمانده؛ ناخدا؛ خلبان؛ کاپیتان
brush	مسواک زدن، برس زدن، برس	captive	اسیر، زندانی، محبوس، در بند
bubble	حباب، حباب دادن - خروشیدن	capture	اسیر کردن، دستگیر کردن، تصرف کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه ششم: لغت ۳۰۱ تا ۳۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
cardboard	مقوا	challenge	مبارزه طلبی، به مبارزه طلبیدن، چالش
career	کار، شغل، حرفه	chamber	اتاق، دفتر کار، خوابگاه، تالار، حجره
caretaker	سرایدار (مدرسه، ساختمان و...)	championship	قهرمانی، مبارزه، پهلوانی
carpenter	نجار	chance	فرصت، مجال، اتفاق، پیشامد
carriage	واگن، درشکه، کالسکه	chapter	(کتاب) فصل، دوره، عصر
carrier bag	کیسه پلاستیکی، پاکت بزرگ	characteristic	ویژگی، خصوصیت، ویژه، خاص
carry out	اجرا کردن، انجام دادن	charming	جذاب، دوست داشتنی
cash	پول نقد	charge	اتهام، هزینه، خرج، متهم کردن
cast	پرتاب کردن، (فیلم) دسته بازیگران	chase	تعقیب کردن، دنبال کردن، تعقیب
castle	قلعه، دژ	chatter	وراجی کردن، بیهوده گویی کردن
casual	غیر رسمی، اسپرت، خودمانی	cheat	تقلب کردن، تقلب، کلاه برداری کردن
casualty	مجروح، مصدوم - مقتول	chef	سر آشپز رستوران
catalog	کاتالوگ، فهرست، بروشور	cheque book	دسته چک
catch up	(شخص) رسیدن به، گرفتن	cherry	گیلاس
category	دسته، طبقه، گروه	chew	جویدن
caterpillar	هزار پا، کرم پروانه	chewing gum	آدامس
cautious	محتاط، متوجه، هوشیار	chief	اصلی، عمده - رئیس، فرمانده
cave	غار	childhood	طفولیت، دوران بچگی
cease	متوقف کردن، متوقف شدن	chubby	چاق، تپل
ceiling	سقف	cigarette	سیگار
celery	کرفس	circular	گرد، دایره ای
cellar	زیر زمین	circulate	چرخیدن، دور زدن، جریان یافتن
cemetery	قبرستان	circulation	جریان خون
centigrade	سانتیگراد	circumstance	(معمولا در جمع) موقعیت، شرایط
central	مرکزی، میانی	circus	سیرک
central heating	سیستم گرمایش مرکزی	citizen	شهروند، تبعه
certainty	یقین، اطمینان	civil	اجتماعی، مدنی، داخلی، درون مرزی
certificate	گواهی، گواهی نامه، جواز، پروانه کسب	civilian	غیر نظامی
chain	زنجیر، زنجیر کردن، با زنجیر بستن	civilization	تمدن
chairperson	رئیس جلسه	civilized	متمدن، پیشرفته، با فرهنگ

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هفتم: لغت ۳۶۱ تا ۴۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
civil right	حقوق مدنی	come across	برخورد کردن به، روبه رو شدن با
civil war	جنگ داخلی	comfort	راحتی، آسایش
classical	(موسیقی و غیره) کلاسیک، سنتی	command	فرمان دادن به/که، فرمان، دستور
classification	طبقه بندی، دسته بندی	comment	نظر، اظهار نظر، نظر دادن
claw	پنجه، چنگال	commentary	تفسیر، گزارش
cleanliness	پاکیزگی، تمیزی، نظافت	commentator	مفسر
clerk	منشی، دفتر دار، کارمند	commercial	تجاری، بازرگانی - پیام بازرگانی
client	موکل	commission	کمیته، مأموریت، نمایندگی
cliff	صخره، پرتگاه	commit	مرتکب ... شدن، به عهده گرفتن
climate	اقلیم، شرایط آب و هوایی	commitment	تعهد
climax	نقطه اوج	committed	متعهد
climber	کوهنورد	committee	کمیته، کمیسیون
clinic	درمانگاه، کلینیک	compact	فشرده، متراکم، جمع و جور
cloakroom	رختکن، توالت عمومی	comparable	قابل مقایسه
closet	کمد	compass	قطب نما، جهت نما
clown	دلقک	compete	(مسابقه و غیره) رقابت کردن
club	باشگاه، کلوب	competition	رقابت، مسابقه
clumsy	بی عرضه، دست و پا چلفتی	competitive	مسابقه ای، مبارزه طلب
coach	مربی - کالسکه، ارابه، درشکه	competitor	رقیب، مسابقه دهنده
coast	(دریا و غیره) ساحل، لب دریا	complaint	شکایت، گلایه، اعتراض
coat hanger	چوب لباسی	complex	پیچیده، سخت - مجتمع، مجموعه
coeducational	(مدرسه و آموزش) مختلط	complication	گرفتاری، دشواری
clinic	درمانگاه، کلینیک	compose	تصنیف کردن، سرودن، ساختن
coincidence	اتفاق، تصادف، (رویداد ها) هم زمانی	composer	آهنگساز
coincidental	تصادفی، اتفاقی	composition	انشاء - قطعه موسیقی
collapse	فرو ریختن، ویران شدن، خرابی، فروپاشی	comprehend	درک کردن، فهمیدن
collar	یقه - قلاده	comprehensive	جامع، مفصل، کامل
colleague	همکار	comprise	در بر داشتن، شامل بودن
collage	دانشکده، کالج	compute	حساب کردن، محاسبه کردن
collision	تصادف	conceal	مخفی کردن، پنهان کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هشتم: لغت ۴۲۱ تا ۴۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
concentrate	تمرکز کردن، متمرکز کردن	conscious	هشیار، آگاه، بیدار، (اعمال و غیره) آگاهانه
concentration	تمرکز، دقت	consent	رضایت، موافقت، رضایت دادن
concept	تصور، مفهوم	consequence	نتیجه، اثر، پیامد
concern	نگرانی، دلواپسی، نگران کردن، مربوط بودن	considerably	بسیار، خیلی
concerned	نگران، دلواپس، مربوط	consideration	فکر، تأمل، ملاحظه، رعایت
conclusion	خاتمه، نتیجه	consistent	با ثبات، منجسم، یکپارچه
conduct	اجرا کردن، راهنمایی کردن	constitute	تاسیس کردن، پایه گذاری، تشکیل دادن
confess	اعتراف کردن، اقرار کردن	construct	(ساختمان و غیره) ساختن، بنا کردن
confession	اعتراف، اقرار	consult	مشورت کردن، نظر... را خواستن
confine	محدود کردن، منحصر کردن	contemporary	همزمان - معاصر، امروزی
conflict	دعوا، نزاع، تضاد، مغایرت داشتن	content	(کتاب) فهرست مطالب، محتوا، محتویات
conform	وفق دادن، سازگار کردن، سازگار	contest	مبارزه، نزاع، رقابت، جنگیدن برای
confront	مواجه شدن با، روبه رو شدن با	continuous	ادامه دار، ممتد، پیوسته
congratulate	تبریک گفتن به	contract	قرارداد، پیمان، قرارداد بستن
congratulation	تبریک، شاد باش، مبارک باد	contrary	بر عکس، معکوس، بر خلاف چیزی
conquer	شکست دادن، پیروز شدن، تصرف کردن	contribute	بخشیدن، اهدا کردن
conscience	وجدان	contribution	همکاری، کمک، شرکت، سهم
conscious	هشیار، آگاه، بیدار، آگاهانه	convenient	راحت، بی دردسر، مناسب
consciousness	هشیاری، آگاهی	conventional	(شیوه و غیره) سنتی، قدیمی
consent	رضایت، موافقت، رضایت دادن، اجازه دادن	convey	انتقال دادن، رساندن - فهماندن
consequence	نتیجه، اثر، پیامد	conviction	محکومیت، یقین، باور
consequently	در نتیجه	convince	متقاعد کردن، مجاب کردن
considerably	به طور قابل ملاحظه ای، بسیار، خیلی	cope (with)	از عهده ی...برآمدن، از پس...برآمدن
considerate	با ملاحظه، مراعات کننده	correspond	مطابقت داشتن، مساوی بودن، برابر
consideration	فکر، تأمل، ملاحظه، رعایت	corpse	جسد، لاشه، جنازه
consistent	با ثبات، منجسم، یکپارچه	correspond	یکسان بودن، همسان بودن
constitute	تاسیس کردن، پایه گذاری، تشکیل دادن	corridor	راهرو
conform	وفق دادن، سازگار کردن، سازگار	costume	لباس محلی، لباس مخصوص
confront	مواجه شدن با، روبه رو شدن با	cottage	کلبه، خانه (روستایی)، خانه کوچک
conquer	شکست دادن، پیروز شدن، تصرف کردن	cotton	نخ، (صفت گونه) نخی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه نهم: لغت ۴۸۱ تا ۵۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
cotton wool	پنبه بهداشتی	crucial	سرنوشت ساز، حیاتی
council	شورا، انجمن، هیئت	cucumber	خیار
countable	قابل شمارش	cupboard	کمد، قفسه
countless	بی شمار، بی اندازه، خیلی زیاد، بارها	curious	کنجکاو، مشتاق
countryside	نواحی روستایی، بیرون شهر، طبیعت	curt	کوتاه، مختصر، اجمالی
country	کشور، دیار، دهات، بیرون شهر (با the)	currency	پول، پول رایج
couple	جفت، زوج، زن و شوهر	curriculum	دوره تحصیلات
courage	شجاعت، شهامت	curve	پیچ جاده، انحناء، خمیدگی
coursebook	کتاب درسی	customer	مشتری، خریدار
court	دادگاه، (تنیس و غیره) زمین بازی	cute	جذاب، تو دل برو، قشنگ
coward	ترسو، بزدل	dam	سد، آب بند
cowboy	گاوپران، کابوی	damage	خسارت، آسیب، خسارت رساندن
crack	ترک، شکاف، ترک خوردن، شکست	damn	لعنتی، لعنت به این شانس
crafty	حیله گر، فریبکار	dance	رقص، رقصیدن
crash helmet	کلاه ایمنی	dandruff	شوره سر
crazy	دیوانه، احمق، احمقانه	dare	جرات کردن، جسارت ورزیدن
creamy	خامه دار، کرم‌دار - رنگ کرمی	darkness	تاریکی
creature	موجود، جانور، حیوان	darling	عزیز، محبوب
credit	اعتبار، شهرت - غیر نقدی، نسیه	database	(در کامپیوتر) پایگاه داده، بانک داده ها
credit card	کارت اعتباری	dead	مرده
crescent	هلال (ماه)، ماه نو	deadline	مهلت، ضرب العجل
crew	(کشتی و غیره) خدمه، کارکنان	dealer	دلال، فروشنده
crime	جرم و جنایت	debate	بحث و مذاکره
criminal	جنایتکارانه، تبهکارانه، جنایتکار، تبهکار	debt	بدهی، قرض
crisis	بحران، مرحله ی بحرانی، نقطه ی عطف	decade	دهه، ده سال
criteria	معیار، ملاک، ضابطه	deceive	فریب دادن، گول زدن، گمراه کردن
critical	انتقادی - بحرانی، حساس، وخیم، شدید	decent	محترم؛ (لباس) مناسب، نجیب
criticize	نقد کردن، انتقاد کردن از	decimal	عدد اعشار
crossroads	تقاطع، چهارراه	decision	تصمیم
crosswalk	محل عابر پیاده	deckchair	صندلی تاشو

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه دهم: لغت ۵۴۱ تا ۶۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
declare	اعلام کردن، اعلان کردن	descendant	نسل، نواده
decline	کاهش، افت، کاهش یافتن، قبول نکردن	desire	میل، آرزو، اشتیاق، گرایش
decoration	دکوراسیون، تزیین	desperate	ناامید، درمانده، بی طاقت
defeat	شکست دادن، غلبه کردن، شکست، باخت	dessert	دسر
defense	دفاع	dessertspoon	قاشق دسر خوری
definitely	به طور قطعی	destructive	مخرب، ویران گر، نابود کننده
definite	قطعی، مسلم، واضح	detach	جدا کردن
definitely	به طور قطع، آشکارا، به روشنی	detached	جدا شده، مجزا
degree	(تحصیلی) درجه، مقدار، میزان، مدرک	detailed	مفصل
delay	تأخیر، تعویق، به تأخیر انداختن	detect	کشف کردن، پیدا کردن، شناسایی
deliberate	عمدی، حساب شده، برنامه ریزی شده	detective	کاراگاه، پلیس جنایی
deliberately	عمدا، به قصد	detention	بازداشت، نگه داری
delicate	ظریف، حساس، خوشمزه، نازک بین	detergent	مایع ظرف شویی، پودر رختشویی
delight	شادی، شادی بخشیدن به، خوشحال کردن	determination	تصمیم، عزم، اراده
deliver	رساندن، تحویل دادن	determine	تعیین کردن، مشخص کردن
demand	درخواست، تقاضا - درخواست کردن	determined	مصمم - معین
democracy	دموکراسی	detest	متنفر بودن از، بیزار بودن از
democratic	دموکراتیک، مردم سالارانه	development	توسعه، تکامل
demolish	تخریب کردن، خراب کردن	devil	دیو، شیطان
demonstrate	نشان دادن، ثابت کردن، اثبات کردن	devote	وقف... کردن به... اختصاص دادن
dense	غلظت، متراکم، فشرده، انبوه	devoted	فداکار، پایبند، عاشق
density	تراکم، غلظت، چگالی	diagram	نمودار، شکل
deny	انکار کردن، نپذیرفتن، تکذیب کردن	dialect	لهجه، گویش
depart	(شخص) رفتن، (قطار و ...) حرکت کردن	diamond	الماس
departure	عزیمت، رفتن؛ (قطار و غیره) حرکت	diaper	پوشاک بچه
dependent	وابسته، متکی	dilemma	وضعیت دشوار، تنگنا، بلا تکلیفی
depression	افسردگی، تأثر	dimension	بعد
deprive	محروم کردن، بی نصیب کردن	director	مدیر، سرپرست - کارگردان (فیلم)
depth	عمق، ژرفا	directory	دفتر تلفن، دفتر راهنما
derive	استخراج کردن، منشأ گرفتن	dirt	کثافت، چرک - خاک، گرد و خاک

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه یازدهم: لغت ۶۰۱ تا ۶۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
disability	از کار افتادگی، ناتوانی	disturb	مزاحم شدن، حواس کسی را پرت کردن
disabled	معلول، ناقص	disturbance	بی نظمی، آشفتگی، آشوب
disadvantage	ضرر - نقص، عیب	division	تقسیم
disappointed	مایوس، ناامید	divorce	طلاق، طلاق دادن، طلاق گرفتن از
disappointing	مایوس کننده، ناامید کننده	documentary	فیلم مستند
disappointment	یأس، ناامیدی، دلسردی	dominant	مسلط، غالب
disapproval	مخالفت، نارضایتی	dominate	مسلط بودن بر، حاکم بودن بر
disaster	فاجعه، مصیبت، بلا، رویداد بد	doorbell	زنگ در
disastrous	فاجعه آمیز	doorknob	دستگیره در
discipline	نظم، انضباط، تربیت کردن، تنبیه	doormat	پا دری، کفش پاک کن
disclose	فاش کردن، برملا کردن	dormitory	خوابگاه
discourage	دلسرد کردن، منصرف شدن	doubt	شک، تردید - تردید داشتن، شک کردن
discovery	کشف، اکتشاف	doubtful	مشکوک
disgrace	رسوایی، بی آبرویی	doubtless	بی شک، بی تردید
disgraceful	شرم آور، زشت	dozen	دوازده عدد، چندین، ده ها
disgust	متنفر کردن، بیزار کردن، تنفر	draft	پیش نویس، طرح...را نوشتن
dishonest	دروغگو، متقلب، نا راست	drag	کشیدن، کشاندن
dismiss	اخراج کردن، کنار گذاشتن	dragon	اژدها
disorganized	بی برنامه، نا مرتب	drama	نمایشنامه - (رشته) بازیگری
display	نشان دادن، به نمایش گذاشتن	dramatic	چشمگیر، حیرت آور - (مربوط به) تئاتر
dispute	بحث، مشاجره، بحث کردن	dressing table	میز آرایش
disrupt	قطع کردن، مختل کردن، برهم زدن	droplet	قطره، چکه
dissolve	(شکر و غیره) حل کردن، حل شدن	drought	خشکسالی، قحطی
distant	دوردست، دور	drown	غرق شدن، (در آب) خفه شدن
distinction	تفاوت، فرق	drowsy	خواب آلود
distinguish	تشخیص دادن، فرق گذاشتن	drum	طبل
distinguished	برجسته، متمایز، معروف، مشهور	drummer	طبل زن
distress	رنج، درد، رنج دادن، ناراحت کردن	due	مقرر، قرار شده، به علت، در نتیجه
distribute	توزیع کردن، پخش کردن، تقسیم کردن	dull	خسته کننده، کسل کننده
district	ناحیه، منطقه	dumb	خنگ، کودن - لال

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه دوازدهم: لغت ۶۶۱ تا ۷۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
dust	خاک، گرد و خاک، گرد گیری کردن	embarrassed	خجل، شرمنده، دستپاچه، سراسیمه
dustbin	سطل آشغال	embarrassing	خجالت آور، شرم آور - نامطلوب
duster	دستمال گردگیری	embarrassment	خجالت، شرم، دستپاچگی، سراسیمگی
duty-free	معاف از مالیات، معاف از عوارض گمرکی	embrace	در آغوش کشیدن، بغل کردن
dwarf	کوتوله، خیلی ریز	emerge	پدیدار شدن، ظاهر شدن، بیرون آمدن
dynamite	دینامیت، نوعی ماده انفجاری	emigrate	مهاجرت کردن
eager	(شخص) مشتاق، آرزومند	empathy	احساس یگانگی، همدلی
eagle	عقاب	emperor	امپراتور، فرمانروا
earthquake	زمین لرزه، زلزله	emphasize	تاکید کردن بر، تکیه کردن روی
ease	آرامش، آسایش، (درد) تسکین دادن	empire	امپراتوری، فرمانروایی
economic	اقتصادی، (مربوط به علم) اقتصاد	employ	استخدام کردن، به کار گماردن
economical	صرفه جو، با صرفه، اقتصادی	employment	کار، شغل - استخدام
economics	علم اقتصاد	enclose	ضمیمه کردن، دیوار کشی کردن
economist	اقتصاددان	encounter	روبه رو شدن، مواجه شدن، رویارویی
edge	لبه، کناره، مرز	encourage	تشویق کردن، ترغیب کردن، حمایت
edition	چاپ، ویرایش، نسخه	encyclopedia	دایرة المعارف، دانش نامه
editor	(روزنامه، مجله) سردبیر، ویراستار	endeavor	سعی، تلاش، سعی کردن
efficient	ماهر، زبردست، مؤثر، کارآمد، لایق	end up	منتهی شدن، منجر شدن، سرانجام
effort	کوشش، سعی، تلاش	endure	دوام داشتن، تحمل کردن
eggplant	بادمجان (سیاه)	engage	استخدام کردن، بکار گرفتن - نامزد کردن
elbow	آرنج	engagement	نامزدی
election	انتخاب، انتخابات، رأی گیری	engineering	مهندسی
electrician	برق کار، تکنسین برق	enhance	افزایش دادن، بهبود، بهتر کردن
electronic	الکترونیکی	enjoyment	لذت، خوشی
electronics	الکترونیک	enlarge	بزرگ کردن، بزرگ شدن
elegant	شیک، زیبا، شکیل	enormous	بزرگ، عظیم
elevator	آسانسور	enquire	پرسیدن، پرس و جو کردن
eliminate	حذف کردن، رفع کردن، برطرف کردن	enquiry	سؤال، پرسش، تحقیق
elsewhere	(در/ به) جای دیگر، جاهای دیگر	ensure	اطمینان دادن، اطمینان حاصل کردن
embarrass	خجالت زده کردن، شرمنده کردن	entertain	سرگرم کردن، مشغول کردن - پذیرایی کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سیزدهم: لغت ۷۲۱ تا ۷۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
entertainer	سرگرم کننده - بازیگر کمدی	eventually	سرانجام، بالاخره
entertaining	سرگرم کننده، مشغول کننده	evidence	دلیل، مدرک، علامت، نشانه - شاهد
entertainment	تفریح، سرگرمی	evidently	ظاهراً، آشکارا
enthusiasm	علاقه، شوق، اشتیاق	evil	بد ذات، گناه، بدی، بلا، مصیبت
enthusiastic	مشتاق، با حرارت	evolve	بیرون دادن، استنتاج کردن، نمو کردن
entrance	ورود، حق ورود - راه ورودی، در	exaggerate	بزرگنمایی کردن، مبالغه کردن، اغراق کردن
envious	حسود، بخیل	examination	امتحان، آزمون - معاینه - بررسی
envy	حسادت، حسادت کردن	examine	معاینه کردن - امتحان کردن - بررسی کردن
epic	حماسی، رزمی	except	به جز، به غیر از
epidemic	بیماری همه گیر	exception	استثناء، مورد استثناء
episode	قسمت، بخش (رمان، فیلم و...)	exceptional	استثنائی، عالی، فوق العاده
equal	برابر، مساوی - همسان، هم رتبه	excess	اضافی، زیادی
equality	برابری، تساوی	excitement	هیجان، ذوق
equator	خط استوا	exclude	کنار گذاشتن، نادیده گرفتن
equipment	تجهیزات، ابزار، امکانات	excuse	عذر، بهانه، (خطا و ...) نادیده گرفتن
era	عصر، دوره، دوران	exhaust	اگزوز - به پایان رساندن - خسته کردن
error	اشتباه، خطا، غلط	exhausting	خسته کننده
escalator	پله برقی، پلکان برقی	exhibit	به نمایش گذاشتن، ارائه دادن
escort	محافظ، همراه - محافظت کردن	exhibition	نمایشگاه
essay	مقاله، رساله	exile	تبعید کردن، تبعید
establish	بنیاد نهادن، تشکیل دادن	existence	وجود، هستی
establishment	تاسیس، تشکیل، مؤسسه، تشکیلات	exit	خروج، (راه) خروجی
estate	ملک، زمین - ناحیه، منطقه	expect	توقع داشتن، انتظار داشتن
estate agency	آژانس املاک	expectation	توقع، انتظار
estate agent	مشاور املاک	expedition	سفر، مسافرت، گروه اعزامی
estimate	تخمین زدن، برآورد کردن، تخمین	expense	خرج، هزینه
eternal	ابدی، همیشگی	expert	متخصص، کارشناس، خبره
ethnic	قومی، نژادی	explicit	صریح، واضح، روشن
evaluate	ارزیابی کردن، برآورد کردن	explode	منفجر کردن، منفجر شدن
evaporate	تبخیر شدن، بخار شدن	explore	کاوش کردن، بررسی کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهاردهم: لغت ۷۸۱ تا ۸۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
explosion	انفجار	family tree	شجره نامه - دودمان
explosive	قابل انفجار، ماده منفجره	famine	قحطی، کمبود، کمیابی
export	(کالا) صادرات - صادر کردن	fantasy	آرزو، خیال، رؤیا
expose	نشان دادن، در خطر قرار دادن	fare	کرایه (تاکسی و ...)
expressway	بزرگراه	farewell	خداحافظی
extend	امتداد دادن، توسعه دادن، امتداد	fascinate	شیفته کردن، مجذوب کردن
extensive	پهنای، وسیع، گسترده، زیاد	fascinating	جذاب، خیره کننده
extent	حد، اندازه، درجه، وسعت، میزان	fascination	جذابیت، کشش
external	بیرونی، خارجی	fashionable	مد، مد روز، متداول، مرسوم
extinct	منقرض شدن، از بین رفتن	fashion designer	طراح مد
extinction	انقراض، نابودی	fasten	محکم کردن، سفت بستن - متصل کردن
extinguish	خاموش کردن	fastener	قلاب، چفت
extraordinary	فوق العاده، غیر عادی، عجیب	fatal	مرگبار، فاجعه آمیز، مهلک
extravagant	ولخرج، پر هزینه	fault	نقص، عیب، تقصیر، گناه، اشتباه
extreme	انتهای، دورترین - پایانی، حداکثر - شدید	faultless	بی نقص، بی عیب - کامل
extremely	بی نهایت، خیلی زیاد	fearful	هراسناک، ترسیده، بیمناک
eyebrow	ابرو (چشم)	fearless	نترس، بی پروا
eyelash	مژه (چشم)	feather	پر (پرنده)
eyelid	پلک (چشم)	fee	حق الزحمه، مزد، اجرت - حق عضویت
eyesight	بینایی، دید	feedback	واکنش، جواب، فیدبک
fabulous	شگفت انگیز، فوق العاده افسانه ای	fellow	دوست، رفیق، هم نوع، همانند
facilities	تسهیلات، امکانات - تجهیزات	female	(حیوان، گیاه) ماده؛ مؤنث، زن؛ دختر
fail	شکست خوردن، مردود شدن (در)	feminine	زنانه
faint	از هوش رفتن - ضعیف، بی حال	feminist	طرفدار حقوق زن
fair	منصف، عادل - زیبا - نمایشگاه	fence	حصار، پرچین
fairly	نسبتاً، تاحدی، تا اندازه ای	fiction	داستان، قصه، ادبیات داستانی، افسانه
faith	ایمان، اعتقاد، باور	fertile	حاصلخیز، پر بار - مستعد
faithful	وفادار - با ایمان	fertilizer	کود
fake	جعلی، تقلبی، بدلی	fiction	داستان (تخیلی)
fame	شهرت، آوازه	fighter	جنگجو - سرسخت - هواپیمای شکاری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه پانزدهم: لغت ۸۴۱ تا ۹۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
figure	رقم، شکل، تصویر، حدس زدن	focus	مرکز، کانون - توجه کردن، تمرکز کردن
file	پرونده، پوشه، فایل	foggy	مه آلود
finance	تأمین بودجه، مالی	fold	تا کردن، تا زدن - خط تا
financial	مالی، پولی	folk	مردم
fingernail	ناخن	folk dance	رقص محلی
fingertip	سر انگشت	force	مجبور کردن، وادار کردن - قدرت، نیرو
fire alarm	آژیر اعلام حریق	forecast	پیش بینی کردن، پیش بینی
fire escape	پله اضطراری	forehead	پیشانی
fireplace	شومینه، بخاری دیواری	foresee	پیش بینی کردن
first-class	درجه یک - پست پیشتاز	forever	برای همیشه، تا ابد
fisherman	ماهیگیر	forgetful	فراموشکار
fitness	شادابی، تندرستی - سازگاری	forgiveness	عفو، بخشش
flag	پرچم	formation	شکل گیری، تشکیل
flame	شعله	fortnight	دو هفته
flash	درخشیدن - برق، درخشش، نور	fortune	شانس، اقبال - پول هنگفت، ثروت
flat	آپارتمان - صاف، هموار، مسطح - پنچر	forward	جلو، فرستادن، ارسال کردن
flatter	چاپلوسی کردن	foundation	تاسیس، ایجاد - اساس، مبنا - زیر بنا
flattery	چاپلوسی، تملق	fountain	فواره
flavor	طعم، مزه، چاشنی زدن به	fountain pen	(قلم) خودنویس
flee	گریختن، فرار کردن	fraction	(در ریاضیات) کسر - ذره، خورده
flexible	قابل تغییر، انعطاف پذیر، خم شدنی	fragile	شکستنی، نازک، ظریف
flirt	دلبری کردن، طنازی کردن	frame	قاب، چهارچوب - بدنه - قاب کردن
float	شناور بودن، شناور شدن	frank	صادق، صادقانه، رک، روراست
flood	سیل، طغیان کردن - انبوهی از...	freedom	آزادی، استقلال
flour	آرد	freeway	آزاد راه، اتوبان، بزرگ راه
flourish	شکوفا شدن، رشد کردن	frequent	مکرر، فراوان
flow	جریان، جاری شدن، ریختن - سلیس، روان	friendship	دوستی، رفاقت
flowery	(طرح) گلداز	frizzy	(موی) فرفری
fluent	روان، سلیس	frog	قورباغه
foam	کف (صابون و...)، حباب	frustrating	مأیوس کننده، یأس آور

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه شانزده: لغت ۹۰۱ تا ۹۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
frying pan	ماهی تابه	genius	نابغه، با استعداد - استعداد، توانایی
fulfill	انجام دادن - اجرا کردن	gentle	مهربان، ملایم، دلتواز، معتدل، آرام
fund	پول، صندوق، سرمایه گذاری	genuine	واقعی، حقیقی، اصل
fundamental	اساسی، بنیادی، مهم	geography	جغرافیا
funeral	تشییع جنازه، خاک سپاری، تدفین	geology	زمین شناسی
funfair	شهربازی	geometry	هندسه
furious	عصبانی، خشمگین	germ	میکروب
furniture	(خانه و غیره) اسباب، اثاثیه، مبلمان	gesture	حرکت سر و دست - ژست، حالت
further	پیش تر، جلوتر، دورتر، بیشتر	get rid of	از شر.... خلاص شدن
furthermore	علاوه بر این، به علاوه	ghost	شبح، روح
fuse	فیوز (برق)	giant	عظیم، غول پیکر، خیلی بزرگ
fuss	بهانه جویی - بهانه جویی کردن	gigantic	غول آسا، غول پیکر
fussy	ایراد گیر، بهانه جو - وسواسی	giggle	هر هر خندیدن، نخودی خندیدن
galaxy	کهکشان	glance	نگاهی انداختن، نظری انداختن
gamble	قمار کردن، شرط بندی کردن	global	جهانی
gambler	قمار باز	globe	جهان، دنیا، زمین - حباب، گوی
gang	گروه - باند تبه کار - جمع دوستانه	gloomy	غمگین، گرفته - تیره، تاریک
gap	شکاف، فاصله	glorious	زیبا، عالی، با شکوه، شکوهمند
garbage	آشغال، زباله	glory	شکوه، عظمت، بزرگی، افتخار
garbage can	سطل آشغال، آشغال دانی	glossary	لغت نامه، واژه نامه
gateway	دروازه، ورودی	glove	دستکش
gather	جمع کردن، جمع آوری کردن	glowing	درخشان، تابان - عالی، خوب
gathering	گردهمایی	glue	چسپ، چسپاندن، بهم چسپاندن
gaze	زل زدن، خیره شدن	goalkeeper	دروازه بان، گلر
gender	جنسیت	goodness	خوبی، نیکی، مهربانی
gene	(زیست شناسی) ژن	gossip	شایعه، دری وری
general	سرلشکر، ژنرال - همگانی، معمولی، جامع	govern	حکومت کردن بر، فرمان راندن
generalize	تعمیم دادن، عمومیت بخشیدن به	government	دولت، حکومت
generosity	سخاوت، بخشش	governor	حاکم، فرمانروا
genetic	ژنتیک	graceful	با وقار، متین

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هفدهم: لغت ۹۶۱ تا ۱۰۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
gracious	مهربان، با عاطفه	gun	تفنگ، اسلحه
grab	قاپیدن، گرفتن	habitat	محل سکونت
grade	درجه بندی کردن، طبقه بندی کردن	hail	تگرگ
gradual	تدریجی	haircut	اصلاح مو، آرایش مو
graduate	فارغ التحصیل	hairstylist	آرایشگر
grain	غله، غلات	hairdryer	سشوار
grandson	نوه پسر	half-price	نیم بها، نصف قیمت
grasshopper	ملخ	halfway	در بین، در وسط
grave	گور، قبر - خطرناک، جدی	hammer	چکش - با چکش زدن، کوبیدن
gravestone	سنگ قبر	handcuffs	دستبند
graveyard	قبرستان، گورستان	handful	یک مشت، اندکی، معدودی
gravity	(نیروی) جاذبه، اهمیت، شدت	handheld	(وسایل الکترونیکی و غیره) دستی
gray	خاکستری	handicap	نقص، معلولیت
greed	حرص، طمع	handicapped	عقب افتاده، معلول
greedy	حریص، طمع کار - پرخور	handkerchief	دستمال
greengrocer	سبزی فروش	handsome	خوش تیپ، خوش قیافه - شیک
greenhouse	گلخانه	handwriting	دستخط
grief	غم، غصه، اندوه، تأسف	hard-hearted	سنگدل
grieve	غصه خوردن، تأسف خوردن	hardship	سختی، دشواریها
grocer	بقال، خواروبار فروش - بقالی	harmony	هماهنگی، سازگاری، هارمونی
groceries	خواروبار	harsh	خشن، دلخراش - بیرحمانه، خشونت آمیز
ground floor	طبقه همکف	harvest	محصول، خرمن - فصل درو، هنگام درو
growing	فزاینده، روز افزون	heading	عنوان
growth	توسعه، گسترش، رشد، (گیاه) رویش	headlight	چراغ جلو اتومبیل
guarantee	ضمانت، تعهد، گارانتی کردن	headmaster	مدیر مدرسه
guard	نگهبان، محافظ، محافظت کردن از	headquarters	اداره مرکزی، ستاد، مرکز اداری
guest house	مهمان سرا، مهمان پذیر	headway	پیشرفت، موفقیت، پیشروی
guidance	راهنمایی، مشورت	heal	درمان کردن، مداوا کردن، بهبود یافتن
guilt	گناه، تقصیر، جرم	health care	بهداشت و درمان
guilty	گناهکار، مجرم	hearing aid	سمعک

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هجدهم: لغت ۱۰۲۱ تا ۱۰۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
heartbroken	دلشکسته	humorous	خنده دار، بامزه، مضحک
heartless	بی عاطفه، بی رحم	humor	شوخی، بذله گویی، مزاح
hell	جهنم	hump	کوهان (شتر)
helmet	کلاه ایمنی	hurricane	تندباد، طوفان
helping	پرس غذا	hurtful	مضر، آزار دهنده
hemisphere	نیم کره (زمین)، نیم کره ی مغز	hyphen	خط تیره (-)، نشانه اتصال
hero	قهرمان - قهرمان داستان یا فیلم	iceberg	کوه یخی
heroic	قهرمانانه، شجاعانه، دلیرانه	ice rink	پیست اسکیت روی یخ
heroine	قهرمان (زن)	i.e.	به عبارت دیگر، یعنی، به این معنی که
hesitate	شک داشتن، تردید داشتن	ideal	ایده آل، مطلوب
hibernate	به خواب زمستانی رفتن	idiom	اصطلاح
hiccup	سکسکه، سکسکه کردن	idiot	ابله، کودن، احمق
highway	بزرگراه، شاهراه	idol	بت
hollow	توخالی، پوچ، میان تهی - حفره، گودال	ignite	روشن کردن، آتش زدن
home page	صفحه شخصی (کامپیوتر)	ignore	نادیده گرفتن، چشم پوشیدن از
homesick	غریب زده، غریب - دچار اندوه	ignorance	بی خبری، ناآگاهی - جهالت
honeymoon	ماه عسل	ignorant	نا آشنا، نا آگاه - نا وارد
horizon	افق، خط افقی	illegal	غیر قانونی، خلاف قانون
horizontal	افقی - صاف، تراز	illustrate	با تصویر توضیح دادن، شرح دادن
horn	شاخ (حیوانات) - بوق (اتومبیل)	imaginative	مبتکر، خلاق - خیال پرداز
horrible	وحشتناک، ترسناک، هولناک	imitate	تقلید کردن
horrid	شور، خبیث، خشن	imitation	تقلید
horror	وحشت، شوک	immense	عظیم، بسیار بزرگ، وسیع، فراوان
horsepower	اسب بخار	immigrant	(شخص) مهاجر، مقیم
horseshoe	نعل اسب	immigration	مهاجرت
hospitability	مهمان نوازی	immune	ایمن، مصون، واکسینه
hostage	گروگان	immune system	دستگاه ایمنی، سیستم دفاعی بدن
housekeeper	خانه دار	immunize	مصون ساختن، مصونیت دادن
housing estate	مجتمع مسکونی	impact	تأثیر، اثر
humble	فروتن، متواضع - ساده، محقر	imperative	لازم، ضروری، (دستور زبان) امری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه نوزدهم: لغت ۱۰۸۱ تا ۱۱۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
implicit	ضمنی، تلویحی، غیر مستقیم	individual	شخص، فرد، انفرادی، جداگانه، مجزا
imply	اشاره کردن، به طور ضمنی گفتن	indoors	داخل، توی خانه، توی ساختمان
impolite	بی ادب، بی تربیت، بی ادبانه	industrial	صنعتی
import	(کالا) واردات، وارد کردن	industry	صنعت، فن آوری
impose	تحمیل کردن، (مالیات) وضع کردن	inevitable	اجتناب ناپذیر، قطعی، حتمی
impractical	غیر ممکن، نشدنی	inexpensive	ارزان، ارزان قیمت
impression	اثر، تأثیر، عقیده، نظر	inexperienced	بی تجربه، ناوارد، ناشی
impressive	با عظمت، قابل ملاحظه، چشمگیر	infant	نوزاد، طفل، شیر خوار
imprison	زندانی کردن	infant school	کودکستان
improvement	بهبودی، پیشرفت	infect	آلوده کردن، مبتلا کردن
inaccurate	نادرست، غلط، اشتباه	infected	عفونی، مبتلا، آلوده
inadequate	ناکافی، نامناسب	infection	عفونت، سرایت
incapable	ناتوان، عاجز - نالایق	infectious	مسری، واگیر دار
inaction	عدم فعالیت، عدم اقدام، تنبلی	inflation	(قیمتها) تورم
inch	اینچ (واحد طول = ۲,۴۵ سانتی متر)	informal	خودمانی، دوستانه، غیر رسمی
incident	حادثه، واقعه، رویداد	informative	آموزنده، پر معنی
inconsiderate	بی ملاحظه، بی توجه - بی احساس، بی تفاوت	ingredient	جزء سازنده، (در جمع) ترکیبات
inconsistent	نا پایدار، بی ثبات	inhabit	ساکن شدن در
incredible	باور نکردنی، تعجب آور، فوق العاده	inhabitant	ساکن، اهل
indecisive	مردد، بی اراده، بی عزم	initial	اولیه، ابتدایی، حرف اول نام
indeed	به راستی، در واقع، واقعاً، مسلماً	injustice	بی عدالتی؛ ظلم
independence	استقلال	ink	جوهر
independent	(کشور، ...) مستقل، متکی به خود	inland	داخلی، غیر مرزی، به داخل کشور
index	فهرست (راهنما)	innocent	بی گناه، بی تقصیر
index finger	انگشت اشاره، انگشت سیابه	innovation	نوآوری، ابداع
indicate	اشاره کردن، نشان دادن	in other words	به عبارت دیگر
indication	نشانه، علامت، سرنخ	input	(کامپیوتر و غیره) ورودی
indicator	چراغ راهنما (اتومبیل) - شاخص	inquest	بررسی، تحقیق
indifferent	بی علاقه، خونسرد	inquisition	تحقیق؛ رسیدگی
indigestion	سوء هاضمه	inquisitive	فضول، کنجکاو

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیستم: لغت ۱۱۴۱ تا ۱۲۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
insecure	ناامن - ناپایدار، نامطمئن	interpreter	مترجم (حضوری)، دیپلمات
insensitive	غیر حساس	interrupt	سخن کسی را قطع کردن، مانع کار...شدن
insert	قرار دادن، گذاشتن، وارد کردن	interval	وقفه - فاصله زمانی
insignificant	ناچیز، قلیل - بی اهمیت	intolerable	غیر قابل تحمل
insist on	اصرار کردن به/ که، تأکید کردن بر	invade	حمله کردن، یورش بردن، هجوم بردن
inspection	بازرسی، کنترل، بازدید	invasion	حمله، هجوم، یورش
inspector	بازرس، افسر تجسس	invest	سرمایه گذاری کردن
in spite of	با وجود، علی رغم	investigate	تحقیق کردن، بررسی کردن
instance	مثال، نمونه، مورد	investigator	بازپرس، بازجو، مأمور تحقیق
instant	فوری، آنی	involve	درگیر کردن، شامل شدن
instruct	دستور دادن، یاد دادن	involved	درگیر، گرفتار - پیچیده
instruction	آموزش، تعلیم، دستورالعمل	involvement	درگیری، شرکت، مشارکت
instrument	ابزار، وسیله، آلت موسیقی، ساز	iron	اتو، اتو کردن - آهن، آهنی
insult	توهین کردن به، توهین، اهانت	ironing board	میز اتو
insurance	بیمه	irrelevant	نامربوط، بی ربط
insure	بیمه کردن	irritate	ناراحت کردن، عصبانی کردن
intellectual	عقلی، فکری، عقلانی، هوشمندی	island	جزیره
intelligence	هوش، ذکاوت	isolated	منزوی، تنها - دور افتاده
intelligent	باهوش، زیرک	isolation	انزوا، تنهایی
intend	قصد داشتن (که)، تصمیم داشتن (که)	issue	منتشر کردن، صادر کردن
intense	شدید، سخت - حاد، عمیق	itch	احساس خارش کردن، خارش
intensive	متراکم، فشرده	jagged	دندانه دار، دندانه دندانه
intentional	عمدی	janitor	سرایدار، نگهبان ساختمان
interaction	همکاری متقابل، تعامل	jealous	حسود، حسادت آمیز
interchangeably	به طور مترادف، به یک معنی	jeweler	جواهر فروش، جواهر ساز - ساعت ساز
interfere	مداخله کردن، دخالت کردن - تداخل داشتن	joint	مفصل (پا و...) - اتصال
interior	داخلی، درونی، (نواحی) مرکزی	journal	روزنامه، مجله، نشریه
internal	(پزشکی، سیاسی و غیره) داخلی	journalism	روزنامه نگاری
interpret	ترجمه شفاهی کردن، تفسیر کردن	judge	قاضی - داور - قضاوت کردن - داوری کردن
interpretation	تفسیر، تعبیر	juggle	شعبده بازی کردن، تردستی کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و یکم: لغت ۱۲۰۱ تا ۱۲۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
juggler	شعبده باز، تردست	lawyer	وکیل
justice	عدالت، عدل	layer	لایه، قشر
justify	توجیه کردن، دلیل آوردن	leadership	رهبری
ketchup	سس گوجه فرنگی	league	مسابقات ورزشی، لیگ
kick	لگد زدن، (توپ) شوت کردن، لگد	lean	تکیه دادن، خم شدن، کج شدن
kind-hearted	مهربان، خوش قلب، دل رحم	lean year	سال کبیسه
kindness	مهربانی، محبت	leather	چرم
king	پادشاه، سلطان	lecture	سخنرانی، کنفرانس، سخنرانی کردن
kingdom	پادشاهی، سلطنت	lecturer	سخنران
kiosk	دکه، باجه، کیوسک	legend	افسانه، داستان - اسطوره (شخص)
kit	وسایل، ابزار، جعبه ی وسایل، کیت، لوازم	legible	خوانا (دستخط) - روشن
kneel	زانو زدن	leisure	وقت فراغت، وقت تفریح
knight	شوالیه، سلحشور، دلیر	lemonade	شربت آلبیمو، لیموناد
knives	چاقوها (جمع کلمه knife)	length	طول، درازا
knock	زدن، ضربه زدن به، کوبیدن، ضربه	lentil	عدس
knot	گره، گره زدن	lessen	کم کردن، کوچک شدن
know-all	عقل کل، علامه دهر!	lethal	مرگبار، کشنده
knowledgeable	با اطلاع، آگاه	lettuce	کاهو
labor	کار (اجباری)، نیروی کار	liberal	آزاد منش، خالی از تعصب - آسان گیر
laborer	کارگر	liberate	آزاد کردن
ladder	نردبان	liberty	آزادی
ladybird	(حشره) کفشدوزک	license	گواهینامه - جواز، پروانه (کسب)
lamb	بره، گوشت بره	license plate	پلاک ماشین
landlady	صاحب خانه (زن)	lifebelt	کمر بند نجات، کمر بند ایمنی
landlord	صاحب خانه (مرد)	lifeboat	قایق نجات
landscape	منظره، چشم انداز	lifeguard	نجات غریق
lantern	فانوس، چراغ	lifetime	طول عمر، طول زندگی
latitude	عرض جغرافیایی	lift	بلند کردن، برداشتن - آسانسور
latter	دومی، دیگری	lifter	بالا بر، بلند کننده - وزنه بردار
launch	پرتاب، پرتاب کردن، به آب انداختن	liftman	آسانسورچی، متصدی آسانسور

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و دوم: لغت ۱۳۶۱ تا ۱۳۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
likelihood	احتمال	luxurious	شیک، مجلل، لوکس
likeness	شباهت، همانندی	lunar	(مربوط به) ماه، قمری
likewise	همانطور، همان گونه	lyrics	ترانه، غزل
limit	حد، مرز - محدود کردن	mad	دیوانه
limp	شل، سست، لق - لنگیدن	madness	دیوانگی
lipstick	ماتیک، رژ لب	magical	سحر آمیز - فوق العاده، بسیار عالی
literature	ادبیات، آثار ادبی	magnificent	باشکوه، مجلل، فوق العاده
literary	ادبی، ادیبانه، ادیب	mailbox	صندوق پست
litter	آشغال، زباله، به هم ریختن	mailman	پستچی، نامه رسان
lively	سر زنده، با نشاط - جالب توجه	maintain	حفظ کردن، نگه داشتن
lizard	مارمولک	maintenance	نگهداری
loan	وام، قرض	maize	ذرت، بلال
lobby	راهرو، ورودی آپارتمان - تالار ملاقات	major	اصلی، عمده، بنیادی - سرگرد (در ارتش)
lock up	قفل کردن، قفل	majority	اکثریت، قسمت عمده
logic	منطق، علم منطق	male	(حیوان) نر؛ (شخص) مذکر، مرد، پسر
logical	منطقی	mammal	(جانور) پستاندار
lollipop	بستنی یخی	manage	اداره کردن، توانستن، از عهده برآمدن
lonely	تنها، بی کس، غریب	manager	مدیر، رئیس
longitude	طول جغرافیایی	mango	میوه انبه
long-term	بلند مدت، دراز مدت	manipulate	به بازی گرفتن، به کار بردن
loo	توالت، مستراح	manual	دستی، کتابچه راهنما
look forward to	منتظر بودن برای	manufacture	تولید کردن، ساختن
lorry	کامیون	manufacturer	تولید کننده، سازنده
lotion	محلول، لوسیون	manufacturing	تولید، ساخت
lottery	بخت آزمایی، لاتاری، شرط بندی	margin	حاشیه، لبه
lounge	سالن استراحت - صندلی راحتی	marriage	ازدواج
lovable	دوست داشتنی	marvelous	فوق العاده، خیلی خوب
loyal	وفادار، باوفا	masculine	مردانه
luggage	بار سفر، وسایل سفر، چمدان	mass	مقدار زیاد، توده، انبوه، (فیزیک) جرم
lukewarm	(آب و...) ولرم، نیم گرم	massive	عظیم، غول پیکر، حجیم، سنگین

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و سوم: لغت ۱۳۲۱ تا ۱۳۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
masterpiece	شاهکار (نقاشی، سینمایی، ادبی و...)	millennium	هزاره، دوره هزار ساله
matchbox	قوطی کبریت	mime	با ایما و اشاره بیان کردن، پانتومیم
mate	دوست، رفیق، یار	mimic	تقلید کردن - مقلد، تقلید کننده
maternal	مادری، مادرانه	miniature	مینیاتور، نمونه ی کوچک
mathematician	ریاضیدان	minimize	کم کردن، به حداقل رساندن
mattress	تشک (تختخواب)	minimum	حداقل
mature	(انسان) بالغ - (میوه، دانه) رسیده	mining	معدن کاری، استخراج معدن
maximum	حداکثر، بیشترین حد	minister	وزیر
meadow	علفزار، مرتع	ministry	وزارت، وزارت خانه
meanwhile	در این مدت، در این فاصله، در این حین	minor	جزئی
mechanism	مکانیسم، سازوکار، راه، روش	minority	اقلیت، حداقل
measurement	اندازه گیری، سنجش	minus	(عدد و غیره) منفی - منها
meeting	جلسه، اجلاس، نشست، گرد همآیی، ملاقات	miracle	معجزه
melon	خربزه	miraculous	معجزه آسا، اعجاز آمیز
melt	آب شدن، ذوب شدن، آب کردن	misbehave	بد رفتاری کردن، بی ادبی کردن
membership	عضویت	miserable	ملال آور، دلگیر - افسرده، پریشان
memorable	به یاد ماندنی، فراموش نشدنی	misery	بدبختی، سیه روزی، مصیبت
memorize	به خاطر سپردن، حفظ کردن، از بر کردن	mislead	گمراه کردن، فریب دادن
mend	تعمیر کردن	mist	مه، (شیشه و غیره) بخار
mercy	بخشش، عفو، شفقت	mixed	مخلوط، مختلط
merely	صرفاً، فقط	mixture	مخلوط، ترکیب
merge	ادغام کردن، یکی کردن	moan	نالیدن، شکایت کردن
merit	مزیت، برتری - سزاوار بودن، لایق بودن	mob	ارازل و اوباش، افراد شرور
merry-go-round	چرخ و فلک	modest	فروتن، متواضع
mess	کثیف و نامرتب - کثیف کردن - بهم ریختن	modify	تغییر دادن، اصلاح کردن
messy	به هم ریخته، کثیف	moist	مرطوب، نمناک
method	شیوه، روش، متد	moisture	رطوبت، نم
middle-aged	میانسال	monitor	کنترل کردن، نمایشگر، مانیتور
mighty	قدرتمند، توانا - کبیر، عظیم، بسیار زیاد	monster	هیولا
merit	مزیت، برتری - سزاوار بودن، لایق بودن	monument	بنای یادبود، اثر تاریخی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و چهارم: لغت ۱۳۸۱ تا ۱۴۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
moody	دمدمی مزاج، کج خلق	narrow	(جاده و غیره) باریک، کم عرض
moonlight	مهتاب	narrowly	به زور، زورکی - به سختی
moreover	علاوه بر این، گذشته از این	narrow-minded	کوته فکر، تنگ نظر
mosquito	پشه	nasty	بد، ناخوشایند، کثیف - (شخص) بد، رذل
motion	حرکت، (دست، بدن) اشاره	naughty	شیطون، شر، تخس
motorway	(در بریتانیا) اتوبان، بزرگ راه	navigate	جهت یابی کردن - کشتی رانی کردن
mount	بالا رفتن از، صعود کردن از - کوه	navy	نیروی دریایی، ناوگان یا کشتی جنگی
mountaineer	کوه نورد	navy blue	رنگ سرمه ای، آبی سیر
mourn	عزادار بودن، سوگوار بودن	necessarily	الزاماً، ضرورتاً
moustache	سیل	necessity	ضرورت، لزوم، نیاز
mouthful	لقمه	necklace	گردنبند
movement	حرکت، جابه جایی - جنبش، نهضت	needle	سوزن، عقربه قطب نما
muddy	گلی، گل آلود - چرکین	needless	بی نیاز، غیر ضروری
multicultural	چند فرهنگی	neglect	بی توجهی کردن؛ کوتاهی کردن در
multiple-choice	چند گزینه ای	negotiate	مذاکره کردن، گفت و گو کردن
multiply	ضرب کردن، افزایش یافتن، زیاد شدن	neighborhood	محل، محله، ناحیه - همجواری
mumble	زیر لب گفتن، زمزمه کردن	neither...nor	نه ... نه ...
murder	قتل، آدم کشی، کشتن، به قتل رساندن	nephew	پسر برادر، پسر خواهر
murderer	قاتل، آدم کش	nerve	عصب - جرأت، شهامت، جسارت
muscle	عضله، ماهیچه	nerve-racking	اعصاب خوردکن
mushroom	قارچ (گیاه)	nest	لانه، آشیانه، لانه ساختن
musical	(مربوط به) موسیقی، اهل موسیقی	network	شبکه
musician	نوازنده، موزیسین	neutral	بی طرف - خنثی - بی رنگ
mute	ساکت، آرام	nevertheless	اما، با وجود این، با این حال
mysterious	مرموز، اسرار آمیز، عجیب، راز آلود	newborn	تازه متولد شده، نوزاد
nag	نق زدن - عیب جویی کردن	newcomer	تازه وارد
nail	ناخن - میخ	newsagent	روزنامه فروش
naked	لخت، برهنه، عریان	nickname	اسم خودمانی، اسم مستعار
nanny	دایه، پرستار بچه	niece	دختر خواهر، دختر برادر
napkin	دستمال	nightclub	باشگاه شبانه، کلوپ شبانه

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و پنجم: لغت ۱۴۴۱ تا ۱۵۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
nightmare	کابوس، خواب بد	objective	هدف، بی طرفانه، عادلانه
night- time	شب هنگام، شب	obligation	اجبار، لزوم - وظیفه، تعهد
noble	شریف، اصیل - نیک، نیکو - اشرافی	obligatory	اجباری
nod	(به نشانه ی موافقت) سر تکان دادن	oblige	مجبور کرن، وادار کردن
nomad	چادر نشین، عشایر	obliged	مجبور، ملزم
nominate	نامزد کردن، پیشنهاد کردن	observant	متوجه، تیزبین
nonsense	حرف بی معنی، حرف بیهوده - پوچ	obstacle	مانع، معضل - سد، بند
noodle	رشته فرنگی	obstruct	مسدود کردن، بند آوردن
nostril	سوراخ بینی	obtain	کسب کردن، به دست آوردن، گرفتن
nosy	فضول	obvious	آشکار، واضح، روشن، علنی
notably	به ویژه، مخصوصاً	occasion	فرصت، موقعیت، مناسبت
notepad	دسته برگه یادداشت	occasional	اتفاقی، گاه و بیگاه
noticeable	قابل توجه، قابل رؤیت، محسوس	occasionally	هر از چندی، گاه گاه
notice board	تابلوی اعلانات	occupation	شغل، حرفه، تملک، تصرف
notion	مفهوم، عقیده، فکر	occupy	تصرف کردن، اشغال کردن - ساکن شدن در
notorious	بدنام، رسوا	occur	اتفاق افتادن، رخ دادن
novel	رمان، داستان بلند - تازه، جدید	octopus	هشت پا، اختاپوس
novelist	رمان نویس	odd	عجیب، غیر عادی
numb	بی حس	offence	جرم، خلاف، توهین، بی احترامی
numerous	بی شمار، بسیار فراوان، متعدد	offensive	اهانت آمیز، ناخوشایند، نفرت انگیز
nursery school	مهد کودک، کودکستان	offend	رنجاندن، ناراحت کردن
nursing	(رشته) پرستاری	official	مقام، مقام رسمی، رسمی
nutrient	ماده ی غذایی	oil well	چاه نفت
nutritious	مقوی، مغزی	ointment	پماد، مرهم
oak	درخت بلوط، چوب بلوط	old-fashioned	از مد افتاده، قدیمی، کهنه
oath	قسم، سوگند	olive	زیتون
obedient	مطیع، فرمانبردار	olive oil	روغن زیتون
obesity	چاقی، فربهی - مرض چاقی	omit	حذف کردن، کنار گذاشتن
object	اعتراض کردن، مخالفت کردن	onwards	به بعد، آن طرف
objection	اعتراض، ایراد	oops	آخ

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و ششم: لغت ۱۵۰۱ تا ۱۵۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
opening	شروع، آغاز، افتتاح، افتتاحیه	overall	کل، کلی، کلاً، روی هم رفته - لباس کار
openly	آشکارا، علنی	overcome	غلبه کردن، چیره شدن، فایق آمدن
operate	عمل کردن، اداره کردن، جراحی کردن	overcrowded	شلوغ، پر جمعیت
operation	کار، فعالیت - عمل جراحی	overpass	پل روگذر
operator	(دستگاه) متصدی، (تلفن) اپراتور	overseas	خارج (از کشور)، در خارج؛ به خارج
opponent	رقیب، حریف	oversleep	خواب ماندن
opportunity	فرصت، موقعیت	overtake	سبقت گرفتن از، جلو زدن از
oppose	مخالفت کردن، مقابله کردن	overtime	اضافه کاری، اضافه کار
opposition	مخالفت، مقاومت	overweight	چاق، بیش از حد سنگین
optician	عینک فروش، عینک فروشی	owe	بدهکار بودن به - مدیون بودن
optimism	خوش بینی	owing to	به علت، به سبب
optimist	خوش بین	owl	جغد
optimistic	خوش بینانه	own	داشتن، صاحب بودن - مال خود، خود
option	انتخاب، امکان، اختیار، قدرت	owner	صاحب، مالک
optional	اختیاری، انتخابی	ox	گاو نر
orchestra	ارکستر، دسته نوازندگان	pace	قدم، گام، سرعت
organism	موجود زنده، ارگانیسم	pacifier	آرام کننده، تسکین دهنده
originate	نشأت گرفتن، ریشه گرفتن	package	بسته، پاکت، بسته بندی کردن
-orphan	یتیم، بی کس	painkiller	مسکن (دارو)، تسکین دهنده
orphanage	پرورشگاه یتیمان	painless	بی درد، بدون رنج
ostrich	شتر مرغ	paintbrush	قلم نگ آمیزی و نقاسی
otherwise	وگرنه، در غیر اینصورت، به غیر از این	pajamas	لباس خواب، پیژامه
ought to	باید، بایستی، بهتره	palace	قصر، کاخ
outbreak	بروز، ظهور، وقوع - شیوع، طغیان	pale	(چهره، شخص) رنگ پریده، زرد
outcome	نتیجه، حاصل، پیامد	palm	کف دست - درخت خرما
outline	خلاصه، چکیده، طرح کلی	pamphlet	جزوه
out of date	کهنه، قدیمی	panic	وحشت، هراس، اضطراب
output	خروجی، بازده - تولید، محصول	panther	پلنگ
outstanding	عالی، برجسته	paper clip	گیره کاغذ
outwards	به طرف خارج، به طرف بیرون	paperwork	کار دفتری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و هفتم: لغت ۱۵۶۱ تا ۱۶۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
parallel	موازی، متوازن	perfection	تکمیل، کمال
parcel	بسته	perform	اجرا کردن، کار کردن، عمل کردن
pardon	چی فرمودین؟ پوزش می طلبم - عفو کردن	performance	عملکرد، کار، (موسیقی و غیره) اجرا
parliament	مجلس، آپارتمان	performer	بازیگر، اجرا کننده
participant	شریک، همکار، سهیم	perfume	عطر، بوی عطر، رایحه
particle	ذره، تکه ی کوچک	perhaps	شاید، احتمالاً
partly	تا حدی، تا اندازه ای	permanent	دائمی، همیشگی
passionate	با حرارت، با هیجان، پر شور	permission	اجازه
paste	منتقل کردن، چسپاندن - چسب مایع	persist	اصرار ورزیدن، ادامه دادن
pastime	سرگرمی، تفریح	persistence	مقاومت، ایستادگی، پشتکار
path	راه پیاده، مسیر، مسیر حرکت	persistent	دارای پشتکار، مصر
patriotic	میهن پرست، وطن پرست	personal	شخص، شخصی
patrol	گروه گشت زنی، گشت - گشت زدن	perspective	چشم انداز، دورنما، منظره
patterned	طرح دار، نقش دار	persuade	متقاعد کردن، قانع کردن، راضی کردن
pavement	پیاده رو، سنگ فرش، کف خیابان	persuasion	باور، اعتقاد
paw	پنجه، چنگال	pessimism	بدبینی
payment	پرداخت	petrol	بنزین
peaceful	صلح آمیز، مسالمت آمیز - آرام	petroleum	نفت خام، نفت
peacock	طاووس	pharmacist	داروساز
peanut	بادام زمینی	phase	مرحله، دوره
pearl	مروارید	philosopher	فیلسوف
peasant	دهاتی، روستایی - رعیت	philosophy	فلسفه
peculiar	عجیب، غریب، غیر عادی - خاص، ویژه	pianist	نوازنده پیانو
pedestrian	عابر پیاده	pickpocket	جیب بر
peel	پوست کندن(میوه) - پوست میوه	pierce	سوراخ کردن، شکافتن - فرو کردن
penalty	جریمه، تاوان، کیفر	piercing	(صدا) گوش خراش
penetrate	سوراخ کردن، نفوذ کردن، رخنه کردن در	pile	توده، دسته، روی هم ریختن
pension	مستمری، مقرری - حقوق بازنشستگی	pilgrimage	زیارت
perceive	فهمیدن، متوجه شدن، پی بردن (به)	pineapple	(میوه) آناناس
perception	دریافت، درک، مشاهده، استنباط	pioneer	پیشگام، پیشرو، کاشف، کاوشگر

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و هشتم: لغت ۱۶۲۱ تا ۱۶۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
pipe	لوله، پپ	poll	نظرسنجی، انتخابات، رأی دادن
pipeline	خط لوله	pond	حوض، استخر، برکه
pirate	دزد دریایی	popcorn	ذرت بو داده، پاپ کورن
pistol	اسلحه کمری، هفت تیر	popularity	محبوبیت، شهرت
pitch	(فوتبال و ...) زمین بازی - قیر	populated	مسکونی، پرجمعیت
plague	(بیماری) طاعون - بلا، مصیبت	port	بندر، بندرگاه
plantation	کشتزار، برنجزار، پنبه زار	portrait	نقاشی چهره، تصویر، عکس، پرتره
plaster	چسب زخم - گچ بنایی - گچ مالیدن	pose	موجب ... شدن، ایجاد کردن، ژست
platform	سکو، جایگاه	possess	داشتن، صاحب ... بودن
play	نمایش نامه، نمایش، تئاتر	possession	مالکیت، تملک
playful	بازیگوش، شلوغ	postcode	کد پستی
playtime	زنگ تفریح، وقت بازی	postpone	به تأخیر انداختن، به تعویق انداختن
plea	تقاضا، درخواست (عاجزانه)	posture	(بدن) حالت، وضع، (طرز) ایستادن
plead	التماس کردن - اعتراف کرد (به جرم)	potential	بالقوه، احتمالی
pliers	انبر دست	poverty	فقر، تنگدستی
plot	داستان، نقشه کشیدن، توطئه کردن	powder	پودر (لباسشویی و...)
plum	آلوچه	praise	تعریف کردن از، تحسین کردن
plumber	لوله کش	preach	تبلیغ کردن، موعظه کردن
plumbing	لوله کشی	preacher	واعظ، مبلغ، موعظه کننده
pneumonia	سینه پهلوی، ذات الریه	precaution	احتیاط، پیشگیری
pocket money	پول تو جیبی	precede	پیش از ... قرار داشتن، قبل از ... آمدن
pointless	بی فایده، بیهوده - بی معنا	precious	ارزشمند، با ارزش
point of view	دیدگاه، نقطه نظر، عقیده	precise	دقیق، درست، معین، مشخص
point out	نشان دادن، یادآور شدن	pregnant	حامله، باردار
poison	سم، زهر، سم دادن به، مسموم کردن	prehistoric	ماقبل تاریخ، پیش از تاریخ
poisonous	سمی، زهراگین	presence	حضور، بودن
policy	خط مشی، سیاست	present-day	امروزی، معاصر
polish	واکس، واکس زدن، برق انداختن	presentation	سخنرانی، معرفی، اجرا، نمایش
political	سیاسی، (مربوط به) سیاست	preserve	حفظ کردن، محافظت کردن از
polish	واکس، جلا - برق انداختن - واکس زدن	press	مطبوعات، فشار دادن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و نهم: لغت ۱۶۸۱ تا ۱۷۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
presume	فرض کردن، تصور کردن، فکر کردن	prove	ثابت کردن، اثبات کردن، معلوم شدن
pretend	تظاهر کردن، وانمود کردن	provided	به شرط اینکه، اگر
pretty	نسبتاً، خیلی، کاملاً، قشنگ	provision	تهیه، تامین، آذوقه، مواد خوراکی
previous	سابق، قبلی، پیشین	psychologist	روان شناس
pride	غرور، احساس غرور، افتخار	psychology	روان شناسی
priest	کشیش	publication	نشر، انتشار، نشریه
primitive	ابتدایی، آغازین، نخستین	publicity	شهرت، معروفیت
prior	قبلی، پیشین	public relations	روابط عمومی
priority	اولویت، تقدم	puddle	چاله آب
prison	زندان	pumpkin	کدو تنبل
prisoner	زندانی	punch	مشت زدن به، مشت، ضربه
private	خصوصی، شخصی	punishment	تنبيه، مجازات
privilege	حق ویژه، امتیاز، برتری، مزیت	pupil	شاگرد خصوصی، مردمک (چشم)
procedure	روال، رویه، روند، پروسه	purchase	خرید، خریدن، خریداری کردن
proceed	ادامه دادن، (در کار) پیش رفتن	purity	خلوص، پاکیزگی
profession	شغل، حرفه، کار	pursue	تعقیب کردن، به دنبال ... بودن
professional	حرفه ای، ماهرانه، استاد، با تجربه	put off	به تعویق انداختن، خاموش کردن
profile	بیوگرافی، مختصر، وصف	qualification	صلاحیت، قابلیت، مدرک تحصیلی
profit	سود، منفعت	qualified	واجد شرایط
profound	عمیق، ژرف	qualify	صلاحیت پیدا کردن، واجد شرایط شدن
progress	پیشرفت، توسعه، پیشرفت کردن	quantity	مقدار، کمیت
prohibit	ممنوع کردن، قذغن کردن	quarrel	دعوا، نزاع، درگیری - مشاجره کردن
promote	ارتقا دادن، کمک کردن به	quarter-final	مرحله یک چهارم نهایی (در ورزش)
prompt	فوری، سریع، باعث ... شدن	quench	فرو نشاندن (عطش)
proof	شاهد، دلیل، مدرک	questionnaire	پرسشنامه
property	مال، دارایی، ثروت	queue	صف، ردیف، صف کشیدن
propose	پیشنهاد کردن، توصیه کردن	quilt	ملافه، لحاف، رو تختی
prosper	رونق داشتن، کامیاب شدن	quote	نقل قول کردن
prosperous	خوشبخت، کامروا، موفق	rabbit	خرگوش
protest	مخالفت، اعتراض، اعتراض کردن (به)	racial	نژادی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی ام: لغت ۱۷۴۱ تا ۱۸۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
racism	نژاد پرستی	recommendation	توصیه، پیشنهاد، نظریه
radiant	تابان، درخشنده، تابشی	recover	(سلامتی) باز یافتن، بهبود یافتن
raffle	بخت آزمایی	recreation	تفریحی
rage	خشم، غضب	rectangle	مستطیل
railway	خط آهن، ریل، راه آهن، قطار	recycle	بازیافت کردن، بازیابی کردن
rainbow	رنگین کمان	referee	(ورزش) داور
rainfall	بارش باران، میزان بارندگی	reform	اصلاح کردن، تجدید نظر، اصلاح
raisin	کشمش	refrigerator	یخچال
random	شانسی، اتفاقی، تصادفی	refuge	پناهگاه
rare	نادر، کمیاب، غیر عادی	refugee	پناهنده
raspberry	تمشک	refusal	سرپیچی، امتناع، جواب رد
rate	سرعت، شتاب، ارزش ... را تعیین کردن	refuse	امتناع کردن، خودداری کردن، جواب رد
ratio	نسبت، نسبیت، ضریب	regarding	راجع به، درباره ی
ration	سهمیه، جیره - جیره بنده کردن	regardless	بی اعتنا، بی توجه
rattle	به صدا در آمدن، تلق و تلوق کردن	register	نام نویسی کردن، ثبت نام کردن
raw	(خوراکی) خام، نپخته	registration	نام نویسی، ثبت نام
ray	اشعه، پرتو	regret	تاسف خوردن از، تاسف، افسوس
react	عکس العمل نشان دادن، واکنش	regulation	قاعده، اداره، کنترل؛ تنظیم
realistic	واقع گرا، واقع بین	relatively	نسبتاً، کمابیش
realize	فهمیدن، درک کردن، واقف بودن	release	رها کردن، منتشر کردن، ترشح کردن
reasonable	منطقی، معقول	relevant	مناسب، مربوط
rebel	شورش، یاغی، طغیانگر	reliable	قابل اعتماد، معتبر
rebellion	طغیان، شورش	relief	آرامش، تسکین، مایه ی آرامش
recall	به یاد آوردن، به خاطر آوردن	relieve	(درد و غیره) تسکین دادن
receipt	قبض، رسید، دریافت، وصول	religion	دین، مذهب، آئین، ایمان
receiver	گیرنده، دریافت کننده، (تلفن) گوشی	reluctance	بی میل، اکراه
reception	پذیرایی، استقبال، بخش پذیرش	reluctant	بی میلی
receptionist	متصدی پذیرش	rely on	وابسته، بودن به، متکی بودن به
reckon	فکر کردن، حدس زدن، قلمداد کردن	remaining	باقیه، ادامه
recognition	تشخیص، شناسایی - تصدیق	remains	بقایا، ویرانه ها، ته مانده، باقی مانده

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و یکم: لغت ۱۸۰۱ تا ۱۸۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
remark	اظهار نظر، گفته، گفتن، اشاره کردن	respectable	شریف، محترم
remarkable	قابل توجه، چشمگیر، فوق العاده	respectively	به ترتیب
remedy	بهبودی، درمان، مداوا	respond	جواب دادن، پاسخ دادن، واکنش
reminder	یادآور، یادآوری - یادداشت	responsibility	مسئولیت
remote	دور، دور دست، دور افتاده	restate	بازگو کردن، دوباره گفتن
remove	اخراج کردن، پاک کردن، از بین بردن	restless	بی قرار، بی تاب، نا آرام
rent	اجاره، اجاره کردن، اجاره دادن	restore	برگرداندن، احیا کردن
repair	تعمیر کردن، بازسازی کردن، تعمیر	restrict	محدود کردن، منحصر کردن به
repetition	تکرار، بازگویی	restroom	دستشویی، توالت - اتاق استراحت
repetitive	تکراری، یکنواخت	resume	از سر گرفتن، ادامه دادن، ادامه یافتن
reptile	(جانور) خزنده	retain	حفظ کردن، نگه داشتن
reporter	خبرنگار، گزارشگر	retarded	(شخص) عقب افتاده، عقب مانده
represent	نماینده ی ... بودن، نشانه ی ... بودن	reveal	آشکار کردن، نشان دادن
reptile	خزنده	revenge	انتقام، تلافی - کینه جوئی کردن
reputation	شهرت، نام، آوازه	revenue	درآمد، سود سهام، منافع، عایدی
requirement	شرط، لازمه، نیازمندی، احتیاج	reverse	برعکس کردن، معکوس کردن،
rescue	نجات دادن، رها کردن، نجات	revive	بهبود بخشیدن، احیا کردن، بهبود
resemblance	شباهت، همانندی	revolutionary	انقلابی
resemble	شبیه بودن، شباهت داشتن	reward	جایزه، پاداش - پاداش دادن
reserve	ذخیره کردن، اندوختن، اندوخته	rhyme	قافیه، شعر - هم قافیه بودن
reside	ساکن بودن، اقامت داشتن	riddle	معما، چیستان
residence	محل اقامت؛ مسکن	ridiculous	مسخره، مضحک، خنده دار
resident	مقیم، ساکن	rip	پاره کردن، دریدن
residential	مسکونی	rival	رقیب، حریف
resign	استعفا دادن (از)، کناره گیری کردن	roam	پرسه زدن، گشتن
resignation	استعفا	roar	نعره، غرش - نعره کشیدن - غرش کردن
resist	مقاومت کردن - نپذیرفتن	roast	برشته کردن، کباب کردن، بریان کردن
resistance	ایستادگی، مقاومت	rob	دزدیدن، سرقت کردن از، محروم کردن
resolve	حل کردن	robber	سارق، دزد
resort	تفریحگاه، استراحتگاه	robbery	سرقت، دزدی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و دوم: لغت ۱۸۶۱ تا ۱۹۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
Roman	رومی، (مربوط به) روم	salary	حقوق، درآمد
romantic	رمانتیک، عاشقانه، عشقی	sales clerk	فروشنده مغازه
root	ریشه، منشا، سرچشمه، ریشه داشتن	saliva	بزاقي، آب دهان
rope	طناب، ریسمان	sample	نمونه
rotation	گردش، چرخش، (زمین) حرکت وضعی	sand	شن، ماسه
rotate	چرخیدن، چرخش کردن، گردش کردن	sarcasm	طعنه، سخن کنایه دار
rotten	پوسیده، گندیده	satellite dish	بشقاب ماهواره
rough	(زمین و غیره) ناهموار، پست و بلند	satisfaction	خشنودی، رضایت
roundabout	میدان، چرخ و فلک	satisfactory	رضایت بخش، قابل قبول
round trip	سفر رفت و برگشت	satisfied	راضی، خوشحال
route	مسیر، راه؛ جاده	savage	وحشی، وحشیانه، بیرحمانه
routine	جریان عادی، روال معمول	savings	پس انداز، اندوخته
row	ردیف - پارو زدن	scalp	پوست سر
royal	سلطنتی، شاهنشاهی	scandal	غیبت، بدگوئی - رسوایی، ننگ، آبروریزی
royalty	(خاندان) سلطنتی	scarce	کمیاب، نادر، به سختی
rub	(سطح و غیره) مالیدن، ساییدن	scarcely	خیلی کم، به سختی، به دشواری
rubber	پلاستیک، پاک کن	scare	ترسیدن، ترساندن
rubbish	آشغال، زباله	scarecrow	مترسک
ruby	ياقوت، لعل - رنگ ياقوتی	scared	ترسیده، وحشت زده
ruin	ویران کردن، خراب کردن، ویرانی	scary	ترسناک، دلهره ور، وحشتناک
rumor	شایعه	scatter	متفرق کردن، متفرق شدن
rural	روستایی؛ (مربوط به) روستا	scene	صحنه، منظره، چشم انداز
rush	ازدحام، شلوغی - با عجله رفتن	scenery	منظره، چشم انداز - صحنه پردازی
sacred	مقدس	scent	بو، شمیم، رایحه، عطر
sacrifice	قربانی کردن، فدا کردن؛ ایثار کردن	scheme	طرح، نقشه، برنامه - نقشه کشیدن
safety belt	کمربند ایمنی	scholar	متخصص، اهل فن، خبره
safety pin	سنجاق قفلی	scholarship	بورس تحصیلی، کمک هزینه تحصیلی
sail	بادبان - سفر دریایی، قایق رانی کردن	scissors	قیچی
sailor	ملوان، دریانورد	scorpion	عقرب
saint	مقدس	scratch	خراش، زخم، خراش دادن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و سوم: لغت ۱۹۲۱ تا ۱۹۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
scream	جیغ زدن، فریاد کشیدن، جیغ، فریاد	severe	شدید، سخت، طاقت فرسا
screen	صفحه ی نمایش، صفحه، مانیتور	sewing machine	چرخ خیاطی
screw	(ابزار) پیچ - سفت کردن	shabby	کهنه، مندرس، ژنده
script	(فیلم و غیره) متن، نوشته	shade	سایه، آفتابگیر - حباب (چراغ)
seaside	کنار دریا، ساحل دریا	shadow	سایه
seat belt	(در اتومبیل و غیره) کمربند (ایمنی)	shake	تکان خوردن، لرزیدن، تکان
secrecy	رازداری، پنهان کاری	shallow	کم عمق
secretive	رازدار، راز نگهدار	shame	خجالت، شرم، شرمساری
sector	بخش، محدوده، ناحیه، منطقه	sharp	تیز، برنده
secure	مطمئن، ایمن، امنیت ... را تامین کردن	sharpen	تیز کردن
security	امنیت، ایمنی - امنیتی	sharpener	مداد تراش
seed	دانه، هسته، تخم گیاه	sharply	به طور ناگهانی، یک مرتبه، به وضوح
segment	تکه، برش، قطعه	shatter	خرد شدن، خرد کردن
seize	گرفتن، قاپیدن، چنگ زدن	shave	تراشیدن (ریش و...)
seldom	به ندرت، کم	shaver	ماشین ریش تراش
selfish	خودخواه	sheet	ورق، برگ، برگه
semester	نیمسال (تحصیلی)	shelter	پناهگاه، سر پناه، پناه دادن (به)
semi-final	(مسابقه) نیمه نهایی	shift	عوض کردن، دگرگونی، شیفت
sensible	معقول، عاقلانه	shoelace	بند کفش
sensitive	حساس، زودرنج	shortage	کمبود، کسری
sentimental	احساساتی، عاطفی	shortly	کمی، اندکی، به زودی، به همین زودی
sequence	توالی، سلسله، رشته	shoulder	شانه (عضوی از بدن)
sergeant	گروهبان (در ارتش)	shower	حمام، دوش
serve	خدمت کردن، کار کردن	shrimp	میگو
session	جلسه، نشست	shrink	کوچک شدن، کوچک کردن - آب رفتن
set aside	کنار گذاشتن؛ پس انداز کردن	side effects	عوارض جانبی، اثرات جانبی
setting	زمینه، موقعیت؛ محیط	sidewalk	پیاده رو
settle	مستقر شدن، ساکن شدن، سکونت	sightseeing	گردشگری، دیدن مناظر
settlement	زیستگاه، مسکن - توافق - تسویه	signature	امضاء
set up	نصب کردن، (دستگاه) راه انداختن	significance	اهمیت - معنی، مفهوم

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و چهارم: لغت ۱۹۸۱ تا ۲۰۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
significant	مهم، با اهمیت	smell	بوایی، بو کردن - بو، عطر
signify	دلالت داشتن بر، معنی دادن	smelly	بد بو
signpost	تابلوی کنار جاده، علامت جاده	smile	لبخند، لبخند زدن
silent	ساکت، بی صدا	smooth	صاف، هموار
silky	ابریشمی، نرم	smoothly	راحت، بی دردسر، نرم، روان
silly	احمق، احمقانه	snap	دو نیم کردن، دو نیم شدن
simplicity	سادگی، فروتنی، بی آلاشی	sneaker	کفش کتانی، کفش ورزشی
simplify	ساده کردن	snowball	گلوله برف
simultaneous	همزمان، پشت سر هم	snowfall	بارش برف، میزان برف
sin	گناه	snowflake	دانه برف
sincere	راستگو، صادق	snowman	آدم برفی
sincerely	صادقانه، خالصانه	snowplow	ماشین برف روب
siren	آژیر خطر	so-called	به اصطلاح
situated	واقع شده در، واقع در - جایگزین	soak	خیس کردن، خیس خوردن - رسوخ کردن
skeleton	استخوان، استخوان بندی	soap	صابون
skinny	لاغر، نحیف	soap opera	سریال تلویزیونی
skull	جمجمه سر	soap powder	پودر لباسشویی
skyscraper	آسمان خراش	soccer	فوتبال
slang	گفتار عامیانه، زبان کوچه بازاری	social security	بیمه تأمین اجتماعی
slaughter	قتل عام کردن، کشتار دسته جمعی	social studies	علوم اجتماعی
slave	برده، غلام	social worker	مددکار اجتماعی
sleeve	آستین	sociology	جامعه شناسی
slender	باریک، ظریف، قلمی	soften	نرم کردن - کم کردن، کاستن
slight	کم، اندک، کوچک - ناچیز	solid	ماده ی جامد، جامد، محکم، سفت
slightly	کمی، تا حدودی، نسبتاً	solitary	منزوی، تنها - عابد، گوشه نشین
slim	لاغر، (امید، شانس) کم، اندک، ضعیف	somehow	به یک نحوی، به طریقی
slip	سر خوردن، لیز خوردن، لغزش	sophisticated	خبره، مجرب - پیچیده، دشوار
slippery	لغزنده، لیز	sorrow	غم، اندوه، تأسف، افسوس
smash	شکستن، خرد کردن، تصادف	sort	جدا کردن، تفکیک ؛ دسته بندی
smashing	عالی، فوق العاده	soul	روح

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و پنجم: لغت ۲۰۴۱ تا ۲۱۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
spacecraft	فضاپیما	starve	گرسنگی کشیدن، از گرسنگی مردن
spacious	جادار، وسیع	stationary	ثابت، ساکن
sparrow	گنجشک	stationery	لوازم التحریر
species	(زیست شناسی) نوع، گونه	statistics	آمار، علم آمار
spectacles	عینک (دسته دار)	statue	مجسمه، تندیس
spectacular	تماشاگر، بیننده	status	وضع، موقعیت، منزلت اجتماعی
speculate	حدس زدن، تفکر کردن، تأمل	steady	ثابت، محکم، استوار - یکنواخت
spice	ادویه، ادویه جات	steel	فولاد، فولادسازی
spider	عنکبوت	steep	(شیب و غیره) تیز، تند، با شیب تند
spill	(آب و ...) ریختن، بیرون ریختن	sticky	چسبنده، چسبناک - سخت، دشوار
spin	چرخاندن، چرخیدن	stiff	سفت، سخت، خشک
spirit	روح، روان	stock	موجودی، ذخیره، (شرکت) سرمایه
spiritual	روحی، معنوی	storage	ذخیره سازی، نگهداری، انبار
spit	تف کردن، تف انداختن	storm	طوفان
split	شکستن، به چند گروه تقسیم کردن	straight	مستقیم، راست، صاف
spoil	ضایع کردن، لوس کردن، خراب کردن	straighten	صاف کرن، مسطح کردن، صاف شدن
spontaneous	خود به خود؛ خود جوش، بی مقدمه	stranger	غریب، بیگانه؛ خارجی
spoonful	(به اندازه) یک قاشق	strawberry	توت فرنگی
spot	جا، محل، خال، لک، پیدا کردن	stream	نهر، رود، جوی
spotless	پاکیزه، بی عیب	strengthen	تقویت کردن، تحکیم کردن
spouse	همسر	strict	(شخص) مقرراتی، سختگیر؛ (قانون) سخت
spread	پخش کردن، (بیماری) سرایت کردن	strike	خوردن به، اصابت کردن، اعتصاب
squeeze	فشار دادن، (آب و...) گرفتن، فشار	stroke	(پزشکی) سکته ی مغزی
squirrel	سنجاب	struggle	دعوا، کشمکش، تلاش، کوشش، تقلا
stable	ثابت، استوار - اصطبل (اسب و...)	stubborn	لج باز، کله شق، یکدنده
staff	کارکنان، کارمندان، کارمند گرفتن	studio	استودیو، اتاق ضبط
staircase	پلکان	stupid	کند ذهن، کودن، احمق، احمقانه
stance	طرز ایستادن، حالت بدن، ژست - نقطه نظر	submarine	زیر دریایی
stapler	منگنه، سنجاق کوب	subscription	(حق) اشتراک، آبونمان، حق عضویت
stare	زُل زدن، خیره شدن	submit	تسلیم کردن، تحویل دادن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و ششم: لغت ۲۱۰۱ تا ۲۱۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
subsequent	بعدی، متعاقب	survey	بررسی، مطالعه، بررسی کردن، مطالعه کردن
substance	ماده، چیز	survive	زنده ماندن، جان سالم به در بردن
substitute	جانشین، جایگزین - تعویض کردن	suspect	حدس زدن، گمان کردن، مظنون بودن به
subtitle	زیر نویس	suspicion	سوء ظن، شک
substantial	بسیار زیاد، قابل ملاحظه	suspicious	مشکوک، مظنون، بدگمان
subway	زیر گذر	sustain	تحمل کردن، نگه داشتن، متحمل ... شدن
suffocate	خفه کردن، خفه شدن	swallow	قورت دادن، بلعیدن - پرستو، چلچله
suicide	خود کشی کردن، خودکشی، انتحار	swamp	باتلاق
suit	مناسب ... بودن، سازگار بودن، کت و شلوار	swan	قو (پرنده)
suitably	به نحو مناسبی، به طرز شایسته ای	swear	قسم خوردن، سوگند - فحش، ناسزا
suitcase	چمدان	sweat	عرق، عرق کردن
Sulphur	گوگرد	sweaty	خیس عرق - پر زحمت
sum	(پول) مبلغ، (در محاسبه) جمع، مجموع	sweep	جارو کردن، تمیز کردن
summarize	خلاصه کردن	sweetheart	معشوقه، یار - عزیزم
summary	خلاصه، چکیده	swell	ورم کردن، متورم شدن، آماس کردن
summit	قله، نوک، سر، رأس	swelling	ورم، آماس، باد
sunbathe	حمام آفتاب گرفتن	switch	تغییر دادن، موضوع را عوض کردن
sunburn	آفتاب سوختگی	sword	شمشیر
superb	بسیار عالی، برتر، باشکوه	symbolize	سمبل ... بودن، نماد ... بودن
superior	(شخص) مافوق، ارشد، بهتر، برتر	sympathetic	دلسوز، همدرد
superstition	خرافه، اعتقاد به خرافات	sympathize	همدردی کردن
supervise	نظارت کردن بر، زیر نظر داشتن	sympathy	دلسوزی، همدردی
supervisor	ناظر، سرپرست	symphony	سمفونی (موسیقی)، همنوایی
supposing	اگر، بر فرض اینکه	symptom	علامت (بیماری)، نشانه بیماری
surface	سطح، رویه	synthetic	ترکیبی - مصنوعی، ساختگی
surgeon	جراح	syrup	شربت، شیره
surgery	جراحی، عمل جراحی	tablecloth	رومیزی، سفره
surrender	تسلیم شدن، دست از مقاومت کشیدن	tablespoon	کفگیر، قاشق مخصوص کشیدن غذا
surround	محاصره کردن، احاطه کردن	tablet	قرص - تبت
surroundings	محیط (اطراف)	table tennis	تنیس روی میز

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و هفتم: لغت ۲۱۶۱ تا ۲۲۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
tackle	تکل (فوتبال) - از عهده کاری بر آمدن	temple	معبد
tacky	به درد نخور، خراب	temporary	موقتی، زود گذر
tact	نزاکت، درایت، آداب دانی - سلیقه	tempt	وسوسه کردن، اغوا کردن
tactful	کاردان، با تدبیر	temptation	وسوسه، اغوا
tactless	بی تدبیر، بی مهارت	tempting	وسوسه انگیز
tag	بر چسب	tenant	مستأجر
tail	دم (حیوانات) - دنباله	tend	تمایل داشتن، گرایش داشتن
tailor	خیاط	tendency	تمایل، گرایش، استعداد
take apart	از هم جدا کردن	tension	هیجان، اضطراب، تنش
takeaway	غذای (بیرون) بردنی - غذایه فروشی	tent	چادر، خیمه
takeout	غذای بیرون بر	terminal	ترمینال، پایانه مسافربری
tale	افسانه، قصه، داستان	terrace	تراس (ساختمان)، بهار خواب
talented	با استعداد، با ذوق	terrific	فوق العاده، حیرت آور
tame	رام، اهلی - رام کردن	terrified	وحشت زده
tangerine	میوه نارنگی	terrify	به وحشت انداختن
tank	مخزن، تانکر، تانک	territory	قلمرو، زمین، سرزمین، خاک
tape	چسب نواری، نوار (صوتی و...) - ضبط صدا	terror	ترس زیاد، وحشت
target	هدف	test tube	لوله آزمایشگاهی
tasteful	با سلیقه، خوش ذوق	texture	ترکیب، تار و پود، بافت
tasteless	بی مزه، بدون طعم - بی ذوق	thankful	سپاسگزار، ممنون، متشکر
tasty	خوشمزه	thanksgiving	روز شکرگزاری (در آمریکا و...)
tattoo	خالکوبی	theft	دزدی، سرقت
tax	مالیات، مالیات گرفتن	The Middle Ages	قرون وسطی
tea bag	چای کیسه ای	theory	نظریه، تئوری
teapot	قوری چای	therapy	درمان، معالجه
tease	دست انداختن، مسخره کردن	thick	کلفت، ضخیم، انبوه
teaspoon	قاشق چای خوری	thorough	کامل، تمام
tedious	ملال آور، کسل کننده	thoroughly	کاملاً، خیلی بسیار زیاد
temple	معبد، پرستشگاه، شقیقه	thoughtful	متفکر، متفکرانه
temper	خشم، عصبانیت	thoughtless	بی فکر، بی ملاحظه

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و هشتم: لغت ۲۲۲۱ تا ۲۲۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
threat	تهدید، ارباب - عامل تهدید	tradesman	کاسب، فروشنده، مغازه دار
threaten	تهدید کردن	trade union	اتحادیه کارگری
throat	گلو، حلق	tragic	ناگوار، غم انگیز
thumb	انگشت شست	train	تربیت کردن، آموزش دادن، آموزش دیدن
thunderstorm	طوفان همراه با رعد و برق	trainer	مربی، (در جمع) کفش ورزشی
tidy	مرتب، منظم، مرتب کردن	traitor	خائن، وطن فروش
tight	سفت، محکم - تنگ، چسبان	transaction	معامله، کار، تراکنش
tighten	سفت کردن، محکم کردن	transfer	منتقل کردن، انتقال دادن
timetable	برنامه زمانی، جدول زمانی	transform	عوض کردن، دگرگون کردن
timid	ترسو - کمرو	transformation	تغییر، دگرگونی
tin	قوطی، حلبی - فلز قلع	transparent	شفاف، واضح، روشن
tissue	(زیست شناسی) بافت، دستمال کاغذی	transport	حمل و نقل، ترابری
toddler	کودک نو پا	trap	حیله، نقشه - گیر انداختن - تله، دام
toe	انگشت پا	trash	آشغال، زباله، چیز به درد نخور
toenail	ناخن پا	trash can	سطل آشغال
tolerance	تحمل، بردباری، طاقت	treatment	درمان، معالجه، رفتار، برخورد
tolerant	شکیبا، تحمل پذیر - آزادمنش	tremendous	عظیم، بسیار زیاد، بسیار شدید
tomb	مقبره، آرامگاه	trend	تمایل، گرایش
tombstone	سنگ قبر	trial	محاکمه، محکمه - آزمایش
toothpaste	خمیر دندان	triangle	مثلث
tornado	گردباد سخت، ترنادو	tribe	قبیله، ایل
torrent	سیل، سیلاب - جریان شدید	trick	کلک، حیله، نیرنگ، شعبده بازی
torture	شکنجه، عذاب - شکنجه دادن	triumph	پیروزی، موفقیت، کامیابی
tough	سفت، محکم، سخت، مشکل - قوی بنیه	triumphant	پیروز، سربلند - شاد
tournament	مسابقه (دوره ای) ورزشی	trivial	بی اهمیت، ناچیز، کوچک، جزئی
town hall	ساختمان شهرداری	troop	(در جمع) سربازان
toxic	سمی، زهرآگین	tropical	استوایی، (مربوط به) مناطق استوایی
trace	رد ... را گرفتن، رد، اثر، نشان	trophy	جام، کاپ، نشان قهرمانی
trade	بازرگانی، تجارت، معامله کردن	trouble	گرفتاری، دردسر - به زحمت انداختن
trademark	علامت تجاری	trust	اعتماد، اعتقاد، توکل، اعتماد داشتن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و نهم: لغت ۲۲۸۱ تا ۲۳۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
tsunami	سونامی، زلزله دریایی	undertake	برعهده گرفتن، قبول کردن
tunnel	تونل	underwear	زیر پوش، لباس زیر
turn up	صدا را زیاد کردن، (کسی) پیدا شدن	underweight	لاغر، سبک تر از وزن معمول
turtle	لاک پشت	undoubtedly	بودن شک، مطمئناً، مسلماً
twilight	شفق، هوای گرگ و میش	uneasy	نگران، دلواپس، مضطرب
twin	دو قلو	unemployed	بیکار
twinkle	چشمک زدن	unemployment	بیکاری
twist	پیچیدن، چرخاندن، گرداندن، پیچ، تاب	uneventful	بی حادثه، بی ماجرا، یکنواخت
typical	عادی، معمولی، نمونه ی بارز	unexpected	غیر منتظره
ultimate	نهایی، سرانجام	unfair	غیر منصفانه
ultimately	بالاخره، سرانجام، در نهایت	unfamiliar	ناآشنا، نا مأنوس
umpire	داور (بازی)	unfashionable	از مد افتاده، کهنه، قدیمی
unable	ناتوان، عاجز	unfasten	باز کردن (گره و...)، گشودن
unacceptable	غیر قابل قبول	ungrateful	نا سپاس، حق شناس، نمک به حرام
unanimous	هم رأی، متفق القول	uninhabited	غیر مسکونی
unarmed	غیر مسلح، بدون اسلحه	uninterested	بی علاقه، بی تفاوت
unattractive	بی ریخت، زشت	union	اتحادیه، سندیکا، اتحاد، وحدت
unavoidable	اجتناب ناپذیر	unite	متحد کردن، متحد شدن
unaware	بی اطلاع، بی خبر، نا آگاه	unity	اتحاد، وحدت، توافق، اتفاق نظر
unbearable	غیر قابل تحمل، طاقت فرسا	universal	عمومی، کلی، همگانی، جهانی
unbelievable	باور نکردنی	universe	جهان، عالم، دنیا
uncertain	نامعلوم، نامعین، مردد	unlike	بر خلاف، بر عکس، متفاوت، بی شباهت
unconfident	فاقد اعتماد بنفس	unlikely	بعید، غیر متحمل
unconscious	بیهوش، بی خبر	unload	بار خالی کردن، تخلیه کردن
uncountable	غیر قابل شمارش	unmarried	مجرد، ازدواج نکرده
undeniable	غیر قابل انکار	unpack	باز کردن (کیف و چمدان و...)
undergo	تحمل کردن، متحمل چیزی شدن	unpleasant	ناخوشایند، نامطبوع - زشت
underground	(راه و غیره) زیر زمینی، زیر زمین	unpredictable	غیر قابل پیش بینی
underneath	زیر، در زیر	unreasonable	نا معقول، غیر منطقی
undershirt	زیر پیراهنی	unreliable	غیر قابل اعتماد

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهارم: لغت ۲۳۴۱ تا ۲۴۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
unruly	سرکش، نا فرمان، یاغی	vain	خودپسند، مغرور - بیهوده، بی فایده
unstable	سست، لرزان، بی ثبات، ناپایدار	valid	معتبر، قانونی
unsteady	نا متعادل، بدون تعادل	valley	دره
unsuitably	نامناسب، به درد نخور	vampire	خون آشام
unsure	مردد، نامطمئن	vanish	ناپدید شدن، محو شدن
unsympathetic	بی احساس، بی عاطفه	vanity	غرور، خودبینی، خود پسندی
untidy	نامرتب، به هم ریخته، شلخته	vapor	بخار
untie	باز کردن (گره)، گشودن	various	متنوع، گوناگونی
unwanted	ناخواسته	vegetarian	گیاهخوار
unwelcome	ناخوشایند	vehicle	وسیله ی نقلیه
unwilling	بی میل، بی رغبت	vein	رگ
unwise	غیر منطقی، از روی نادانی - نادان	verify	اثبات کردن، تایید کردن، تصدیق کردن
upgrade	بهبود بخشیدن، ارتقاء دادن	versus	در مقابل، در برابر
uphill	سر بالایی، سر بالا	vertical	عمودی، قائم
upright	راست، عمودی، به طور ایستاده	vessel	(در بدن) رگ، کشتی
upsetting	ناراحت کننده	vest	جلیقه
upside down	وارونه، بر عکس	vet	دامپزشک
upwards	بالا، به طرف بالا	via	از طریق، از راه
urban	شهری؛ (مربوط به) شهر	viability	زیست پذیری، قابلیت زیستن
urge	مجبور کردن، میل شدید، اشتیاق	viable	ماندنی، قابل دوام - زیست پذیر
urgent	اضطراری، ضروری، فوری	vicinity	نزدیکی، مجاورت
utilize	استفاده کردن از، به کار گرفتن	vicious	بی رحم، ظالم، تبهکار
vacancy	جای خالی، اتاق خالی - خلأ	victim	قربانی
vacant	خالی، تهی - بدون سرپرست	victorious	پیروز، فاتح
vaccinate	واکسن زدن به، واکسینه کردن	victory	پیروزی، برد
vaccination	واکسیناسیون	viewer	بیننده
vaccine	واکسن، آمپول	villain	آدم شرور، شخصیت منفی داستان
vacuum cleaner	جارو برقی	vinegar	سرکه
vague	مبهم، گنگ، نامعلوم، غیر واضح	violence	خشونت، تندی، زور
valid	معتبر، قانونی	violent	خشن، پر خشونت

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهل و یکم: لغت ۲۴۰۱ تا ۲۴۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
violet	رنگ بنفش	waterproof	ضد آب
virtual	واقعی - مجازی	wave	دست تکان دادن
virtually	تقریباً، عملاً	wavy	موج دار
virtual reality	واقعیت مجازی	weed	علف هرز
visual aid	وسایل کمک آموزشی	weaken	ضعیف کردن، تضعیف کردن
vital	حیاتی، ضروری، بسیار مهم	weakness	ضعف، سستی
voicemail	پیامگیر صوتی (تلفن)	wealth	ثروت، دارایی
volcano	(کوه) آتشفشان	wealthy	ثروتمند، پولدار
vomit	استفراغ، استفراغ کردن	weapon	سلاح، اسلحه
vote	رای، رأی دادن به	weather forecast	پیش بینی وضع هوا
voter	رای دهنده	wedding	مراسم ازدواج، (جشن) عروسی
vulnerable	آسیب پذیر، شکننده، حساس	weightlifting	(ورزش، رشته) وزنه برداری
vulture	کرکس، لاشخوار	welcome	خوشایند، دلپذیر - استقبال کردن
wage	حقوق، دستمزد، مزد - کارمزد	welfare	سعادت، سلامت، رفاه
wail	شیون کردن، گریه و زاری کردن	well behaved	مؤدب، با نزاکت، خوش رفتار
waist	کمر	well dressed	خوش پوش، خوش لباس
waitress	خدمتکار یا گارسون (خانم)	wheat	گندم
walking stick	عصا، چوب دستی	wheelbarrow	فرغون، چرخ دستی
wallet	کیف پول	wheelchair	صندلی چرخ دار، ویلچر
wallpaper	کاغذ دیواری	whichever	هر کدام، هر کدام که
walnut	گردو	whip	شلاق، شلاق زدن
wander	گشتن، پرسه زدن، گشت، پرسه	whisper	پچ پچ کردن، نجوا، پچ پچ
warmth	گرما، حرارت - صمیمیت، مهربانی	whistle	سوت، سوت زدن
warrant	حکم، مجوز	wicked	شرور، بدجنس، تبهکار
warrior	جنگجو، سرباز	widespread	شایع، متداول، گسترده، وسیع
washroom	توالت، دستشویی	widow	بیوه (زنی که مردش فوت کرده یا طلاق گرفته)
wasp	زنبور	widower	مردی که زنش فوت کرده یا طلاق گرفته
waterfall	آبشار	width	پهناء، عرض
watering can	آب پاش	wig	کلاه گیس
watermelon	هندوانه	windsurfing	موج سواری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهل و دوم: لغت ۲۴۶۱ تا ۲۵۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
wink	چشمک زدن	wounded	زخمی، مجروح
wipe	تمیز کردن، پاک کردن - نظافت	wrap	بسته بندی کردن، بستن
wireless	بی سیم	wreck	شکستن، خراب کردن (ماشین، ...)
wisdom	عقل، عقلانیت، خرد	wrench	آچار
wish	آرزو، میل، تمایل - آرزو کردن	wrist	مچ دست
wit	بذله گویی، شوخ طبعی	x-ray	اشعه ایکس، عکس رادیولوژی
withdraw	(نظامی) عقب نشینی کردن	xylophone	نوعی آلت موسیقی، سنتور چوبی
witness	شاهد، شاهد عینی، شاهد ... بودن	yacht	قایق تفریحی، قایق مسابقه ای
witty	بذله گو، شوخ - طنز آمیز	yawn	خمیازه کشیدن
wizard	جادوگر، ساحر	yell	فریاد زدن، داد زدن
woolen	پشمی	yield	ثمر دادن، به بار نشستن - تولید کردن
workforce	نیروی کار	youngster	(شخص) جوان
worksheet	چک لیست	youth	جوان - (دوران) جوانی
worldwide	در سرتاسر جهان، جهانی	yummy	خوشمزه، لذیذ، مطبوع
worm	کرم - خزیدن، لولیدن	zebra crossing	خط عابر پیاده
worship	عبادت کردن، پرستیدن	zinc	فلز روی
worth	به ارزش، معادل، به اندازه ی	zip code	کد پستی
worthless	بی ارزش، بی فایده	zipper	زیپ
worthwhile	با ارزش، ارزشمند، سودمند	zoom	زوم (دوربین و...) - به شتاب رفتن
worthy	لایق، سزاوار، شایسته	zone	منطقه (ویژه یا خاص)، ناحیه

"Parts of Speech"

اجزاء کلام در زبان انگلیسی:

"Parts of Speech"

اجزاء کلام در زبان انگلیسی:

اجزاء کلام در زبان انگلیسی یا همان اقسام کلام در زبان انگلیسی، به ۸ قسمت متمایز می‌شوند که از لحاظ کاربرد و معنا نقش خاصی را در جمله‌های زبان انگلیسی ایفا می‌کنند. ما از هزاران کلمه در صحبت‌های روزمره خود استفاده می‌کنیم و خوب است که بدانیم تمام این کلمات را می‌توانیم در ۸ دسته گروه‌بندی کنیم.

به عبارت دیگر هر یک از کلمات که ما در جملات زبان انگلیسی استفاده می‌کنیم به یکی از این ۸ دسته تعلق دارد و زیر مجموعه یکی از این ۸ دسته به حساب می‌آیند، پس ما باید بدانیم یادگیری این ۸ دسته از عناصر زبان انگلیسی و نقش آنها، در یادگیری ساختار جمله‌های زبان انگلیسی از اهمیت بالایی برخوردار است:

۱) اسم در زبان انگلیسی: (Noun)

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص، حیوانات، اشیاء، اماکن و یا حالات آن‌ها به کار می‌رود.

۲) ضمیر در زبان انگلیسی: (Pronoun)

ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌گردد، و ما را از تکرار اسامی اشخاص و اشیاء و غیره بی‌نیاز می‌کند.

۳) صفت در زبان انگلیسی: (Adjective)

کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و معنی آن را روشن تر و مشخص تر و کامل تر بیان می‌کند.

۴) فعل در زبان انگلیسی: (Verb)

کلمه‌ای است که عمل یا حالتی را بیان می‌کنند.

۵) قید در زبان انگلیسی: (Adverb)

کلمه‌ای است که برای توصیف فعل، صفت و یا قید دیگر به کار می‌رود، در واقع قید حالت و چگونگی انجام یک فعل و وضعیت یک صفت یا قید دیگر را بیان می‌کند.

۶) حرف اضافه در زبان انگلیسی: (Preposition)

حرف اضافه کلمه‌ای است که نسبت یا ارتباط اسم و ضمیر را با سایر قسمتهای جمله نشان می‌دهد. معمولاً از حروف اضافه برای نشان دادن مکان، زمان و جهت و ... استفاده می‌شود.

۷) حرف ربط در زبان انگلیسی: (Conjunction)

حرف ربط کلمه‌ای است که برای وصل کردن دو شبه جمله، دو عبارت و یا دو کلمه به کار می‌رود.

۸) صوت در زبان انگلیسی: (Interjection)

کلمه‌ای است که برای تعجب و تحسین افسوس و وحشت و سایر احساسات ناگهانی و تند مورد استفاده قرار می‌گیرد، و انواع آن عبارتند از: Hey!, wow!, hush!, ah!, oh

در این جزوه، به طور کافی در مورد ضمائر، حروف اضافه، حروف ربط توضیح داده شده است. حروف صوت هم که در حیطه کنکور نمی‌باشند. در چند صفحه بعد مهمترین اجزای کلامی (Parts of Speech) سال دهم به ترتیب درس آمده اند که در افزایش دایره واژگان و برای ترجمه و فهم زبان انگلیسی بسیار مفید می‌باشند.

Parts of Speech (Lesson 1 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
amusement	شگفتی	amaze	amazing	amazingly
attention	توجه	attend	attentive	attentively
beauty	زیبایی	beautify	beautiful	beautifully
care	مراقبت	care	careful	carefully
change	تغییر	change	changeable	changeably
correction	تصحیح	correct	correct	correctly
creation	خلقت	create	creative	creatively
danger	خطر	endanger	dangerous	dangerously
destruction	تخریب	destroy	destructive	destructively
difference	تفاوت	differ	different	differently
division	تقسیم	divide	divisible	-----
enjoyment	لذت	enjoy	enjoyable	enjoyably
help	کمک	help	helpful	helpfully
hope	امید	hope	hopeful	hopefully
human	انسان	humanize	inhuman	humanly
hunter	شکارچی	hunt	-----	-----
hurt	صدمه	hurt	hurtful	hurtfully
identification	شناسایی	identify	identifiable	identifiably
information	اطلاعات	inform	informative	informatively
injury	زخم	injure	injured	-----
interest	علاقه	interest	interested	interestedly
knowledge	دانش	know	knowledgeable	knowledgeably
life	زندگی	live	alive	-----
meaning	معنی	mean	meaningful	meaningfully
nature	طبیعت	-----	natural	naturally
power	قدرت	power	powerful	powerfully
protection	محافظت	protect	protective	protectively
rain	باران	rain	rainy	-----
safety	امنیت	save	safe	safely
volunteer	داوطلب	volunteer	voluntary	voluntarily
wildlife	حیات وحش	-----	wild	wildly
wonder	شگفتی	wonder	wonderful	wonderfully

Parts of Speech (Lesson 2 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
blood	خون	bleed	bloody	bloodily
cheer	هورا، فریاد	cheer	cheerful	cheerfully
clearness	پاکی	clear	clear	clearly
collection	مجموعه	collect	collective	collectively
comparison	مقایسه	compare	comparative	comparably
feeling	احساس	feel	-----	-----
final	آخرین	finalize	final	finally
health	سلامتی	-----	healthy	healthily
light	نور	light	light	lightly
observation	مشاهده	observe	observable	observably
reality	واقعیت	-----	real	really
carrier	حامل	carry	carriable	-----
defender	مدافع	defend	defendable	defensively
happiness	خوشحالی	-----	happy	happily
height	ارتفاع	-----	high	highly
heat	گرما	hot	hot	heatedly
pain	درد	pain	painful	painfully
Patience	صبر	-----	patient	patiently
plain	دشت	-----	plain	plainly
poem	شعر	poetize	poetic	poetically
preparation	آمادگی	prepare	prepared	-----
price	قیمت	price	priceless	-----
rock	سنگ	rock	rocky	-----
solution	راه حل	solve	solvable	-----
usefulness	استفاده	use	useless	uselessly
width	پهناء، عرض	widen	wide	widely

Parts of Speech (Lesson 3 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
action	عمل	act	active	actively
belief	اعتقاد	believe	believable	believably
building	ساختمان	build	buildable	-----
cooler	کولر	cool	cool	-----
development	توسعه	develop	developed	developmentally
emotion	احساس	emotionalize	emotional	emotionally
emphasis	تأکید	emphasize	emphatic	emphatically
energy	انرژی	energize	energetic	energetically
experiment	آزمایش	-----	alexperiment	allyexperiment
expression	بیان	express	expressive	expressively
inventor	مخترع	invent	inventive	inventively
knowledge	دانش	know	knowing	knowing
math	ریاضی	-----	mathematical	mathematically
narrator	گوینده	narrate	narrative	narratively
noise	سر و صدا	-----	noisy	noiselessly
notice	توجه	notice	noticeable	noticeably
pattern	الگو، طرح	pattern	patterned	-----
peace	صلح	-----	peaceful	peacefully
publication	انتشار	publish	publishable	-----
researcher	محقق	research	-----	-----
relation	ارتباط	relate	relative	relative
sadness	ناراحتی	sadden	sad	sadly
science	علم	-----	scientific	scientifically
success	موفقیت	succeed	successful	successfully
sense	حس	sense	senseless	senselessly
statement	گفته	state	-----	-----
stranger	غریبه	-----	strange	strangely
suddenness	سرعت	-----	sudden	suddenly
thought	فکر	think	thinkable	-----
translation	ترجمه	translate	translatable	-----
use	استفاده	use	useful	usefully
value	ارزش	value	valuable	-----

Parts of Speech (Lesson 4 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
attraction	جاذبه	attract	attractive	attractively
behavior	رفتار	behave	behavioral	-----
choice	انتخاب	choose	choice	-----
culture	فرهنگ	-----	cultural	-----
entertainment	سرگري	entertain	entertaining	entertainingly
generosity	سخاوت	-----	generous	generously
history	تاریخ	-----	historic	historically
foreigner	خارجی	-----	foreign	-----
honesty	صداقت	-----	honest	honestly
illness	بیماری	-----	ill	ill
image	تصویر	image	-----	-----
location	محل	locate	located	-----
nation	ملت	nationalize	national	nationally
obligation	اجبار	oblige	obligatory	-----
plan	نقشه	plan	-----	-----
politeness	ادب	-----	polite	politely
popularity	محبوبیت	popularize	popular	popularly
possibility	احتمال	-----	possible	possibly
probability	احتمال	-----	probable	probably
-----	صحیح	-----	proper	properly
respect	احترام	respect	respectful	respectfully
suggestion	پیشنهاد	suggest	suggestive	suggestively
tourist	گردشگر	tour	-----	-----

Parts of Speech (Lesson 1 - Vision 2)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
absolute	وجود مطلق	-----	absolute	absolutely
access	دسترسی	access	accessible	accessibly
addition	افزایش	add	additional	additionally
appearance	ظاهر	appear	-----	-----
beginner	مبتدی	begin	-----	-----
certainty	اطمینان	-----	certain	certainly
communication	ارتباط	communicate	communicative	communicatively
confidence	اطمینان	-----	confident	confidently
decision	تصمیم	decide	decisive	decidedly
exchange	مبادله	exchange	exchangeable	exchangeably
existence	هستی	exist	existent	-----
experience	تجربه	experience	experienced	-----
explanation	توضیح	explain	explainable	-----
fluency	سلاست	-----	fluent	fluently
fortune	شانس	-----	fortunate	fortunately
frequency	فراوانی	frequent	frequent	frequently
consideration	ملاحظه	consider	considerable	considerably
honesty	صداقت	-----	honest	honestly
imagination	تخیل	imagine	imaginary	imaginatively
improvement	بهبودی	improve	improved	-----
label	برچسب	label	-----	-----
loudness	بلندی	-----	loud	loudly
matter	اهمیت	matter	-----	-----
measurement	اندازه	measurement	measureless	-----

Parts of Speech (Lesson 2 - Vision 2)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
activity	فعالیت	activate	inactive	actively
addiction	اعتیاد	addict	addictive	-----
balance	تعالل	balance	balanced	-----
comfort	راحتی	comfort	comfortable	comfortably
condition	شرط	condition	conditional	conditionally
production	تولید	produce	productive	productively
variety	تنوع	vary	various	variously
confusion	گیجی	confuse	confused	confusingly
depression	ناراحتی	depress	depressed	-----
discussion	بحث	discuss	discussable	-----
education	آموزش	educate	educated	-----
effect	اثر	affect	effective	effectively
-----	جدید	-----	recent	recently
simplicity	سهولت	simplify	simple	-----
weight	وزن	weigh	weighty	-----
forbiddance	ممنوعیت	forbid	forbidden	-----
harm	ضرر	harm	harmless	harmlessly
influence	تأثیر	influence	influential	-----
invitation	دعوت	invite	uninvited	-----
limitation	محدودیت	limit	limited	-----
physics	فیزیک	-----	physical	physically
prediction	پیش بینی	predict	predictive	-----
winner	برنده	win	winning	-----

Parts of Speech (Lesson 3 - Vision 2)

اسم	معنى	فعل	صفت	قيد
decoration	تزئين	decorate	decorative	decoratively
diversity	تنوع	diversify	diverse	diversely
economy	اقتصاد	economize	economic	economically
element	عنصر	-----	elementary	elementarily
excitement	هيجان	excite	exciting	excitedly
frightener	ترساننده	frighten	frightening	frighteningly
identity	هويت	identify	identifiable	identifiably
mentality	ذهن، اندیشه	-----	mental	mentally
morality	اخلاق	moralize	moral	morally
pride	غرور	-----	proud	proudly
reference	رجوع	refer	referential	-----
reflection	انعكاس	reflect	reflective	reflectively
satisfaction	رضایت	satisfy	satisfied	satisfyingly
shock	شوك	shock	shocking	shockingly
skill	مهارت	-----	skillful	skillfully
sociability	معاشرت	socialize	sociable	sociably
surprise	تعجب	surprise	surprised	surprisingly
totality	كليت	totalize	total	totally
tradition	سنت	-----	traditional	traditionally
truth	صداقت	-----	truthful	truthfully
vastness	وسعت	-----	vast	vastly

Part of Speech (Lesson 1 - Vision 3)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
<i>accident</i>	تصادف	-----	accidental	accidentally
<i>agreement</i>	توافق	agree	agreeable	-----
<i>appreciation</i>	قدردانی	appreciate	-----	-----
<i>babysitter</i>	پرستار بچه	babysit	-----	-----
<i>combination</i>	ترکیب	combine	combinable	-----
<i>confirmation</i>	تأیید	confirm	confirmed	-----
<i>dedication</i>	اهدا	dedicate	dedicated	-----
<i>description</i>	توصیف	describe	describable	-----
<i>discovery</i>	کشف	discover	discoverable	-----
<i>doer</i>	انجام دهنده	do	doable	-----
<i>elicitation</i>	استنباط	elicit	-----	-----
<i>failure</i>	شکست	fail	-----	-----
<i>inspiration</i>	الهام	inspire	inspired	-----
<i>kindness</i>	مهربانی	-----	kind	kindly
<i>low</i>	پائین	lower	low	low
<i>medicine</i>	دارو	medicalize	medical	medically
<i>pain</i>	درد	pain	painful	painfully
<i>repetition</i>	تکرار	repeat	repeated	repeatedly
<i>responsibility</i>	مسئولیت	-----	responsible	responsibly
<i>robber</i>	دزد	rob	-----	-----
<i>selection</i>	انتخاب	select	selective	selectively
<i>solution</i>	راه حل	solve	solvable	-----
<i>strength</i>	قدرت	strengthen	strong	strongly

Part of Speech (Lesson 2 - Vision 3)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
<i>abbreviation</i>	اختصار	abbreviate	abbreviated	-----
<i>arrangement</i>	ترتیب	arrange	arranged	arrangeable
<i>browser</i>	جستجوگر	browse	-----	-----
<i>container</i>	ظرف	contain	containable	-----
<i>definition</i>	تعریف	define	definable	definably
<i>direction</i>	جهت	direct	direct	directly
<i>expansion</i>	انبساط	expand	expanded	-----
<i>infection</i>	عفونت	infect	infectious	infectiously
<i>neatness</i>	تمیزی	neaten	neat	neatly
<i>order</i>	نظم	order	ordered	orderly
<i>organization</i>	سازمان	organize	organized	-----
<i>origin</i>	سرچشمه	originate	original	originally
<i>pollution</i>	آلودگی	pollute	polluted	-----
<i>primary</i>	ابتدایی	-----	primary	primarily
<i>publisher</i>	ناشر	publish	publishable	-----
<i>support</i>	حمایت	support	supportable	sportingly
<i>symbol</i>	نماد	symbolize	symbolic	symbolically
<i>technique</i>	فن	-----	technical	technically
<i>system</i>	سیستم	systematize	systematic	systematically
<i>user</i>	کاربر	use	useable	uselessly
<i>vibration</i>	لرزش	vibrate	vibrational	-----
<i>wisdom</i>	خرد، عقل	wise	wise	wisely

Part of Speech (Lesson 3 - Vision 3)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
<i>basis</i>	اساس	base	baseless	basely
<i>benefit</i>	منفعت	benefit	beneficial	beneficially
<i>chemistry</i>	شیمی	-----	chemical	chemically
<i>Christ</i>	مسیحی	-----	Christian	-----
<i>collector</i>	گردآورنده	collect	collective	collectively
<i>conclusion</i>	نتیجه	conclude	conclusive	-----
<i>constancy</i>	پایداری	-----	constant	constantly
<i>consumer</i>	مصرف کننده	consume	consumed	-----
<i>cooking</i>	آشپزی	cook	cooked	-----
<i>cooperation</i>	همکاری	cooperate	cooperative	cooperatively
<i>cost</i>	هزینه	cost	costly	-----
<i>delivery</i>	تحویل	deliver	delivered	-----
<i>description</i>	توصیف	describe	descriptive	descriptively
<i>digestion</i>	هضم	digest	digestive	digestively
<i>distance</i>	فاصله	distance	distant	distantly
<i>electricity</i>	برق	-----	electrical	electrically
<i>generation</i>	نسل	generate	generative	generatively
<i>leader</i>	رهبر	lead	leading	-----
<i>mechanic</i>	مکانیک	mechanize	mechanical	mechanically
<i>radiation</i>	تابش	radiate	radiative	-----
<i>replacement</i>	تعویض	replace	replaceable	-----
<i>shiner</i>	واکسی	shine	shiny	-----
<i>visibility</i>	رؤیت	visit	visible	visibly

“*Synonyms*”

کلمات مترادف

کلمات مترادف *Synonyms*

کلمات مترادف کلماتی هستند که از نظر معنی با همدیگر برابر هستند و میتوانند در جمله به جای هم قرار بگیرند و جمله از نظر معنی تغییر نکند. مهمترین کلمات مترادف پایه **دهم** و **یازدهم** عبارتند از:

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
مراقبت کردن از	take care of	look after	قطعاً - حتماً	surely	absolutely
مسابقه	race	match	اضافی	extra	additional
لازم - ضروری	essential	necessary	علاوه بر	in addition	besides
پیش بینی کردن	foresee	predict	علی رغم	in spite of	despite
جلوگیری کردن	stop	prevent	سریع	quick	fast
تولید کردن	make	produce	شکل دادن	make up	form
به درستی	appropriately	properly	خوشبختانه	luckily	fortunately
به ندرت	seldom	rarely	رها کردن	give up	quit
به ندرت	barely	hardly	عمدتاً - اساساً	mostly	greatly
اخیر - تازه	new	recent	تصور کردن	think of	imagine
راز - رمز	mystery	secret	عمدتاً - اکثراً	greatly	largely
شرکت کردن در	attend	take part in	تقریباً	about	nearly
عنوان	title	topic	توجه کردن	attention	notice
متأسفانه	unluckily	unfortunately	تکه - قطعه	slice	piece
جلوگیری کردن	prevent	avoid	قدرتمند	strong	powerful
وسیله	tools	means	ناحیه - منطقه	area	region
هدایت کردن	guide	direct	جستجو کردن	search for	seek
تأثیر	influence	effect	ویژه - خاص	certain	special
به ویژه	specially	in particular	مناسب	appropriate	suitable
عصبی	angry	nervous	کوچک	small	tiny
متخصص	expert	specialist	یکسان - مشابه	similar	same
به دست آوردن	gain	achieve	با ارزش	expensive	valuable
متعجب	surprised	amazed	عالی	fantastic	excellent
شرمنده	embarrassed	ashamed	یه خورده	a little	a bit
تلاش - سعی	try	attempt	در واقع	in fact	actually
تنوع - گوناگونی	difference	diversity	آب نبات	sweet	candy
ترسیده	afraid	frightened	ویژه - خاص	particular	specific
سفر	travel	tour	هدف - مقصد	aim	goal
لذت، خوشی	enjoyment	pleasure	تک، تنها	single	unique
به طور کامل	entirely	totally	تجارت	trade	business

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
فهمیدن	understand	recognize	مؤثر - مفید	efficient	effective
وسیع	wide	vast	مشهور - معروف	well-known	famous
مقاله	article	essay	کلی - معمولی	normal	general
موجود - در دسترس	at hand	available	رویداد - واقعه	event	happening
علامت - نشانه	symbol	sign	مضر	harmless	harmful
علاوه بر	furthermore	besides	ادامه دادن	continue	keep on
اجتماعی - صمیمی	friendly	sociable	زود - به زودی	soon	early
خلاق	inventive	creative	پروژه - طرح	scheme	project
صنعت - هنر	art	craft	متغیر بودن	vary	range
ارزش - بها	value	price	کاهش دادن	decrease	reduce
تاثیر برانگیز	emotive	touching	نوع - دسته	kind	type
ترسیده	scared	frightened	کسب کردن	obtain	earn
نشان دادن	show	reflect	آرام - ساکت	quiet	calm
بشر	mankind	humankind	مضر	hurtful	harmful
گیج	mixed up	confused	هشدار	warn	alarm
تلاش - سعی	endeavor	attempt	خطر	danger	risk
آسان	easy	simple	انتظار داشتن	hope for	expect
مصنوعی	hand-made	artificial	شامل بودن	include	contain
تمرین	exercise	practice	بیماری	illness	disease
رسم - آیین	tradition	custom	شرکت کردن	participate	attend
وابسته بودن به	rely on	depend on	رفتار کردن	treat	behave
افزایش دادن	enhance	increase	در خطر	at risk	endangered
جنگل	jungle	forest	دفاع کردن	protect	defend
عادی ، رایج	ordinary	common	انسان، شخص	person	human
واقعاً	actually	really	کسل کننده	uninteresting	boring
قاعده، قانون	law	rule	از دست دادن	miss	lose
زخمی، مجروح	damaged	injured	درد	ache	pain
در عوض، به جای	in place of	instead of	نجات دادن	protect	save
تعجب برانگیز	surprising	amazing	طرح، نقشه	plan	strategy
فیلم	film	movie	منظم، مرتب	normal	regular
بالا رفتن	mount	climb	اگر چه	although	however
راضی، خرسند	gratified	satisfied	شاد	glad	cheerful
تنوع	variety	diversity	رسم، سنت	tradition	custom

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
الگو، روش	method	pattern	تشخیص دادن	recognize	identify
متوسط	medium	average	جاده. مسیر	path	road
نزدیک	close	near	اطراف، دور و بر	surrounding	around
میکروب	germ	microbe	درک، فهم	understanding	comprehension
شجاع، نترس	fearless	brave	چرخیدن	rotation	orbit
رنگ، رنگ کردن	color	paint	تازه، جدید	recent	fresh
نکته	clue	hint	خوشمزه	tasty	delicious
دایره، حلقه	circle	ring	عجیب، غیر عادی	uncommon	strange
خلق، شکل گیری	formation	creation	بهشت	paradise	heaven
نگه داشتن	hold	keep	قسمت، بخش	part	organ
گران	costly	expensive	عقیده، نظر	attitude	opinion
مقایسه کردن	weigh	compare	عنصر	component	element
بیماری	illness	sickness	توصیف کردن	explain	describe
وسیله، ابزار	tools	device	نشانگر، کمان	indicator	arrow
به دست آوردن	get	gain	مهارت، توانایی	ability	skill
مشابه، شبیه	alike	similar	نیاز داشتن	demand	require
محل	location	site	فوراً	immediately	at once
قدیمی	old	ancient	تعطیلی	holiday	vacation
بومی، محلی	local	native	سرگرمی	amusement	entertainment
عمده، اصلی	chief	main	احتمالاً	perhaps	probably
مشهور	famous	popular	سرگرمی	hobby	recreation
برگشتن	come back	return	جنگ، دعوا	fighting	war
با خونسردی	calmly	patiently	ظهر، نصف روز	noon	midday
ساکت	silent	quiet	آموزش دادن	educate	train
جامعه	community	society	گستاخانه، با پر رویی	impolitely	rudely
احترام	regard	respect	تقریباً	almost	nearly
با هوش	clever	smart	کشاورزی	agriculture	farming
متوازن، پایدار	stability	balance	ناراحت	unhappy	depressed
بدنی، جسمی	bodily	physical	آرام، خون سرد	relaxed	calm
ارتباط	connection	relationship	احساساتی، حساس	sensitive	emotional
دلیل	cause	reason	موقعیت	situation	condition
موضوع	topic	subject	مخرب	damaging	destructive

کلمات مترادف سال دوازدهم: *Synonyms*

یادآوری: کلمات مترادف کلماتی هستند که از نظر معنی با همدیگر برابر هستند و میتوانند در جمله به جای هم قرار بگیرند و جمله از نظر معنی تغییر نکند. کلمات مترادف میتوانند از نظر ظاهری کلماتی کاملاً متفاوت باشند.

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
پیشرفت کردن	advance	progress	راه و روش	way	manner
عقیده- باور	though	opinion	اضافی- زائد	extra	additional
قوی- پر انرژی	powerful	energetic	شوخ- بذله گو	jolly	funny
سریع- تند	rapid	quick	قوی- پرانرژی	powerful	strong
دنبال چیزی گشتن	seek	look for	پیشرفت کردن	grow	develop
مشاهده کردن	observe	view	آسان	simple	easy
اختراع کردن	create	make new things	سخت	difficult	hard
پیشرفت کردن	advance	improve	فعال- پرانرژی	active	energetic
تلاش	attempt	effort	غیرفعال	passive	inactive
پخش کردن	print	publish	مشهور- معروف	well know	famous
دنبال چیزی بودن	to search for	to be after	سعی- تلاش	attempt	try
علم- دانش	science	knowledge	فکر- عقیده	idea	belief
شرکت کردن	take part	attend	متأسفانه	unfortunately	sadly
دارو	drug	medicine	خوشبختانه	luckily	fortunately
جمع کردن	gather	collect	سریع	fast	rapid
جمع کردن	take	pick up	رمان	a long story	novel
نوع	kind	type	زود- به زودی	early	soon
پخش کردن	spread	print	به خاطر آوردن	recall	remember
شرکت کردن	participate	take part	پیروزی	victory	success
درمان	cure	drug	شرمنده- متأسف	ashamed	sorry
نوع	sort	kind	رفتار کردن	act	behave
پر از سنگ	full of rocks	rocky	هدف	aim	end
حقیقت	truth	fact	هدف	goal	purpose
ورزش- تمرین	sport	exercise	غیرمنتظره	unexpectedly	suddenly
دور زدن	orbit	go around	بزرگ شدن	become older	grow up
هدیه	present	gift	جستجو کردن	search for	seek
قوی	strong	powerful	مشهور- معروف	celebrated	popular
دور زدن	circle	orbit	دیدن- مشاهده	see	observe
خطرناک	risky	dangerous	انجام دادن	perform	do
خطرناک	unsafe	risky	اختراع کردن	create	invent
پیشنهاد	offer	proposal	کوچک	little	tiny
روش	style	way	بزرگ	large	big
پیشنهاد	suggestion	offer	خوشمزه	tasty	delicious

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
متعجب	amazed	shocked	احتمالاً	maybe	possibly
مصاحبه کردن	cross-examine	interview	حتماً	surely	of course,
مشهور	famous	well-known	محافظت کردن	take care	protect
سرگرمی	hobby	fun	جدید	new	modern
ملی	domestic	national	اصلی	main	important
سرگرمی	entertainment	amusement	مهم	necessary	chief
محلی	local	domestic	بی اهمیت	unnecessary	unimportant
مهارت	knowledge	skill	دفاع کردن	protect	defend
جشن	ceremony	celebration	پاک-تمیز	clean	clear
مهارت	knowledge	experience	مرتب	tidy	neat
خارج از کشور	out of country	abroad	دفاع کردن	protect	support
مناسب	fit	suitable	کثیف	dirty	unclear
مناسب	appropriate	proper	مفید	helpful	useful
نامناسب	inappropriate	unsuitable	سالم	well	healthy
گرم-داغ	warm	hot	مریض	sick	ill
احترام گذاشتن	admire	respect	علاقمند بودن	like	be interested in
سنتی - قدیمی	old	ancient	تنفر داشتن	hate	dislike
جدید - مدرن	modern	new	ناحیه - مکان	place	site
قدیمی - سنتی	traditional	old	منطقه - ناحیه	region	area
گسترده - نامحدود	broad	wide	منطقه	zone	region
محدود	restricted	limited	تعطیلات	holiday	vacation
گسترده	vast	large	هدف - پایان	end	destination
جذب کردن	absorb	attract	جستجو کردن	search	surf
اجتناب ورزیدن	avoid	reject	هدف	purpose	aim
جذب کردن	absorb	interest	مسافر	traveler	pilgrim
بد مزه	tasteless	bad taste	هدف	purpose	goal
مهم - اصلی	important	main	مسافرت کردن	go on a trip	travel
احتمالاً	likely	probably	مقایسه کردن	compare	contrast
حتماً	surely	certainly	مسافرت کردن	journey	travel
احتمالاً	maybe	perhaps	روش	method	style
در دسترس	accessible	available	صدمه زدن	damage	hurt
چمن	lawn	grass	حمایت	take care	support
قاره	landmass	continent	خراب کردن	destroy	injure
محل کار	workplace	office	باهوش	brilliant	smart
مقدار	quantity	amount	ساده	easy	simple
محل کار	workplace	agency	مهارت	skill	ability
تغییر کردن	range	vary	درک	perception	understanding

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
ستون	pillar	column	مهارت	skill	talent
همچنین	furthermore	besides	زبان	tongue	language
شکل دادن	shape	to form	گرفتن	get	catch
همچنین	also	besides	ورزشکار	athlete	sportsman
توضیح دادن	clarify	explain	هدف	purpose	intent
شی-مفعول	item	object	غمگین	sad	depressed
شیرین	sweet	candy	حداقل	minimum	at least
توضیح دادن	clarify	elucidate	کاملاً	completely	totally
منطقه	area	region	تلاش کردن	try	attempt
ناحیه	area	zone	سرزمین مادری	motherland	homeland
ذهنی	cerebral	mental	به دست آوردن	gain	earn
جامعه- تمدن	civilization	society	سلامتی	health	wellness
ذهنی	cerebral	psychological	دریافت کردن	receive	get
اندازه گیری کردن	gage	measure	عالی	great	excellent
توسعه	growth	development	نمره	grade	mark
مترادف	equivalent	synonym	احساس	sentiment	feeling
توسعه	increase	growth	کاملاً	totally	quite
خطرناک	risky	dangerous	حقیقت	fact	truth
تعداد زیادی	a large number of	a lot of	کاملاً	totally	really
خطرناک	risky	unsafe	درصد	in a hundred	percent
اخیرا	newly	recently	تعداد زیادی	a lot of	many
حقیقتا	actually	really	کافی	sufficient	enough
اخیرا	lately	lastly	ناکافی	inadequate	insufficient
حقیقتا	in fact	surely	کافی	enough	adequate
مثلا	for instance	for example	جذاب	entertaining	amusing
حقیقتا	honestly	in fact	کسل کننده	tiring	boring
مانند	such as	like	جذاب	amusing	attractive
بشر	a person	human	قبلی	previous	last
به جای	in place of	instead	نزدیک	close	near
بشر	mankind	man	توجه کردن	notice	pay attention
به جای	instead	rather than	خطر	risk	danger
تعجب آور	wonderful	amazing	درست کردن	build	make
جنگل	jungle	forest	مصنوعی	unreal	unnatural
بخشیدن	grant	donate	طبیعی	real	natural
انتقال دادن	transfer	carry	مصنوعی	unreal	artificial
بخشیدن	grant	give	زندگی کردن	live	be born
مخصوصاً	particularly	especially	مشابه	similar	same

“*Antonyms*”

كلمات متضاد

کلمات متضاد: *Antonyms*

کلمات متضاد کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم ضد و مخالف یکدیگر هستند و چنانچه در جمله ای به جای کلمه ای از متضاد آن استفاده کنیم "معنی جمله بر عکس میشود".

گاهی دو لغت متضاد ممکن است دو شکل متفاوت داشته باشند مثلاً لغات beautiful و ugly. این دو لغت شکلشان کاملاً با یکدیگر متفاوت است. گاهی هم دو لغت متضاد با افزودن پیشوند prefix یا پسوند suffix به یک لغت ساخته می شوند. برای مثال دو لغت متضاد useful و useless که با اضافه کردن پسوندهای -ful و -less به کلمه ساخته شده اند

یادگیری متضادها هم مانند یادگیری لغات مترادف به شما کمک می کند تا دایره لغات خود را گسترش دهید. البته در آزمونها به طور مستقیم از متضادها سوال طراحی نمی شود اما با یادگیری آنها می توانید معانی بسیاری از لغات ناآشنایی که در متن وجود دارد را حدس بزنید.

تعدادی از مهمترین کلمات متضاد پایه، سال دهم و یازدهم عبارتند از:

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
ability	توانایی	disability	balanced	متوازن	unbalanced
available	در دسترس	unavailable	calm	خونسرد	angry
borrow	قرض گرفتن	lend	death	مرگ	birth
countable	قابل شمارش	uncountable	decrease	کاهش دادن	increase
die	مردن	live	depressed	ناراحت	glad
appear	ظاهر شدن	disappear	agree	موافق بودن	disagree
exist	وجود داشتن	die	educated	با سواد	uneducated
host	میزبان	guest	exciting	هیجان برانگیز	boring
possible	ممکن	impossible	satisfied	خوشنود	unhappy
luckily	خوش شانس	unluckily	forbid	ممنوع کردن	allow
mental	ذهنی	physical	gain	به دست آوردن	lose
orally	شفاهی	written	healthy	سالم	sick
same	یکسان - مشابه	different	complete	کامل	incomplete
turn on	روشن کردن	turn off	let	اجازه دادن	prevent
useful	مفید	harmful	sadly	متأسفانه	fortunately
honest	صادق	truthful	slowly	به کندی	quickly
tiny	کوچک	huge	direct	هدایت کردن	indirect
receive	دریافت کردن	send	impatient	بی حوصله	patient
weak	ضعیف	powerful	positive	مثبت	negative
careful	مواظب	careless	sell	فروختن	buy

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
catch	گرفتن	miss	soft	نرم	hard
cheerful	شادمان	upset	traditional	سنتی	modern
wrong	اشتباه	correct	ugly	زشت	pretty
fall	افتادن	rise	warm	گرم	cold
former	پیشین	latter	wellness	سلامتی	illness
remember	به یاد آوردن	forget	worried	نگران	relaxed
rich	ثروتمند	cheap	accept	پذیرفتن	reject
safety	امنیت	risk	worthy	با ارزش	unworthy
simple	ساده	difficult	antonym	متضاد	synonym
paradise	بهشت	hell	far	دور	near
attack	حمله کردن	defend	simple	ساده	complicated
future	آینده	past	destroy	تخریب کردن	build
win	برنده شدن	lose	enhance	بالا بردن	reduce
agree	موافقت کردن	disagree	costly	پر هزینه	cheap
cheerful	شادمان	depressed	sure	مطمئن	uncertain

کلمات متضاد سال دوازدهم: *Antonyms*

یادآوری: کلمات متضاد کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم ضد و مخالف یکدیگر هستند و چنانچه در جمله ای به جای کلمه ای از متضاد آن استفاده کنیم معنی جمله بر عکس میشود.

گاهی دو لغت متضاد ممکن است دو شکل متفاوت داشته باشند مثلاً لغات beautiful و ugly. این دو لغت شکلشان کاملاً با یکدیگر متفاوت است. گاهی هم دو لغت متضاد با افزودن پیشوند prefix یا پسوند suffix به یک لغت ساخته می شوند. برای مثال دو لغت متضاد useful و useless که با اضافه کردن پسوندهای -ful و -less به کلمه ساخته شده اند.

معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد	کلمه
کم کردن # اضافه کردن	subtract	add	بیدار # خواب	awake	asleep
فرد # زوج	add	even	ثروتمند # فقیر	poor	rich
افسانه # حقیقت	fiction	face	از دست دادن # به دست	loss	gain
حدس زدن # یقین داشتن	guess	know	باختن # بردن	lose	win
ماندن # رفتن	stay	leave	باز کردن # بستن	untie	tie
راست # چپ	right	left	معمولی # منحصر به فرد	usual	unique
پایین # بالا	low	high	سخت # نرم	hard	soft
کمترین # بیشترین	least	most	بزرگ # کوچک	big	little
دور # نزدیک	far	near	گرفتن # پرتاب کردن	catch	throw
جنوب # شمال	south	north	دیر # زود	late	early
باریک # پهن	narrow	wide	موافق # مخالفت	agree	disagree
خاموش # روشن	off	on	کسل کننده # هیجان انگیز	boring	exciting
بسته # باز	close	open	لاغر # چاق	thin	fat
جدا کردن # متصل کردن	unzip	zip	ناراحت # شاد	sad	glad
عمومی # خصوصی	public	private	آخرین # اولین	last	first
پاسخ # پرسش	answer	question	دادن # گرفتن	give	get
پایین آوردن # بالا بردن	lower	raise	جدی # شوخ	serious	funny
غلط # درست	wrong	right	جلو # عقب	front	back
افقی # عمودی	horizontal	vertical	باهم # تنها	together	alone
اشتباه # صحیح	false	true	هرگز # همیشه	never	always
ایستادن # نشستن	stand	sit	پایین # بالا	below	above
اینجا # آنجا	here	there	گرم # سرد	warm	cool
ضعیف # قوی	weak	strong	کشیدن # هل دادن	pull	push
درون # بیرون	inside	outside	روشن # تاریک	light	dark
سخت # آسان	hard	simple	هیچکدام # همه	none	all
غیرفعال # فعال	inactive	active	مرطوب # خشک	wet	dry
خوشبختانه # متأسفانه	fortunately	unfortunately	غرب # شرق	west	east
آهسته # سریع	slow	quick	پر # خالی	full	empty
دیر # زود	late	soon	پایین # بالا	down	up
یکسان # مختلف	same	different	بی احترامی کردن # احترام گذاشتن	disrespect	respect

معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد	کلمه
آرام # بلند	quiet	loud	زیر # بالا	under	over
بدمزه # خوشمزه	bad taste	delicious	تمام # بخش	whole	part
تحويل دادن # تحويل گرفتن	check out	check in	ناشناخته # معروف	unknown	well know
یقیناً # احتمالاً	certainly	probably	شکست # پیروزی	failure	success
محافظت کردن # صدمه زدن	injure	take care	بدترین # بهترین	worst	best
اضافی # زائد	excessive	extra	پیر # جوان	old	young
داوطلبانه # اجباری	voluntary	obligatory	ضعیف # قوی	weak	strong
زنده # مرده	alive	dead	خطرناک # امن	safe	unsafe
افزایش # کاهش	increase	decrease	بدون # با	without	with
وحشی # اهلی	wild	domestic	بی مزه # خوشمزه	tasteless	tasty
تعداد کمی # تعداد زیادی	a few	a lot of	قدیمی # نو	old	new
پیدا کردن # گم کردن	find	lose	مهم # بی اهمیت	unimportant	important
نا کافی # کافی	insufficient	sufficient	حمله کردن # دفاع کردن	attack	defend
بعدی # قبلی	next	last	ترسو # شجاع	timid	brave
دور # نزدیک	far	near	ضروری # غیر ضروری	unnecessary	necessary
نادیده گرفته # توجه کردن	ignore	notice	کثیف # تمیز	unclear	clear
آتش زدن # خاموش کردن	fire	put out	بی فایده # مفید	useless	useful
امنیت # خطر	safety	danger	کثیف # تمیز	dirty	clean
خراب کردن # درست کردن	destroy	build	بیمار # سالم	sick	healthy
طبیعی # مصنوعی	natural	unnatural	جامد # مایع	solid	liquid
نابود شدن # به دنیا آمدن	die out	be born	تنفر داشتن # علاقمند بودن	dislike	like
فراموش کردن # به خاطر آوردن	forget	remember	متفاوت # یکسان	different	same
مدرن # قدیمی	modern	ancient	داخل کشور # خارج کشور	domestic	abroad
محدود # نامحدود	limited	wide	نامناسب # مناسب	unsuitable	suitable
اجتناب کردن # جذب کردن	reject	attract	سرد # گرم	cold	hot
مشغول # بیکار	busy	free	نامناسب # مناسب	inappropriate	appropriate

۳۰۰ تست واژه کنکور

کنکورهای سراسری (۱۳۷۰ - ۱۳۹۷)

تست واژگان کنکورهای سراسری (۱۳۷۰ - ۱۳۹۷)

1. Research has shown the weather can ----- people's behavior.
a. raise b. bother c. influence d. introduce
2. So far, we haven't been able to find much about this metal but we are still ----- on it.
a. remembering b. researching c. recognizing d. releasing
3. Here is some ----- information about the history of Iran.
a. useful b. careful c. powerful d. successful
4. My study involves the ----- of the animals in their natural surroundings.
a. impression b. destination c. promotion d. observation
5. You must decide for yourself. Don't let anybody else ----- you.
a. promise b. influence c. improve d. encourage
6. He had to cancel his weekend plan because of the ----- of work at the office.
a. publicity b. pressure c. capacity d. resource
7. The imposed war had a very serious ----- on the economy of our country.
a. effect b. import c. income d. labor
8. My friend didn't----- well in the group, so he was put away.
a. relax b. dissolve c. behave d. contain
9. Many ----- are being done to show the effect of watching TV on people's lives
a. arrangements b. arguments c. agreements d. experiments
10. After a long discussion, she finally agreed that I was right in several -----.
a. cases b. fields c. scenes d. topics
11. Don't hold the book too near while reading. It may damage your -----.
a. mind b. memory c. eyesight d. brain
12. The shirts and their colors are so beautiful that it's not easy for me to make a ----- of which to buy.
a. opportunity b. fortune c. election d. choice
13. You have to listen to different cassettes if you want to ----- your listening comprehension.
a. allow b. improve c. observe d. provide
14. The influence of your new book on the readers is unbelievable. " Influence " means -----.
a. effect b. contact c. contract d. product
15. Whether young or old, the environment in which we work has a great ----- on us .
a. education b. emotion c. experience d. effect
16. In several cases which children were gotten away from TV, their ----- improved a lot.
a. pressure b. eyesight c. advice d. fashion
17. She showed such a great ----- in playing the piano that everybody admired her.
a. health b. idea c. skill d. expression
18. He's not an honest person, so people hate him. " Hate " means -----.
a. dislike b. excuse c. hold d. prefer
19. Don't light the cigarette. Smoking is ----- inside the building.
a. handled b. punished c. suffered d. forbidden

20. Do you ----- how much work I have done today.
a. organize b. advise c. promise d. realize
21. Women are ----- from going out without a scarf in this country.
a. forbidden b. removed c. handled d. organized
22. Parents play a vital ----- in their children's education.
a. norm b. mood c. role d. comment
23. People can ----- for a storm if they know it is coming.
a. provide b. prepare c. present d. polish
24. To be ----- with you, I do not think your plan is practical.
a. perfect b. secure c. desirable d. honest
25. There are a large number of young people with university ----- who look for job.
a. habits b. degrees c. measures d. accounts
26. The law ----- people to sell cigarettes to anyone under the age of 16.
a. refuses b. forbids c. follows d. recalls
27. We conduct regular checks on our ----- to make sure that they are of high quality.
a. products b. brackets c. convents d. gestures
28. One ----- tool in time management is to check how to spend your time for a week.
a. artificial b. economical c. elementary d. valuable
29. Some people aren't ----- of themselves for telling lies.
a. ashamed b. composed c. disturbed d. informed
30. She's the most efficient secretary we had ever had. She does everything -----.
a. awfully b. carelessly c. perfectly d. greedily
31. Babak is a stupid boy. The more he studies the less he learns. " Stupid " is the opposite of -----.
a. brave b. clever c. polite d. strong
32. It is said that our country is ----- more cars now than before.
a. improving b. suggesting c. crowding d. producing
33. There are always more jobs for highly ----- people than those who have not been to the university.
a. supervised b. educated c. inventive d. productive
34. As I watched the TV play, I suddenly ----- that I had seen it before.
a. displeased b. wondered c. realized d. compared
35. My mother is sick and I have to ----- her while my father is away.
a. look up b. take part in c. look after d. take away
36. Children usually ----- their parents for food and clothes.
a. depend on b. insist on c. keep on d. turn on
37. They are still ----- dead bodies in Bam.
a. giving up b. sticking out c. bored with d. searching for
38. Please ----- the television before you go to bed; or we would not be able to sleep.
a. look for b. put on c. turn off d. wake up
39. How could you ----- what he said was not true, by fortune?
a. stick out b. find out c. pick up d. give up

40. I ----- my neighbor's son while she was out last night.
a. set up **b. gave up** **c. looked after** **d. took place**
41. I ----- quickly to see if someone was following me.
a. turned round **b. looked after** **c. searched for** **d. turned down**
42. My job seemed to ----- standing and smiling at people.
a. devoted to **b. be aware of** **c. take part in** **d. consist of**
43. We are ----- him finishing the job on Friday.
a. keeping up **b. depending on** **c. concentrating on** **d. passing on**
44. If you ----- the radio, we can hear better.
a. make up **b. pass on** **c. call up** **d. turn up**
45. He ----- the door of the shop and went home.
a. got away from **b. locked up** **c. took off** **d. take part in**
46. Mrs. Ahmadi's servant will ----- her children while she is in hospital.
a. look up **b. look for** **c. look after** **d. look at**
47. The airline agency is directly ----- the safety of its passengers.
a. similar to **b. responsible for** **c. willing to** **d. continuous for**
48. We will achieve more if we ----- our studies.
a. pick up **b. look up** **c. take part** **d. concentrate on**
49. Our ----- to think and speak makes us different from other animals.
a. ability **b. activity** **c. memory** **d. research**
50. Everybody needs to have both ----- and physical health.
a. mental **b. reasonable** **c. conscious** **d. religious**
51. Many tourists carry cameras of various kinds to keep a ----- of what they have seen on their trips.
a. record **b. sight** **c. scene** **d. memory**
52. Collecting stamps is an interesting ----- if one can afford to buy them.
a. duty **b. habit** **c. hobby** **d. role**
53. Some people can never recall the stories they are told. "Recall" is the opposite of -----.
a. continue **b. explain** **c. discover** **d. forget**
54. He has got such a strong ----- . He never forgets anything.
a. brain **b. capacity** **c. memory** **d. mind**
55. When she opened her eyes, she saw a white ----- standing by her bedside.
a. object **b. event** **c. member** **d. view**
56. I had to make a ----- effort not to get angry at her silly behavior.
a. conscious **b. disappointed** **c. dependent** **d. responsible**
57. Please write to us for more ----- of the job.
a. advantages **b. customers** **c. details** **d. expressions**
58. Watching the photos we had taken in Australia brought me back a lot of nice ----- .
a. hobbies **b. periods** **c. memories** **d. collections**
59. If your back is still ----- , take an aspirin. It will be good for you.
a. painful **b. unusual** **c. secure** **d. average**

60. The American war against Iraq has been the worst ----- of the year 2003.
a. event b. account c. element d. accident
61. The police ----- everywhere for the thieves, but couldn't find them.
a. improved b. searched c. employed d. measured
62. She works in a hospital for the ----- ill.
a. mentally b. attentively c. commonly d. emotionally
63. If you are going to walk a long way, it is better to start at a slow -----.
a. pace b. action c. extent d. attempt
64. Children's ----- needs are as important as their physical ones.
a. emotional b. amusing c. constant d. primitive
65. The school is ----- for the safety of the children during the school hours.
a. responsible b. particular c. flexible d. similar
66. Anyone ----- joining the club should contact us at the address below.
a. interested in b. careful c. responsible d. influenced by
67. The idea of "law" ----- in every culture.
a. attaches b. removes c. traps d. exists
68. Mohsen is a very careless driver. His parents are worried about his -----.
a. ability b. honesty c. safety d. variety
69. Millions of people all over the world spend hours every week watching sports -----.
a. sessions b. reasons c. accidents d. events
70. I had to study for the exam, so I had a ----- sleep last night.
a. brief b. extreme c. concerned d. unbelievable
71. Today thousands of men and women from different countries take part in the Olympic Games. "Take part " means -----.
a. appreciate b. communicate c. concentrate d. participate
72. The price ----- the return ticket, hotel and meals for two days.
a. composes b. attends c. requires d. includes
73. The Islamic Republic of Iran has had a good ----- diplomacy since the beginning of the Revolution.
a. international b. physical c. mechanical d. equal
74. In doing a test, first we should read the ----- carefully.
a. decisions b. collections c. instructions d. publication
75. He had a good ----- to be selected as the president of the company.
a. service b. device c. fortune d. culture
76. The government should encourage people to have ----- with each other in using things again and again.
a. huntings b. fightings c. competitions d. observations
77. The ----- of these machines is very simple.
a. situation b. attention c. operation d. pollution
78. He ----- the police to search every corner of his apartment.
a. permitted b. treated c. respected d. reported
79. Our basketball team played well and was the ----- of the competition.
a. stranger b. winner c. viewer d. conductor

80. Doctors said that they could not ----- the patient now because it was too risky.
a. respect b. overtake c. operate d. offend
81. He had better read the ----- before he continues his work.
a. instruments b. characters c. instructions d. conditions
82. The ----- that you make at school often lasts for life.
a. friendships b. operations c. organizations d. memberships
83. It is against the law to open someone's mail without ----- or to secretly listen someone's telephone exchange.
a. permission b. occasion c. missionary d. advertised
84. The design has not changed – the new one is ----- the same as the old one.
a. basically b. constantly c. efficiently d. interchangeably
85. I tried to follow the -----, but I got confused.
a. instructions b. collections c. conditions d. endeavors
86. The situation has got better by several ----- new developments.
a. willing b. exciting c. confusing d. shocking
87. Some students were too confused to answer the questions correctly. " Confused " means -----.
a. amused b. excited c. puzzled d. relaxed
88. I am always surprisingly ----- before an exam and never feel any kind of stress.
a. confused b. shocked c. disappointed d. relaxed
89. The teacher asked the students to write the answers in a separate ----- of paper.
a. sheet b. field c. edge d. area
90. The woman was ----- by the little dog outside the house.
a. qualified b. separated c. overcrowded d. frightened
91. At last we have found a solution to a problem which was very -----.
a. excited b. balanced c. confusing d. producing
92. The instruction on the box are very -----, I don't know how to use it.
a. amusing b. amazing c. confusing d. interesting
93. It's wonderful what they can do these days. " Wonderful " means -----.
a. interesting b. surprising c. amusing d. producing
94. Margaret has to do all that work before Friday – do you think she'll -----.
a. manage b. organize c. occur d. allow
95. Smoking and drinking are among his bad -----.
a. topics b. means c. degrees d. habits
96. A Moslem breaks his ----- at the end of the day.
a. task b. fast c. scene d. content
97. We were in a(n) ----- state last night because of the explosion.
a. amusing b. shocking c. confusing d. relaxing
98. There is always a degree of risk ----- in mountain climbing.
a. involved b. preceded c. operated d. influenced
99. The noisy student was ordered to leave the room -----.
a. finally b. comfortably c. continuously d. immediately
100. I sometimes got involved in a(n) ----- conversation about food prices and got tired.
a. boring b. sleeping c. chemical d. emotional

101. Listen! I'm ----- . I'm not lending you any more money.
a. serious b. famous c. religious d. surprised
102. That man ----- stealing the money.
a. repairs b. denies c. borrows d. invents
103. Jim is not experienced enough to work six hours a day constantly. " constantly " means ----- .
a. previously b. continuously c. definitely d. appropriately
104. Frances is a natural leader; he's very good at ----- people.
a. designing b. handling c. restating d. devoting
105. The brain receives information from scenes, ----- the information, and rapidly sends our responses.
a. products b. publishes c. processes d. permits
106. An instruction handbook from the manufacturer is ----- to the customers.
a. personal b. available c. relative d. brilliant
107. I have fifty books on my shelves which cover every ----- of Iranian history.
a. mission b. aspect c. effect d. focus
108. On September 11th, the twin ----- of the World Trade Center were destroyed.
a. regions b. rows c. tracks d. towers
109. The pianist ----- brilliantly in the last night's concert.
a. attracts b. issued c. magnified d. performed
110. They were worried about the ----- of western films and television on young people.
a. ignorance b. importance c. influence d. instance
111. There isn't much ----- for young people in this town. There's only one cinema.
a. entertainment b. arrangement c. experiment d. assignment
112. The clothes were ----- for extremely cold climates.
a. designed b. absorbed c. afforded d. developed
113. Walking to and from work is the ----- I enjoy much.
a. function b. activity c. event d. behavior
114. A teacher should know how to handle the class well. " Handle " means ----- .
a. behave b. educate c. manage d. receive
115. At sea the wind can build up giant powerful waves. " Giant " means ----- .
a. amused b. confused c. enormous d. ancient
116. She was able to ----- her weight from 60 kg to 55 kg.
a. release b. reduce c. control d. measure
117. Some animals ----- the plants and other animals of that place for their food, and become used to the climate.
a. depend on b. insist on c. carry out d. concentrate on
118. Too much pressure produced by the blood pressing against inner walls of the blood ----- is called high blood pressure.
a. joints b. vessels c. nutrients d. ankles
119. The amount of money one earns ----- the work he is doing.
a. depends on b. refers to c. asks for d. consists of
120. Children usually have ----- bodies since they can bend and stretch easily.
a. relaxed b. mild c. reduced d. flexible

121. Plants draw minerals and other ----- from the soil.
a. nutrients **b. chemicals** **c. underpass** **d. features**
122. Things needed to keep a living thing alive and to help it grow are -----.
a. contents **b. joints** **c. nutrients** **d. networks**
123. Television can ----- our knowledge of the outside world; there are high quality programs that help us understand many fields of study.
a. decrease **b. reduce** **c. magnify** **d. increase**
124. In most countries, the people all understand one language. They feel----- of their country, its history and way of life.
a. anxious **b. nervous** **c. proud** **d. worried**
125. We don't know exactly when the house was built, but it was ----- over 100 years ago.
1) recently **2) certainly** **3) successfully** **4) constantly**
126. Our plans need to be ----- enough to provide the needs of everyone.
a. repetitive **b. flexible** **c. physical** **d. emotional**
127. You will lose weight and become weak unless you receive all the ----- your body needs.
a. qualities **b. functions** **c. endorphins** **d. nutrients**
128. He did his best to ----- his arm to reach the apple, but he couldn't.
a. stretch **b. join** **c. release** **d. join**
129. Eating ----- foods and getting regular exercise have become important to both younger and older people.
a. individual **b. serious** **c. repetitive** **d. healthful**
130. You have to take regular ----- to reduce the risk of heart attack.
a. practice **b. influence** **c. activity** **d. exercise**
131. When we exercise, our body can release endorphins. " Release " means -----.
a. raise **b. keep** **c. set free** **d. lie**
132. The office is going to ----- working hours from 25 to 30 per week.
a. decide **b. increase** **c. combine** **d. research**
133. The aim of having a nuclear free world is to obtain more ----- in our lives.
a. safety **b. effect** **c. calorie** **d. focus**
134. Students are normally ----- about the results of their exams.
1) anxious **2) emotional** **3) conscious** **4) impolite**
135. We can, therefore, ----- and say that most of our students are middle - class.
1) organize **2) summarize** **3) generalize** **4) surprise**
136. Jane can get the job done. I have full ----- in her abilities.
1) endeavor **2) confidence** **3) situation** **4) contact**
137. Could you stop talking, please? You are ----- me from my work.
1) recalling **2) influencing** **3) denying** **4) distracting**
138. Don't ----- out of the window while the train is moving.
1) react **2) cross** **3) lean** **4) handle**
139. No matter what you wear, your clothes send a ----- about who you are.
1) message **2) respect** **3) definition** **4) warning**

140. Many people like talk shows because guests are usually ----- in challenging situations.
 1) organized 2) involved 3) prepared 4) described
141. A: What do you think that ----- means? B: It could mean goodbye.
 1) expression 2) occasion 3) gesture 4) course
142. "There's no way I'm letting you go to the party," my mother said -----.
 1) briefly 2) heavily 3) suitably 4) firmly
143. If she is asleep, don't disturb her. "Disturb" means -----.
 1) control 2) bother 3) lower 4) ignore
144. It is important to ----- the road when you are driving.
 1) mention 2) protect 3) react with 4) concentrate on
145. We want to ----- the latest technology into schools.
 1) publish 2) emphasize 3) introduce 4) improve
146. The man is being ----- the police station for further questioning.
 1) held at 2) tired of 3) used for 4) influenced by
147. We met on several ----- to discuss the matter.
 1) purposes 2) occasions 3) permissions 4) expressions
148. I could hear him ----- his fingers on the desk.
 1) leaning 2) crossing 3) lowering 4) tapping
149. They greatly ----- the fact that healthy eating is important.
 1) distracted 2) encouraged 3) emphasized 4) attracted
150. The ----- of prizes began right after the speeches.
 1) information 2) presentation 3) explanation 4) observation
151. He ----- me about the danger of walking home alone at night.
 1) wondered 2) warned 3) distracted 4) disturbed
152. She always moves into the same ----- for the cameras.
 1) posture 2) formation 3) capacity 4) scene
153. I felt ----- that I would pass my driving test.
 1) confident 2) useful 3) involved 4) public
154. Our ----- with this company started in 1998.
 1) entertainment 2) economy 3) involvement 4) environment
155. She was greatly ----- in the play and cried in the final act.
 1) developed 2) involved 3) expressed 4) contained
156. My cousin has a strong ----- likeness to his father.
 1) regular 2) facial 3) actual 4) particular
157. A limited area of land with grass or crops growing on it is called a -----.
 1) valley 2) field 3) region 4) forest
158. No one exactly knows what led to the ----- of dinosaurs.
 1) extinction 2) involvement 3) inaction 4) relationship
159. What you consider as ----- can be recycled to be used again.
 1) coal 2) item 3) trash 4) fuel

160. The new social behavior among young people is in part ----- by the recent changes in the ----- of family life.

- 1) raised - result 2) referred - concern 3) defined - material 4) caused - pattern

161. Weather means the ----- of the atmosphere at a certain place over a short period. It may be cold or hot, cloudy or sunny.

- 1) pollution 2) composition 3) occasion 4) condition

162. Some scientists think that using coal and oil, and ----- tropical forests, might lead to a change in the weather.

- 1) orbiting 2) trapping 3) burning 4) felling

163. Half the earth is lit by sunlight at a time, just as the moon and the other planets are. It ----- one-third of the sunlight that falls on it.

- 1) reflects 2) reduces 3) increases 4) releases

164. Public water supply must be protected against ----- very carefully.

- 1) climate 2) pollution 3) wildlife 4) pressure

165. A storm is a very, very strong wind. It may have a speed of about 120 kilometers an hour. It can cause heavy ----- to trees and houses.

- 1) variety 2) support 3) damage 4) transfer

166. He was ----- to hear that two of his active workers would leave the factory.

- 1) defined 2) enhanced 3) concerned 4) contained

167. Child labor is also a growing concern in Eastern Europe. "Concern" means -----.

- 1) aspect 2) habit 3) reason 4) worry

168. I think you should listen to the doctor's medical ----- if you want to get well quickly.

- 1) struggles 2) influences 3) intentions 4) instructions

169. Man will use ----- heating instead of coal and oil in future.

- 1) extra 2) solar 3) global 4) regular

170. You need to take all the necessary nutrients if you really want to ----- your health condition.

- 1) disturb 2) provide 3) enhance 4) perform

171. A comfortable working ----- will increase the products of the factory.

- 1) achievement 2) environment 3) experiment 4) entertainment

172. The school arranges social ----- for students on the weekends.

- 1) activities 2) respects 3) achievements 4) capacities

173. When we talk about the weather, we talk about the ----- that is, how cold or hot it is.

- 1) situation 2) degree 3) temperature 4) pollution

174. Formed from plants thousands of years ago, oil has been an important ----- of energy for the whole world.

- 1) income 2) column 3) source 4) skill

175. After any large earthquake, most people look -----.

- 1) shocked 2) destructive 3) extreme 4) complex

176. There was something ----- on the surface of the water.

- 1) leaning 2) locating 3) including 4) floating

177. The houses along the shore have been built into the -----.

- 1) societies 2) holes 3) rocks 4) shocks

178. We are ----- against the presence of America in that country.
 1) **strongly** 2) **proudly** 3) **flexibly** 4) **smoothly**
179. I'm afraid there is no mechanism for dealing with your complaint. 'Mechanism' means -----.
 1) **purpose** 2) **method** 3) **function** 4) **occasion**
180. There are about 18 big earthquakes every year but it is hard to ----- where or when an earthquake will occur.
 1) **protect** 2) **provide** 3) **produce** 4) **predict**
181. Rainwater is never pure water. It always ----- tiny dust or salt from the sea.
 1) **locates** 2) **consists** 3) **causes** 4) **contains**
182. An organization that works to prevent fires and stop them burning is called a fire -----.
 1) **department** 2) **committee** 3) **community** 4) **instrument**
183. They are concerned about the ----- effects that bad films have on children.
 1) **available** 2) **electrical** 3) **populated** 4) **destructive**
184. Scientists are now able to ----- the global weather in the future.
 1) **float** 2) **forecast** 3) **emphasize** 4) **experience**
185. You should always call the police in a(n) -----.
 1) **emergency** 2) **experience** 3) **vacation** 4) **instruction**
186. These plants cannot ----- in very cold conditions.
 1) **locate** 2) **survive** 3) **protect** 4) **include**
187. ----- Bob didn't break any of his bones.
 1) **Confidently** 2) **Primarily** 3) **Basically** 4) **Luckily**
188. It was the first time I'd ever ----- failure. What about you?
 1) **performed** 2) **estimated** 3) **experienced** 4) **enhanced**
188. The road was closed for two hours after the accident, but the vehicles are now moving ----- again.
 1) **directly** 2) **efficiently** 3) **smoothly** 4) **commonly**
189. The restaurant is ----- for its friendly atmosphere and excellent service.
 1) **well-known** 2) **balanced** 3) **appropriate** 4) **interesting**
190. A piece of furniture with shelves used for storing or showing decorative things is called a -----.
 1) **bulb** 2) **column** 3) **cabinet** 4) **laboratory**
191. A way of doing something, especially the usual way, is a -----.
 1) **posture** 2) **procedure** 3) **gesture** 4) **prediction**
192. The open windows were ----- all night because of the wind.
 1) **rattling** 2) **floating** 3) **damaging** 4) **reacting**
193. A microscope is an ----- used for viewing objects too small to be seen easily with real eyes.
 1) **experience** 2) **instrument** 3) **organization** 4) **operation**
194. A particular area or a part in a country or in the world is called a -----.
 1) **pole** 2) **region** 3) **site** 4) **plain**
195. I believe ----- life is usually more peaceful than city life.
 1) **global** 2) **available** 3) **formal** 4) **rural**
196. She says that living in an urban area or a rural one does not ----- a difference to her.
 1) **do** 2) **bring** 3) **make** 4) **have**

197. Weather affects our lives in several ways. It affects our food and drinks. It affects ----- industry, transport and communication as well.

- 1) achievement 2) category 3) ceramics 4) agriculture

198. Philosophers of the past ----- the moon with birth, growth, and death.

- 1) defined 2) expressed 3) supported 4) related

199. The teachers' main task is to create conditions that will ----- learning.

- 1) estimate 2) encourage 3) experience 4) exercise

200. Recent medical research shows that many diseases can be ----- by healthy diets.

- 1) prevented 2) survived 3) suggested 4) protected

201. This isn't the ----- time to discuss such an important matter.

- 1) appropriate 2) probable 3) successful 4) responsible

202. Some factories hire children to work to pay them less. "Hire" means -----.

- 1) enter 2) employ 3) design 4) describe

203. You should tell the children not to ----- dangerous materials.

- 1) promote 2) create 3) support 4) handle

204. The bridge is a strange work of engineering and -----.

- 1) instruction 2) competition 3) construction 4) organization

205. The only way we are going to compete with the West is to ----- our country.

- 1) industrialize 2) emphasize 3) summarize 4) exemplify

206. People should be ----- to use their abilities to the maximum.

- 1) encouraged 2) promised 3) survived 4) established

207. A group of people having the same religion, job, etc. are a -----.

- 1) category 2) community 3) government 4) missionary

208. His great ----- in the film won him an Oscar. '

- 1) experiment 2) importance 3) missionary 4) performance

209. The government should act quickly to help people in -----.

- 1) poverty 2) struggle 3) extinction 4) region

210. The book was written in a way appropriate to the age of the children. "Appropriate" means -----.

- 1) Inefficient 2) serious 3) suitable 4) successful

211. He first worked as an ----- to his father before he started his own business.

- 1) emotion 2) aspect 3) apprentice 4) agriculture

212. The speaker didn't answer the question I asked because he said it was ----- to what he was talking about.

- 1) talkative 2) irrelevant 3) specific 4) individual

213. You have to learn how to ----- the problems in this business.

- 1) instruct 2) handle 3) contain 4) include

214. The number of people ----- in construction industry has been decreased.

- 1) employed 2) performed 3) prepared 4) informed

215. The engineers ----- that it would take more than a year to finish building the factory.

- 1) observed 2) experimented 3) supported 4) estimated

216. As a father, he is concerned about violence but does not want to ----- the opportunity of viewing the news from his children.
 1) **reduce** 2) **distract** 3) **damage** 4) **remove**
217. A ----- number of students are becoming engineers these days.
 1) **developing** 2) **growing** 3) **flexible** 4) **social**
218. Someone had ----- the radio from my car but done no other damage.
 1) **removed** 2) **invented** 3) **located** 4) **lifted**
219. Freedom of speech is one of the basic human's -----.
 1) **rights** 2) **effects** 3) **averages** 4) **results**
220. As he had no practical skill, he had to work as a/an ----- for six months to get the job.
 1) **apprentice** 2) **employee** 3) **viewer** 4) **manager**
221. Japan doesn't have much land suitable for ----- so it depends on other countries for food
 1) **development** 2) **agriculture** 3) **strategy** 4) **movement**
222. The pressure of ----- forces many young children in poor families to leave school and work.
 1) **union** 2) **labor** 3) **society** 4) **poverty**
223. The amount of something in a unit, volume, area, or length is called -----.
 1) **structure** 2) **quality** 3) **density** 4) **pattern**
224. Taking coal, gold, etc. from a large hole or tunnel in the ground is called -----.
 1) **stretching** 2) **mining** 3) **recycling** 4) **manufacturing**
225. We all know that Mrs. Smith is a good manager and runs her business very -----.
 1) **previously** 2) **efficiently** 3) **straightly** 4) **artificially**
226. An object that is sent into space to travel around the Earth in order to receive and send information is called a(n) -----.
 1) **train** 2) **ship** 3) **helicopter** 4) **satellite**
227. The fact that I am as old as you do not make any -----.
 1) **pattern** 2) **content** 3) **average** 4) **difference**
228. The area has a high population ----- . Therefore, there will be a heavy traffic over there.
 1) **income** 2) **density** 3) **function** 4) **issue**
229. France plans to ----- a satellite to measure the temperature of the Earth's upper atmosphere.
 1) **recycle** 2) **enter** 3) **launch** 4) **explore**
230. There will be a meeting on the ----- of a new kind of airplane very soon.
 1) **invitation** 2) **permission** 3) **projection** 4) **extinction**
231. When raw materials or foods are ----- they are changed in a suitable manner for a particular purpose.
 1) **transferred** 2) **processed** 3) **managed** 4) **stored**
232. The moon is the natural ----- of the earth.
 1) **satellite** 2) **surface** 3) **semicolon** 4) **summary**
233. The products of this company contain no ----- materials.
 1) **physical** 2) **mental** 3) **central** 4) **artificial**
234. The latest model has an important new feature. "Feature" is closest in meaning to -----.
 1) **poverty** 2) **quality** 3) **density** 4) **possibility**

235. Do you know that the earth takes a year to ----- the sun.
 1) **define** 2) **indicate** 3) **record** 4) **orbit**
236. He began by making a few general ----- about the moon and the stars.
 1) **assignments** 2) **movements** 3) **observations** 4) **competitions**
237. Someone whose job is to decide how to make things and how they will work is called a/an -----.
 1) **designer** 2) **pioneer** 3) **teacher** 4) **writer**
238. The blood ----- were sent to the laboratory for analysis.
 1) **vessels** 2) **injuries** 3) **samples** 4) **aspects**
239. An area of low land between hills or mountains is called a -----.
 1) **valley** 2) **river** 3) **channel** 4) **mountain**
240. Some people think it's wrong to spend money on ----- space.
 1) **realizing** 2) **exploring** 3) **surviving** 4) **emphasizing**
241. An ----- is a person who travels in a spaceship into the space.
 1) **electrician** 2) **apprentice** 3) **astronaut** 4) **observer**
242. Our ability to think and find answers to problems is one of man's important -----.
 1) **features** 2) **imaginations** 3) **processes** 4) **explorations**
243. Child labor was ----- defined as the employment of young children in factories.
 1) **suddenly** 2) **smoothly** 3) **firmly** 4) **formerly**
244. Some people believed that much of modern human depression was due to urban ----- and loss of contact with nature.
 1) **extinction** 2) **construction** 3) **environments** 4) **predictions**
245. We are living in the ----- of the computer.
 1) **pace** 2) **era** 3) **plain** 4) **space**
246. We are ----- with a new chemical in the laboratory at present
 1) **exploring** 2) **emphasizing** 3) **experimenting** 4) **experiencing**
247. Today, scientists use different satellites and space probes to get more ----- about the Earth and solar system.
 1) **predictions** 2) **instructions** 3) **information** 4) **organization**
248. We will ----- new computers for all the school over the next year.
 1) **follow** 2) **improve** 3) **provide** 4) **perform**
249. Doctors are ----- to report certain serious diseases.
 1) **required** 2) **referred** 3) **removed** 4) **released**
250. There used to be a closer ----- between arts and sciences than there is today.
 1) **imagination** 2) **impression** 3) **exploration** 4) **connection**
251. So far, we haven't been able to find much about this metal but we are ----- on it.
 1) **remembering** 2) **researching** 3) **recognizing** 4) **releasing**
252. Do you think I'm ----- in the group for going to the journey.
 1) **invented** 2) **managed** 3) **realized** 4) **included**
253. The new rail services will form a ----- connecting the capital and major cities.
 1) **process** 2) **network** 3) **trade** 4) **material**

254. There are thinly ----- areas in our country.
 1) ranked 2) magnified 3) populated 4) reflected
255. I was sick and had to stay home for two weeks. Now I think it is hard to ----- up with the class.
 1) give 2) pass 3) keep 4) take
256. The man told me that the two computer programs were ----- and that they could be used -----.
 1) necessary - firmly 2) fashionable - immediately
 3) out of date - efficiently 4) similar – interchangeably
257. E-mail is an efficient form of communication that many businesses -----.
 1) try on 2) get on 3) rely on 4) log on
258. You can meet more people and make more friends on the Internet because it puts you in ----- with the whole world.
 1) file 2) chat 3) touch 4) access
259. I attached a photo to my application form. "Attach" means -----.
 1) fix 2) fit 3) fill 4) force
260. There are plans to ----- in newspapers the jobs more widely.
 1) observe 2) emphasize 3) involve 4) advertise
261. What we have in this factory is a new generation of advanced -----.
 1) happening 2) imagination 3) mechanism 4) technology
262. The information about countries will need ----- from time to time.
 1) updating 2) stretching 3) developing 4) predicting
263. The place to which a person is going or to which a thing is being sent or taken is called -----.
 1) expectation 2) situation 3) destination 4) presentation
264. Jim is not experienced enough to work six hours a day continuously. "Continuously" means -----.
 1) appropriately 2) constantly 3) definitely 4) previously
265. Unfortunately, there is little real ----- between Ted and his daughter.
 1) comparison 2) culture 3) transfer 4) communication
266. The ----- between parents and school has improved a lot.
 1) link 2) issue 3) usefulness 4) emotion
267. We have to ----- all the money we have collected to their bank in London.
 1) stretch 2) attach 3) involve 4) transfer
268. The map gives you the ----- between the major cities.
 1) varieties 2) projections 3) functions 4) distances
269. The only means of ----- to the station is through a dark subway.
 1) access 2) vehicle 3) probe 4) vessel
270. I really felt ----- of the very impolite behavior that my friend had at the party.
 1) confused 2) depressed 3) worried 4) ashamed
271. We can't say with ----- that there is life on other planets.
 1) variety 2) summary 3) certainty 4) emergency
272. Information Technology plays an important role in today's ----- among people all over the world.
 1) civilizations 2) invitations 3) destinations 4) communications

273. As I found the mail very interesting, I ----- it to my friends.
 1) followed 2) connected 3) commented 4) forwarded
274. The purpose of computer is to ----- problem solving and save time, money, and energy.
 1) come out 2) speed up 3) log on 4) keep off
275. It takes a long time to ----- a foreign language.
 1) restate 2) forward 3) speculate 4) master
276. He is very ----- involved in the formation of local libraries.
 1) mainly 2) actively 3) previously 4) interchangeably
277. People form their first ----- of one another in the first few seconds after they come into contact.
 1) impressions 2) expressions 3) aspects 4) postures
278. He ----- most of his time to his paintings.
 1) devoted 2) arranged 3) handled 4) passed
279. It is often said that rich people give less money to -----.
 1) audience 2) emergency 3) charity 4) labor
280. A forest, if not blindly destroyed, is a source of many ----- things wood being the chief among them.
 1) irrelevant 2) implicit 3) valuable 4) voluntary
281. My father will certainly be ----- unless you accept his invitation.
 1) attended 2) annoyed 3) prevented 4) attracted
282. All the teachers work on a/an ----- basis in this area; they receive no money.
 1) probable 2) emotional 3) reasonable 4) voluntary
283. Our country is still ----- the effects of the war which ended in 1367.
 1) exploring 2) transferring 3) suffering 4) embarrassing
284. He did ----- work for the Catholic church in Alaska for 10 years.
 1) extreme 2) distant 3) brief 4) missionary
285. Over half of the people in this town live in slums. "Slums" means -----.
 1) greenhouses 2) poor areas 3) small houses 4) narrow streets
286. He ----- from home at the age of thirteen.
 1) gave up 2) took away 3) ran away 4) turned down
287. In some countries trade is very good, whereas in others it is not good. "Trade" is a kind of -----
 1) partner 2) mission 3) financial activity 4) artificial charity
288. To tell someone that you will definitely do or provide sth or that sth will happen is -----.
 1) promise 2) introduce 3) express 4) narrate
289. They discussed the ----- of building their apartments so near the airport.
 1) pressure 2) capacity 3) aspect 4) advisability
290. He has invited all of us to dinner tonight because of his recent ----- at work.
 1) promotion 2) result 3) posture 4) conclusion
291. The profession of ----- and reporting the news is called journalism.
 1) magnifying 2) manufacturing 3) locating 4) collecting

292. The most negative effect of TV might be people's ----- to it.

- 1) relationship 2) confidence 3) addiction 4) projection

293. To know who someone is or what sth is, because you have seen, heard, experienced, or learned about them in the past is -----.

- 1) predict 2) introduce 3) recognize 4) inform

294. Feeling that sth is as good as it should be, or that sth happens in the way that you want is -----.

- 1) satisfied 2) surprised 3) natural 4) lucky

295. A piece of thick cloth or wool that covers floor, used for warmth or as a decoration is -----.

- 1) rug 2) wood 3) tile 4) metal

296. Two people talking together to reach an agreement can easily ----- their goal if they are a bit flexible.

- 1) achieve 2) catch 3) gain 4) get

297. She teaches the students to have respect for different races and appreciate the ----- of other cultures.

- 1) strategy 2) souvenir 3) diversity 4) continent

298. The ----- member of the national team was taken to police station in the London area and questioned by detectives.

- 1) traditional 2) former 3) unique 4) general

299. Let us pray for those who are not so ----- as ourselves such as the sick, the old and the needy.

- 1) creative 2) experienced 3) common 4) fortunate

300. Many important ----- documents were destroyed when the library was bombed in the recent terrorist attack.

- 1) amazing 2) appropriate 3) historical 4) brilliant

یادداشت:

پاسخنامه تست‌های واژگان کنکورهای سراسری

Vocabulary Tests

Page: 217 – 232

1	C	31	B	61	B	91	C	121	A	151	B	181	D	211	C	241	C	271	C
2	B	32	D	62	A	92	C	122	C	152	A	182	A	212	B	242	A	272	D
3	A	33	D	63	A	93	B	123	D	153	A	183	D	213	B	243	D	273	D
4	D	34	C	64	A	94	A	124	C	154	C	184	B	214	A	244	C	274	B
5	B	35	C	65	A	95	D	125	B	155	B	185	A	215	D	245	B	275	D
6	B	36	A	66	A	96	B	126	B	156	B	186	B	216	A	246	C	276	B
7	A	37	D	67	D	97	B	127	D	157	B	187	D	217	B	247	C	277	A
8	C	38	C	68	C	98	A	128	A	158	A	188	C	218	D	248	C	278	A
9	D	39	B	69	D	99	D	129	D	159	C	189	A	219	A	249	B	279	C
10	A	40	C	70	A	100	A	130	D	160	D	190	C	220	A	250	D	280	C
11	C	41	A	71	D	101	A	131	C	161	D	191	B	221	B	251	B	281	B
12	D	42	D	72	D	102	B	132	B	162	C	192	A	222	D	252	D	282	D
13	B	43	B	73	A	103	B	133	A	163	A	193	B	223	C	253	B	283	C
14	A	44	D	74	C	104	B	134	A	164	B	194	B	224	B	254	C	284	B
15	D	45	B	75	C	105	C	135	C	165	C	195	D	225	B	255	C	285	B
16	B	46	C	76	C	106	B	136	B	166	C	196	C	226	D	256	D	286	C
17	C	47	B	77	C	107	B	137	D	167	D	197	D	227	D	257	A	287	C
18	A	48	D	78	A	108	D	138	C	168	D	198	A	228	B	258	C	288	A
19	D	49	A	79	B	109	D	139	A	169	B	199	B	229	C	259	B	289	D
20	D	50	A	80	C	110	C	140	B	170	C	200	A	230	C	260	D	290	A
21	A	51	A	81	C	111	A	141	A	171	B	201	A	231	B	261	D	291	D
22	C	52	C	82	A	112	A	142	D	172	A	202	B	232	A	262	A	292	C
23	B	53	D	83	A	113	B	143	B	173	C	203	D	233	D	263	C	293	C
24	D	54	C	84	A	114	C	144	D	174	C	204	C	234	B	264	B	294	A
25	B	55	A	85	A	115	C	145	C	175	A	205	A	235	D	265	D	295	A
26	B	56	A	86	B	116	B	146	A	176	D	206	A	236	C	266	A	296	A
27	A	57	C	87	C	117	A	147	B	177	C	207	B	237	A	267	D	297	C
28	D	58	C	88	D	118	B	148	D	178	A	208	D	238	C	268	D	298	B
29	A	59	A	89	A	119	A	149	C	179	B	209	A	239	A	269	A	299	D
30	C	60	A	90	D	120	D	150	B	180	D	210	C	240	B	270	D	300	C

“*Collocations*”

کلمات هم‌نشین

کلمات هم نشین (هم آبی) "Collocations"

هم آبی به گروه کلمات دو یا بیشتر اشاره دارد که اغلب همراه هم می آیند. مهمترین هم آوایی های کتابهای درسی عبارتند از:

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
after a (little) while	پس از مدتی (کوتاه)
make a mistake	اشتباه کردن، مرتکب اشتباه شدن
not surprisingly	جای تعجب نیست
fast food	غذای سریع، غذای آماده
put in order	مرتب کردن - به ترتیب
fire station	ایستگاه آتشنشانی
study lesson	مطالعه درس
at the end	در پایان
bake a cake	پختن کیک
health condition	وضعیت سلامتی
be regarded as	به عنوان... در نظر گرفتن
police station	ایستگاه پلیس
be rich in sth	غنی بودن / سرشار بودن از
board the plane	سوار هواپیما شدن
geographical position	حالت یا شرایط جغرافیایی
geographical location	موقعیت جغرافیایی
between sth and sth else	بین یک چیز و چیز دیگر
do experiment	آزمایش انجام دادن
blood pressure	فشار خون
tell a story	داستان گفتن
brain function (not mind function)	عملکرد مغز
burst into tears	به گریه افتادن
by accident	به طور تصادفی
by heart	از حفظ
text a massage	پیام فرستادن
by the way	بگذریم، به هر حال
heart attack	حمله قلبی
catch a flu	آنفلوآنزا گرفتن
grow old	بزرگ شدن
comfortable shoe	کفش راحت
get ready	آماده شدن
compound sentence	جمله ی مرکب

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
experiment on	آزمایش انجام دادن بر روی
family members	اعضای خانواده
get depressed	افسرده شدن
smart phone (not clever phone)	تلفن هوشمند
solution to	راه حل برای
strong wind (not heavy wind)	باد شدید
regard to	در رابطه با
ask kindly	با خوش رویی پرسیدن
be angry with	عصبانی بودن از
registration form	فرم ثبت نام
make a noise	سر و صدا کردن
recreational activities	فعالیت های تفریحی
break the window	پنجره را شکستن
pay attention to	توجه کردن به ...
hold a game	برگزار کردن بازی
the key to success	کلید موفقیت
pack for a trip	جمع کردن وسایل برای سفر
take temperature	درجه حرارت (تب) را گرفتن
develop a product	توسعه دادن یک محصول
sore throat	گلو درد
take photos	عکس گرفتن
narrate a story	داستان روایت کردن
mother tongue	زبان مادری
heavy rain	شدید
heavy snow	برف سنگین
public transportation	وسایل حمل و نقل عمومی
do homework	تکلیف انجام دادن
spare no pain	مضایقه نکردن
balanced diet	رژیم متعادل
do exercise (not to make exercise)	ورزش کردن
exchange money	تبدیل پول
feel angry	احساس عصبانیت کردن، عصبانی شدن
national anthem	سرود ملی
take turn	به نوبت
gift shop	مغازه کادو فروشی

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
desert touring	تور صحرائی
hard of hearing	مشکل شنوایی داشتن، گوش کسی سنگین بودن
read a newspaper	روزنامه خواندن
light a lamp	لامپ روشن کردن
make a dialogue	گفتگو کردن
sit on the sofa	روی مبل نشستن
feel well	احساس سلامتی کردن
pay toll	پرداخت عوارض
living languages	زبان زنده
make a voyage	سفر طولانی
travel around the world	دور دنیا سفر کردن
lose weight	کاهش وزن
gain weight	افزایش وزن
have access to	دست یافتن به
fix the car	ماشین را تعمیر کردن
sore eyes	چشم درد
follow a rule	قانونی را دنبال کردن، از قواعد پیروی کردن
by means of	با استفاده از، به وسیله
produce a movie	تولید فیلم
nervous system	سیستم عصبی
find a solution	راه حل یافتن
attend a program	در برنامه شرکت کردن
sign language	زبان اشاره
foreign language	زبان خارجی
technology addict	معتاد فن آوری
running nose	آبریزش بینی
pump blood	پمپاژ خون
meet the needs	نیازها را بر آورده کردن
express train	قطار سریع السیر
put emphasis on sth	تأکید کردن بر روی چیزی
flat tire	لاستیک پنچر
have lunch/ dinner / breakfast	نهار / شام / صبحانه خوردن
make a suggestion	پیشنهاد دادن
military parade	رژه نظامی
go abroad	خارج از کشور رفتن

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
follow the steps	مراحل را طی کردن, گام ها را دنبال کردن
body organ	اندام بدن
native language	زبان مادری / محلی
contrastive stress	استرس مقایسه ای
forgive sb for sth	کسی را بابت چیزی بخشیدن
distinguished professor	پروفسور برجسته
during the experiment	در طی آزمایش
after a (little) while	پس از مدتی (کوتاه)
make a mistake	اشتباه کردن, مرتکب اشتباه شدن
feel happy	احساس شادی کردن
at the turn of the year	هنگام تحویل سال
baggage reclaim	ترخیص چمدان
health advise	مشاوره سلامتی
travel agency	آژانس مسافرتی
make movies	ساختن فیلم
in a hurry	در عجله بودن
at the same time	به طور همزمان
in the middle of	در وسطه, در میانه ی
the opposite of	متضاد
on the way (home, school, ...)	در مسیر (خانه, مدرسه, ...)
in a line	در صف
at once	فوراً
at least	حداقل
at first	در ابتدا
at last	سرانجام
in prison	در زندان

یادداشت:

'Prefixes & Suffixes'

پیشوند ها و پسوند ها

پیشوند ها و پسوند ها در انگلیسی:

اسم ها، فعل ها، صفت ها، و قیدها همگی اغلب مستعد استفاده از پیشوندها و پسوندهای مختلف هستند، بنابراین آشنایی با آنها یادگیری کلمات را آسان تر می نماید.

۱- پیشوند ها در انگلیسی (Prefixes):

پیشوند (prefix) به یک حرف یا گروهی از حروف گفته می شود که به "ابتدای کلمه" کامل و معنی دار میچسبد و "معنی کلمه را تغییر داده" و از آن کلمه جدید دیگری میسازد.

در جدول زیر، مهم ترین و رایج ترین پیشوندهای انگلیسی آمده اند:

پیشوند	معنی	مثال		
anti-	مخالف، ضد	antibody	anti-cancer	antibiotic
co-	با، با هم	co-worker	co-pilot	co-operation
dis-	مخالفت، نفی کردن	disagree	disappear	disapprove
ex-	قبلی، قدیمی	ex-president	ex-wife	ex-husband
fore-	قبل، پیش	forecast	foresee	foreword
im-, in-	منفی کردن	impossible	incorrect	impolite
il, ir	منفی کردن	illegal	irresponsible	irritable
im-, in-	داخل	income	inside	insert
inter, intra	بین، میان	intranet	internet	interact
macro-	بزرگ	macrography	macromolecule	macroeconomics
micro-	کوچک	microfilm	microscope	micro battery
mid-	وسط، میان	midsummer	midway	midfielder
mis-	اشتباه، نقص	mislead	mistake	misinterpret
mono-	یک، تک، پیوسته	monotone	monolingual	monoacid
non-	بدون، غیر	nonsense	nonentity	noncount
post-	بعد از، زمان دیگر	post-mortem	postpone	post flight
pre-	پیش از، قبل از	preuniversity	pre-intermediate	prefix
re-	دوباره، مجددا	return	rediscover	reunite
semi-	نصف، نیمه	semicircle	semiconscious	semi-final
sub-	زیر، پایین	submarine	sub-category	subtitle
super-	روی، فوق، بالای	superfood	superstar	supernatural
trans-	در سرتاسر، ماورای..	transport	transnational	transact
tri-	سه تا (معرف عدد ۳)	triangle	tripod	tricycle
un-	نفی کردن	unfinished	unfriendly	unknown
uni-	تک، واحد	unicycle	universal	unanimous

۲- پسوند ها در انگلیسی (Suffixes)

پسوند یک حرف یا گروهی از حروف است که معمولاً به "انتهای کلمه" میچسبد تا یک کلمه جدید را شکل دهی و ایجاد نماید و "عملکرد کلمه را از نظر گرامری تغییر میدهد". حال بسته به اینکه کلمه مزبور اسم، فعل، صفت و یا یک قید باشد، پسوند متفاوتی مورد نیاز خواهد بود.

به عنوان مثال کلمه read به عنوان یک فعل، به معنی "خواندن" را در نظر بگیرید. حال این کلمه با اضافه کردن پسوند er به انتهای آن به صورت reader، تبدیل به یک اسم و به معنی "خواننده کتاب یا متون" و همچنین با اضافه کرده پسوند able به انتهای آن به صورت readable تبدیل به یک صفت و به معنی "خواندنی یا قابل خواندن" می گردد.

مهم است که تعریف پسوندها را همانند پیشندها به خوبی درک نماییم، چون به ما کمک می کنند تا معنی کلمات جدیدی را که می آموزیم، از طریق آنها حدس زده و استنباط نماییم. در جداول زیر، مهم ترین و رایج ترین پسوندهای اسم ساز، فعل ساز، صفت ساز و قید ساز معرفی شده اند:

جدول رایج ترین پسوندهای اسم ساز - Noun Suffixes

پسوند	معنی	مثال
-acy	وضعیت یا کیفیت	democracy, accuracy
-al	...عمل یا فرآیند	denial, trial, criminal
-ance, -ence	...وضعیت یا کیفیت	guidance, existence, importance
-dom	مکان یا وضعیت بودن	freedom, kingdom, boredom
-er, -or	شخصی که کار را انجام می دهد	reader, teacher, inventor, creator
-ics	مربوط به	economics
-ism	عقیده، اصول	capitalism, humanism
-ist	شخصی که کار را انجام می دهد	geologist, scientist, theorist, biologist
-ity, -ty	کیفیت...	extremity, validity, university
-ment	شرایط	enhancement, excitement, argument
-ness	وضعیت بودن	heaviness, highness, sickness
-ship	دارنده موقعیت	friendship, hardship
-tion, -sion	وضعیت بودن	information, promotion, television

جدول رایج ترین پسوندهای فعل ساز - Verb Suffixes

پسوند	معنی	مثال
-ate	شدن، درخور بودن	communicate, educate, create
-en	شدن، درخور بودن	sharpen, strengthen, loosen
-ify, -fy	شدن یا باعث شدن	justify, simplify, magnify, satisfy
-ise -ize ,	شدن، درخور بودن	publicize, socialize, generalize

جدول رایج ترین پسوند قید ساز-Adverb Suffix

پسوند	معنی	مثال
slowly – rudely – politely	طریقه – شیوه ، حالت	-ly

جدول رایج ترین پسوندهای صفت ساز-Adjective Suffixes

پسوند	معنی	مثال
-able, -ible	توانایی و مستعد بودن چیزی	comfortable, readable, audible
-al	مربوط به	national – natural
-ful	جالب توجه و مهم برای...	handful, playful, hopeful, skillful
-ic, -ical	داشتن فرم یا ماهیت...	psychological, methodical, musical
-ous, -ious	توصیف شده توسط...	jealous, famous, religious, nervous
-ish	داشتن کیفیت...	squeamish, sheepish, childish
-ive	داشتن ماهیت...	inquisitive, informative, attentive
-less	بدون، فاقد	meaningless, hopeless, homeless
-y	توصیف شده توسط...	rainy, watery, windy, stormy
-ing	صفت مفعولی	amusing – confusing – boring
-ed	صفت فاعلی	tired – amused – bored
-ant	داشتن کیفیت...	pleasant – important

بنابراین همانطور که ملاحظه نمودید، پسوندها و پیشوندها (affixes) می توانند بصورت کاملاً خاص و موثر، تعریف های کلمات را تغییر دهند. دانستن پیشوندها و پسوندهای گوناگون همراه با معانی آنها واقعاً می تواند در ارتباط با اینکه چگونه کلمات استفاده می شوند و چگونه هجی می شوند، به شما کمک کند.

اگر چه این گروه از حروف (affixes) مهم هستند و به ما در شکل دهی کلمات یاری می رسانند، اما به خودی خود درست نبوده و نمی توانند به تنهایی در جمله بکار روند.

یادداشت:

“*Proverbs*”

”ضرب المثل ها“

ضرب المثل ها Proverbs

ضرب المثل عبارت، جمله، مصرع یا بیتی از شعری معروف است که نصیحت‌هایی آموزنده و مفید را در باره زندگی می‌دهد. ما در زندگی روزمره بارها با ضرب المثلها برخورد میکنیم. چه در منزل باشیم و چه در مدرسه یا سرکار و یا در خلال یک مکالمه با یک دوست، احتمال شنیدن یک ضرب المثل بالاست. ضرب المثل‌هایی که به صورت پر رنگتر نوشته شده‌اند در کتاب درسی آمده و بقیه مخصوص دانش آموزان علاقمند و یا منحصرأ زبان میباشند:

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
A big head has a big ache.	هر که بامش بیش برفش بیشتر.
Accidents can happen.	حادثه خبر نمیکند.
A poor workman blames his tools.	عروس نمی‌توانست برقصد، می‌گفت زمین کج است.
A bird in the hand is worth two in the bush.	سرکه نقد، به از حلوی نسیه.
Absence makes the heart grow fonder.	دوری و دوستی.
A burnt child dreads the fire.	مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسه.
Actions speak louder than words.	دو صد گفته چون نیم کردار نیست.
A friend in need is a friend indeed.	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان‌حالی و درماندگی.
A good beginning makes a good ending.	خشت اول چون نهد معمار کج؛ تا ثریا می رود دیوار کج.
A jack of all trades is master of none.	همه‌کاره و هیچ‌کاره.
A lie has no legs.	دروغ که دست و پا ندارد.
A little knowledge is a dangerous thing.	نیم‌طیب خطر جان، نیم‌فقیه خطر ایمان.
A merry heart makes a long life.	دل‌شاد بودن، عمر انسان را طولانی می‌کند.
A miss by an inch is a miss by a mile.	آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب.
A penny saved is a penny earned.	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
A person is known by the company he keeps.	تو اول بگو با کیان دوستی؛ پس‌آنکه بگویم که تو کیستی.
A picture is worth a thousand words.	شنیدن کی بود مانند دیدن.
A sound mind in a sound body.	عقل سالم در بدن سالم است.
All cats love fish but hate to get their paws wet.	نابره رنج، گنج میسر نمی‌شود؛ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.
All flowers are not in one garland.	گل بی‌علت و بی‌عیب خداست.
All good things come to an end.	هرچیز خوبی به پایان می‌رسد.
All hat and no cattle.	همه من هستند، هیچ‌کس نیم‌من نیست.
All roads lead to Rome.	هرجا بری آسمون همین رنگه.
All's well that ends well.	شاهنامه آخرش خوش است.
All that glisters are not gold.	هر گردی گردو نیست.
All things come to he who waits.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
An eye for an eye and a tooth for a tooth.	چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان.
An ounce of prevention is worth a pound of cure.	پیشگیری بهتر از درمان است.
April showers bring May flowers.	رنج امروز، آسایش فردا.
Ask and you shall receive.	سؤال کن تا بیایی.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
Ask me no questions, I'll tell you no lies.	از من نپرس تا به تو دروغ نگویم.
Ask no questions and hear no lies.	نپرس تا دروغ نشنوی.
As you make your bed, so you must lie in it.	آش کشک خالته، بخوری پاته نخوری پاته.
As you sow, so shall you reap.	هرچه بکاری، همان بدروی.
You scratch my back and I'll scratch yours.	چیزی که عوض داره، گله نداره
A word to the wise is enough.	عاقلان را اشارتی کافیهست.
A word spoken is past recalling.	تیری که رها شد به چله باز نگرده.
Barking dogs seldom bite.	از آن نترس که های و هویی دارد، از آن بترس که سر به تویی دارد.
Beauty is in the eye of the beholder.	علف به دهن بزی باید شیرین بیاد.
Beggars can't be choosers.	دندان اسب پیش کشی را نمی شمروند.
Better be alone than in bad company.	دلا خو کن به تنهایی که از تنها بلا خیزد.
Better late than never.	دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.
Better safe than sorry.	چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی.
Birds of a feather flock together.	کبوتر با کبوتر، باز با باز.
Blood is thicker than water.	چراغی را که به خانه رواست، به مسجد حرام است.
Brain is better than brawn.	عقل، بهتر از زور بازو است.
Bread is the staff of life.	شکم از همه چیز مهم تره.
Business is business.	حساب حسابه کاکا برادر.
Clothes make the man.	آستین نو پلو بخور - احترام مرد به لباس است.
Clothes don't make the man.	نه همین لباس زیباست نشان آدمیت.
Cross the stream where it is the shallowest.	بی گذار به آب نزن.
Cry wolf.	چوپان دروغگو.
Curiosity killed the cat.	فضولی موقوف.
Cut your coat according to your cloth.	پا را به اندازه گلیم خود دراز کن.
Charity begins at home.	چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.
Delays are dangerous.	کار امروز را به فردا میفکن.
Do as you would be done by.	آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز می پسند.
Don't bite the hand that feeds you.	نمک خوردن و نمک دان شکستن.
Don't burn your bridges before they're crossed.	پل های پشت سرت را خراب نکن.
Don't change horses in midstream.	وسط دعوا، نرخ تعیین نکن.
Don't count your chickens before they're hatched.	جوجه را آخر پاییز می شمارند.
Don't cross a bridge until you come to it.	چو فردا رسد فکر فردا کنیم.
Don't cry over spilt milk	آب ریخته جمع شدنی نیست.
Don't look a gift horse in the mouth	دندون اسب پیشکشی رو نمیشمارند.
Don't make a mountain out of a molehill.	از کاه، کوه نساز.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
Don't put all your eggs in one basket.	همه‌ی دارایی‌ات را روی یک چیز سرمایه‌گذاری نکن.
Don't put the cart before the horse.	سرنا از ته نمی‌زنند.
Don't spit into the wind.	مثل تف سربالا می‌مونه.
Do or die.	انجام بده یا بمیر.
Eagles don't catch flies.	شاهین حشره شکار نمی‌کنه.
Early bird catches the worm.	سحرخیز باش تا کامروا باشی.
Easy come, easy go	باد آورده را باد می‌برد.
Eat to live, don't live to eat.	بخور تا زندگی کنی، زندگی نکن برای خوردن.
East or West, home is best.	هیچ جا خونه خود آدم نمیشه.
The person who has nothing to say, often speaks most.	طبل هرچه تو خالی‌تر صدایش بلندتر.
Every cloud has a silver lining.	در ناامیدی بسی امید است.
Every day is a new beginning.	روز از نو، روزی از نو.
Every disease will have its course.	هر علتی، معلولی داره.
Every man has a price.	هر کسی یه قیمتی داره.
Every rule has its exception.	حکمت خدا بی دلیل نیست.
Everything comes to him who waits.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
Every why has a wherefore.	هیچ دردی بی دلیل نیست - هر علتی، معلولی داره.
Friend in need is a friend indeed.	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
God helps those who help themselves.	از تو حرکت از خدا برکت.
Good fences make good neighbors.	مواظب مالت باش همسایه‌ات رو دزد نکن.
Good men are scarce.	آدم خوب کم پیدا میشه.
Half a loaf is better than none.	چراغ موشی به ز خاموشی - نصف نان بهتر از هیچی.
Haste makes waste.	عجله کار شیطان است.
Hawks will not pick out hawks' eyes.	چاقو دسته‌ی خود را نمی‌برد.
Health is better than wealth.	سلامتی بهتر از توانگری است.
He is a button short.	یه تخته اش کمه.
He that will steal an egg will steal an ox.	تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود.
He who hesitates is lost.	کسی که تردید می‌کند، می‌بازد.
His bark is worse than his bite.	واق کردنش بدتر از گاز گرفتنش است.
His bread is buttered in both sides.	نونش تو روغنه.
His fingers are all thumbs.	دست و پا چلفتی.
Home is where the heart is.	آنجا خوش است که دل آنجاست.
Home is where you hang your hat	خونه اونجاییه که کلاهت رو آویزان میکنی.
Horses for courses.	هر کسی را بهر کاری ساختن.
It's easy to be wise after the event.	معما چو حل گشت آسان شود.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
It's never too late to mend.	ماهی را هروقت از آب بگیری تازه است.
I would sooner die than lie.	مردن را به دروغ گفتن ترجیح میدهم.
Kill two birds with one stone.	با یک تیر دو نشان زدن.
Laughter is the best medicine.	خنده بر هر درد بی درمان دواست.
Liars ought to have good memories.	دروغگو کم حافظه است.
Like a duck in thunderstorm.	مثل خر در گل ماندن.
Like father like son.	پسر کو ندارد نشان از پدر.
Little by little and bit by bit.	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
Long absent, soon forgotten.	از دل برود هر آن که از دیده برفت.
Love is blind.	عشق کور است.
Make hay while the sun shines.	تا تنور گرم است باید نان را چسباند.
Make love not war.	تا توانی دلی به دست آور دل شکستن هنر نمی باشد.
Money does not grow on trees.	پول علف خرس نیست.
Money makes the world go around.	دنیا رو پول میچرخونه.
Necessity is the mother of all invention.	نیاز مادر اختراع است.
Never put off till tomorrow what you can do today.	کار امروز به فردا میفکن.
No gain, no pain.	نابرده رنج گنج میسر نمی شود.
No news is good news.	بی خبری خوش خبریست.
Once bitten, twice shy.	مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسه.
One swallow doesn't make summer.	با یه گل بهار نمیشه.
Out of sight, out of mind.	از دل برود هر آنکه از دیده رود.
Practice makes perfect.	کار نیکو کردن از پر کردن است.
Prevention is better than cure.	پیش گیری بهتر از درمان است.
Rome wasn't built in a day.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
Seek knowledge from the cradle to the grave.	ز گهواره تا گور دانش بجویی.
Smell fishy.	کاسه ای زیر نیم کاسه است.
Smile, and the world smiles with you. Cry, and you cry alone.	تا پول داری رفیقم، قربان [عاشق] بند کیفتم.
Still waters are the deepest.	درخت هر چه پر بارتر، سر به زیرتر.
Strike while the iron is hot.	تا تنور گرم است باید نان را چسباند.
Sweet nothing.	حرفهای صد من یه غاز.
Talk of the devil – and the devil appears.	مثل جن می ماند اسمش را می برند می آید.
Tells tales.	یک کلاغ چهل کلاغ کردن.
The better, the best.	هر چه بیشتر، بهتر.
The bigger they are, the harder they are.	هر که بامش بیش، برفش بیشتر.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
The cat dreams of mice.	شتر در خواب بیند پنبه دانه.
The miles of God grind slowly.	چوب خدا صدا نداره.
The pot calls the kettle black.	دیگ به دیگ میگه روت سیاه.
The sooner the better.	هرچه زودتر، بهتر.
There's no place like home.	هیچ جا خونه خود آدم نمیشه.
There's something in the wind.	کاسه ای زیر نیم کاسه است.
Third time lucky.	تا سه نشه، بازی نشه.
Think before you speak.	سخن را سنجیده بزن
Time is money.	وقت طلاست
This too, shall pass.	این نیز بگذرد
To carry coals to Newcastle.	زیره به کرمان بردن.
To dance with a person's tune.	با ساز کسی رقصیدن.
To each his own.	عیسی به دینش، موسی به دینش.
To fall from the frying pan into the fire.	از چاه درآمدن و تو چاله افتادن.
To get out of bed on the wrong side.	از دنده چپ برخاستن.
To go the stream.	هم رنگ جماعت شدن.
To have a finger in every pie.	نخود هر آش بودن.
Tomorrow is another day.	فردا هم روز خداست.
Too many cooks spoil the broth.	آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شه یا بی نمک.
To pour oil on the fire.	آتش بیار معرکه بودن.
Two heads are better than one.	یه دست صدا نداره.
Variety is the spice of life.	تنوع چاشنی زندگی است.
We all make mistakes.	انسان جایز الخطاست
When in Rome do as the Romans do.	خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش!
We are all in this together.	ما هممون دستمون توی یه کاسه است.
What goes around comes around.	هر چی بکاری همون رو درو میکنی.
What doesn't kill you, makes you stronger.	هر چی که نکشدد، قویترت میکنه.
When the cat's away, the mice will play.	موش که چشم گربه رو دور ببینه، دم در میاره.
Where one door shuts, another opens.	خدا گر ز حکمت ببندد دری گشاید ز رحمت در دیگری
If something is good for one person, it is good for everyone.	هر چه را برای خود میپسندی، برای دیگران هم بیسند.
Where there's a will, there's a way.	خواستن، توانستن است
While there's life, there's hope.	هر جا زندگی باشه، امید هم هست.
Who keeps company with the wolves, will learn to howl?	عاقبت گرگ زاده گرگ شود.
You pay your money, you take your choice.	هر چقدر پول بدی، همون اندازه آش میخوری.

افعال بی قاعده Irregular Verbs

افعال در زبان انگلیسی سه شکل دارند:

۱- شکل اول یا شکل ساده ۲- شکل دوم یا گذشته ۳- شکل سوم یا اسم مفعول

چنانچه فعلی از شکل اول، به شکلهای دیگر تبدیل شود، به آخر آن "ed" اضافه میکنیم. اما افعالی وجود دارند که از این قاعده پیروی نمیکند و به جای گرفتن "ed"، تغییر شکل میدهند که باید آنها را حفظ کنیم. لیستی کامل از افعال نامنظم رایج انگلیسی به همراه معنی فارسی آنها در زیر قرار داده شده است:

Persian Meanings	Infinitive شکل اول یا ساده	Simple Past شکل دوم یا گذشته	Past Participle شکل سوم
بیدار شدن، بیدار کردن	awake	awoke	awaken
بودن	be	was / were	been
شدن	become	became	become
شروع کردن	begin	began	begun
خم شدن، خم کردن	bend	bent	bent
شرط بستن	bet	bet	bet
پیشنهاد دادن	bid	bid	bid
خون ریزی کردن	bleed	bled	bled
وزیدن	blow	blew	blown
شکستن، خرد کردن	break	broke	broken
آوردن	bring	brought	brought
پخش کردن	broadcast	broadcast	broadcast
ساختن، بنا نهادن	build	built	built
سوختن، سوزاندن،	burn	burnt	burnt
خریدن	buy	bought	bought
گرفتن، دستگیر کردن	catch	caught	caught
انتخاب کردن	choose	chose	chosen
آمدن، رسیدن	come	came	come
قیمت داشتن	cost	cost	cost
بریدن، قطع کردن	cut	cut	cut
رفتار کردن، معامله کردن	deal	dealt	dealt
انجام دادن	do	did	done
کشیدن، رسم کردن	draw	drew	drawn
خواب دیدن	dream	dreamt	dreamt
آشامیدن	drink	drank	drunk
راندن، رانندگی کردن	drive	drove	driven

<i>Persian Meanings</i>	شکل اول یا ساده	شکل دوم یا گذشته	شکل سوم
خوردن	<i>eat</i>	ate	eaten
زمین خوردن، سقوط کردن	<i>fall</i>	fell	fallen
غذا دادن به	<i>feed</i>	fed	fed
احساس کردن، لمس کردن	<i>feel</i>	felt	felt
جنگیدن، جنگ کردن	<i>fight</i>	fought	fought
پیدا کردن	<i>find</i>	found	found
پرواز کردن	<i>fly</i>	flew	flown
فراموش کردن	<i>forget</i>	forgot	forgotten
بخشیدن	<i>forgive</i>	forgave	forgiven
منجمد کردن، مسدود کردن	<i>freeze</i>	froze	frozen
به دست آوردن، فهمیدن	<i>get</i>	got	gotten
دادن (به)، بخشیدن	<i>give</i>	gave	given
رفتن	<i>go</i>	went	gone
رشد کردن، بزرگ شدن	<i>grow</i>	grew	grown
آویزان کردن	<i>hang</i>	hung	hung
داشتن	<i>have</i>	had	had
شنیدن	<i>hear</i>	heard	heard
پنهان کردن، پنهان شدن	<i>hide</i>	hid	hidden
زدن، ضربه زدن	<i>hit</i>	hit	hit
نگه داشتن	<i>hold</i>	held	held
آسیب زدن (به)	<i>hurt</i>	hurt	hurt
نگه داشتن، حفظ کردن	<i>keep</i>	kept	kept
دانستن، شناختن	<i>know</i>	knew	known
رهبری کردن، هدایت کردن	<i>lead</i>	led	led
یاد گرفتن	<i>learn</i>	learnt	learnt
ترک کردن، محول کردن	<i>leave</i>	left	left
قرض دادن	<i>lend</i>	lent	lent
اجازه دادن	<i>let</i>	let	let
گم کردن، از دست دادن، باختن	<i>lose</i>	lost	lost
ساختن، درست کردن	<i>make</i>	made	made
معنی دادن، منظور داشتن	<i>mean</i>	meant	meant

<i>Persian Meanings</i>	شکل اول یا ساده	شکل دوم یا گذشته	شکل سوم
ملاقات کردن	<i>meet</i>	met	met
پرداخت کردن	<i>pay</i>	paid	paid
گذاشتن ، قرار دادن	<i>put</i>	put	put
خواندن	<i>read</i>	read	read
سوار شدن، راندن	<i>ride</i>	rode	ridden
زنگ زدن	<i>ring</i>	rang	rung
دویدن ، اداره کردن	<i>run</i>	ran	run
دیدن	<i>see</i>	saw	seen
جستجو کردن	<i>seek</i>	sought	sought
فروختن	<i>sell</i>	sold	sold
فرستادن ، ارسال کردن	<i>send</i>	sent	sent
تیراندازی کردن، کشتن،	<i>shoot</i>	shot	shot
نشان دادن ، ابراز کردن	<i>show</i>	showed	shown
بستن، بسته شدن	<i>shut</i>	shut	shut
(آواز) خواندن	<i>sing</i>	sang	sung
غرق شدن، فرو رفتن	<i>sink</i>	sank	sunk
نشستن	<i>sit</i>	sat	sat
گذراندن، خرج کردن	<i>spend</i>	spent	spent
ایستادن	<i>stand</i>	stood	stood
دزدیدن	<i>steal</i>	stole	stolen
شنا کردن	<i>swim</i>	swam	swum
تاب خوردن، نوسان داشتن	<i>swing</i>	swung	swung

پیشنهادهات و انتقادات:

09141800310

@Jamalahmadi1984